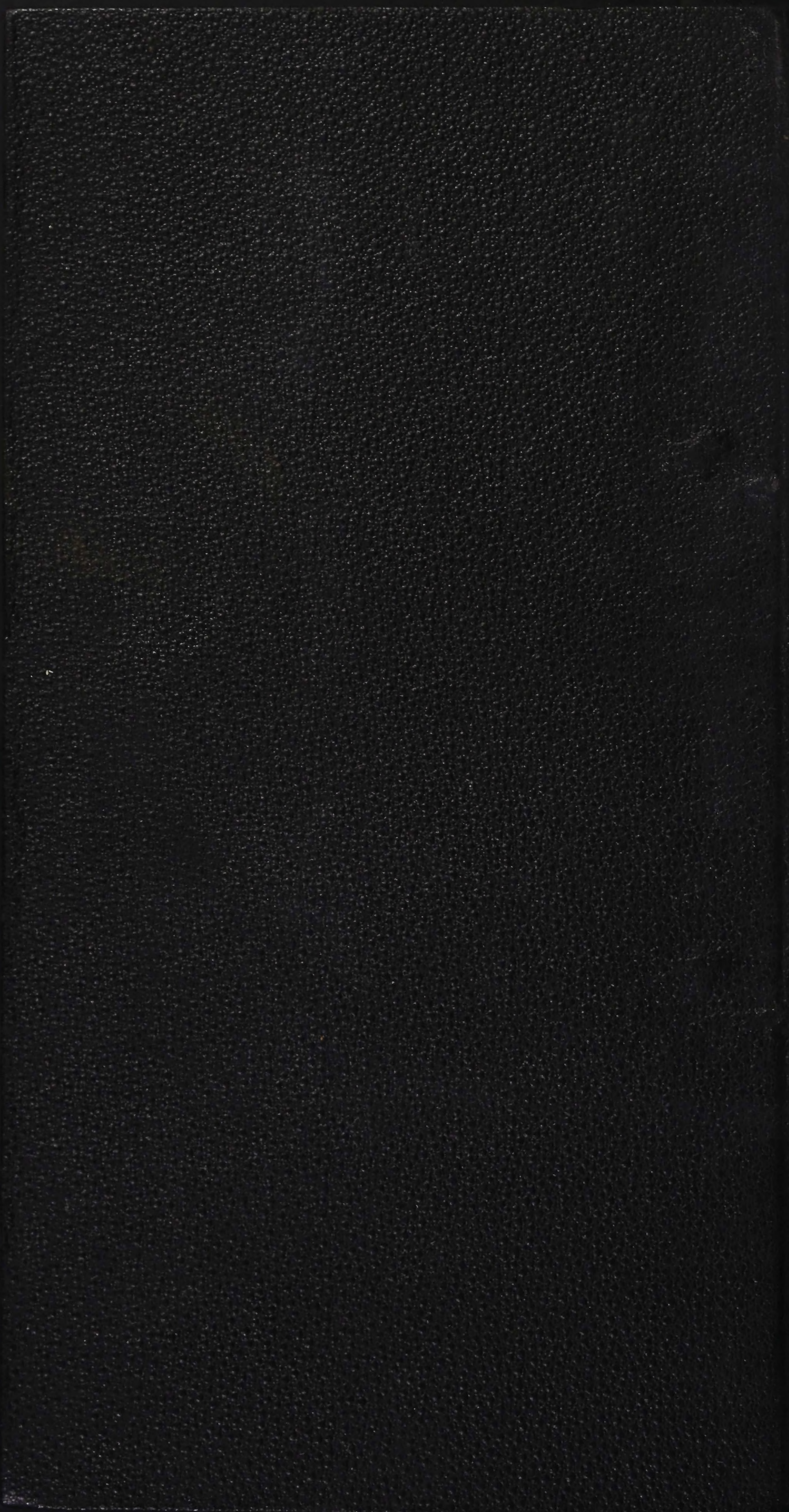


4126906

131

Magnūa (collection)

(Magic, cabbalistic, Inter-
pretation of dreams, etc.).

C

131

ouctum
22/11/27
W.L

یا فتاح

باب اول در بسم الله الرحمن الرحیم و یسر و تمم بالخیر

هر کس که این اسماء عظام را باعزاز و اعتبار باخود بدارد

و بمواظبت بخواند برکت آن حجاب و غرایب ضایع و

بدایع الهی مشاهده نماید و اسرار غیب بروی کشف گردد و

چنانکه بر مخلوقات پوشیده نماند و شرح خاصیتها و این نامها

اکثر من ان تعد و تحصی است و طالب این دعوات اجابت

ایات بسیار

آیات بسیار و فقیه متقی فخر الدین ابو المکارم علیه الرحمة مدتی

در بغداد مجاور بود و طلب این اسماء میکرد و شرح و خاصیت این

اسما چنان بعد از طلب بسیار و امداد انتظار این شرح و اسماء از

حضرت شیخ شهاب الدین یافت و بجانب فارس آورد و شرح

این بود و فقیه فخر الدین ابو المکارم نقل کرد تا هر کس از اهل

عجم از ان بهره در یابند و جمله خلق این اسماء ورد سازند شرح این علحده

گفته است تا کرا هر اسم را مخصوص شرح نموده تا خواننده فایده بسیار یابند

و قایل و کاتب و مولف را بدعای خیر یاد آورند که موجب اجابت

و تعظیم و تکریم نگاهدارد تا مراد دو جهانی حاصل گردد خاصیت اسم اول

آنست که چون نزدیک بادشاه رود هفده بار بخواند بر ابر

در دل آن بادشاه مهر و محبت او بی اختیار پیدا شود و هر کر

برگزیده باشد و بهمین سبیل پیش هر بزرگی بگذرد و اگر این اسم
بسیار بخواند دل وی چنان روشن شود که رازهای غیب کشف
گردد و کارهای مشکل بروی آسان گردد و شرک از دل ببرد و اگر
امیدی بکسی دارد بجهت دنیاوی روز یکشنبه که روز آفتاب است
بنیت آنمراد بست و چهار بار بخواند آن مراد بفضل الهی بیشک برآید
اگر مطلوب سرکش باشد غسل کند و جامه پاک در بر شود و صد
و بیست بار بر چیزی خوردنی خواند و بمانوس و بخوردن او
دهد در حال رام گردد و مطیع وی شود و باید که درست و بصدق
بخواند تا مراد حاصل شود اسم اعظم است سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ يَا رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثَهُ وَرَازِقَهُ وَرَاحِمَهُ سُبْحَانَكَ

خاصیت اسم دیگر است اگر کسی تنگدست باشد و در نظر خلق حقیر

والی اعتبار

ولی اعتبار باشد تا بست روز هر روز پانزده بار بخواند و

در نظر مردم عزیز شود و دست فراخ کرده و هر که او را ببیند دوست

وی گردد و بفرمان خدای عزوجل اسم دویم است یا اله الآلهة

الرفیع جلاله خاصیت اسم دویم آنست که روز جمعه وقت نماز ظهر دست

بکند و جامه پاک پوشد و مسجد جامع رود و بعد از نماز دولت

بار بخواند با خلاص دل اگر خواهد آفتاب برآورد و باد و برق

بر انگیزد و زمین بشکافد تواند اعتقاد درست باید اسم سیم است

یا الله المحمود فی کل فعاله خاصیت اسم سیم آنست

که اگر کسی قاهر و تندخوی و متکبر مردم آزار باشد و خواهد که آن

قهر در وی شکسته شود و رحیم و مهربان گردد او را از این حال

خبر نباشد باید که این اسم را بر حریر سفید بنویسد بمشک در عنوان

بنام مردی و بنام مادری و در مقام وی پنهان بکند جایی

پاک که هیچ پلیدی نباشد و اگر دیو هم هلاک باشد و آن قهر

و تخوت و تکبر در وی شکسته شود و همچنان باز آید چنانکه اثر

شرم مردم در کسی نکند و سخن دشوار کوید و اگر کسی راه دشت

میدارد و مطلوب هیچ ملتفت طالب نشود و بادی نمی ارزد

باید که سه روز روزه دارد و هر روز پانصد بار این اسم بخواند بعد

از سه روز که هر روز پانصد بار خوانده باشد برخیزد و بحمام رود

و روی بقبله باشد و غسل بکند و چون بیرون آید بر کف دست

راست بنویسد بمشک و زعفران زده باشد که مطلوب از مهر

طالب دیوانه میشود و همه عالم بر روی او بخندند و جهان از برای

او خواهد و اگر این اسم از کف دست خود بشوید بهم باشد که از

عشق

عشق وی بخود کرد و اسم چهارم اینست یا رحمن کل شیء و

و رحیما یا رحمن خاصیت اسم پنجم است که اگر کسی بخورد ناتوان باشد

درخ وی ظاهر نباشد و اطبا از معالجه او عاجز آیند و هیچ دردی

اثر نکند این اسم را بر کاسه چینی بنویسد بمشک و زعفران و

نبات و مصری و عرق گل بران بخورد دهد تا بخورد البته شفا یابد

بفرمان عزوجل و دیگر بار بخود نشود و بسیار خواند بصدق دل

برکت در عمر پیدا کند اسم ششم اینست یا حی یا حیین لا الٰہ الا انت

دیمومیة ملکک و بقائه یا حی خاصیت اسم ششم آنست

اگر شخص را طبیعت بنباشد و دلکور باشد و هیچ یاد نتواند گرفت و

هر چه یاد گرفته باشد فراموش شود چهل روز سبت و هفت بار

بعد از نماز صبح بخواند دل او بیدار و منور شود و چیزها یاد گیرد و

از معنیات کشف کرد و بروی دا اگر چیزی کم کرده باشد و راه یابد

نبرد شب دوشنبه که آفتاب در حمل باشد صد و بیست نوبت

تبیین نیت بخواند و در خواب رود که نشان از آن بوی دهند

که کجاست و اگر چیزی کسی دزدیده باشد او را بوی نماید و باز یابد

و نیت هر کس که بخواند همین باشد و اگر بخواند و باد بخانه خود

و هر روز در خانه او برود و دعای او بسته کرد بفرمان خدای

عزوجل یا قَوْمِ لَا يَفُوتُ شَيْءٌ مِنْ

عِلْمِهِ قَلَا يَفُوتُهُ يَا قَوْمُ اگر کسی را فکر غالب باشد

هر لحظه خیالی در دماغ او آورد آثرا حاصل نباشد و از دست

فکر در زحمت باشد و هم بود که بالیخولیا او را بدید آید باید که این

اسم بسیار بخواند از آن زحمت خلاص یابد و آرام گیرد و اگر کسی را سلطانی

و یار

و یا از دشمن مخوف باشد و دشمن صاحب حکم باشد وقت نماز پیش

غسل کند و نماز پیشین بگذارد و چون از نماز فارغ شود بعد از او را دایم

این اسم بنجاه و یکبار بخواند دشمن بروی رحیم گردد بفرمان خدا تعالی و بعد از ان

هیچ دشمن بروی ظفر نیابد و حاسدی نیز بروی کار نکند و مار و عقرب و زنبور

بروی ضرب نرساند و نگزد و از آفت بلا ایمن گردد اسم ینتقم است

یا واحد الباقی اول کل شیء و آخره یا واحد خاصیت اسم ششم

آفت اگر کسی در کاری ثابت قدم باشد در عمل او باطل نباشد

سه روز روزه دارد و هر شب صد بار این اسم بخواند به نیت ثابت

و حاجتی که دارد بحق تعالی حاجت او را روا کند و در همه امور ثابت قدم

باشد هرگز تنزل نشود و اگر خواهد که پادشاه یا صاحب حکومت در

حکومت ثابت بماند این اسم را شب بیست و هفتم ماه رمضان بخ

نگین انگشتری زرین نقش کند و باید که نقاش و صاحب عمل
هر دو با روزه و طهارت باشند تا نگین کنند چون انگشتری زرین
انگشت کند در حکومت ثابت بماند و تا آن انگشتری در انگشت
وی باشد دشمن بروی ظفر نیابد بفرمان خدای عزوجل اسم هشتم
اسم هشتم یا دایم فلا فناء له و لا زوال للملکه یا دایم خاصیت
خاصیت هر که این اسم در حرام و زنا و لواطه گرفتار شد و از آن تائب
نتواند گشت این اسم را بدان نیت بخواند و دعوت کند باید که
آن روز نوبت مشتری باشد یعنی روز پنجشنبه روزه دارد و
دو هزار بار این اسم بخواند و جهد کند که چیزی نخورد و از حرام
یاد نیارد و نگوید و لقمه که از شبهه باشد احتراز کند و هر نفس که
دعوت کند همچون آفتاب تابان باشد و دیگر گرد آن فعل نگردد

واگر شب تاریک در راهی کند رد عکس روی او بدیوار افتد و
روشن شود و اگر خلق مبارک باشد باید که احتراز کند از حرام
و زنا و لواطه و اگر در میان شهر فرزن سازکاری نباشد باید که این
اسم را بر کاسه چینی یا بر کاسه زجاجی نویسد بمشک و زعفران و لعوق
کل و زنبابت بشوید و بدهد تا بخورد یکی از هر دو که صلاح و محبت و موافقت
در میان ایشان افتد و اگر بر پوست آهو نویسد بمشک و زعفران
و در موم کرده و در کوزه اب اندازد و از ان خورد یا بر دیگر هر کرا خصومت
کند و حلیم و بردبار شود و عاجز و زبون گردد اگرچه تند و سرکش باشد

اسم نهم اینست یا صَمَدُ مِنْ غَیْرِ شِبْهٍ فَلَا شَیْءَ کَمِثْلِهِ یَا
صَمَدُ خاصیت اسم و اهم آنست اگر خواهد که زبان خلق بر خود بسته شود

و چنانکه در همه حال وی بیدی و دشمنی سخن نتواند گفت باید که لوحی از

از مشرب سازد از سه مثقال و این اسم بران نقش کند و در شکم
ماهی نهد و در زمین نمناک دفن کند و تمام خصمان وی ران نقش کند
البته زبان ایشان بسته شود و در اندک مدتی همه دشمنان
وی دوست گردند و باید که در برج آبی باشند تا مراد حاصل شود به
فرمان خدای عزوجل و اگر چهل روز روزه دارد و هر روز چهار صد بار
این اسم بخواند جماعت ارواح بروی حاضر شوند و هر حاجت
که او را باشد بدو گویند اما باید که چیزی نخورد و سخن با خلق کم
گوید و اگر نه از خوف بیم آن باشد که هلاک شود و بگذارد و بگردد
از هیبت این اسم معظم اسم دهم است یا بارّ فلا شیء یکفوه
و لا یمکن لمخلوق یا بارّ خاصیت اسم یازدهم است که اگر با پادشاه یا بزرگی که
صاحب عمل باشد و معزول کرده و مرتبه او کم شود و نشیمن بروی
ظ

ظفر باید این اسم را دعوت کند و هفت روز روزه دارد و در تکیه

حیوانات کند و هر روز هزار بار این اسم بخواند چون هفته تمام شود بهمان

مقهور و تفرقه کردند و بهم باشد که یکدیگر بکشند و دولت روی بنوی نهند

و باز بمرتبه اول رسد اما باید که در نیت خود ظلم نگذارد و از بیداد احتراز

کند و اگر تفرقه باز بنوی رسد و اگر همه روز خواند هم بدین حوال دولت

از خاندان وی بیرون نرود و اگر قرض بسیار دارد و بدین اسم

مداومت نماید وام گذارده شود و توانگر گردد و آنکس که قرض بنوی

داده باشد محتاج وی گردد و صاحب قرار عهد خود شود اما باید که اسرار

خود با کس نگوید تا بمراد رسد بفرمان عزوجل اسم یا ذا الجلال والاکرام

یا کبیر انت الله الذی العقول لوصف عظمتہ یا کبیر

خاصیت اسم دوازدهم آنست که اگر کسی مسحور باشد یا زنی

باشد این اسم را بر لوحی از هفت جوش نقش کند و با خود

دارد سحر و جادوی از وی دفع شود و بیمار سخت و مرض مبرم

ببرد و کافر اخ روزی کرد **اسم دوازدهم** ۱۲ **آنست** یَا بَارِئُ

النُّفُوسُ بِلَا مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهِ يَا بَارِئُ **خاصیت**

اسم سیزدهم ۱۳ **آنست** اگر کسی روز چهارشنبه غسل کند و جامه

پاک در پوشد و در خانه خالی رود و هزار و پنجاه و یکبار این

اسم بخواند و آن روز قطعاً فکر مناهی و فساد نکند و بصدق دل

بخواند هفت تن از ارواح بر وی حاضر شوند و نشان ایشان

آن باشد که جامه سبز پوشیده باشند و کلاه ترکان بر سر نهاده

باشند و روی ایشان بغایت خوب باشد و در مقابل وی

بایستند و سخن بگوید و او نیز سخن بگوید و اسم خواند و بازار

گیرد چندانکه ایشان بشنوند دراید و بگویند که ای فرزند آدم و

آفریده خدا چه مصلحت است و چه مهم داری و ما را چه کار بکه میآری

که بقوت این اسم اعظم ما را از مشرق آوردی باید که جواب گوید

ای آفریدگان خدا یتعالی خدا از شما راضی باد چنانکه فرمان این

اسم بجا آوردید و بدعوت حاضر شدید اکنون آرزوی من آنست

که بقوت این اسم هر حال و هر کار که مرا واقع شود از نیک و بد و

از خیر و شر در میان دوست و دشمن مدد من باشید و نظر دوستان از

من باز نگیرید و هر گاه که مرا حاجتی باشد روا کنید و اگر چنانچه

از هوا نفسانی در خاطر کسی راند بتر سد و لال شود و سخن نتواند

کفش و مراد ضایع گردد و هم باشد که هلاک گردد باید که در آن ساعت

سخن از دعوت اصلا هوا نخورد تا قوت وهم و خیال نشود

وبنور عالم روحانی از جمیع ارواح متر سد و به ایشان آشنا شود

و ایشان با او انس گیرند و ایشان دعوت اجابت کنند

و دیگر بار دعا بر ایشان و تواضع بسیار نمایند و چون نشنود نرنجد

و دست بر سینه نهد و بگوید چنانکه مرا عزیز و گرامی کردید خدا تعالی

شما را عزیز و گرامی دارد اکنون نشان باید میان ما و شما تا وقت

حاجت شما را طلب دارم و آن حاجت که مرا باشد در وا کنید

ایشان گویند حاجت به نشان نیست با خود بیائیم او دیگر مبالغت

کند که غرض من نشان است تا دیگر بار مرا حاجت بدعوت نباشد

ایشان چون نام دعوت بشنوند زهری بوی دهند که رنگ او

چون بیضه مرغ باشد سفید و خطی سبز و سیاه بر این نوشته باشد

باید که بوسه دهد و بر سر نهد و بر چشم مالد و گوید که این خاطر را من

آموزنده

آموزندان ان نامهای نبوی آموزنده شرح و خاصیت آن

بادی کوشند حاجت نشان نیست ما خود بیائم که چون نگاه دارد

و باید که نظر جنب و حائض بران نیفتد پس بگوید که رحمت

کشیدید اکنون سلامت بروید تا وقتی که شما را طلب کنم

باید که لوحی خوش در آتش نهاده باشد تا دوستی جاوید بماند

و وقت حاجت هفت بار این اسم بخواند که انشان حاضر شوند

و مراد او برمی آرند باید که صاحب دعوت وقت پاک و صافی

باشد تا در مخلط نیفتد که این اسم نهایت عظیم و معتبر است

واللہ اعلم اسم سیزدهم آنست یَا زَاکِی الطَّاهِرُ مِنْ کُلِّ دَنَسٍ

بِقُدْسِهِ یَا زَاکِی خاصیت اسم چهاردهم آنست کرا که

امید یکی دارد یا در کاری و قضیه فرو ماند و تدبیر آن نتواند

کردن این اسم را بعد چهل بخواند چون او دران سخن

گوید مراد او برآید و چنان شود که خاک در دست او زر

شود و در روز قیامت اولیا و انبیا احترام وی کنند و

در لطف خالق و خلایق عزیز و مکرم باشد و در هر کار که صدق پیش

گیرد از خدا تعالی بیابد اگر علم داند رود و بگوید تا وقت

نیک بطالع سعد و عمر در روح دلو باشد این اسم را بر کاغذ

خطائی به حروف نقش کند و در معوم کرده در کوزه آب

اندازد و آن آب را در خانه میزند انشاء الله باید که بطالع سعد

باشد که اگر بمثل رد شنائی پیدا شود بفرمان خدا تعالی اسم

چهاردهم ۱۴ است یا کافی الموسع لما خلق من غطا یا

فضل یا کافی خاصیت اسم پانزدهم ۱۵ است که اگر در

ظالمی

در دهان سخن او نشنوند و او را بر دوست اهل دولت سخن نگذارند و خواهان او در
بالا در دهان سخن او نشنوند و او را بر دوست اهل دولت سخن نگذارند و خواهان او در
دهان سخن او نشنوند و او را بر دوست اهل دولت سخن نگذارند و خواهان او در

ظالمی یا جبشی گرفتار و در بند شده باشد سخت و بهیچ تدبیر نجات

و خلاص ممکن نباشد باید که این اسم را بسیار بخواند چنانکه

از هزار و دو هزار بار بیشتر راند و تسبیح کند این اسم را تسبیح اعظم

خوانند و بحق است این اسم از آن بندو زندان ظالم خلاص

یابد و اگر در زندان بسیار خواند آن ظالم هلاک و فنا کردد

و آن زندان خراب شود بفرمان خدا تعالی و شاید که از حال

وی آنکس که او را در زندان کرده باشد البته خبری در دست

وی افتد و هر کس که از نبی آدم و نسل حوا این اسم بسیار

خواند حضرت سید المرسلین یا نبی از انبیا البته در خواب بیند

و در حجره دلیا باید و باید که در خواندن اسم ظاهر را با وضو باشد

و نماز در زاویه کند او بدو نشست و در دل نیاورد و این تنها

که گفته شد بازنخواند از اصدق خود نشش باشد و قصد خود

میکند دگر خود میکند و اگر بازنخواند از صدق خلق است

گیرد و میرد و میبرد رخ رود نعوذ بالله منها این اسم اعظم است

بانقبا من کل جویم یرصه و من بخالطها له بانقبی

خاصیت بسیار مشاهده شده است که اگر کسی را دست و چشم

و دل و زبان بسته چنانچه هیچ کار از وی نیاید و فرو ماند

و سرگردان باشد و در چشم مردم حقیر نماید ولی اعتبار در وی

هر چه کند بر نیاید و خواهد که سر انجام کار او نیک نشود و مراد

رسد و بستگی از کار وی برخیزد و مستعد گردد باید که چهار روز دعوت

این اسم نماید و گوشت حیوانی نخورد و اگر چیزی نخته خواهد

بیخ بروغن کنجد بپزد و نمک بسیار دران نکند تا لسان

دران

دران غالب نشود و بغیر از نبات هیچ نخورد و اندک

خورد و چند کشد که پیش از زمان نخورد و اگر شیر نمی خواهد

سه نیز طالبی با عرق تمام خورد و این چهل روز اختلاط با

مردم نکند و در جایی خالی نشیند و اگر میان مردم باشد سخن کمتر

گوید و مدام این اسم بخواند و کل خیال دل خود با این اسم

دارد و حاضر وقت باشد تا چه پیدا شود که هم در اول هفته

علامت عالم غیب ظاهر شود و این علامت بر هفت وجه است

و ما شرح هر هفت بگوئیم تا بداند تا بداند و نترسد و دعوت

غلط نشود علامت اول آنست که چون سه روز بگذرد

او در شب و روزی شش هزار بار بخواند چند روز بگذرد

نام اسم بسیار خوانده باشد همه عالم بچشم او سبز نماید و

خود را و جامه خود را سبز بیند چنانکه برگ درختان باید که

اندیشه نکند و دغدغه نخورد راه نزند و همچنان اسم میخواند و

دل خود را راست دارد و قوی دل کند علامت دویم آنست

که روز هفتم دوتن پیوی رسند خواه در خلا و خواه در ملا او را

بگویند ای پسر ادم چه غرض داری و مقصود تو چیست و این

دعوت از بهر چه میکنی برخیز و بکار دنیا مشغول باش و تا خللی

نپوندد و از چند گونه ترا لعبت کند باید که هیچ جواب نگوید و

این اسم بلند تر خواند که ایشان از چشم تو نهان شوند باید که دل قوی

دارد و نترسد که مصرت پیوی نرسد اما اگر برسد هلاک نباشد

علامت سیوم آنست که روز سیزدهم بخانه خالی رود و مشغول

دعوت کرده و بترصد باشد که چه حال واقع گردد ناگاه مرغی

بزند

سنبر ملبند که بیاید مانند همای و بر سر او نشیند و پر بر روی او

زند و بانگ کند و نعره زند و هم از آن جنس مرغ بسیار شوند

اما کوچک تر از آن باشند و آن مرغان بانگها عظیم کنند و داشته

عظیم در دل وی پیدا شود و باید که نه ترسد و این اسم را آواز

بلند خواند آنگاه مرغ بر سر او برخیزد و بر رود و نیز این مرغان کوچک

بر وی نزدیک عظیم کنند و داشته عظیم در دل وی پیدا شود و باید که

دل قوی دارد که هیچ مضرت بوی نرسد علامت تمام آنست

که چون روز هفتم این اسم را همان طریق بخواند بعدد از شمار

عصر در خلوت او شخصی در آید بر قدر بالا شیده بر شکل مردمان

و امرد باشد و بر روی راست او خالی باشد و موی بزرگ

و سطبر در آن آویخته باشد چنانکه در آن صورت عجب نماید

چون در آید سلام کند باید که برخیزد و جواب سلام باز دهد

و حرمتش دارد و هیچ سخن دیگر نگوید تا دعوت کسته

نشود و اشخص زبانی برابری نشیند و سخنها گوید باید که او از

دعوت غافل نباشد و هیچ سخن با وی نگوید او نیز بر دو دو اگر

با وی سخن در آید دلش بهم برآید و این اسم را فراموش کند

او را در حال بکشد علامت پنجم آنست که از در بیفتد

و نفتم هر کس که بشب آرد دنبی آدم زیان و دیوان و ارواح

خبر ندارند که از کجا آمده اند و بکجا میروند و ارواح کجای باشند

و از برای چه آمده اند و در خواست ایشان چیست اما شرط

آنست که هیچ از ین اظهار نکنند تا دعوت تمام کرده و کرشه

مخفی الدعوت کرده و علامت ششم آنست که تا از روز بیست و هشتم

تا ۱۰

تا روز چهلم در خانه خلوت بنشیند و خط مربع کشد و خود در میان
خط بنشیند و این اسم میخواند و چون شب در آید چراغدان سبز
پیدا کند تو با قبله روغن زیت در روغن یاسمن در ان کند تا
میسوزد باید که بمقدار نوبت عمل او حی بران قبله بخواند تا
پنج یا هفت شب چنین بکند و میسوزد بعد ازان چهار شخص پیش
خط او پیدا شوند و گویند ای فرزند آدم رخیز و از میدان بیرون
آی و ازین اندیشه فاسد در گذر و بگو که غرض تو ازین دعوت
چیست و چه میخواهی اگر مال میخواهی بدهم و اگر عاشق معشوق
بیاریم و اگر دشمنی داری هلاک کنیم اگر جادوئی کرده باشد باطل
کنم و انچه مقصود تست مهیا کنیم و هر شعبده و عملی داری سوخت کردانیم
و هر چند ازین نوع سخن گفتند باید که هیچ جواب ندهند تا زمانی

بگه ایشان بگویند که انچه مراد تست بگو چون بگویند قسم ایشان

عظیم باشد طایفه ارواح بهمان اسم او را بگویند بعد از ان

بگوی ای آفریدگان خدا تعالی مرا با شما کاریست انچه مقصود منست

خود بیاید دیگر اسم منجوانید و سخن دیگر نگوید چنانکه گویند بی خبر

از ین خط مربع بیرون آمی باید که از جای خود نجنبد و گرنه از جای

خود بجنبد و بیرون آید در حال او را بکشند هلاک گردد

تا روز چهلم ناگاه غلغله در انخانه افتد علامت انقسم آنست که روز

چهلم باشد آن غلبه و غلغله پیدا شود خواه روز خواه شب و

ظلمات در انخانه افتد و بسیار مشعله و چراغ و شمع در انخانه

پیدا شود و مقدمه لشکر پیدا شود و هر کس بسلاح تمام یکی

بمرکبی باید که چشم تا خود دارد و این اسم خواند و غافل نشود

انجام

وحاضر وقت باشد وهیچ سخن نگوید تا زبان نکند باین اسم بصلابت

خواند که ناگاه در میان سلطان پیدا شود سواری بنهایت مهیب

باشد بر شیری سوار باشد و ماری عظیم چون تازیانه در دست گرفته

باشد و بر بیان ماه روبان در حوالی گلستان باشند دست بسینهم

نهاده و طبقهای نثار گرفته باشند او ملک ارواح است و سیصد هزار

از پریان در حکم او باشند و هر یک از ایشان لشکری و تیغی داشته

باشد چون بداند با بزرگواری صاحب دعوت سلام کنند

باید که برخیزد و دست بر سینه نهد و جواب سلام باز دهد و قطعا

هیچ سخنی دیگر نگوید و این اسم همچنان میخواند یا ملک ارواح بسخن

در آید و گوید ای فرزند آدم مقصود تو چیست و چه میخواهی گوید

ای ملک الارواح خدای آسمان و زمین از تو خشنود باد چنانکه

بدعوت من آمدی و زحمت کشیدی اکنون مرادمن آنست

که مرا لشکر خود نمائی تا هر کاری و هر حالی بدد من باشند و نگذاری

دیگران از کار من بردارند و بیرون برند و مرا اجابت و اطاعت

کنند و تو از خزانهٔ خود بهره دهی و بیوسته خود را من نمائی و از

احوال و کار من غافل نباشی و لشکر مرا بصحبت خود راه

دهی چون پادشاه سخن تو قبول کند و ملک فرماید بردار

تو شود و بسیار عجایب از تو در عالم پیدا شود و نام و بیت وی

در عالم بماند و خلق خدای جمله بوی محتاج شوند چون این

فرصت یافت بگوید تا ملک الموت را بدست خود بیعت

نامه بنویسد که در وقت حاجت در آید چگونه او را حاضر کند

و بنام امیران و وزیران خود بیاد کند و در حکم او کند نحاجت

این

این اسم اعظم این کار تمام شود و چون عهد و بیعت رفته باشد

۱۵

پادشاه جامه خود تشریف بوی دهد و او را لشکر خود نماید و

از نظر او غایب شود باید که سوره نخواند و سلامت از میان خط

مربع بیرون آید و هر چه خواهد تواند کردن بقدرت خدای عزوجل

و شرح و خاصیت این اسم بسیار است اما آنرا مختصر کردیم و گفتیم تا

آسان باشد و الله اعلم اسم شانزدهم است یَا حَنَّانُ اَنْتَ

الَّذِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَ

۱۶

عِلْمًا یَا حَنَّانُ خاصیت این اسم مقدم است که اگر کسی

را قرض بسیار باشد و هیچ چیزی بوی ندهند چون این اسم بسیار

خواند اعتبار و اعتماد بر وی کنند و بی منت احسانهای

وی کنند و در هر عملی که شروع کند فایده و منفعت یابد و

بهرچه روی کند فرصت او را باشد و نمیرد و اولاد او زیاده
شود اگر وقتی که آفتاب در مشرق باشد بنویسد بحروف این
اسم در کاغذ و با خود دارد هرگز محتاج نشود و نزد خلایق معتبر
باشد و مال فراوان گردد و شکوه و منصب و عمرش بیفزاید
و قوت در روح و جسم او زیاده شود و هرگز بیمار نگردد و اگر
کسی در راه باشد و راه گم کرده باشد نود بار بخواند براه بازآید
و اگر سر و سامان خود گم کرده باشد هر روز نود و نه بار بخواند
سر و سامان باز باید انشاء الله تعالی **اسم معظم است**
بِاَمْثَالِ ذِی الْاِحْسَانِ قَدْعَمَّ کُلَّ الْخَلَایِقِ یُوقَ مِنْهُ
بِاَمْثَالِ **خاصیت اسم معظم است** اگر کسی حرزی
بدست کند از دُر و جواهر و اجناس و دلیقه که خواهد که بسلامت
باشد

باشد و دست غیری بدان نرسد و بار بوی رسد باید که

این اسم را بر حریر سفید بمشک و زعفران بنویسد و بر سر آن

دو رکعت نماز بگذارد و هیچ تدبیر آن نداند این اسم را با خود دارد سیدنی

از دیو و دد اگر کسی بسفر میرود و بخواهد که نرود این اسم را

بنویسد و در دیوار خیمه پنهان کند سفر باطل شود و اگر

کسی بسفر میرود این اسم را بر پوست آهو بنویسد بمشک

و زعفران و در میان رخت نهد از دست دزدان و راهزنان

آن رخت ایمن باشد بسر کت این اسم اعظم و اگر بر جلاب

خواند سبت دیگر بار بر روی مالد دست روی کرد و در

و در نظر خلایق عظیم معتبر باشد اسم اعظم است یا

و بیان العباد کل یقوم خاضعا لهیبته و عظمته

خاصیت اسم نور در بدایت که اگر کسی غایب باشد و هیچ

کس نشان او نمیدهد و نمیداند که او کجاست این اسم را

پنجهزار بار بنیت آنکس بخواند و تسبیح ده رکعت نماز بگذارد

و در هر رکعت الحمد یکبار و ده بار سوره اخلاص و ده بار آیة الکرسی

و چون سلام باز دهد این اسم را بر دست آهو نویسد بمشک و

زعفران و در وقت خواب زیر بالین نهد که در آن شب

غایب را در خواب بیند و حال خود و سرانجام خود و نهایت

بگوید و هم در آن دم عزم کند و باز بوطن خود آید و در هیچ جای ارام

نکرد تا بفرمان خدا تعالی بر سد اسم نوزدهم این است یا خالق

من فی السموات و الارض کل الیه معاده یا خالق

خاصیت اسم عظیم آنست اگر کسی خواهد که شخص را از محبت

خود و عشق خود بیقرار گرداند چنانکه آرام نگیرد و به

مال و نعمت دلبسته نشود و دل از کس بر نداره برون رفته

باشد بعمران و حاضر دان چاره او ندانند این اسم را بکاغذ

خطائی نویسد بنام وی و بنام خود و بمشک و زعفران و

حاجت نام مادر آن نباشد و در کناره آب روان هزار بار

بخواند این اسم و آن کاغذ در آب اندازد که آتش از

مهر او دیوانه شود و او قرار نگیرد و اگر در بند آهنی بسته باشد

بگسلاند و بیاید و آن آب در یا مر بر درخت بگذارد میرکت

این اسم شمرهٔ بسیار پیدا شود صاحب باغ ندانند که از کجاست

و هر کس که از آن آب بخورد ایمان و اهل او تازه گردد و قوت

گیرد و در وقت مرگ با ایمان بمیرد و اگر هر صباح صد و پنج بار بخوانند

خلق مطیع و فرمان بردار او شوند و اگر به نیت یک کس بخواند

معین خواند مطیع و مسخر او گردد و تسخیر ارواح و ملائکه مخلوقات و جمیع

خلایق آسمان زمین و تمام جانوران و ذرات نباتیات در زیر این اسم

است و در عوذ این اسم جبل دیگر است هر روز هفت هزار بار

بخوانند البته تسخیر ارواح سلاطین بروی آسان گردد و اگر این اسم را

بر پارهٔ دار چینی بنویسد و در کوزهٔ آب اندازد هر کس خرفش و

سودا دارد نوشته باشد آب از آن کوزه بار خورد شفا یابد بفرمان

خدای تعالی و قدرته و عظمته و کبریائه

اسم اعظم است یا رحیم کل صریخ و مکروب

ومعاده یا رحیم خاصیت اسم بیست و یکم آنست اگر کسی

18

دعوت این اسم کند بسیار عجایب بیند بفرمان خدا تعالی

ودعوت این اسم چنانست که دوازده روز روزه دارد

وهیچ حیوانی نخورد ودر یکروز دوازده هزار بار این اسم بخواند بر دانه

دو هزار بار و بست پنج بار این اسم بر خواند و در برابر پادشاه

واعیان مملکت دادکابر رود عزیز او باشد و کار بدرجه رسد

هر شغل معظم که رجوع کند بوی با تمام رساند اگر چهل و یکروز هر روز

هفت هزار بار باشد تسخیر ارواح سلطانین او را حاصل شود

واو بقدرت خدا تعالی و بیرکت این اسم اعظم انجام رساند

وهر روز که بر آید کار او زیاده شود و حاجت بر آرزو اگر

ترک کند و نخواند همدران باید کاهد و برکت نیشود بفرمان

تصوف

خدا تعالی اسم است اعظم حکیم است یا تام و فلاح الاکبر

کل لئیم جلال ملکه یا تام خاصیت اسم است ۲۲ دویم

آنست که اگر کسی را طلب علم و حکمت باشد و هیچ نخوانده باشد

چون هر روز نود و نه بار بخواند این اسم علم و حکمت بداند و علم

و حکمت از بینی آدم در حجاب است بردی منکشف گردد

و صنایع الموجودات واقف گردد از نشان اجرام العوالم

ظاهر گردد و حاجت سائلان روا کند و حل مشکلها کند و صاحب

۲۲

دعوت داند که چه مرتبه و رفعت یافته اسم است دویم

یا مبدع البدائع لم تبغ فی انشاءها عونا

۲۳

من لخلیقه یا مبدع خاصیت است سیم

آنست اگر کسی دعوت این اسم کند هر تبه صاحب دیوان

الر

بر سد که هر روز هزار بار این اسم بخواند ذوقت روی نماید

19 او تهجد و نجابت پیشه کرده و هرگز یک طبع شود و هیچ از وی

فوت نشود و صاحب این کتاب شیخ شهاب الدین مقبول

رحمة الله علیه این کتاب را دعوة الاسلام نام نهاده است

و مقصود که خواننده این اسماء را اگر چه دیر بداند بیشتر از همه

کاینات چیزها حفظ میتواند کرد و هیچ از وی فوت نشود

اگر کسی بادی خیانت کند و او بداند مقهور گردد و بفرمان

خدا تعالی بسم الله الرحمن الرحیم یا علام الغیوب

فلا یفوت شیء من حفظه یا علام خاصیت اسم است

۲۴ و چهارم آنست که اگر کسی صاحب دعوت در نماند

این اسم محافظت نماید و مداومت کند و بسیار خواند.

هیچکس از فرزندان بنی آدم با وی دشمنی و عداوت نورزد

و دعوی مخاصمت با وی نکند و هر چه او گوید شیرین باشد و پسندیده

خلق افتد و تعظیم و حرمت وی در میان خلق عرض کرد و هر چه اراده

ز مراد او بود واجب داند دعوت این اسم در بست بار

بار می باید خواندن هر چند زمان و اگر این اسم بر چیزی مسموم

خواند هزار بار در وی دمد تا بمیرد و حال آنکس که عشق او

دیوانه شود و اگر غایب را آورد در ساعت هزار بار بیت

آن بخواند آن غایب روی بوطن خود نماید و باز آید و

اگر چیزی خورد نا خواسته و بخورد او دهد هرگز مهر او از دل

آن شخص نرود و اگر بیمار بیند خواند بهتر شود و اگر مطلوب

ز طالب دور باشد و این اسم را بر کاغذ خطائی بنویسد

بنام

بنام وی و بنام خود دار جای بلند او نیز او را یاور خدا تعالی

20 باید که در برابر مردم ننویسد و در وقت نوشتن بوی خوش

بسوزاند که مجرب است و اگر دشوار زاید بنویسد و بر ران چپ

او بندد آسان زاید اسم بست و چهارم است یا حلیم

ذَا الْاَنَاءَةِ فَلَا يُعَادِلُهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ يَا حَلِيمُ

خاصیت اسم بست و پنجم آنست که اگر کسی شوریده حال باشد

و سر گردان و از خانمان خود برافتاده باشد و مال و حوالت

وی از دست وی رفته باشد و هیچ کار و عمل و شغل نمانده

باشد و از سعود خود افتاده باشد و قانون احوال خود

نداند باید که این اسم را هر روز بعد از نماز دیگر سیصد و یکبار

بخواند و ادعات غنیمت داند البته یاد سر رشته احوال خود افتد .

واین نوبت درکارها ثابت باشد از او مال و نعمت بی کدورت
و سعی حاصل شود و کشایش در کارهای او پیدا شود و خدا تعالی
جمعیت های بوی دهد و هر چه روی کند آن چیز میسر او شود
هیچ اندیشه نکند و کسی در کار او مدخل نتواند ساخت و از
هیچ کس اندیشه و خوف و شکوه زیاده نشود و از خاصیت
این اسم نقش او چنان کامل شود که افعال بد نکند و مردم
از شکوه و هیبت او اندیشه کنند و این اسم را اعظم الاسم
اعظم نام نهاده اند زبان خلق بروی بسته کرده و هر چه او گوید
و کند طوعا و کرها بشنوند و پسندیده بود و سهم و نهیب در
طالع و زبان او پیدا کرده و باید که این اسم درست خواند و اعتقاد
نیکو دارد و در این اسم اعظم شک نکند که البته بمراد رسد و اگر

شک آورد کافر کرد و هلاک نشود اگر صادق باشد

و دعوت این اسم در شرح کبیر صد هزار بار است هر چند توان

که خواهد بخواند که خدا تعالی او را بمراد رساند اسم بیست و پنجم

یا مُعِیدُ مَا اَفْنَاهُ اِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ

لِلْعُقُوبَةِ مِنْ مَخَافَتِهِ یا مُعِیدُ خاصیت اسم بیست و ششم

آنست اگر کسی این اسم بسیار خواند خدا تعالی چندان

مال و نعمت بوی دهد که حساب نتواند کرد و از بابت دولت

و جاه بوی محتاج شوند مردمان و از ایشان سود همه بدو روی

شوند اما باید که شرک خواندن نکند و ملول نشود و فروگذاشت

نکند اگر فروگذاشت کند در خواندن خرابی قادر نشود و

در دلش کرد چون این حال واقع شود اهل دعوت این را

رجعت الاسماء نام نهاده اند و شک نیارد کرد که خدای

عزوجل قادر است بهر چه خواهد هر کس که دایم ملازمت

این اسم باشد و ترک نکند صفا در آمد رون و صفت اولیا

او را پیدا شود اسم بیست و ششم است یا حمید الفعال

ذالمن علی جمیع خلقه بلطفه یا حمید اسم بیست و هفتم است

که هر کس از بنی آدم این اسم بخواند و مداوم

مهر ها در آب روان اغراز دهر گز غمگین و دردیش نشود

و در تنوانگری بماند و از عالم غیب درهای روزی گشاده شوند

در میان خلق انگشت نما گردد و هیچ روزی تغلب نتواند کرد در

مغلوب نگردد و فرمان او بر خلق نافذ گردد و اگر کسی دشمن

بادی کردد در روز هلاک گردد و اگر این اسم را درست

۱۵ ابد

خواند با عتقاد و شک نیارد و باندک روزگاری بامارت

و وزارت رسد اما باید که این اسم را بسیار و پیوسته 22

خواند اگر خواهنده این اسم درویش باشد چون این اسم را

دعوت کند تو انگر گردد دعوت این اسم چنانست که بست

و پنج هزار تک حیوانی بکند و بخورد و هر روز سه هزار رکعت

نوبت بخواند دگله جان و دل خود باین اسم اعظم دارد

و انچه حاجت باشد از حضرت حق طلب کند چند اسرار

عالم غیب بر او آشکارا شوند و نور در دل وی از حقایق

پیدا شوند و بفرمان خدا یتعالی شوکتی بلا وصف در پیدا

کردد چنانکه همه کس ظاهر بیند اسم بست و ششم ۲۷ است

یا عَزِیزُ یَا مَنِیعُ الْغَالِبُ عَلَی أَمْرِهِ فَلَا شَیْءَ یُعَادِلُهُ یَا عَزِیزُ یَا

خاصیت اسم بیست و هشتم ۲۸ است که دوستی شاید

و هم دشمنی شاید و منقت و شش عمل از و شاید کردن

در وی محبت و عداوت و عقد اللسان و قهر و خواب

تند و تقلب القلوب[1] خواهد آن محروم نماند[2] اما در بین کتاب

شرح یک یک نمیتوان کرد که تطویل انجامد اما بعضی از آن

بطریق اختصار گفته شود تا چون[3] این علم از وی بهره نباشد

و الله اعلم بدانکه این اسم نهایت عظمت و عظمی

این اسم چنانست که آسمان و زمین و سیارات و ملایکه

دار و اواح و نفوس سماوی و ارضی و انس و جن و وحوش

و طیور و هر چه خدای تبارک و تعالی آفریده است بقدرت

و عظمت و بزرگی این نام آفریده است و نقلست که این

الم

اسم بر پیشانی مهر غرا نبشته است وقتی که خواهد

23

که قبض ارواح کند جون بندگان خاص خدا تعالی عظمت

این اسم را می بینند دست از جان شیرین بدارند و اگر

خواهی که شمه از اسرار این اسم بدانی باید که اول ملازمت تقوی

کنی و دل از شغل دنیا خالی کنی چون این مقدمات معلوم شد

در عمل کوشش و در عمل آوری و تقوی روحانی حاصل کنی

و از دنیا اعراض کنی و اندک چیزی خوری تا توانی با کس

اختلاط نکنی از کفش و شنودن و اگر در عالم فتنه باشد و

روی زمین لشکر گیرد و از همه آشوبها غوغا باشد و خوشی

و خروشش در میان خلق افتاده باشد صاحب این اسم زود

الله سره باید که دل خود پاک دارد و هر دو کوشش خود کند تا هیچ

آواز نشنود و ازین آفتها ایمن باشد و این اسم هفتاد و یکبار

بخواند و در میان لشکر و عدد بگوید بسم الله دست و پای شما

باید که هر بار بخواند این بگوید که بفرمان الله دست و پای ایشان

بسته شوند و اگر ازین عدد که گفتم زیاده خواند لطمه بخانه

اگرچه دشمنی نهایت بسیار باشند چنان خشکش باعیش و

طرب مبدل کرد بفرمان خدا تعالی و اگر کسی خواهد که

کسی را بیمار سازد یکمهفته صورت آن شخص زرد سازد

و هر روز هزار و یکبار بخواند بر نیت آنکس که بیمار شود هم

در هفته بیمار شود و اگر خواهد که هلاک شود و هیچ ندداند بفرار حق

یکهفته هر روز هزار یکبار بخواند و صورت او سرخ تصویر کند

هم در هفته هلاک شود و اما باید که در حال تبر نباشد و قصد بکناه

بکند

نکند و گر نه اسم راجع شود و بیم آن باشد که خود هلاک گردد و

اگر کسی را که خواهد که از کار معزول گرداند بستاند چهل و یک

خسته خرما و به نیت معزولی آن شخص هزار و یکبار بخواند و هر یکبار

این اسم بخواند بگوید معزول کردم فلانکس را از شغل و عمل

چون تمام خوانده باشد خسته را در خندق ریزد که انکس از شغل

و عمل معزول گردد و از میان خلق برافتد و اگر خواهد کسی را از

محبت خود برقرار کرداند این اسم را بر حریر سفید بنویسد بمشک و

زعفران و در پشتش بوی خوش بمشک یا گلاب خود بسوزاند

و در دیوار قبله انکس پنهان کند و هر روز بست و پنج بار بهمان

نیت بخواند و باد بجانب وی دمد که از عشق او دیوانه گردد

و اگر بر کاغذ چیزی نویسد و در گوشش نهد زبان دشمن بسته گردد

واگر نبوسید و در دهان گلاغ نهد و بدو زود در جای پاک نهان

کند دشمن را قوت دهد و شرح این اسم بسیار است باقی تجربه

معلوم شود اسم مبارک ششم است یا قاهر ذا البطش

الشدید انت الذی لا یطاق انتقامه یا قاهر یا قاهر

مبارک است اگر کسی را جنی پیش کس باشد و باز

نتواند ستدن و سرک کند و خواهد که این آن جن بزند یا ملاکه

صاحب این اسم روزه دارد و بصدق دل بر بالای بام رود

چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی یکبار فاتحه و سه بار انا

انزلناه بخواند ملک سلام چون از نماز فارغ شود صد و بست

بیچ بار این اسم بخواند و بگوید که خدایا بعزت و عظمت این

اسم که تو بدل فلان آنرا که این مال بنا آید بده بزحمت و تکلیفی

من

من آن چیز بار بوی رسد و مرتبه خوانندهٔ این اسم هر روز اندرون
شود و اگر بسیار خواند متغیر و زیرک آن شهر شود و بر همه حکم کند
و اذیت و خوف بوی رسد و دران حضور و سروری یابد و خلق خدا
بر وی خشنود باشد و حشمت یابد و گر هر روز بست و یکبار این اسم
بخواند حق تعالی در بهشت بروی گشاده گرداند ان شاء الله تعالی

اسم ۲۹ یا قَرِیبُ المُتَعالِی فَوقَ کُلِّ شَیءٍ عُلُوٌّ

اِرتِفاعِهِ یا قَرِیبُ ۳۰ خاصیت اسم ثلاثین آنست

کر اگر کسی خواهد که را با خداوند عزیز گرداند یا دلیل کند
در حق خود و چه در حق دیگران باید که هر روز چند انکه تواند بخواند
و شمع آرد و بنماز کند تا مدت یکماه سیصد بار بخواند اگر خواهد
که ای را بپادشاهی نشاند اگر خواهد پادشاهی را بگدائی آورد

فرمان خدا تعالی قادر است بهر چه خواهد باید که اعتقاد دارد

هیچ شک نیارد که در افتد و چنان مقدر گردد از بهر آنچه

دارد و این از صفت خدا باشد که بدان موصوف شده

باشد و طریق شرع و ادب نگاه دارد و اگر خبری غیر شرع

کند هلاک شود و اسم را خطا کرده باشد و در دنیا و عقبا

ماخوذ خدا و خلق خدا گردد و از شرع اسلام بدر رود

یا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ یا قَهّارَ عَزِیزِ سُلطانِهِ

اسم و صفت خاصیت

اسم اعظم آنست اگر کسی را تخت بسته باشد و نخوست

در طالع او بود و از میان خلق منکر و عمل معطل مانده باشد

و هیچ جای کار او استوار نشود باید که دل کوشند سر سیاه بستاند

چنانچه چشم هیچ بینی آدم بران نیفتد و بعرف کل نشوید چنانچه آسمان

نیلی

نه بیند و هفتصد نوبت این اسم بر ان خواند و هر بار بر ان دل

و بعد و هر بار که این اسم بخواند این دعا نیز بخواند یا رب الارباب 24

و یا مسبب الاسباب و یا مفتح الابواب و یا قاضی الحاجات و یا ذا

المکرمات کارمن بیچاره بسازای کارسازبنده نواز و بعذران

این اسم بمشک در عنوان بنویسد سه لحه و در اندرون نهد و در بالای

در مسجدی که پنج وقت نماز میکذارند پنهان کند و چون هفتصد

نوبت خوانده باشد و بردارد و بیزد پنهان کند همچنان اسم میخواند

و تا باز کردد میخواند که اکثر آن باشد هم بعذر روشنائی در کار او پیدا

شود و در رزق و سعادت بروی کشاید و کاروی بمراد وی کردد

و آن نخوست بفتح و ظفر مبدل کردد و اکر دختر را شوهر نباشد و

هر چند که عقد کند موافقت نباشد و هم دیکر نه میرند و نفقه در

میان ایشان باشد هم آنجا نماند که مانند خضر آب حیات
روشنائی یافت او نیز هم روشنائی یابد و اگر این اسم ورد
سازد و میخواند حق تعالی از عالم غیب روشنائی در کار وی
و در بخت وی و در دل وی پدید آرد و از عالم غیب بهره مند
گرداند وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا بفرمان خدا یتعالی انشاء الله
اسم اعظم است یَا نُورُ کُلِّ شَیْءٍ وَهَادِیَهُ اَنْتَ الَّذِی خَلَقْتَ
الظُّلُمَاتِ بِسُوَیْدَاءِ یَا نُورُ حامل اسم اعظم است
آنست که اگر کسی زیر دست کسی باشد و خواهد که زیر دست
آنکس باشد و بر آنکس غالب گردد او را در زیر دست صاحب دعوت
گرداند باید که روز یکشنبه و چهارشنبه عمل کند و روزه دارد
و جامه پاک در پوشد و بصحرای خالی رود و هزار و هفتصد بار این

اسم بہ نیت نیکی بر تبت و رفعت خود بخواند حاجت
از خدا تعالی بخواہد کہ بر آنکس غالب کردد و او زیر دست
وی باشد باید کہ شک در دل نکیرد و اعتقاد درست دارد توفیق
خدا تعالی و اکر دعوت این اسم کند جنان غالب و قوی
کردد کہ مردمان عجب نمایند بفرمان خدا تعالی دو عوت
این اسم چنانست کہ ہفت روز علی الدوام بخواند و ہفت
شب دیکر ہم بخواند علی التواتر باید کہ دل پاک دارد از کین
و حسد و حرص و عداوت و انچہ افعال ذمیمہ است باید کہ ہیچ نہ
باطہارت نباشد تا این اسم درست میخواند و حیوانی نخورد
و مال حلال بخورد کہ شبہہ دران نبود تا مراد حاصل کردد
و اکر در پشت قبالہ زن نویسد تا مرد ساز کار شود و اسم ۳۲

دویم آنست

خاصیت اسم سیوم آنست که مداومت چهل اسم و

شرایط را بجا آورده باشد و دل نورانی شده باشد و صاحب

بسیار عجایب بنده بروی منکشف میشود و چون باین

اسم رسد و بخواند اگر خواهد که بموقت باران ارزد و برق

برانگیزد و در زمین زلزله در اندازد و آفتاب در شب پیدا

کند و نیم روز در چشم پنهان کند و ماهتاب بشکافد ارزد

دیگر این اسم اما باید که با طهارت باشد و کرنه در قتل

میکوشد و صاحب دعوت و معوذ که بغایتی از اسم اعظم

بدان سبب بهره ندارند که شرایط و طهارت آن و دعوت

آن بدانند و ملازم افعال شیطانی می شوند و از عالم روحانی

فرمانبر

خبردار تو اگر در پی شرایط معتاد شوند بندگان خدا تعالی باشند

و اینهمه عجایب و قدرت در دست انسان آسان باشد اما انکس

که خدا تعالی توفیق بدهد بمعنی قل الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون تو این شرایط ها

باید که نگاهدارد تا بمراد برسد اسم سیوم یا قدوس

الطاهر من کل سوء فلا شیء یعاذه من جمیع خلقه

یا قدوس و خاصیت اسم چهارم آنست که اگر کسی

بسفری میرود کسان او نمیخواهند که انکس رود این اسم

تکرر کند به نیت باطل شدن سفر او و در میان مصحف نهد

آن سفر باطل شود اسم چهارم آنست یا قریب المجیب

المنانی دون کل شیء قریبه یا قریب خاصیت اسم پنجم آنست

که اگر کسی سخت مریض باشد چنانچه بدرجه مرگ بود و همه خلق

طبع حمایت از او بریده باشند و دل او فنا نهاده باشند و صاحب
این اسم که شرایط تلاوت چهل اسم بجا آورده باشد و از اسرار
این علم باخبر باشد و تحقیق خاصیت هر اسم دانسته باشد این
اسم را چندانکه تواند بخواند و نفس بران مریض و مذکر بر سر
بود اگرچه رمقی مانده بود در حال صحت یابد چنانکه مردم گمان برند
که مرده زنده گشت و اگر کسی بخشم گاه بر زند و او را قتل خواهند
کرد و هیچ تدبیر خلاص او نمانده باشد چنانکه گفته شد بشرایط این
اسم نماید خلاص آنکس چهل بار بخواند بیشک آنکس خلاص
و نجات یابد اگرچه دشمنان غالب و بقوت باشند بفرمان
خدای عزوجل اما باید که این اسم درست بخواند و تصور در دلی
خلق خدای کند و باید که حاجت عرضه نبود و از برای طمع نخواند

و این

بدنیت پاک بخواند که مرادش حاصل شود بفرمان خدایتعالی

29 و اگر خواهد که بداند که بر کسی سحر کرده اند یا نکرده اند این اسم را بر

کاغذ نویسد و چند نوبت بر پاره شعیر بخواند و پاره در آتش

و پاره در آن کاغذ کند که این اسم بر آن نوشته باشد و کاغذ در مسجد

و زیر سر دیوان نهد مار در شود اگر شعیر سر بپراکنده شده باشند یقین

داند که سحر کرده است و اگر پراکنده نشده باشد یقین داند که سحر

نکرده اند اسم سی و پنجم ۳۵ یا مُبْدِئُ الْبَرَایَا وَمُعِیْدَهَا یَعِدُ

فَنَاهَا بِقَدَرٍ یَا مُبْدِئُ خاصیت اسم سی و ششم ۳۶

آنست که همه کار عالم و عالمیان بدین اسم راست می آید چه دنیا

و عقبی و آنکس که دعوت این اسم بکند و هر چه خواهد از دستش برآید

و چنان معتقدی کرد و که هر چه مراد او باشد بکام او برآید و حاصل شود

ودل او قابل معلومات غیب کرد و هر چه مراد خلق باشد

او بر آورد و مستعد آن فعل شود چنانکه اگر خواهد که از چشم خلق پنهان

شود بفرمان خدای تعالی و سالکان راه خدا از حال او آگاه

باشند و طالب او شوند و او را جویند و او از خلق نفور باشد

و هیچ کس را مستعد دعوت این اسم نبیند و این اسم شرطها

و حقی دارد بدانکه دعوت این اسم بدان ماند باید که چهل

روز از خلق در خلوت رود در کوهی باید چشمه یا جایی که دور

از مردم باشد تا خلوت دست دهد و در این چهل روز با هیچکس

سخن نگوید و هیچ از دست کس نخورد الا لقمه متفق بود از حرام

محترز باشد و دروغ و غیبت نکند و مردم آزار نشود و همه

روز که تواند نخواند و خاطر بغیر حق مشغول ندارد و این اسم درست

خواند

خواند و هر خبر که مؤانق کرده و از عجایب ها که در باید و داند که به احوال

برو میگذرد و از حال کشف و خلوت با کس نگوید و کاهل نبوده

اسرار معلوم کند ثابت و مقرر شود و آنکه کشف اسرار این اسم شنید

یا جلیل المنّ لیس عن کلّ شیء فالعدل

والصدق وعده یا جلیل

و عوذه این اسم را بر خود دارد و یا بخواند پسندیده و ستوده

جمله زبان خلق کرده از شرق تا مغرب نام و صیت او برود

و جمله خلق عالم مشتاق لقای او شوند باید که یکماه و نیم در این دعوت

باشد مستفید گردد و وقتی که دعوة اسمار اتمام رساند باشد

همه مردمان از علم و عمل وی مستفید گردند و مرادها بیابند چون

آفتاب مشهور گردد در زمین و آسمان آشنا شود باید که شغل او

این باشد که همه روز این اسم میخواند تا مراد بیابد بفرمان خدای تعالی

اینست اسم اعظم که گفتم یا محمود فلا یبلغ الاوهام کمال ثنائه

و مجده یا محمود خاصیت اسم سیم و هشتم آنست که اگر کسی را

گناه بقدر کوه در یک بیابان بقدر کف دریا و ستاره آسمان

و برگ درختان باشد چون این اسم سیم را بخواند به نیت خلاص

و نجات و مداومت نماید آن گناهان او چون برگ خزان بریزد و او

که بار سر گناه او در اهل جنت باشد و خدای تعالی جل جلاله گناهان

وی عفو کند بکرم و عفو خویش و اگر برای کسب و معیشت

دنیا خواند نعمت دنیا بوی دهد و اگر بزرگی یا پادشاهی

از کسی در تعب باشد بدان نیت بخواند آن دشمن دوست

شود و اعتبار یابد و اگر بر لقمه نیت تولد آن میت در گور بزرد

واورا

او را عذاب نباشد و سوال منکر و نکیر آسان گذارد و جل

غرقه از رحمت در گور او گشاید اسم ۳۸ و هشتم اینست یا کریم

31

العفو ذا العدل ای آنکه ای آنکه ملا کل شی عدله یا کریم

خاصیت اسم ۳۹ و نهم آنست اگر محتاج بزرگی باشد و مال و

نعمت دنیا خواهد این اسم چندانکه خواهد بخواند و از این اسم

آنست که در پیش بزرگان عزیز و محترم باشد هر چه بگوید دارد بشنود

و منفجر و در کار شود و بزرگ گردد در نام او هیچ نزند و فاش

گردد و بزرگی او تبدیل نشود بفرمان خدای عزوجل اینست اسم ۳۹ و نهم

فلا

یا عظیم ذا الثناء الفاخرة العز و المجد و الکبریا

ن العزة یا عظیم

خاصیت اسم چهلم آنست که جوینده چهل اسم چون

باین اسم رسد باید که باطن او صافی شده باشد و با طهارت باشد

چون این اسم بسیار خواند هر مرادی که خواهد بیابد زبان مردمان

به بدی بروی بسته شود و به نیکی او روان کردد و همه انس و

جن و حیوانات مطیع او شوند که او را به بینند دوست دارند

و چند عجایب که هیچکس یکی از آن ندیده باشد بروی کشف

کردند چشمها علم و حکمت بر دل او پیدا شوند و زبان او را

شود و فصیح کردد بفرمان خدا یتعالی اسم چهلم انه

فَلَا تَنْطِقُ الْأَلْسُنُ بِكُلِّ الْأَثْنِيَةِ يَا عَجِيبُ

تمام شد اسناد چهل اسم باریتعالی بتاریخ غره صفر المظفر

اصل و این نقل آن بتاریخ شب نهم روز چهارشنبه سنه ۱۲۱۵

باب فی التشویق

ختم قران روز جمعه از سوره فاتحه تا سوره مایده کوازمایند

روز شنبه تا به یونس و از یونس روز یکشنبه تا بنی

اسرائیل و از بنی اسرائیل روز دوشنبه تا شعرا و از شعرا

بوالصافات و از الصافات روز چهارشنبه با

قاف و از قاف روز پنجشنبه تا آخر قرآن بخواند هر

حاجت مشروع که اجابت است ان شاء الله تعالی

سورة الحشر جهت مهمی که باشد چهل و یکبار هر روز

چهل دیگر وتر بخواند و اگر چهار رکعت نماز کند در هر

رکعت یکبار بخواند البته حاجتش روا کردد نون والقلم

جهت برآمدن مهمات هفتاد و پنج بار بخواند سال سایل جهت

صلح نوقت جنگ یکصد و بیست نوبت بخواند قل اوحی جهت

دفع دیو و پری هفت بار بخواند سوره یاسین جهت مهمات جلیل

و یکبار بخواند روا کردد والضحی جهت برکت و فراخی نعمت و

بر آمدن جمله مهمات هفت بار بخواند قل هو الله احد جهت خلاص

از حبس هزار بار بخواند اذا جاء نصر الله جهت فتح و نصرت و ظفر و قوت

و دفع بلاها هر روز هفت بار بخواند لایلاف جهت ایمن شدن

از بلاها هر روز هفت بار بخواند الهکم التکاثر جهت دفع بلاها سه

بار بخواند در دم رفع شود الم ترکیف جهت دفع دشمن مبادر شام

و خفتن در شب جمعه هر روز دو بار و پنجبار بخواند الهاکم

جهت دفع بادها کنده خاصه بادسخ بخواند سبح اسم جهت دفع

رفتن در آستانه خانه سه بار بخواند الهاکم زرتم المقابر جهت

مرادات هر شب و روز بخواند خاصه در شب جمعه البلد لا اقسم

سورة القدر جهت آسانی حساب قبر و از بلاهای دنیا هر شب جمعه سه بار

بخواند

نخواند الملک سورة تبارک جهت نیت هلاک دشمن هزار بار نخواند

یعنی تبارک در هر مقامی جهت برکت و نعمت بخواند زیاده شود

البته والشمس والضحی جهت سلامتی دنیا و آخرت در وقت

طلوع آفتاب هر روز بخواند عم جهت روشنائی چشم هر

روز بعد از نماز عصر یکبار بخواند الم تر کیف جهت برآمدن مهمات

هفت نوبت بخواند فاطر در وقت عرض حاجات بر ملوک و

اکابر دولت هفتاد و پنج بار بخواند حدید جهت کشایش کارها

هفتاد بار بخواند قد سمع الله سه نوبت بر خاک خوانده بر

طرف دشمن بگیرد بصلح باز آید ممتحنة جهت دفع شر سلطان

پنج بار بخواند تغابن جهت حفظ مال از دزدان هفت بار

بخواند یا ایها الذین سورة الحجرات جهت دفع مهمات امید

هفت بار بخواند البته آن مهم روی بدین کس کند قاف

والتین هست کور هر شب جمعه سه بار بخواند البته آن کور بینا

شود بفرمان حق تعالی خصل شود والتین هست جهت

نیکی و نیکی محط هفتاد و بار بخواند البته والتین از حضرت پیغمبر منقول است

که هر که بخواند از عذاب دنیا و از عذاب آخرت در امن باشد

والتین هست دفع دشمن هست و یکبار بخواند بر دشمن غالب

شود والتین اذا کرمات هست و بیست جهت هر مهم که داشته باشد بر آید

بار بخواند بان نیت رعد یعلم الکتاب هر که این سوره یازده

بار بخواند چون شب بر کان رود مرادش بر آید سورة الحجر

یعلم الملک آیات هر که این سوره هفت بار به نیت هر مهم بخواند

البته بر آید سورة ابراهیم الکتاب جهت عذاب آخرت است بار

بار

باید خواندن **انفال** هفت بار به نیت خلاص از بند زندان

بخواند **برائه** جهت هر مهمی که با ملوک باشد یا نزده بار بخواند

و بپوشد و در میان رخت و قماش باشد **یوسف الرکبان**

ملک الکلمات المبین جهت عزیز شدن کشتی هفت بار بخواند البته **قدا**

فلح المومنون جهت حریص شدن نماز هفت بار بخواند **انا**

انزلناه جهت دفع تهمت ها بخواند یکبار خلاص شود **تبارک**

سورة الفرقان صد و هشت بار به نیت هلاک شدن دشمن بخواند

والنازعات جهت دفع دشمن و مکرم بودن پیش پادشاهان

و سلامتی ایمان بیست و یکبار بخواند **عبس** جهت بینایی روز

قیامت هفت بار بخواند **اذا السماء انشقت** در حالت درد هفت

بار بخواند و هر که بسیار خواند فزون کورش نباشد و کور نرود

فراخ شود الم نشرح بوقت بیع و شراء سه نوبت بخواند ایمن

جهت نمایب هفت بار بخواند باز آید اقرا بوقت رفتن نزدیک

ملوک و امرا سه بار بخواند القادر جهت برآمدن مهمات صدبار

بخواند ازایمنت جهل و یکنوبت بخواند تا ان نیت که حق تعالی

او را از محتاجی نگاهدارد یا مغنی جهت قبول طاعت سبت

و یکنوبت بخواند و صاحب بر خان بر خود نبند دبهتر شود ط

یا دایما جهت نگاهداشتن ایمان هر روز هفت بار

بخواند نعمت بیا جهت هلاک شدن دشمن و بهبودی و ظالم

و بخیل هفتاد بار بخواند انا انزلنا جهت ماندگی راه سبت

نا بخواند انا اعطیناک جهت آنکه گوهر یافتن هزار بار بخواند صاد

و ا تقان جهت چشم زخم نبولیسند و با خود دارند یا بخوانند سورت الزمر

یٰسٓ شریف یا الکتاب جهت عزت و حرمت میان خلق معتقد

بار بخواند با خود دارد سورهٔ الموس یٰسٓ حم تنزیل جهت درماندگی دارد

صد بار بخواند سورهٔ فصلت یٰسٓ حم تنزیل حم الرحمٰن جهت رسیدن از بزرگان

هفتاد بار بخواند آن ظالم بر وی ظلم نکند حم عسق جهت دفع دشمن

چهل و یک بار باید خواندن سورهٔ الله خان یٰسٓ حم ذالک الکتاب امین

جهت رسیدن مراد هفت بار بخواند الرحمٰن جهت آسانی جان

کندن و دفع بلاها سه بار بخواند سورهٔ الی یه یٰسٓ حم تنزیل

جهت رفع دشمن چهل و یک بار باید خواندن احقاف جهت دفع

ماران گزیده بار باید خواندن سورهٔ محمد جهت حاجت چهل بار

بخواند مراد برسد انا فتحنا جهت عهد و وفا چهل و یک بار باید

خواندن سورهٔ انعام از برای برآمدن مهمات سه بار بخواند

انام از برای برآمدن تمام حاجات چهل و یکنوبت بخواند

یاسین از برای نصرت یافتن بر دشمن بست و یکبار بخواند

والبذاریات جهت دفع چشم زخم سه نوبت بخواند طله از برای

ترویح نبات و دفع سحر و نصرت بر اعدا بست و یکبار بخواند

سورة الروح جهت دفع بد کو بان سه بار بخواند و اگر صاحب

بواسیر بخواند بهتر شود صورة الفیل از برای دفع اعدا هفتاد و

پنج بار بخواند روم جهت دفع بیست و یکنوبت بخواند

لای امداد صد و بست نوبت بخواند در آنوقت که میان اعدا

تفرقه در انداخته باشد و اگر بنویسد با خود دارد اعدا او را مطیع

شوند حم از برای فراخی روزی هفت نوبت بخواند طسم

ملک آیات جهت بنده کرخته هفت بار بخواند طس ملک

ابابیل

آیات جهت غایب بیست دیگر بار بخواند زود بیاید سوره العصر

یعنی اقتربت جهت روز قیامت هر که بخواند فردا روی او چون ماه

تابان باشد یسبح الله امیرالمومنین علی فرماید که این سوره را باید

خواندن که ثواب عظیم دارد و قصیر، جهت آنکه از منزل کم نشود

بست و هفت بار بخواند الرحمن هر که این سوره بخواند حق تعالی

بر ضعیف او ببخشد کهف در روز جمعه بخواند خدا تعالی تا جمعه دیگر

در پناه خود نگاهدارد الم نشرح جهت غم و اندوه هفتاد بار

بخواند الواقعه بیوسته بخواند هرگز او را رنج و الم و غم و اندوه نرسد

و هرگز درویش نگردد روایتست از حضرت پیغمبر ص که امیر

المومنین علی ع را وصیت کرد که خدای عزوجل را باین دعا بسیار

یاد کن که تمام دعوات در ضمن این داخلست و دعای یا ... ست

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَحْمَدُکَ عَلٰی کُلِّ نِعْمَةٍ وَاَسْئَلُکَ
مِنْ کُلِّ خَیْرٍ وَاَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ وَ
اَسْتَعِیْذُبِکَ مِنْ کُلِّ بَلَآءٍ لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ روایتیست که حضرت پیغمبر ص
اصحاب را همچنین وصیت میفرمود که این کلمات را بسیار تکرار کنید

حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیْلُ نِعْمَ الْمَوْلٰی
وَنِعْمَ النَّصِیْرُ دعای مستجاب منقولست از ائمه
معصومین علیهم السلام که این دعا را برای هر مهمی و غمی
که بخوانند مطلوب حاصل گردد انشاء الله تعالی
و بزرگان دین تجربه بسیار کرده اند و باین طریق باید خواند
هفت بار بگوید لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا

یا اللہ وسیہ بار بگوید ایاک نعبد وایاک

نستعین وده بار بگوید اللهم فرج عنی برحمتک

یا ارحم الراحمین در تفسیر سامع آورده است

که هر چه که گناهی کرده باشد بعد ازان این دعا را بخواند حق

سبحانه وتعالی گوید یا ملائکه گواه باشید که چون این بنده مرا غفار

دانست وخضوع در اگناه کار او را ایمن گردانیدم دعا است یا رب انی عملت

ذنبا وعلمت بانک غفار فاغفر لی

برحمتک یا ارحم الراحمین روایت

چون کسی سوار شود بر فراز مرکب سه بار بگوید یا عباد الله

اعینونی تا سوار باشد از کل بلیات در حفظ وامان حق تعالی باشد

وچون در مجلس پادشاه رود این دعا بخواند یا با خود دارد عزیز وگرم ومحترم گردد دعا است

يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ
كُرْبَتِي اَحْرِسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ
وَاكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت است از امام جعفر صادق ع که هر که
در پس هر نماز چهل بار و سی بار نیز گفته اند بگوید
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ پیش از آنکه از جای خود بجنبد دعا کند آنچه
از حضرت حق سبحانه تعالی خواهد حاصل کرد و مراد یابد ان شاء الله تعالی
و هم از آنحضرت ع منقول است که هر که در هر صباح چهار بار بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شکر آن روز
بجا آورده باشد و چون در اول شب بگوید
شکر

شکر آشت بجا آورده باشد حضرت

پیغمبر صلی الله علیه گفت یا علی هر که در وقت 38

سختیها و در ماندگیها این کلمات بسیار بگوید

فلاح یابد و مراد حاصل گردد یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا لَآ اِلٰهَ

اِلَّا اَنْتَ بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغِیثُ فَاَغْفِرْ لِی

وَاَصْلِحْ لِی شَاْنِی وَفَرِّجْ هَمِّی بِرَحْمَتِکَ

یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ هٰذَا الدُّعَا مَرْوِیٌّ اَزْ زَیْنُ الْعَابِدِینَ

عَلَیْهِ السَّلَامُ ذُنُوبِی مِثْلُ اَعْدَادِ الرِّمَالِ

فَهَبْ لِی تَوْبَةً یَا ذَا الْجَلَالِ شَبَابِی کَالثَّرَا

بَدْئِی وَقَلِیلٌ وَشَیْبِی قَدْ نَا ذَنَّ یَا رَبِّ الْحَا

عَصَیْتُکَ جَاهِلًا یَا ذَا الْمَعَالِی هٰذَا

الدعاء النبي صلى الله عليه وآله وسلم

رسول صلی اللہ علیہ فرمود کہ ہر کہ ہر صباح این دعا بخواند تا شام در امان حق باشد و خیر بر یک بسیار حق تعالی او سلا کرامت کند بایدم از العلاص خلائق

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم إني أسألك من النعمة تمامها ومن العصمة دوامها ومن الرحمة شمولها ومن العافية حصولها ومن العيش أرغده ومن العمر أسعده ومن الإحسان أتمه ومن الأنعام أعمه ومن الفضل أعذبه ومن اللطف أنفعه

اللهم يا

اللَّهُمَّ كُنْ لَنَا وَلَا تَكُنْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اخْتِمْ

بِالسَّعَادَةِ آجَالَنَا وَحَقِّقْ بِالزِّيَادَةِ

39 أَعْمَالَنَا وَأَقْرِنْ بِالْعَافِيَةِ غُدُوَّنَا وَآمَالَنَا

وَاجْعَلِ التَّقْوَى زَادَنَا وَفِي دِينِكَ

اجْتِهَادَنَا عَلَيْكَ تَوَكُّلَنَا ثَبِّتْنَا عَلَى

نَهْجِ الْاِسْتِقَامَةِ وَاعْدِنَا مِنْ مُوجِبَاتِ

النَّدَامَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خَفِّفْ عَنَّا

ثِقْلَ الْأَوْزَارِ وَارْزُقْنَا عَيْشَ الْأَبْرَارِ

وَاكْفِنَا وَاصْرِفْ عَنَّا شَرَّ الْأَشْرَارِ

اعْتِقْ رِقَابَنَا وَرِقَابَ آبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا

مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ

يَا كَرِيمُ يَا سَتَّارُ يَا حَلِيمُ يَا جَبَّارُ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيَارِ الطَّاهِرِينَ الْأَبْرَارِ الدُّعَاءَ
الرَّفْعِ الْأَلِيمَ وَالْغَمَّ أَشْهَدُ أَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ
دُونِ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ بَاطِلٌ غَيْرُ
وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَقَدْ تَرَى مَا أَنَا فِيهِ
فَفَرِّجْ عَنِّي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اسناد دعای حرز امام جعفر صادق ع هر که در هر صباح و نماز
شام بخواند از جمیع آفات در امان حق باشد هَذَا الدُّعَاءُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَسْتَفْتِحُ وَبِبِسْمِ اللَّهِ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ سَوْلِهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ اللَّهُمَّ ذَلِّلْ
لِي صَعُوبَةَ أَمْرِي وَيَسِّرْ لِي خُزُونَتَهُ

أمرئ

امرئ وكل مؤمنة برحمتك يا ارحم

الراحمين شرح دعای ضمی قریش بدانکه این دعا

از مفصلات امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام

واورا در کوار دلست پوسته در لیل ونهار واوقات

اسحار ودرمیان دعای خود خواندی وباعبدالله عباس

این دعا وصیت کرد وفرمود که این دعای کسانی

را میاموزکه ما را امام ندانند وگفت هرکه این دعا را

بعد از نماز صبح بخواند چنان باشد که ختم قران کرده باشد

وبا دوازده امام موافقت کرده باشد وبا صد وست و

چهار هزار پیغمر نماز کرده باشد وهرگز دلتنگ نشود وهرکه

این دعا را ورد سازد چنان باشد که بدیدار امام صاحب

الزمان مشرف شده باشد و با حضرت امام حسین علیه السلام

در کربلا موافقت کرده باشد و شرح و خاصیت این دعا

بسیار است بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم

العن صنمی قریش و انکرا و جبتک و طاغوتهما

و جبتهما و طاغوتهما و اوثانهما و شیعتهما

و حزبهما و اتباعهما و اشیاعهما و من والاهما

و اعان علیک من الاولین و الآخرین اللهم

العنهم

اَللّٰهُمَّ بِعَدَدِ بِعَدَدِ كُلِّ مُنْكَرٍ اَتَوْهُ وَحَقِّ
اَحَقُّوْهُ وَمِنْبَرٍ عَلَوْهُ وَمُنَافِقٍ وَلَوْهُ وَمُؤْمِنٍ
اَرْجَوْهُ وَوَلِيٍّ اٰذَوْهُ وَطَرِيْدٍ اٰوَوْهُ وَصَادِقٍ
طَرَدُوْهُ وَكَافِرٍ نَصَرُوْهُ وَاِمَامٍ قَهَرُوْهُ وَ
فَرْضٍ خَلَّوْهُ وَاَثِمٍ اَنَلُوْهُ وَشَرٍّ اَثَرُوْهُ وَ
اَرَاقُوْهُ وَاَمْرٍ بَدَّلُوْهُ وَحِلْمٍ قَلَوْهُ وَكَذِبٍ
دَلَّسُوْهُ وَاِرْثٍ غَصَبُوْهُ وَفَيْءٍ اَقْطَعُوْهُ
وَسُحْتٍ اَكَلُوْهُ وَخُمُسٍ اَسْتَحَلُّوْهُ وَبَاطِلٍ
اَسَّسُوْهُ وَجَوْرٍ بَسَطُوْهُ وَنِفَاقٍ اَسَرُّوْهُ
وَعَهْدٍ اَضْمَرُوْهُ وَظُلْمٍ نَشَرُوْهُ وَوَاعِدٍ
وَاَمَانٍ خَانُوْهُ وَعَهْدٍ نَقَضُوْهُ وَحَلَالٍ

حَرَّمُوهُ وَحَرَامٍ اَحَلُّوهُ وَبَطْنٍ فَاتَقُوهُ وَ

ضِلْعٍ دَقُوهُ وَشِمْلٍ بَدَّدُوهُ وَذَلِيلٍ اَعَزُّوهُ

وَعَزِيزٍ اَذَلُّوهُ وَحَقٍّ مَنَعُوهُ اَللّٰهُمَّ

اَلْعَنْهُمْ بِعَدَدِ كُلِّ اٰيَةٍ حَرَّفُوهَا وَفَرِيضَةٍ

تَرَكُوهَا وَسُنَّةٍ غَيَّرُوهَا وَاَحْكَامٍ عَطَّلُوهَا

وَرَسُومٍ قَطَعُوهَا وَوَصِيَّةٍ ضَيَّعُوهَا وَ

بَيْعَةٍ نَكَسُوهَا وَشَهَادَةٍ كَتَمُوهَا وَدَعْوٰى

اَبْطَلُوهَا وَبَيِّنَةٍ اَنْكَرُوهَا وَعَقْبَةٍ

اَرْتَقُوهَا وَبَابٍ دَحْرَجُوهَا اَللّٰهُمَّ

اَلْعَنْهُمْ فِي مُسْتَسَرِّ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ

لَعْنًا كَثِيرًا اَبَدًا سَرْمَدًا لَا انْقِطَاعَ لِعَدَدِهِ

و

وَلَا نَفَادَ لِاَمَدِهِ لَعْنًا لَا يَعُوْدُ اَوَّلُهُ وَلَا

يَنْقَطِعُ اٰخِرُهُ وَعَلٰى اَعْوَانِهِمْ وَاَنْصَارِهِمْ

وَمُحِبِّيْهِمْ وَمَوَالِيْهِمْ وَالْمَائِلِيْنَ اِلَيْهِمْ

وَالنَّاهِضِيْنَ بِاَجْنِحَتِهِمْ وَالْمُعْتَقِدِيْنَ

بِمَوَدَّتِهِمْ وَالْمُتَصَدِّقِيْنَ بِاِجَابَتِهِمُ اللّٰهُمَّ

عَذِّبْهُمْ بِعَذَابٍ يَسْتَغِيْثُ مِنْهُ اَهْلُ

النَّارِ اٰمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ

روز عاشورا چهار رکعت نماز بخوبی رکوع و سجود بگذارد

در چهار رکعت بعد فاتحه و هر سوره که خواسته باشد بخواند

و بعد سلام رو بسوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام آورده بگوید

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا حَسَنَ الْمُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

الْأَئِمَّةِ مِنْ بَيْتِكَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكَ

وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى عَدُوِّهِمْ

أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

از برای تب لرزه و تب ربع و جمیع تبها باید نوشت

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مَرَجَ

الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا

يَبْغِيَانِ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا

مَحْجُورًا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا

عَلَى

عَلَى اِبْرَاهِيمَ ۞ اَلَا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ
الْغَالِبُوْنَ ۞ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا 43
لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِيْنَ اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُوْرُوْنَ
وَاِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُوْنَ ۞ وَلَهُ مَا
سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيْعُ
الْعَلِيْمُ ۞ يَا اُمَّ مِلْدَمٍ اِنْ كُنْتِ اٰمَنْتِ
بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ ۞ وَبِرَسُوْلِهِ
الْكَرِيْمِ ۞ فَلَا تَهْشِمِي الْعَظْمَ ۞ وَلَا
تَاْكُلِي اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِي الدَّمَ اُخْرُجِي
مِنْ حَامِلِ كِتَابِي هٰذَا نام بیمار را بنویسد
واگر زن باشد لفظ بنویسد اِلَى مَنْ لَا يُؤْمِنُ

بِاللّٰهِ الْعَظِيْمِ وَرَسُوْلِهِ الْكَرِيْمِ
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ اَعُيْذُ بِمَا اسْتَعَاذَ بِهِ مُوْسٰى
وَاِبْرَاهِيْمُ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَاٰلِهِ مِنَ الْحُمّٰى وَالنَّافِضِ وَالْغِبِّ وَ
الْعَتِيْقِ وَالرَّبِيْعِ وَالصِّدَاعِ اَللّٰهُمَّ كَمَا
لَمْ تَلِدْ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ غَيْرَ عِيْسٰى
فَلَا تَذَرْ عَلٰى هٰذَا الْاِنْسَانِ مِنْ هٰذِهِ
الْاَوْذَامِ وَالْاَوْجَاعِ وَالْحُمّٰى اِلَّا اَنْزَعْتَهُ
عَنْهُ فَلَا اُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُوْنَ وَ
مَا لَا تُبْصِرُوْنَ اِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُوْلٍ
كَرِيْمٍ

كَرِيمٌ ۞ اَقْسَمْتُ عَلَيْكَ لِمَا تَرَكْتَهُ
وَلَا تَأْخُذْ بِهِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۞ 44
قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ كُفُوًا اَحَدٌ ۞
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۞
قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ
النَّفّٰثٰتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ ۞
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۞ قُلْ اَعُوْذُ
بِرَبِّ النَّاسِ ۞ مَلِكِ النَّاسِ ۞ اِلٰهِ
النَّاسِ ۞ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۞

اَلَّذِيْ يُوَسْوِسُ فِيْ صُدُوْرِ النَّاسِ
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ بعد از سورهٔ اللّٰهُمَّ
اَسِقْ فلان بن فلان نام پدر را بنام مادرش نویسد
مِنْ حُمِّيَّ يَوْمٍ وَيَوْمَيْنِ وَثَلَاثَةِ
اَيَّامٍ وَحُمَّى رَبِيْعٍ فَاِنَّكَ تَفْعَلُ مَا
تُرِيْدُ وَتَحْكُمُ مَا تَشَآءُ وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيْرٌ بِسْمِ اللّٰهِ كَتَبْتُ وَبِسْمِ اللّٰهِ
خَتَمْتُ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ
الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ يَا مُنَجِّيَ نُوْحٍ
مِنَ الْغَرَقِ وَمُنَجِّيَ اِبْرَاهِيْمَ مِنَ النَّارِ

التمام

النمرود ومنجي موسى من اليم وملخص عيسى
من ايدي اليهود وناصر محمد صلى الله عليه
وآله على الاحزاب وناصر عليا ليلة
الهرير صل على محمد وآله الطاهرين
ساقي حامل كتابي هذا فلان بن فلانه نام بيمار را
ونام مادرش در اينجا بنويسد من كل مرض وداء وعلة
وبلاء وحمة ووباء برحمتك يا ارحم الراحمين

بسم الله

بذكر الرحمن
يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم
وآل ابراهيم وعلى محمد وآل محمد
وعلى فلان بن فلان
باذن الله تعالى

هههههه ✕ ✕ ٥٥٥٥٥٥

وهی صم نوشته بود بخط مبارک حضرت

امام رضا علیه السلام که بنویسند از برای اومی که تب داشته

باشد سه پارچه کاغذ را ور کاغذ اول بنویسد بسم الله الرحمن

الرحیم لا تخف انک انت الاعلی

روز اول فرو برد و ور کاغذ دویم بنویسد بسم

الله الرحمن الرحیم لا تخف نجوت من

القوم الظالمین روز دویم فرو برد و ور کاغذ سیوم

بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم

الا له الخلق و الامر تبارک الله رب

العالمین روز سیم فرو برد و بر سر هر سه کاغذ

بنام

بر هر کاغذی سه مرتبه قل هو الله احد نویسد و فرو برد که از خطرات

امام رضا علیه السلام منقول است از برای کسی که تب داشته

باخود دارد بجان فلان بن فلان نام بیمار و تبرش را بنویسد

دعائی که روز نوروز باید خواند اینست

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ السَّنَةُ جَدِيْدَةٌ وَاَنْتَ مَلِكٌ
قَدِيْمٌ * اَسْئَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيْهَا
وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيْهَا
وَاسْتَكْفِيْكَ مَؤُنَتَهَا وَشُغْلَهَا يَا ذَا
الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ * يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ
وَالْاَبْصَارِ * يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ * يَا
مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْاَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا اِلٰى

اَحْسَنَ الْحَالِ بِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَاُفَوِّضُ اَمْرِيْ اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيْرٌ بِا

لْعِبَادِ مَا شَاءَ اللّٰهُ قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ازبرای

مریض هر شنبه تا چهل روز او را خواند و کبوتر از دست خود پرواند

مُحَمَّدٌ بِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ حَسْبُنَا اللّٰهُ

وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ تَبَارَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِيْنَ

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ

این دعا حدیث بسیار دارد از برای مریض باید خواند که

ان شاء الله تعالی شفا می یابد اِلٰهِیْ بِحُرْمَةِ الْحُسَيْنِ

وَاَخِيْهِ وَجَدِّهٖ وَاَبِيْهِ وَاُمِّهٖ وَبَنِيْهِ

وَشِيعَتِهِ وَمَوَالِيهِ ✻ نَجِّنِي مِنَ الْغَمِّ
الَّذِي أَنَا فِيهِ ✻ و در وقت خواندن نجنی من الغم
الذی انا فیه صحیت خود را و آزار خود را در دل بگذراند
که حق سبحانه و تعالی وعده فرموده است که هر بنده مومنی که در شب جمعه
روایت است از حضرت آیه معصومین صلوات الله علیه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند
ده مرتبه این دعا بخواند بیامرزم صغیره و کبیره گناه او را اگر
فردای قیامت او را عذاب کنم پروردگار
او نباشم دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ ✻ يَا بَاسِطَ
الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ ✻ يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ
السَّنِيَّةِ ✻ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خَيْرَ الْوَرَى * بِحُرْمَةِ وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَى

فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ * وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى خَيْرِ

خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ * ازبرای آزار باید خواند

پنج وقت که بسیار محرب است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا شَدِيدَ الْقُوَى * يَا شَدِيدَ الْمِحَالِ * يَا

عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ ذَلَّتْ بِعِزَّتِكَ

جَمِيعُ خَلْقِكَ فَاكْفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ يَا

يَا مَنِيعُ يَا مُكْرِمُ يَا مُفْضِلُ يَا مُجْمِلُ يَا

إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ

نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ * مرویست از حضرت امیر المؤمنین علیه

السلام

السلام که بست وچهار روز در سالی نحس است که در آن روزها
شروع کند بهر کاری ناتمام بماند وطفلی که متولد شود نزید وجنگ کننده
فتح نیابد واگر درخت بنشاند بمراد نرسد وآن در ماههای دوازده
است که درین خانها نقش است وآن اینست

محرم	صفر	ربیع الاول	ربیع الثانی	جمادی الاول	جمادی الثانی
یازدهم	اول	دهم	اول	دهم	اول
چهاردهم	بیستم	بیستم	یازدهم	یازدهم	یازدهم
رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی القعده	ذی الحجه
یازدهم	چهارم	سیوم	ششم	ششم	هشتم
سیزدهم	بیستم	بیستم	هشتم	دهم	بیستم

48

وازحضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که در سالی
دوازده روز نحس است هر که بهنر کند از آنها نجات یابد

البسته خدر نمود که بسیار حوبست و در ماهی یکروز است

محرم	صفر	ربیع الاول	ربیع الثانی	جمادی الاول	جمادی الثانی
۲۲	۱۰	۴	۲۸	۲۸	۱۲
رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی قعده	ذی الحجه
۱۲	۴۶	۲۴	۲	۲۸	۸

مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم اگر کسی روز یکشنبه قطع کند رخت خود را غم باد میرسد و مبارک نیست و اگر در روز دوشنبه قطع کند مبارکست و اگر روز سه شنبه قطع کند سوخته شود یا مدزدی رود یا غرق شود و اگر روز چهارشنبه قطع کند چهار ماه بیان بسیار نصیب او شود و ملالش و محنت و اگر روز پنجشنبه قطع کند علم نصیب او شود و اگر روز جمعه قطع کند عمرش دراز شود و اگر در روز شنبه قطع کند تا که آن رخت در بدن او باشد مریض باشد مگر اینکه بجند یا نفرود شد صدق یا رسول الله و هم از آن

تمام

عالم منقولست که کسی که ناخن بگیرد در روز شنبه کله در
ناخن های او پیدا شود و کسی که روز یکشنبه بگیرد برکت از و برود
و کسی که روز دوشنبه بگیرد حافظ و قاری گردد و کسی که سه شنبه بگیرد
هلاک دارد و کسی که چارشنبه بگیرد بد خلق میگردد و کسی که روز پنجشنبه
بگیرد از و درد دور میشود و داخل شود در بدن او شفا و کسی که روز جمعه
بگیرد عمرش دراز گردد و مالش زیاده شود و تمت تمام شد

لبند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که جامه
نوی میپوشد سوره انا انزلناه را سه و شش مرتبه بخواند در هر مرتبه
که برسد به سرادق الملائکه اندکی آب بردارد و بر جامه بپاشد
باشیدن سهلی پس دو رکعت نماز در آنجامه بکند و دعا کند و از
دعا بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس و اواری به عورتی

وصلی صبیه ترا و حمد الهی کند پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن جامه

کهنه شود **دلسند مقبر** منقول است که چون حضرت امام رضا علیه السلام

جامه نوی می پوشیدند قدحی آب می طلبیدند و ده مرتبه سوره

انا انزلناه فی لیلة القدر و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و ده

مرتبه قل یا ایها الکافرون را بر اطراف میخواندند و بعد از آن آنرا

بر جامه می پاشیدند و میفرمودند که هر که پس از پوشیدن جامه چنین کند

پیوسته در فراخی عیش باشد تا وقتی که ناری از آن جامه بیابد باشد

من عیون الحیوة از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که

صد مرتبه بگوید یا رب صل علی محمد و آل محمد

صد حاجت او برآورده شود که سی حاجت از حاجتهای دنیا

باشد **دلسند مقبر دیگر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است

که هر که باین نحو صلوات بر محمد وآل محمد فرستد که صلوات

الله وصلوات ملئکته وانبیائه ورسله

وجمیع خلقه علی محمد وآل محمد ق

السلام علیه وعلیهم ورحمة الله وبرکاته

از گناهان پاک شود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون عطسه کنید

بگوئید الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی

محمد وآله وبنسبت معتبر دیگر منقولست که کسی که صدای عطسه

کسی را بشنود وحمد الهی بکند صلوات بر محمد واهل بیتش بفرستد

هرگز بدرد دندان و درد چشم گرفتار نشود من عین الحیوة

سید ابن طاوس علیه الرحمة بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام

روایت کرده است که اگر کسی خواهد که حضرت رسول صلی الله

علیه وآله وسلم را در خواب به بیند بعد از نماز خفتن غسل کند و چهار

رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی الحمد یکبار و آیة الکرسی صد مرتبه

بخواند و بعد از آن که از نماز فارغ شود هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد

بفرستد و جامه پاکی بخواید که بر روی آن رخت احرامی

نکرده باشد و دست راست خود را زیر رخ خود بگذارد و

صد مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وصد مرتبه ماشاء الله بخواند

انشاء الله تعالی آنحضرت را در خواب به بیند و از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام منقول است که اگر کسی خواهد که حضرت امیر المومنین

صلوات الله علیه را در خواب به بیند در وقت خواب این دعا

بخواند

نجواذکه اللهم انی اسئلک یا من له لطف
خفی وایادیه باسطة لاتقضی اسئلک
بلطفک الخفی الذی ما لطفت به لعبد الا
کفنی ان تریني مولای امیر المومنین
علیه السلام فی منامی وبسند معتبر از

51

بلقام منقولست که بحضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض
نمودم که دعائی تعلیم من کن که جامع مطالب دنیا و آخرت
من باشد حضرت فرمود که بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب بگو
سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله
واسئله من فضله بلقام گفت که حال من از همه کس
پریشان تر بود و برکت این دعا امروز حال من از همه کس بهتر است

تعقیب که پیش از تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام باید خواند

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ
مُسْلِمُوْنَ ۞ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ
لَهُ مُخْلِصُوْنَ ۞ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا
وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُوْنَ ۞ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ
اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ اٰبَائِنَا
الْاَوَّلِيْنَ ۞ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ وَحْدَهٗ
وَاَنْجَزَ وَعْدَهٗ وَنَصَرَ عَبْدَهٗ وَاَعَزَّ جُنْدَهٗ
وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهٗ فَلَهُ الْمُلْكُ
وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ۞ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ذُو الْجَلَالِ
وَالْاِكْرَامِ ۞ وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ ۞ اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي
مِنْ عِنْدِكَ وَاَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ
انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ
بَرَكَاتِكَ ۞ سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
اغْفِرْ لِي ذُنُوْبِي كُلَّهَا جَمِيْعًا فَاِنَّهُ لَا
يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ كُلَّهَا جَمِيْعًا اِلَّا اَنْتَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَحَاطَ بِهِ
عِلْمُكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحَاطَ

بِهِ عِلْمُكَ * اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ
فِيْ اُمُوْرِيْ كُلِّهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ
الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ * وَاَعُوْذُ بِوَجْهِكَ
الْكَرِيْمِ * وَعِزَّتِكَ الَّتِيْ لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ
الَّتِيْ لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ
الْاٰخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ كُلِّهَا وَمِنْ
شَرِّ كُلِّ دَآبَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ
رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ * وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ * تَوَكَّلْتُ عَلَى
الْحَيِّ الَّذِيْ لَا يَمُوْتُ * وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ
لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ لَّهٗ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

پس تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیه السلام بخواند

روایت است که رسول خدا شنید مردی را که میگفت

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاَنِّیْ اَشْهَدُ اَنَّکَ

اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْاَحَدُ الصَّمَدُ

الَّذِیْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا

اَحَدٌ پس فرمود که با خدائی که جان محمد بدست اوست

که تحقیق اینمرد سوال کرد و خواند خدا را بآن اسم اعظم که چون

خدا بآن خوانده شود اجابت مینماید و چون سوال کرده شود عطا میفرماید

وَمَنْ یَتَّقِ اللّٰهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَیَرْزُقْهُ

مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ

فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل

الله لكل شيء قدرا خاصیت اول اگر کسی در صدد باشد

دوازده هزار مرتبه بخواند دوام داده شود بعون الله تعالی دویم آنست

که کسی در بیابان گرفتار شود یا از تشنگی عاجز شده باشد این آیه بخواند

مقصود برسد سیوم آنست که اگر کسی را عدوی باشد که در قصد

مالک او باشد چهل روز هر روز چهل بار بخواند وی خود بدست خود

برادری رود البته آن دشمن دوست گردد چهارم اگر کسی

را بیماری رود هد که طبیبان عاجز شوند این آیه نوشته در شربت

حل نموده بمریض دهد اگر اجل رسیده باشد شفا یابد پنجم اگر کسی

تنگدست باشد چله بدارد روز اول چهل نوبت روز دویم هشتاد

نوبت هر روز چهل مرتبه مزید کند تا روز آخر حق تعالی کارش

او را

در ایک باید و احتیاج از وی برخیزد ششم اگر کسی را بادشاه
یا وزارت آرزو باشد چهل روز حیوانی نخورد روز اول چهل
نوبت و همچنین هر روز چهل نوبت اضافه کند تا روز چهلم
تمام کند مراد یابد والسلام الحب بوقت کسوف یعنی گرفتن آفتاب
یکصد و یکبار تبه بر برگ پان بخواند و خود بخورد بعمل می آید بعد ازان
یکصد و یکبار تبه بالای بیره برگ پان خوانده بهر که بخوراند البته
دوستی و عشق او یاده شود منتر هر ایان دهیلا چونا سوپا
سباری لباها کهیرهات ودن هات رس لون منهه دن
سارات رس لون جو میری بچن سے ملی تو کوندی نرک مین
ئری شکت کردگی ہلت هماری جهتا چتی کی دوهای حق
جتا کی دوهای دوهای لونا چماری کی جو میری بچن سے ملی

..... یار نگفتست که ..... یار مکی

از ..... کدز تو ..... زنهار نکی

سر و سر سر سر کر ... کین سر کن سر ار سر سر

..... سالہ بر سر ..... مہ زا



از ..... فلک ..... چرخ افتا

..... و ..... و ... بیازم با تو

از بہر  باده

رسک سر سم سسم سسہ دل را :: کہ نالند نگردد درای کریہ

چہار شنبہ و پنجشنبہ و جمعہ روزہ بگیرد و در ین سہ روز حیوانی نخورد

و با کس سخن نگوید و روز شنبہ اول طلوع صبح تا کمر در میان آب

جاری رو بقبلہ ایستادہ در اسم مطلوب یاد اسم مادر او را بر کف دست

(۱) ل

است تو بشته بطریق قنوت از دو دست بردارد هزار مرتبه بگوید

یا راحم المستضعفین • چون فارغ شود نماز صبح بجا آورد و در مکانی

که اراده دارد که مطلوب در انجا حاضر شود قدری عود و عنبر بکلدان

تر نموده بخور نماید که حضور مطلوب را رسد بشرط که قصد نامشروع

نداشته باشد ان شاء الله تعالی اگر خواهی که کسی را عاشق خود کنی

بیاید یکعدد پیاز سفید و سرش را کرده ببرد میانش را سوراخ

کند و چهل یکدانه فلفل سیاه بیارد و بر هر دانه فلفل سوره فاتحة

الکتاب یکبار بخواند و انگاه فلفل ها را در میان پیاز مذکور نهد

و سرش باز بنهد و سه میخ از چوب انار شیرین و سر پیاز بکوبد

و در آتش دهد آن که آتش بدو نرسد دفن کند از عشق بیقرار گردد

محرب است جهت ظفر و نصرت در روز پنجشنبه دوازدهم ماه رجب

اول ساعت مشتری باید نوشت نقش مبارکه ذیل

رب	رحمن	رحیم	رافع	رفیع	رازق	رؤوف	رشید	رقیب
رؤوف	رشید	رقیب	رب	رحمن	رحیم	رافع	رفیع	رازق
رافع	رفیع	رازق	رؤوف	رشید	رقیب	رب	رحمن	رحیم
رازق	رؤوف	رشید	رقیب	رب	رحمن	رحیم	رافع	رفیع
رحیم	رافع	رفیع	رازق	رؤوف	رشید	رقیب	رب	رحمن
رقیب	رب	رحمن	رحیم	رافع	رفیع	رازق	رؤوف	رشید
رفیع	رقیب	رافع	رشید	رحیم	رؤوف	رحمن	رازق	رب
رحمن	رازق	رب	رفیع	رقیب	رافع	رحیم	رشید	رؤوف
رشید	رحیم	رؤوف	رحمن	رازق	رب	رفیع	رقیب	رافع

9
1/0

سوره یاسین از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر چیزی را

قلبیست قلب قرآن سوره یاسین است هر که این سوره را در روز پنجشنبه

از شام بخواند در آن روز از بلاها محفوظ باشد و خدا او را روزی فراوان عطا

فرماید تا شام و کسی که در شب پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار

ملک را با او موکل گرداند که او را از شر شیطان مردود و هر آفتی

نماید و اگر در روز بمیرد حق تعالی او را داخل بهشت گرداند و در غسل او

سی هزار ملک حاضر شوند که استغفار از برای او کنند و مشایعت

او نمایند تا قبرش با استغفار و چون در لحدش گذارند آنملایکه در

میان قبرش ساکن گردند و عبادت الهی کنند و ثواب عبادت

ایشان از او باشد و قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند

او را ایمن گرداند از فشار قبر و پوسته از قبر او نور ساطع باشد تا اطراف

آسمان تا وقتیکه از قبر بیرون آید پس چون حق تعالی اورا از قبر بیرون

آرد آن سی هزار ملک با او باشند و مشابهت او کنند با او

سخن گویند و بر روش خنده کنند و بهر چیز او را بشارت دهند

و او را از صراط و میزان بگذرانند و او را در مقام قرب بجای بدارند

که هیچ خلق در پیش نبود تر باشد مگر ملایکه مقرب و پیغمبران مرسل و او

با پیغمبران باشد نزد حق تعالی در هنگامیکه مردم اندوه داشته باشند

و او بی اندوه باشد و در حالتی که مردم جزع داشته باشند او بی

باشد پس پروردگار عالم با او خطاب کند که ای بنده مومن هر چرا

خواهی شفاعت کن که شفاعت ترا قبول نمایم هر سوالی که از من خواهی

بکن که سوالت را رد نمی کنم پس او شفاعت کند و خدا قبول

فرماید و او سوال کند و خدا عطا کند و دیگر از احباب کند و او را

عذاب

حساب نکند و با دیگران در مقام حسابش ندارند و هر مؤمنی که

خواهی که در صحرا رقیامت باشد با و سرند و هیچ گناه از گناهان

او را نگیرند پس نامه خود را بگیرد و بهشت روان شود و مردم تعجب کنند

که سبحان الله این بنده را هیچ گناه نبوده و از رفیقان پیغمبر آخر الزمان

صلی الله علیه و آله و سلم باشد و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع

منقول است که هر که در عمر خود یکبر تبه سوره یس را بخواند حق تعالی

بعدد هر خلقی که در دنیاست و هر خلقی که در آخرت است و هر خلقی که در آسمانست

بعدد هر یک از ایشان ده هزار حسنه از برای او بنویسد و ده

هزار هزار گناه از و محو فرماید و نفقه و قرض خانه بر برسش فرو ماندن

و تعب و مشقت و دیوانگی و خوره و وساوس و دردهای ضرر

رساننده مبتلا نشود و حق تعالی سکرات و اهوال مرگ را

از و تخفیف دهد و خود قبض روح او نماید و ضامن شود از برای او

روزی را و او را شاد گرداند و چندان ثواب باو کرامت فرماید

که او راضی شود و حق تعالی خطاب فرماید بملایکه آسمانها و زمین که

من از فلان بنده راضیم از برای استغفار نمائید پس دیگر منقولست

که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام از بواسیر شکایت

نمود حضرت فرمودند که کلیس را با عسل بنویس و حل کن و بخور

و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از

برای دفع لکهای سفید و برص که در بدن بهم رسد سوره یس را بنحل

بنویس و بخور سوره الفتح از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که حفظ نمائید اطفال و زنان و بنده های خود را بخواندن سوره انا فتحنا

بدرستی که کسی که بر خواندن این سوره مداومت نماید در زندگانیت

نماند

منادی از جانب رب العزت ندا کند که همه خلایق نشنوند که تو از

بندگان مخلص مائی ایملایکه او ملحق گردانید به بندگان شایسته ما و سوره واقعه را

از حضرت صادق علیه السلام بهشت جاوید گشید و از شراب سربمهر بهشت منقول است 58

هر که در شب جمعه سوره واقعه را که با کافور ممزوجست با و بخوانید که بنده

خاص است آن را بخواند خدا او را دوست دارد و مردم را دوست

او گرداند و به مال و فقر و احتیاج نه بیند و هیچ آفتی و بلای مبتلا نشود

و از رفقای امیر المومنین علیه السلام باشد و این سوره مخصوص آن

حضرت است و بسند معتبر دیگر منقولست که هر که مشتاق بهشت

و وصف آن باشد سوره اذا وقعت الواقعه را بخواند تمت

تمام شد سورة الملک از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که هر که سوره تبارک الذی بیده الملک در شب در نماز واجب

پیش از خواب بخواند بوسته در امان الهی باشد تا صبح

شود و در روز قیامت در امان الهی باشد تا داخل بهشت شود

و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سوره تبارک الملک

را مانعیت که از عذاب قبر منع میکند و نامش در تورات سوره الملک

است و هر که در شب بخواند بسیار عبادت و تلاوت کرده و نیکو

کرده است و آن شب او را از غافلان ننویسند بدرستی که من در

نماز و تیر بعد از نماز خفتن میخوانم و چه رم در روز و شب هر دو میخواند

هر که این سوره را بخواند چون نکیر و منکر در قبر او در آیند چون از

جانب پایش در آیند بازدارش بایشان گویند که نماز را

از جانب من راهی نیست زیرا که این بنده هر شب در روز با

می ایستاد و سوره الملک را میخواند و چون از جانب سرش

بگذرند

بیایند شکمش بایشان خطاب کند که شما را از جانب من
راهی نیست بدرستی که این بنده در من جا داده بود سورة الملک را
وچون از جانب زبانش بیایند بایشان گویند که شما را از جانب 59
من راهی نیست زیرا که این بنده شب و روز سورة الملک را تلاوت
میفرمود و در من جاری میساخت سورة الرحمن بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که سورة الرحمن را مداومت
نماید و مستحب است که در صبح روز جمعه سورة الرحمن را بخواند و هر مرتبه
که بگوید فبای آلاء ربکما تکذبان لا شیء من آلائه تکذب اکذب اگر
در شب بخواند و در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و اگر در روز بخواند
و در آن روز بمیرد شهید مرده است تمت تمام شد سورة الجمعة
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که واجب و لازم است

هر که از شیعه ما باشد در نماز شام و خفتن شب جمعه سوره جمعه را

بخواند چون چنین کند چنان باشد که بعمل حضرت رسول صلی الله

علیه و اله و سلم عمل نموده باشد و ثواب او نزد خدا تعالی بهشت

باشد تمت تمام شد سورهٔ عم یتساءلون از حضرت رسول صلی الله علیه و اله

و سلم منقولست که هر که سوره عم یتساءلون را بخواند از دنیا

نرود تا توفیق زیارت کعبه معظمه بیابد تمام شد سورة المزمل

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره مزمل

را در نماز خفتن یا در نماز شب بخواند شب و روز آن سوره

هر سه شاهد و گواه او باشند در قیامت و خدا او را باز زندگانی

نیکو زنده دارد و در مردن نیکو بمیراند تمت تمام شد از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم

فرمود

فرمود که چون بنده اراده حسنه میکند اگر آن حسنه را نکرد بمحض

آن نیت خیر خدا یک حسنه در نامه اعمال او مینویسد اگر بجای آورد

خدا ده حسنه در نامه عملش مینویسد و اگر اراده گناهی میکند اگر بجا

نیاورد بر وجهی نمینویسند و اگر بجای آورد تا هفت ساعت

او را مهلت میدهند ملک دست راست که کاتب دست

حسنات است ملک دست چپ که کاتب حسناست

میگوید که نمیخواهی بنویسی که حسنه میکند که این

گناه را محو کند زیرا خدا تعالی میفرماید در سنه که حسنات گناهان

حسنات را بر طرف میکند یا شاید که استغفاری میکند که گناهش

آمرزیده شود پس اگر گفت کر اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِیْ

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ

الحکیم الغفور الرحیم ذو الجلال والاکرام والیه

برو جبرئیل می نویسند و اگر هفت ساعت گذشت و حسنه و

استغفار نکرد ملک دست راست بدیگری میگوید که

بنویس بر این شقی محروم آنچه باید نوشت پس بنویسند گناه را

در بیان ایام مولود حضرت رسالت پناه و حضرت امیر المومنین

و حضرات ایمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و ایام وفات

ایشان محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف

صلوات الله علیه و آله وسلم کنیت ابو القاسم مولود در مکه

واقع شده از روز جمعه نزدیک طلوع فجر هفدهم ماه ربیع الاول

بود موافق قول سنیان دوازدهم است و در حدیث نیز وارد

شده که هر گاه در حدیث سنیان مخالف وارد شده باشد

عمل

عمل حدیثی باید کرد که موافق قول سنیان نباشد لهذا اصحاب عمل

نگرده اند والده حضرت آمنه بنت وهب بنت عبد مناف

حامله شد از پدر او عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف 61

در ایام تشریق که آن یازدهم ماه ذی الحجه است خانه ایشان بر دنگ

وسط در همقام شعب است وجواب آن نیز در کتب مذکور است در روز

بیعت او بر رسالت بیست و هفتم ماه رجب است وارنسن مبارکش

چهل سال گذشته بود و در شب بیست و هفتم در روز آن دوازده

رکعت نماز زیارت آنحضرت بسبب است و در بیست و یکم ماه

رمضان آنحضرت را معراج واقع شد و در سال سیزدهم از بعثت

در شب پنجشنبه از مکه بهجرت بمدینه کرده و در همین شب حضرت

امیر المومنین بخانه پیغمبر صلعم خوابیده و نفس خود را فدای آنحضرت

نمود تا انکه در قران بدینوا سطه مدح آنحضرت وارد شده و در ماه
ربیع الاول حضرت خدیجه مادر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را
در حباله خویش در آورده و حضرت در آنوقت بیست پنجساله
بود خدیجه کبرا چهل ساله و در همین روز جد آنحضرت وفات یافت
و در آنوقت جد آنحضرت شصت ساله بود و در روز دهم رمضان
از سال دهم از بعثت خدیجه بنت خویلد وفات یافت
آنحضرت روز دوشنبه هشتم ماه صفر سال یازدهم
هجرت او از مکه بمدینه واقع شده و بعضی از مجتهدین گفته اند
که وفات حضرت هم بهم ربیع الاول بوده و سن ایشان شصت
و سه سال بود در بیان حضرت امیر المومنین علیه السلام
اسم مبارکش علی کنیتش ابو الحسن پدرش ابو طالب
و مادر

برادر عبد الله پدر پیغمبر مادر او فاطمه بنت اسد بن هاشم بن

امیر المومنین برادر اتش هاشمی اند که متولد شده اند از اولاد هاشم

ولادت او در اندرون خانه کعبه سیزدهم ماه رجب و در بعضی

روایات هفتم ماه شعبان وارد شده بعد از تولد حضرت رسالت پناه

صلی الله علیه و اله سی سال روز نصب آنحضرت بامامت مقرر شده

هجدهم ماه ذی الحجه سال دهم از هجرت و در همین روز سال

و چهارم از هجرت عثمان بن عفان کشته شد خلق تر آنحضرت

بیعت کردند و در همین روز موسی علیه السلام بر ساحران

غالب آمده و در همین روز ابراهیم علیه السلام از آتش

نجات یافت و درین روز موسی وصی خود یوشع و سلیمان

آصف نموده اند و سایر اوصیا و انبیا درین روز تعین شده اند

در بیست و چهارم این ماه حضرت پیغمبر و حضرت امیر المومنین و

حضرت فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم الصلوات و السلام مباهله با

جهودان کرده اند و در بیست و پنجم حضرت امیر المومنین انگشتری

خود تصدق نمود و آیه انما ولیکم در ان باب نازل شده و در بیست

و پنجم این ماه حضرت امیر المومنین و حضرت فاطمه بر مسکین و یتیم

و اسیر تصدق نموده اند و قرص های نان خویش با وجود گرسنگی

و احتیاج خویش بخیرات داده اند در ان باب سوره هل اتی

نازل شد و در بیست و ششم ماه مذکور عمر را زخم زده اند و در بیست و هفتم

اینماه سال سی و سیم هجری عمر فوت شد و شهادت آنحضرت

در مسجد کوفه در شب جمعه بیست و یکم شهر رمضان سا

واقع شده در همین شب عیسی علیه السلام را باسمان بر

شب موسی عمران بجوار رحمت ایزدی پیوست وصی او یوشع بن

نون وفات یافت بدفن او نجف اشرف کوفه و سس نفیس

شصت و سه سال در بیان حضرت فاطمه زهرا بنت حضرت رسالت

پناه صلی الله علیه و آله و سلم و مولود در مکه واقع شده بعد از بعثت

به پنج سال اما وفات او بمدینه بعد از وفات حضرت رسالت پناه صلی

الله علیه و آله و سلم بصد روز و در مدفون او خلاف است اصح آنست

که در خانه خود که بود چنانچه مذکور شد بعد از انکه مسجد پیغمبر

را بزرگ ساختند آنخانه داخل مسجد شده و در میان منبر و قبر

رسالت پناه است و در بقیع نزدیک امام چهارم اختیار نموده

ایشان باید کرد و در نصف ماه رجب تزویج حضرت فاطمه و

حضرت امیر المومنین علیهما السلام واقع شده در ماه پنجم هجرت سن حضرت

فاطمه یازده ساله بود و در همین روز سال هجرت قبله تعمیر شده

بکعبه در بیان حضرت امام حسن علیه السلام کنیت او ابو محمد سید شباب

جشنه مولود او مدینه روز سه شنبه نصف ماه رمضان سال دوم

از هجرت و بعضی از مجتهدین سال هشتم بدقتش بقیع یوم

وفات او روز پنجشنبه هفتم صفر سال چهل و نیه از هجرت و بعضی گفته

اندشش شریفش چهل و هشت سال بود و بعضی چهل و هفت

نیز گفته اند در بیان حضرت امام حسین علیه السلام سید شباب اهل جنه کنیت

او ابو عبد الله و مولودش مدینه آخر ماه ربیع الاول سال سیم

از هجری و بعضی گفته اند روز پنجشنبه سنه سوم رمضان و بعضی سنه پنجم

ماه شعبان سال چهارم از هجرت شش شریفش پنجاه و شش سال

در بیان حضرت امام زین العابدین علیه السلام کنیت او ابو محمد مادرش شاه زنان

بنت شیرویه بن کسری پرویز و بعضی گفته اند دختر یزدجرد مولدش مدینه

روز دوشنبه پنجم شعبان سال سی و سه از هجرت و بعضی سی و هشت

گفته اند مدفنش بقیع پیش عم خویش در بیان امام حضرت محمد باقر

علیه السلام کنیت او ابو جعفر والده اش ام عبد الله بنت الحسن بن علی

پس از اول علوی است که از دو علوی بوجود آمده مولدش مدینه

روز دوشنبه سیم صفر سال پنجاه و هفت از هجرت و آنچه مذکور شد

علامه شیخ شهید در تحریر دروس نقل کرده اند و چون وفات

حضرت امام حسین علیه السلام در سال شصت و یک واقع شده

پس روز شهادت آنحضرت امام محمد باقر علیه السلام چهار سال داشته

چنانچه صدوق علیه الرحمة در کتاب من لا یحضر الفقیه نقل کرده مدفنش

در بقیع پهلوی پدر خویش یوم وفاتش روز دوشنبه هفتم ذی حجه صدو

چهارده از هجرت و بعضی شانزده گفته اند مسن شریفش پنجاه

و هفت سال در زمان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کنیت او ابو عبد الله

مادرش ام فروه و بعضی گفته اند که اسم مادرش فاطمه است و لقب او

ام فروه است و مولدش مدینه روز دوشنبه هفتم ربیع الاول

سال هشتاد و سه از هجرت مدفنش در بقیع در پهلوی پدر خویش

و قاتلش نصف ماه رجب و بعضی شوال گفته اند سال صد و چهل

و هفت از هجرت سن شریفش شصت و پنج سال

امام موسی کاظم

علیه السلام کنیت او ابو الحسن و ابو ابراهیم و ابو علی

مادرش حمیده مولدش ابواء است میان مکه و مدینه

روز یکشنبه هفتم صفر سال صد و سی و هشت از هجرت و بعضی

صد و سی و هفت گفته اند مدفنش مقبره قریش به بغداد در روز

بیست و پنجم

بست و چهارم رجب سال صد و هشتاد و یک گفته اند

سن شریفش پنجاه سال و در زمان حضرت امام رضا علیه السلام

کنیتش ابوالحسن مادرش ام ولد مولدش در مدینه روز

پنجشنبه پانزدهم ذی قعده و بعضی بیست و سیم گفته اند سال صد

چهل و هشت هجری مدفنش طوس خراسان سال دویست

و سه هجری سن شریفش پنجاه و پنج سال و در زمان حضرت

امام محمد تقی علیه السلام کنیتش ابو جعفر پدرش امام رضا

علیه السلام مادرش خیزران ام ولد از اهل بیت ماریه قبطیه

مولدش مدینه در نصف ماه رمضان سال صد و نود و پنج هجری

مدفنش مقابر قریش بقرب جدش بغداد ایام وفاتش

آخر ماه ذی القعده و بعضی گفته اند در روز سه شنبه یازدهم ماه

ذی قعده سال دویست دوست هجری سن شریفش بست و نجاه

در بیان حضرت امام علی نقی علیه السلام کنیتش ابوالحسن پدرش

محمد جواد مادرش سمانه ولد مولدش مدینه نصف ذی الحجه

یا بعضی گفته اند بست و ششم سال دویست و دوازده هجری مدفنش خانه

خود با سامره روز دوشنبه سال سیم رجب سال دویصد و بنجاه

و چهار و بعضی دویم رجب نیز گفته اند سن شریفش چهل و یک سال

و نیمه ماه در بیان امام حسن عسکری علیه السلام کنیتش ابو محمد پدرش

امام علی نقی علیه السلام مادرش حدیثه ام ولد مولدش مدینه

دهم ربیع الاول و بعضی روز دوشنبه چهارم ماه مذکور گفته اند سال

دویست و سی هجری مدفنش در خانه پدرش در سر من رای روز

یکشنبه و بعضی گفته اند روز جمعه هشتم ربیع الاول سال دویست شصت

هجری

هجری ستین شریفش بیت و هشت سال و شیخ مفید علیه الرحمة فرموده

که از بیرون خانه زیارت ایشان باید کرد چه بی اذن داخل خانه ایشان نا

میتوان شد و اصح آنست که جایز است دخول چه ائمه معصومین صلوات

الله علیهم اجمعین مال خود را بشیعه خود حلال کرده اند چنانچه در احادیث

وارد شده در بیان صاحب الامر حضرت علیه السلام کنیتش ابو القاسم مادرش

صیقل و لقبش حجت و بعضی مریم بنت زید گفته اند مولدش

سُرَّ من رای در شب نصف ماه شعبان سال دویست پنجاه و چهار

گفته اند و این آن شخص است که ظهور او متحقق است و بر خواهد کرد

زمین را از عدل چنانچه از جور پر شده باشد تاریخ روز پنجشنبه چهارم

شهر جمادی الاول در بغداد جهت زیارت حضرت حوا رفته

و در بیت الله الحرام در روز پنجشنبه بیست و یکم شهر مذکور زیارت

سنگ جای آرنج حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و سنگ

که بر آنحضرت سلام کرده و خانه حضرت فاطمه علیها السلام و خانه

خدیجه کبرا و مسجد حضرت فاطمه ع و جای تولد آسیا آنحضرت

و در جنت معلی روضه خدیجه کبرا و روضه ابوطالب و روضه

هاشم و روضه عبد مناف و جای تولد حضرت پیغمبر صلی الله علیه

وآله وسلم و در جبل النور رفته مکانیکه حضرت رسول ص را در آنجا

نور به سینه مبارکش قرار یافته و در همانجا مکانیست که حضرت

در آنجا عبادت میکردند و مکانی که در آنجا بلال مؤذنی می بوده و

رکعت در هر مکانی نماز کرده و زیارت کرده و در کوه ابو

رفته جاییکه بلال از آن میداد زیارت کرده و دو رکعت نماز گذارده

و شق القمر را زیارت کرده و دو رکعت نماز گذارده و جاییکه حجاج

سادات

سادات را مقید میساخت بعد از چند روز ملکشت نبطرا در آورده

و از انجا بخانه ابو طالب آمده زیارت کرده و دو رکعت نماز

گذارده از انجا که روانه مدینه طیبه گردیده و بمکانهای متبرکه مشرفه

وارد شده ابتدا در بدر مزار شهدا که در آنزمان حضرت رسالت پناه

با کفار قریش محاربه داشتند قدری در آن مکان نشسته از

آمد بالای سر مبارک سایه افکند الحال در انجا مسجدیست مشهور

بمسجد عمامه متصل آن احاطه ایست که سبزه تن در یکجا

فیض مآب بدرجه شهادت فائض گردیدند اسامی شهدا

عبید بن الحارث و عمر بن دعاص المطعم ذو الشمالین منبر ابن عبد المطر

عاقل ابن البکیر صفوان سعد ابن خثیمه حارثه عمر ابن الحمام السلمی

مهجع مولا عمر ابن الخطاب یزید بن الحارث الحارثی رفیع ابن

المعلی الحنیمی عوف بمعود ابن الحارث ابن رفاع ودر همان مکان

کوهیست که شق شده وآنحباب از میان آن دره عبور فرمودند

ودشکیست که حضرت پشت مبارک بان داده بدرگاه مجیب الدعوات

استغاثه نمودند وباجابت مقرون گردیدو در صفر از زیارت

بابا زرعفاری رحمة الله وداخل مدینه طیبه گردیده باستان نبوت

مرقد مطهر منور مزین حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم

وحضرت سید النسا فاطمه الزهرا صلوات الله علیها وحضرت

آیمه بقیع اعنی شهید مسموم اسماء پر جفا حضرت امام حسن مجتبی ع

وحضرت سید الساجدین امام زین العابدین ع وگنجینه علوم

اول وآخر حضرت امام محمد باقر ع وامام بحق ناطق حضرت امام

جعفر صادق ع وطیب الانفاس حضرت عباس عم رسول خدا ص

۱۱۹۹

و فرزند رسول کریم حضرت ابراهیم و بنات رسول الله رقیه و ام

کلثوم و زینب و حلیمه بنت سعدیه مرضعه نبی الله و حضرت

عقیل برادر حضرت امیر و ازواج طاهرات آن حضرت ام حبیبه 68

زینب صفیه سوده ام سلمه میمونه در روایتی فاطمه در راه مدینه

و خدیجه در مکه معظمه و عائشه در شام و حفصه در مدینه طیبه در اسمعیلی

فرزند حضرت امام جعفر صادق ع و پاک طینت طیب الجد

فاطمه بنت اسد والده حضرت علی ابن ابی طالب و از اصحاب

آن حضرت عثمان بن مظعون و جابر بن عبد الله انصاری و

عبد الله ابن مسعود و سایر مساجد چون مسجد قبا و مسجد شمس و

مسجد المصلی و مسجد الکشف و مسجد مرکن الناقه و مسجد الابه

و مسجد حضرت و مسجد جحفه مرقد علی و مسجد حضرت فاطمه صلوات الله

علیهما و حضرت رسالت پناه خاتم مبارک در و انداخته که

شیرین گردید و باغ فدک و درخت خرما که خم شده بانحضرت

سلام کرده و سنره حسنین و مکان زانوهای ستر حضرت

امیر علیه و مسجد که شترهای آنحضرت در انجا می نشستند و مسجد الاجابه

و مکانی که در جنب احد انجناب زره پوشیدند و زیارت

سید الشهدا و مکانی که دندان مبارک شهید شد و مزار شهدا

که از روی تواریخ معلوم است و جاهکه از زن کافره حضرت گرفتند

و آب دهن مبارک در و انداختند و مسجد دو قبلتین و مسجد فتح

و مسجد سلمان فارسی و مسجد حضرت مرتضی علیه السلام و منزوبه ام ابراهیم

و جاهکه دندان مبارک را غسل دادند در هر مکانی زیارت کرده

و در هر کعت نماز بجای آورده و نیابت هر یک از دوستان و آشنا

خوانی

* بعد الموقف و جا بگذارد ص

خویش دبکانه فردا آفردا نام نموده ودعا وزیارت کرده چهارم

شهر شعبان المعظم سوار جهاز اله یکی از بندر مبارک سورت

شده وغره شهر ذی قعده الحرام در رسید در بندر عدن که

بندر لست از ملک یمن رسیده بعضی مردم در پنجم شهر مذکور و

بعضی در پانزدهم شهر مذکور از جهاز پائین آمده مست و دوم

شهر ربیع الاول از بندر عدن سوار جلده شد تا بمخه بهشت بهر

آمده از مخه تا حدیده بهشت بهر آمده و از حدیده تا لکامران شش

بهر آمده در مخه ده روز مقام کرده در حدیده یازده روز مقام کرده در

کامران دو مقام کرده از کامران تا قمقم قصبه سه روز راه است دعا

ام الصبیان روایت از حمید که یکی از صحابه حضرت سلیمان ع

که آصف نام شخص بود دختری داشت و آن دختر بکر نوزده ساله

69

دعا ام الصبیان

جهت سرشستش سایه بروی افتاد که نوره میزد و فریاد میکرد و بطاقت

شده بود آصف دختر را پیش حضرت سلیمان آورد پیش سلیمان دختر را

پیش خود طلبید و گفت چه نوع صورتی در نظرت در آمد وی گفت

یا حضرت سلیمان جمیع لشکر خود را حاضر گردان تا او را تعیین نمایم

هر چند حاضر میشدند وی میگفت که اینها نیستند تا آنکه ام الصبیان

در رسید چون دختر او را دید نعره بزد که اینست آن صورت

که من دیده ام سهمناک و هشت پستان دارد و در هر پستان

بچه بندد و او را صد سر است و بر هر سری صد دهان و بر هر

دهان صد زبان حضرت سلیمان او را پیش خود طلبید

تو کیستی و نام تو چیست وی گفت که من ام الصبیان نام

دارم حضرت سلیمان گفت عمل تو چیست گفت عمل من آنست

که

که بر فرزندان آدم رشک می برم و قصد فرزندان نمی آدم

میکنم و هرگاه که زن حامله باشد من سایه خود را به پشت او افکنم

بیواسطه بچه او را زیان رسد و اگر بچه تنها باشد من دم خود را 70

بادرسانم تا آنکه بیمار شود چنانچه سر او بزرگ شود و تن او باریک

شود تا آنکه بمیرد و اگر پستان من بخورد دیگر پستان مادر نگیرد

شکل وی را بدل کنم و فرزند از خوف من ایمن نباشد و اگر

کسی در میان سایه آفتاب در خواب شود من سایه خود را

بروی افکنم و در اندام پیدا کند و اگر در خانه تاریک یا

کنار آب روان یا کنار شور آتش دیگدان نخوابد من سایه خود را

بروی اندازم تا بیخود شود و طرفه که سر گشاده باشد و در انجا

چیز خوردنی نباشد من سایه خود را بروی افکنم هر کس که بخورد

۱

مخهها در وی هم رسد من از خون می ترسم سلیمان گفت

تا از اینجا بشنود گفت مرا مگسید که از هر قطره خون من صد هزار

همچو من پیدا شود حضرت سلیمان ذر فکر کار وی باشد که چه

علاج کند از جانب حضرت عزت وحی آمد بحضرت سلیمان که

این دعای عظیم را بفرزندان آدم بیاموز تا با خود دارند تا

از شر جن و شیاطین و از خوف ایمن باشند و هر که این

غریمت را با خود دارد در امان الله تعالی باشد و کار بروی

آسان گردد و شرح این دعا بسیار است اما مختصر کردیم

چون مقصد دعاست والله اعلم بالصواب بسم الله

الرحمن الرحیم بسم الله الاعز الا

فی علو عزته عزازة حذ من اعز ندیم ا

وَالْعِزَّةُ لَهُ الْعِزَّةُ عِزَّ اللّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

اٰدَمُ صَفِيُّ اللّٰهِ وَنُوْحٌ نَجِيُّ اللّٰهِ وَاِبْرَاهِيْمُ

خَلِيْلُ اللّٰهِ وَمُوْسٰى كَلِيْمُ اللّٰهِ وَعِيْسٰى رُوْحُ ٦١

اللّٰهِ وَسُلَيْمَانُ بْنُ دَاوٗدَ نَبِيُّ اللّٰهِ وَمُحَمَّدٌ

الرَّسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ

نَبِيًّا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِيْنِ وَاَنْعَاظِ

وَاُمِّ الصِّبْيَانِ وَاَدِّهِمْ وَالزَّرِيْعِ اُحْضُرُوْا

بَارَكَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَعِظَمِ اللّٰهِ وَ

عَظَمَتِهٖ وَعَوْنِ اللّٰهِ وَقُوَّةِ اللّٰهِ وَكُتُبِ اللّٰهِ

وَقُدْرَتِ اللّٰهِ وَاَمَانِ اللّٰهِ وَحِرْزِ اللّٰهِ وَ

ضَمَانِ اللّٰهِ وَهَيْبَتِ اللّٰهِ مَا جَرَى بِهِ الْقَلَمُ

مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ عَلٰى عِنْدِ خَلْقِ اللّٰهِ مُحَمَّدٌ اَلرَّسُوْ

اللّٰهِ عَزَمْ عَلَيْكُمْ بِتَعَازِيْمِ الْاَعْظَمِ بِتَعَازِيْ

سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَ مَلَكِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ

وَالشَّيَاطِيْنِ وَالْعِيْلَانِ اِحْضُرُوْا بَارَكَ

اللّٰهُ عَلَيْكُمْ اُعِيْذُوْا بِاللّٰهِ مِنْ شَدِّ الْاٰكَامِ وَ

الْاَجْذَامِ وَالْعُمْرَانِ وَتَقَدَّسَ اَسْمَآؤُهٗ وَ

عَظَّمَةِ الْاِمِّ بِهٖ سَمَآؤُهٗ وَاعْيُذُوْا بِالْاَوَّلِ

قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْاٰخِرِ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ فَتَبَارَكَ

اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِيْنَ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ اُخْرُجْ

اَيَّتُهَا الشَّيْطَانُ الرَّجِيْمُ بِاِذْنِ اللّٰهِ الْمَلِكِ

الْقُدُّوْسِ اِنْ كُنْتُمْ اَزْوَاجَ الْمُسْلِمِيْنَ مِنَ اَرْوَ

الیهود والنصاری ومن ازواج المجوس

فانی اعزکم بتوراته موسی وانجیل

عیسی وزبور داود وفرقان محمد

المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم ولا

حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

برحمتک یا ارحم الراحمین قوله تشبیه

بتقریر از شیخ بهاء الدین عاملی وعلمای دیگر رضوان الله

علیهم منقول است که چون کسی را مهمی دشوار پیش آید چهار

خط بکشد وخطی درمیان وچهار خط نیز وآنرا قبله رسالت پناه

خیال کند ودر جای خلوت باوضو رو بقبله وردیان قبر شریف

نموده هزار مرتبه بگوید صلی الله علیک یا رسول الله

آن مهم بکفایت انجامد که مجرب است ... این شکل

بتولید و بزن حامله عرض کند که انگشت بر سر اسم کواکب

سبب هر کدام که خواهد بگذارد بفرمان حق تعالی اگر انگشت بر

عطارد یا شمس یا تمر گذارد پسر آورد و اگر بر زهره یا مریخ یا مشتری

بدارد دختر زاید شکل اینست

عطارد	شمس	قمر
مریخ	مشتری	زهره

طلسم محبت نام طالب و مطلوب را در میان طلسم نوشته

بوقت نماز شام در زمین دفن کند الفت تمام بهم رسد

۲۷	۲۶	۲۵	۲۴
۳۱	۳۰	۲۹	۲۸
۳۵	اسم طالب و مطلوب		۳۲
۳۴	۳۳	۳۳	۳۲
۳۹	۳۸	۳۷	۳۶

شجره دوازده امام علیه السلام حضرت امام حسن ع

در بقیع در کربلا حضرت امام حسین ع و حضرت امام زین العابدین ع

و حضرت امام محمد باقر ع و حضرت امام جعفر صادق ع در بقیع و حضرت

امام موسی کاظم ع در بغداد و حضرت امام رضا ع در مشهد مقدس

و حضرت امام محمد تقی در بغداد و حضرت امام علی نقی ع در سامرّه

و حضرت امام حسن عسکری ع در سامره و حضرت امام محمد مهدی

در حیات و در غار و ارحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه

همچده فرزند بودند فاضل ترین حضرت امام حسن ع و حضرت

امام حسین ع بودند در میان برادران خلافت و ولایت امام

حسن ع و حضرت امام حسین ع را رسید و حضرت

امام حسین ع را سه فرزند بود علی اکبر و علی اصغر و حضرت

امام زین العابدین خلافت حضرت امام زین العابدین را

رسید و حضرت امام زین العابدین را دو فرزند بود امام

احمد و حضرت امام محمد باقر خلافت حضرت امام محمد باقر

را رسید و حضرت امام محمد باقر را دو فرزند بود عبد الله و حضرت

امام جعفر صادق خلافت حضرت امام جعفر صادق را رسید

و حضرت امام جعفر صادق را سه فرزند بود امام محمد و امام اسمعیل

و حضرت امام موسی کاظم خلافت حضرت امام موسی کاظم را

رسید و حضرت امام موسی کاظم را یکیفرزند بود حضرت امام رضا

بخلافت حضرت امام رضا را رسید و حضرت امام رضا را

یکیفرزند بود حضرت امام محمد تقی خلافت باو رسید و حضرت

امام محمد تقی را یکیفرزند بود حضرت امام علی نقی خلافت باو رسید

و الحرز

وحضرت امام علی النقی ع را سه فرزند بود خلافت حضرت

امام حسن عسکری ع را رسید وحضرت امام حسن عسکری ع را

سه فرزند بود امام ابراهیم امام اسمعیل وامام محمد مهدی ع خلافت

امام محمد مهدی ع را رسید چهارده معصوم پاک محمد اکبر

بن امیر المومنین وحضرت امام حسن ع وحضرت امام حسین ع

ولقب او طاهر ومادر حضرت فاطمه زهرا بضرب کشته شد

۲

قبرش در بقیع است ومعصوم دویم عبد الله بن امام حسن ع

در هفت سالگی بدست طلحه ابن عم کشته شد قبرش در

۳

بقیع است ومعصوم سیوم عبد الله بن امام حسین ع است

در شش سالگی بدست ارزق شقاوی کشته شد قبرش

۴

در بلاست ومعصوم چهارده قاسم ابن امام حسین ع است

در سه سالگی از تشنگی شهید شد قبرش در کربلاست

و معصوم پنجم حسین ابن امام زین العابدین ع بود و سالگی بدست

منصور بن احمد بن یزید بن معاویه کشته شد و قبرش در

ری است و معصوم ششم صالح ابن امام زین العابدین ع

در سه سالگی بدست احمد کشته شد قبرش در بقیع است

و معصوم هفتم عباکر بن امام محمد باقر ع در شش سالگی بدست

احمد بن منصور دمشق کشته شد قبرش در ساوه است

و معصوم هشتم عبدالله بن امام جعفر صادق ع است در سه سالگی

بشش خلیفه بدست عبدالله بن محمد کوفی کشته شد قبرش

در بغداد است و معصوم نهم یحیی بن امام جعفر صادق ع است

در سه سالگی بسبب مورچه بدست عربان کشته شد قبرش

در

در لنبسام معصوم دهم صالح ابن امام موسی کاظم علیه السلام است در سر سالک

بدست یوسف بن ابراهیم بن احمد مشقی کشته شد قبرش در ری

است معصوم یازدهم طیب بن امام موسی کاظم است در هفت سالگی

بدست عثمان کشته شد در دمشق قبرش در سبزوار است و معصوم

دوازدهم جعفر بن امام محمد تقی علیه السلام است در چهار سالگی بدست ابراهیم دمشقی

کشته شد قبرش در قم است معصوم سیزدهم جعفر بن امام

عسکری علیه السلام است در یک سالگی بدست احمد بن ناصر بن ابراهیم

دمشقی کشته شد قبرش در ری است و معصوم چهاردهم قاسم

بن امام محمد مهدی است در سه سالگی بدست منصور بن ناصر کشته

شد قبرش در خبریه است خاک را بکمال سر در تنش مجمل است

ادبکردهای خویش شاد و بانگ نفیر روسیاه قلم نمود طریق ختم سوره

حدّ آنست که هر روز یکبار به نخواند تا چهل دیگر روز باید که در اثنای
ختم با کسی سخن نگوید و در مکان خالی نخواند و از روی توجه تمام مداومت
نماید و با طهارت باشد و روی بقبله نشسته باشد که اثر فتوحات
عظیم ظاهر شود هر کس این ختم را بآداب بجای آرد هرگز زر
فقر نه بیند و تا در جمله خلایق عزیز و محترم باشد و جمیع مهمات
دینی و دنیوی او برآورده گردد و در حفظ و پناه حق سبحانه تعالی
بوده باشد و این ختم از عزایمات و مجربات است و بسیار
تجربه شده اصلا خطا ندارد و باید که پیش از خواندن سوره حشر
سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد نفرستند آنگاه شروع در خواندن
کند و بعد از آنکه سوره تمام شود این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ یَا ذَا
الْعَرْشِ الْکَرِیْمِ وَ الْبَهَاءِ الْعَظِیْمِ وَ الْقُرْاٰنِ

المستقيم يا مرسل الرياح ويا باعث
الارواح يا ذا الجود والسماح يا الله يا رحمن
يا رحيم اسئلك ان تصلي على سيدنا ونبينا محمد
وآله محمد وان تنجيني من هذا الغم من مطلب بحاجتي وبلغني
صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين
برحمتك يا ارحم الراحمين طريق ختم سوره مبارك حشر صغير و
وسيط وكبير اما صغير آنست كه اول بنهاد نوبت حلواء
بروح مقدس حضرت نبوي صلعم وستد وبنهاد مرتبه يا حي يا قيوم
يا صمد بگويد وهر روز كه ختم تمام كند چيزي از شيريني تصدق كند
در روز آخر كوسفند بكشد ودعوت بسيار كند چهل ويك نان
با مقداري حلوا بمومنين اهل طاعت تصدق كند كه الله انشاء
عجب ظاهر شود تا چهل ويكبار هر روز يكبار بخواند اما وسيط آن

که هر روز یکی اضافه کند تا چهل دیگر هر چهل دیگر سه بخواند و اگر چهل
دیگر فرا ثر مرتب نشود بطریق عکس بخواند و تلاوت رجوع
نماید اما بهتر آنست که هر روز چهل دیگر سه تا چهل دیگر هر روز بخواند
اما در شش محل اشارت است که مذکور می شود مقصود در خاطر
کند در اندک هر نوبت که سوره تمام شود این دعا بخواند و در آن
تحیتی نیز اشارت بمطلب کند و شرط آنست که هر روز بقدر
مقدور بتصدق کند و در وقتیکه قمر زاید النور باشد شروع
کند دعا اینست اللهم یا ذا العرش المجید و الملک
الحمید و العطاء العظیم و الصراط المستقیم
و الفضل العظیم یا مرسل الریاح و یا فالق
الاصباح و یا باعث الارواح یا ذا الجود و
السماح

رحمن
والسماح یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا
یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم ان تصلی علی محمد
آل محمد و ان تنجینی من هذا الغم برحمتک یا ارحم الراحمین
و محل اشارت که اشاره بمطلب میشود اول و لولا
ان کتب الله دویم و ما افاء الله علی رسوله منهم
سیوم الفقراء المهاجرین چهارم و الذین تبوؤ الدار
پنجم لا نتم اشد رهبة ششم لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة
و در دعا ان تنجینی در وقت اشارت هفت مرتبه
یا حی یا قیوم یا صمد باید گفت اما روز جمعه ابتدا کند و چهل
و یکروز بخواند و اصل آنست که با کسی سخن نگوید و در سخن
گاه خواند و مطلقا در چهل و یکروز روزی ترک نکند
اگر احیانا ترک کند باز از سر گیرد و در محل شروع در ابتدا خواند

چهل و یکبار صلوات بر پیغمبر ص فرستد و در آخر ده بار و بعد از آن

سر بسجود گذارد و بگوید خدایا این دعوت را خیر گردان

و نفس مرا کبر او مؤثر ساز که هر دعائی که بخوانم نهر نیت که

باشد مؤثر گردد البته نفس او کبر اشود و اگر بعد از اتمام دعوت

بر گوه خواند از جای رود بتوفیق الله تعالی ✿✿✿ در ویدن

چیزها در اول ماه و ایام نحس در هر ماه یکی فرو است



ناخن گرفتن

روز شنبه روز یکشنبه روز دوشنبه روز سه شنبه روز پنجشنبه روز جمعه

خوب نیز خوب خوب بد است خوب بود خوب تر است

ای

برای دفع لوا سیر از مجربات است پارچه کاغذ را در موم کافوری

کرفته هر روز بامداد شنا ماهیت روز نخورد شفا یابد ان شاء الله تعالی

78

جدول

۴	۱۱	۳
۱۴	۷	۹
۱۰	۲	۸

دیگر

در کشتی نشسته باشد بر دو دل چهار یاد نزند

البته یاد مراد نورد اهنیت بویس شفا

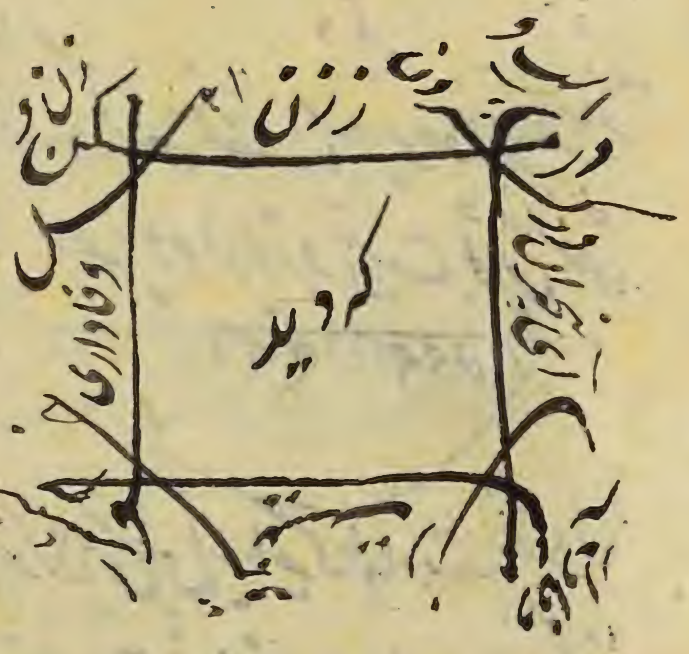
فالنامه حضرت امیر المومنین علیه السلام هر کرا هیبتی پیش آید باید که طهارت باشد اول یکنوبت سوره فاتحة الکتاب و سه نوبت سوره قل هو الله احد بخواند بعد ازان نیت کند و انگشت برین دایره بکذارد و ده بشمارد و حرف دهم را بنویسد مطلب میرسد

ب	ب	ا	ا	ی	ت	ت	ت	ب	ب
س	س	خ	خ	ا	ر	و	و	م	م
ی	ی	ر	ر	ر	ع	ک	ف	ط	ق
ا	ا	ش	ا	ل	ک	ی	ی	ل	ص
ر	ر	خ	ی	ی	ن	ق	ق	ب	و
خ	ب	و	ن	م	ک	ی	ن	م	د
و	د	ب	ب	د	ب	ا	ی	ی	ت
ب	ا	ا	د	د	د	ف	ا	ر	ر
س	س	س	س	ک	س	ت	ب	س	س
ث	ت	ث	ت	ن	ت	ی	ی	ی	ی









نامهای چهارده معصوم پاک	محمد صلی الله علیه وآله	علی علیه السلام حضرت	حضرت فاطمه علیها السلام	حضرت امام حسن علیه السلام	حضرت امام حسین علیه السلام	حضرت علی علیه السلام	محمد علیه السلام
کنیتهای ایشان	ابوالقاسم	ابوالحسن	ام ابیها	ابومحمد	ابوعبدالله	ابوالحسن	ابوجعفر
لقب هریک	مصطفی	مرتضی	زهرا	زکی	شهید	سجاد	باقر
جائیکه تولد یافته اند	شعیب ابوطالب	کعبه معظمه	مکه معظمه	مدینه	مدینه	مدینه	مدینه
روزیکه متولد شده اند	دوشنبه	جمعه	جمعه	سه شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	دوشنبه
ماههائیکه متولد شده اند	هفدهم ربیع الاول	سیزدهم رجب	پنجم جمادی الاخر	پانزدهم رمضان	سیم شعبان	پنجم شوال	سیم صفر
سالیکه بدنیا آمده اند	سالیکه از قبل محمود با مرا تجرب کردن کعبه اورد	سی سال بعد از عام الفیل	پنج سال بعد از مبعث	سال سیم از هجرت	سال چهارم از هجرت	سال سیم از هجرت	سال نهم از هجرت
نام پادشاهان زمان تولد ایشان	انوشیروان	شهریار	یزدجرد	یزدجرد	یزدجرد	امیرالمومنین علی	معویه

نام من از ماه در ایران

نام مادر ایشان	آمنه دختر وهب	فاطمه بنت اسد	خدیجه دختر خویلد	فاطمه زهرا	فاطمه زهرا	شارمان دختر یزدجرد	ام عبدالله دختر حسن
نقش نگین ایشان	اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله	الملک لله الواحد القهار	ام المتوکلون	العزة لله	ان الله بالغ امره	حسبی الله لکل غم	العزة لله جمیعا
شمار زنان ایشان	پانزده	دوازده غیر کنیزان	مردان بجز یک غیر کنیزان	مشصت شش زن غیر کنیزان	پنج زن غیر کنیزان	یک زن	دو زن غیر کنیزان
شمار فرزندان ایشان	هشت	بیست و هفت	پنج	پانزده	شش	پانزده فرزند	هفت
عمرهای ایشان	شصت و سه سال	شصت و سه سال	هجده سال	چهل و هفت سال	پنجاه و هفت سال	پنجاه و هفت سال	پنجاه و هفت سال
روز وفات ایشان	دوشنبه	دوشنبه	دوشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	دوشنبه
ماه وفات ایشان	شب بیست و هشتم صفر	بیست و یکم رمضان	سیم جمادی الاخر	هفتم صفر	دهم محرم	بیست و دوم محرم	هفتم ذی الحجه
سال وفات ایشان	سال یازدهم از هجرت	سال چهلم از هجرت	سال یازدهم از هجرت	بعد از پنجاه سال از هجرت	شصت و یک سال از هجرت	سال نود و پنجم از هجرت	سال صد و سیزده از هجرت
جای وفات ایشان	مدینه طیبه	نجف کوفه	مدینه	مدینه	کربلا	مدینه	مدینه
بیماری که بدان وفات یافته اند	بیمار شدند در رحمت حق پیوستند	ابن ملجم لعنه الله بر آنحضرت ضربت زد	آنحضرت آنرا بر شکمش زد و فرزندان افتاد	چهده آن حضرت را زهر داد	شمر آن حضرت را شهید کرد	هشام بن عبدالملک زهر داد	هشام زهر داد
جای قبرهای ایشان	مسجد آنحضرت	غری	روضه پیغمبر	بقیع	کربلا	بقیع	بقیع
پادشاه زمان وفات ایشان	هرقل	معویه	ابوبکر	معویه	یزید	ولید بن عبدالملک	

معتمد در کلام ایشان	علی ابن ابی طالب علیه السلام	قنبر و سلمان فارسی	فضه کنیز ان آنحضرت	سفینه	رشید هجری	ابو خالد کابلی	جابر جعفی
نام ها	جعفر علیه السلام	موسی علیه السلام	علی علیه السلام	محمد علیه السلام	علی علیه السلام	حسن علیه السلام	محمد علیه السلام
کنیت ها	ابو عبد الله	ابو ابراهیم	ابو الحسن	ابو جعفر	ابو الحسن	ابو محمد	ابو القاسم
لقب ها	صادق	کاظم	رضا	جواد	هادی	عسکری	خلف مهدی
جای تولد	مدینه	ابواحاث میان مکه و مدینه	مدینه	مدینه	مدینه	مدینه	سُرّ من رای
روز تولد	دوشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	جمعه	جمعه	دوشنبه	جمعه
ماه تولد	هفدهم ربیع الاول	هفتم ماه صفر	یازدهم ذیقعده	دهم رجب	دویم رجب	چهارم ربیع الآخر	نیمه شعبان
سال تولد	سال هشتاد و سیم از هجرت	سال صد و هفتم از هجرت	سال صد و چهل هشت از هجرت	سال صد و نود و پنج از هجرت	سال دویست و دوازده از هجرت	سال دویست و سی و دو از هجرت	سال دویست و پنجاه و پنج از هجرت
پادشاه وقت تولد	مروان پسر عبد الملک	ابراهیم پسر ولید	منصور	محمد امین	مأمون	واثق پسر معتصم	معتمد پسر متوکل
نام مادر ها	ام فروه دختر ابابکر قاسم پسر محمد	کنیز حمیده نام مادر موسی	ام البنین مادر علی	خیزران مادر محمد	سمانه مادر علی	حدیث مادر حسن	نرجس مادر محمد
نقش نگین	الله خالق کل شی	کن من الله علی حذر	ان الله ولی عصمتی	المهیمن علی اخلاق المعبود	حفظ المهیمن	انا الله شاهد	انا حجة الله فی ارضه و خاصه
شمار زنان	دو زن غیر کنیزان	کنیزان آنحضرت بیرون از شمار	یک زن غیر کنیزان	یک زن غیر کنیزان	یک کنیز	یک کنیز	یک زن از دختران ابی قهب

شمار فرزندان	ده فرزند	بیست و هفت فرزند	سه فرزند	چهار فرزند	پنج فرزند	یک پسر یک دختر	فرزندان الخصرت در تالیق شمار خدا داند
عمرها	شصت و پنجسال	شصت و پنجسال	پنجاه و یکسال	بست و پنج سال	چهل و یکسال	بست و هشت سال	در زمان تقسیمی شصت و چهل رسیده بود
روز وفات	دوشنبه	جمعه	سه شنبه	سه شنبه	دوشنبه	جمعه	جمعه
ماه وفات	نیمه رجب	ششم رجب	هفدهم صفر	دهم رجب	سیم رجب	هشتم ربیع الاول	خدا داند
سال وفات	سال صد و چهل هشت از هجرت	سال صد و هشتاد و سیم از هجرت	سال دویست و سه	سال دویست و بیست	سال دویست و پنجاه و چهار	سال دویست و شصت	خدا داند
جای وفات	مدینه	قرزندان بشهر بغداد	منزل آنحضرت در طرسوس است	بغداد	خانه آنحضرت که در سرمن رای است	خانه آنحضرت در رقه که در سرمن رای است	نزد پیغمبر
یافته اند	منصور الخصرت را در انبور زهر داد	رشید الخصرت را زهر داد	مامون الخصرت را زهر داد	معتصم آن حضرت را زهر داد	متوکل الخصرت را زهر داد	معتمد الخصرت را زهر داد	از خوف غایب شد
جای قبرها	بقیع	مقبره ای قریش	طوس	مقبره ای قریش	سرمن رای	در یک خانه با پدر	جای غیبت در سرداب که در سرمن رای است
بادشاه زمان وفات	رشید	رشید	مامون	معتصم	متوکل	معتمد	از معتمد ان پنهان شد
معتمدان درگاه	مفضل پسر عمر	محمد پسر فضل	عمر پسر فرات	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید

هوالغنی چهار ماشه مس گرفته بدینصورت مهر سازد بوقت

کسوف و خسوف یعنی سورج گهن و چندر گهن در آب روان

ایستاده شده بکند بوقت حاجت همراه **نامخه** مرغ کرک ناتمه و

دسته نور و لعاب دهن یکجا کرده سه مهر بزر کرخود بدهد جماع

بکند از آن نگردد بار دیگر جماع نموده از آن کند دیگر با همون عورت

اگر جماع نماید قادر شدن نتواند عقد النکاح کرده محبت است

اکدع و دور

هوالغنی نقلست از کتب الاخبار رضی الله عنه

که من توریت خوانده ام و دوازده کلمه از آن بیرون کشیدم و

بنوشتم و در گردن خود آویختم و هر روز در آن کلمات نظر میکردم

بفضله تعالی هر روز سه بار میخواندم **کلمه اول** ای فرزند آدم از هیچ پادشاهی

مترس تا آنکه پادشاه من باقی است و پادشاه من همیشه باقی

خواهد

خواهد بود کلمه دوم آنچه ز زندآدم از فوت شدن مال مترس

تا آنگاه که خزانه من با تست و خزانه های من همیشه باقی

خواهد بود کلمه سیوم ای فرزند آدم از تو عمل فردا نمی طلبم و تو

از من روزی فردا مطلب کلمه چهارم ای فرزند آدم در آفرینش

آسمان و زمین عاجز نشدم و در رسانیدن یکدونان که تو

بدان سیر شوی چگونه عاجز شوم کلمه پنجم ای فرزند آدم محبت

آنکه من مُحبم ترا و تو نیز محبی مرا کلمه ششم ای فرزند آدم

موانست با دیگری مکن تا آنکه مونس تو باشم کلمه هفتم

ای فرزند آدم از مکر ایمن مباش تا آنکه از پل صراط بگذری

کلمه هشتم ای فرزند آدم مرا به تو فریضه است و ترا بر من

رزق اگر تو در فریضه مخالفت نمائی و کاهلی کنی من در رزق

رسانیدن کاهلی نکنم کلمه نهم ای فرزند آدم در غضب

میشوی بر من از جهت نفس خویش و غضب نمیکنی بر نفس

خویش از جهت من کلمه دهم ای فرزند آدم هر که ترا

میخواهد از برای خود من ترا میخواهم از برای تو و تو از من میگریزی

و انصاف نمیدهی کلمه یازدهم ای فرزند آدم همه از برای تو

آفریدم و ترا آفریدم از برای خود پس خویش را خوار مدار

و قدر خود بدان کلمه دوازدهم ای فرزند آدم اگر راضی شوی بدانچه

قسمت کرده ام ترا و دل ترا و تن ترا راحت رسانم

و تو آسوده و اگر راضی نشوی بدانچه قسمت کردم مسلط کنم

بر تو حب دنیا را همچون دویدن وحشیان در بیابان

بعد از ان بعزت و جلال من که خوار کردانم ترا که آنوقت پشیمان

شوی

شوی و سودمند نیاید نعلیت که موسی علیه السلام گفت

خداوندا از هیچ چیز در دنیا نمی آفریدی چه چوبش بودی

82

حکم شد ای موسی کلام هیچ چیز گفت خداوندا چون چیزی

آفریدی موت نمی آفریدی و اگر جوانی آفریدی پیری

نمی آفریدی چون پیری دادی کرستگی نمی نمودی و چون

صحت دادی زحمت نبودی اگر بهشت آفریدی دوزخ

نمی آفریدی حق سبحانه گفت ای موسی اگر حیات

نبودی و موت نبودی از قهر من هیچکس نترسیدی

و اگر جوانی نبودی و پیری نبودی قدرت های من کسی

نشناختی و اگر پیری نبودی کرستگی نبودی فرمان مرا

هیچکس بجا نمی آوردی و اگر صحت نبودی زحمت نبودی

مرا هیچکس یاد نمیکرد و از یاد نبودی و دوزخ نبودی

اعمال نیکو هیچکس نمیکرد این چند کلمه بطریق یادگار

من کلام الاکابر سخن باندیشه گو تا نه تاسف نخوری و کار

باندیشه کن تا پشیمان نشوی و راه باندیشه رو تا در نمانی

و مال باندیشه صرف کن تا محتاج نگردی و در کار عاقبت

غفلت مکن تا از خدا شرمنده نشوی **نقلست** که جماعتی

از بزرگان بدین رابعه آمدند گفتند که آن زن دعوی

بلند مقامی میکند بیائید تا او را بیازمائیم کاغذی گرفته سه

حرف مشابه یکدیگر نوشتند که **محبت محبت محبت** و

نقطه نکذاشتند پیش رابعه فرستادند که ای رابعه برخوان

و جوابش بنویس رابعه برخواند و جواب نوشت

الراکه

که هرکه دعوی محبت حق تعالی کند و تن در محنت

ندهد محنت است حکایت آورده اند که مردی در 83

شب پیش حضرت امیر المومنین علی علیه الصلواة

والسلام آمد و سوالی کرد جزوی طلبید آنحضرت چراغ

را نشاندند حاضران گفتند یا امیر المومنین چرا چراغ را

ننشاندی آنحضرت فرمود ندارم بر آنکه تا دل سوال

در روی وی نبینم و وی نیز از من شرم ندارد و او را

انعام و اکرام بسیار کردند حکایت آورده اند که حضرت

موسی علی نبینا و علیه السلام فرعون را دعای بد کرد و

حق تعالی دعای وی را مستجاب نمیکرد تا روزی بطور سینا

شد و با خدای عزوجل مناجات کرد و گفت بر دشمن تو

دعای بد مسکنم چرا دعای مرا استجابت مقرون نمیداری

خدا تعالی بموسی وحی فرستاد که یا موسی دوست ندارم

که پشت زمین را از جوانمردان تهی کنم و فرعون از جوانمردانست

دیر اجهار خوان بود بر چهار دروازه مصر نهاده و شب در در

طعام و شراب انجا مهیا بودی تا هر که بیامدی و برفتی از ان

طعام تناول نمودی و چون حق تعالی خواست که دیرا

هلاک گرداند بدلش افکند تا خوانها را برگرفت

گویند که هنوز نماز پیشین نشده بود که آب غرق شد

کتابی همی سند بکشاید بر تو فرو بندی فرو بندد

بر تو والسلام در یک سلطان محمود غزنوی روزی در غضب

بود چنانکه هیچکس مجال آن نداشت که او را خوشوقت

سازد

سازد
ولحک گفت من اورا خوشوقت میسازم پیش رفت

وگفت بندهٔ آن آستانم میخواهم که معلوم کنم که لقب و نام
۹۴

آنحضرت چیست سلطان از روی غضب فرمود برخیزد

که محو زد لحک گفت آن لقب باشد نام حضرت سلطان

بخندید و خوشوقت شد دیگر هفت کلمه طیبه از صحت

حضرت امیرالمومنین امام المتقین اسد الله الغالب

حضرت علی ابن ابی طالب است اول آنکه نزد که طلب

کردم در خواندن علم یافتم دویم آنکه ۲ روشنائی طلب کردم

در تمازیافتم سیوم آنکه ۳ تونگری طلب کردم در رویش یافتم

چهارم آنکه ۴ راحت طلب کردم در بی طمعی یافتم پنجم آنکه ۵ سروری

طلب کردم در خاموشی یافتم ششم آنکه رضای حق طلب کردم

در راستی نافیم اسامی که در حساب ابجد عدد شان

موافق است و باهم ربط دارند از میر حیدر مولوی طباطبا عزه

حُبّ محمدؐ ایمان	ابوالقاسم ملک یوم الدین	رسول رهنما	علی بحق	حیدر علی ولی الله
شاه نجف شاه عباس	سادات سرور	کعبه آب زمزم	العلم اعلم	آدم هم
یوسف حسن ازل	علم عمل	محبت مودت	شاه قهار	دولت قزلباش
اصفهان علم زن	دلیری مردی	شجاع صفدر	شمشیر مریخ	عاصی اعمی
معشوقه محب عاشق	محبوب ناز	می گل	شراب بارش	مطلوب دعا
تعجب درد	توبه پشیمانی	عالم فانی	کاشان عقرب	ساروج سگ
سیاوه پیس	هندی سبز	خواب راحت	پشک شبه نبی	گشنیز نخود
عندلیب باطل	محتاج بیدولت	عاق عاصی	ارمنی کافر	نمرود کفر
بدنفس ملعون	المیر قمار	محمودی جهنمی	بنگی ملحد	سفید سیاه

و عبارة

85

صباح ما	زنده بیجان	رخ بیماری	زبان دهان	دراز بیعقل
صلح مزاح	لعل نگین	دیوانگی آشوبگ	نجات سکندر طالع	لااله الاهو علی
محمد مهدی قایم	طامع نومیدی	هوس یاس	وجود واحد	عاشق آفت
بوجهل ابولهب	حاب سهو	صهبا پیاله	میزان حق	شیطان شقی
عجب کنه	الله اکبر جهانگیر	محمد رسول الله نجات	صحابه ملایکه	علی لوای احمدی
اهلبیت ملایکه مقربه	امام اعجاز	حاجیقران ثانی خاقان دوران	شاه شجاع جمشید فرّ زمین	سخن خلف
خوف گرفتاه	حلم زیبنده	بندگی نیکو	روشنائی قباحت نافهم	مشرک لعنتی
گاهگل سودا	دوستی طاعت	منجم وسواس	صبا چین	قدم دمساز
مل جوانی	جام می عزیز	جنگ شوز	شاهد عمر	حیا زیب
خاک درست زیور شاهد	غزاریل عناد	مادر مهد	طفل پاکدامنی	در لوزه انفعال

زمانه	متاع	دولتمند	حکیم	حاجب
سمیج	نفع رسان	دولتمند	لازم	حجاب
بدی	کفایت	رشوه	تکلف	دیوانه
بیجا	دشوار	ملامت	کلفت	آسوده
جاهل	قهوه	یکدل	موکب	مسبزه
وبال	صبوحی	نایاب	سپاه	پامال
سایل	درازی عمر	نکیر و منکر	بحری	احمد
نان	ناتمام	مستوفی	طایر	کلاب

برای یکشبه بنویسید اینست تربیه

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

دیگر بجهت مردیکه بسته باشد هیچ چیزیه نمیشود در طاس نوشته

نهار بخوراند البته مقصود حاصل شود اینست

۲ ۴	۱۱ ۱۱	۱۱۱ ی	۱۱ ۱۱
والسر	۱۲ ۱۱	۱۱ ن	ن
۱۱ ملف	۱۱ ۱۱	ی	۹ ۱۱۱

یکسر اسمای اینست در یاب طرف شمال قصد زنش ::

دارد این نقش را بر بازوی خود بسته روان شود اینیت

۹۱ ی	۲ ت	۱۱ ۱	ح
ح	۱۱ ۱۱	۱۱ ۱۱	۱۱۶ ی
۱۱ السر	۱۶ ل	۱۱ ۱۱	۹

نوعدیگر دفع گفتار بر کاغذ یا بر تخته چون این نقش نقش کنند ::

بالای در خانه سخت کند دران گوشه و محلت گفتار کرد تواند

کرد و همین نقش را بر تخته زرین و یا نقره و یا آهن و یا مس

نقش کند و در گردن کودک بندد گفتار بران بچه هیچ زیان نتواند

رساند و طرف او نتواند دید و در محلتی که کودک باشد گفتار نتواند

نقش اینست بسم الله الرحمن الرحیم

۴	۱۴	۱۴	۱
۹	۷	۶	۱۲
۷	۱۱	۱۰	۸
۶	۳	۳	۱۵

تو عدیکر هر علت باشد دفع شود این جمله بسوزد و در بنی

نکته

کند به شود بکرم الله تعالی این معظم و مکرم انیست

89

وم	رم	وم	دد	صلح

این برای دفع نا رو ا مست

قعام	عدلی	۲ ی	ر ودد
ھ	صر	ھو	۲
للا	حافظ	واللہ و	حافظ

نوعدیگر اکسر کسی را که در عشق خود کرداند خواهد

شبانکه یک ساعت اورا نه بیند بیقرار

کردد این را بر شانه کوسفند بنویشته

درآتش انداز دبقرار شده برتوآید اینست

دود دود	ا ه ح ح ح
ت ا ا ۹ ه ح و ه	و ا ا ر ه ح ر

دیگر بحیث دوستی زن شوهر این عزیمت را بنویسید

و در شب جمعه در چراغ بسوزد محبت بسیار شود نقش معظم و مکرم اینست

س	ط	و
ه	ه	س
و	در	ح

نوعدیگر تعویز تب بر پاره کاغذ بنویسد هر روز یکبار

پاره نهار باب بشوید و بخورد صحت یابد بسم الله الرحمن الرحیم اول روز

ولد عیسی از کبر یا روز دوم بسم الله الرحمن الرحیم رفع 88

عیسی از ما کبر یا روز سیوم بسم الله الرحمن الرحیم حرج عیسی از کبر یا

نوعدیگر در عشق خود بیقرار کند چنانکه بی تو قرار و آرام نیابد

این غرمیت را در زعفران بوقت پیشین بگوشه بنشیند

و سخن با کس نکند و تنها باشد نام مادر و نام و نام پدر خود بر بازو خود بندد نقش

ااااه ااا لا ااا فلدن ابن فلان

ط ط ط

۲۲۴۴	۱۲۲۳	۲۱۲	۲۵۵۱
۶۵۵	۸۹۷	۲۹۲	۲۴۴
۶ ۱۱۱۲	۴۱۱	۴۱۰۱۵	۵ ۸۹

نوعدیگر دران خانه که این نقش شبیه بلائی و آنرا سحری و جادوئی دران خانه نویسند

اینست

۱	۲	۱۴	۸
۱۲	۱۱	۳	۶
۱۵	۸	۹	۱۴
۱۳	۱۰	۴	۴

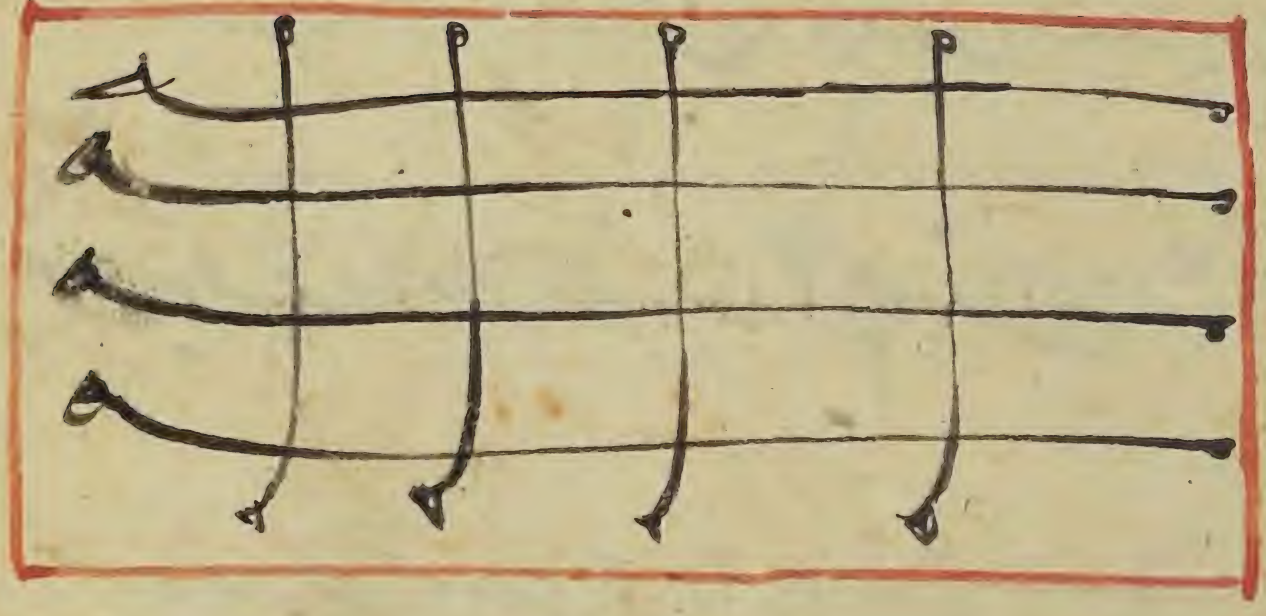
دیگر برای خلاص محبوس باید که بسیار دارد کندم مسبوق ریگ

۱۱۲

وخمیر کند و یک هزار غلوله را اس کند در بر هزار غلوله یک

بار سوره قل هو الله بخواند و پیش کبوتران اندازد چون

تمام غلوله بخورند همانوقت خلاص باید آزموده است



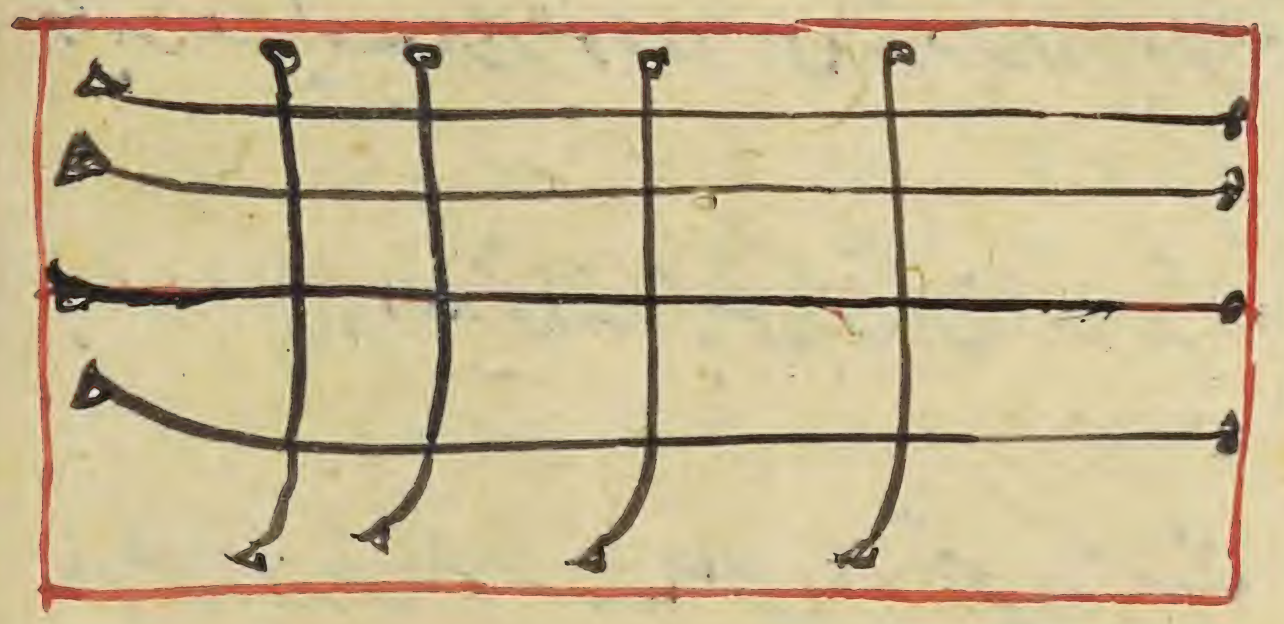
نوعدیگر برای دفع درد سر این را بخوانند

و بدمد اینست وَلَا تَخِلقُ عَنْكَ سُكُوكًا بالنسك

اگر کسی را تب باید این نقش نوشته زیر درخت

به بندد و از تار دختر نارسیده ببافد و تنه

تار بگیرد و به بندد اینست



توعد بکرد دفع زحمت ها را انواع وکوناکون تا بیکه این

تعویذ بنویسد در جائی دردرا بند و بکرم الله تعالی صحت شود

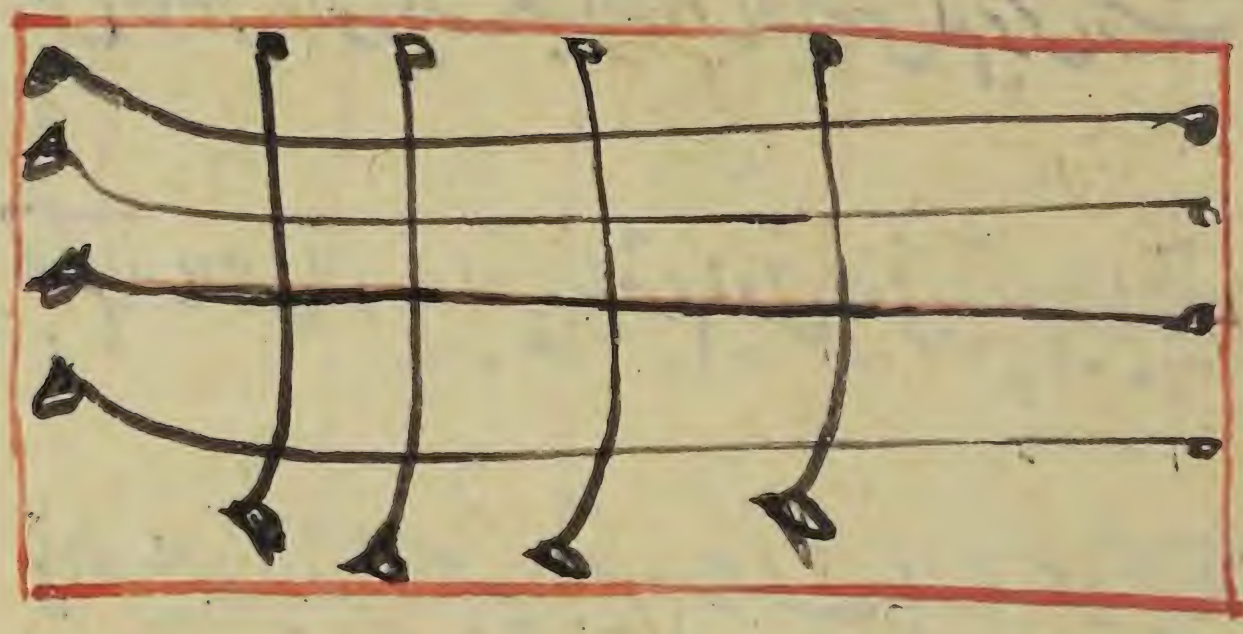
مجموع العدد ۳۱۲ انیست

الا ۱۱۱ ۱۱ ۱۱ حفظ ۱۳۱۹ ۱۱ ۱ ۱

تعویذ دردسکم است بسم الله الرحمن الرحیم وننزل

وَرَحْمَةٌ

من القرآن ما هو شفاء للمومنین ولا یزید الظالمین الا خسارا



امیر المومنین علیه کرم الله وجهه این هفت کلمات را بپوسته

در جایل این کلمات در حضرت غوث شفیع آورد آن مهم بکفایت

رسیدی نامهای معظم و مکرم و متبرکه است بسم الله الرحمن الرحیم

٥ الله حاضری الله ناظری الله حافظ اسکن بعزت الله و بقدرت الله

اسکن بالذی له ما فی السموات و ما فی الارض و هو العزیز الحکیم

برجستک یا ارحم الراحمین ٥ ۱۲ بار برای دفع ظالمی هفت بار بخواند

والله اشد باسا واشد تنکیلا هر که این دعا را هفت

روز هر روز بخواند صد بار هر نیت که داشته باشد اگر مقصود

من حاصل نشود ملک عبد الله ابن عباس ام بر من رحمت کند ان شاء الله

بسم الله الرحمن الرحیم یا قدیم یا قدیم یا وفی یا وفی یا قیام یا دایم یا مقیت

یا احد یا صمد یا وتر یا واجب یا قیوم رحمتک یا ارحم الراحمین

تعویذ آخر چهارشنبه است سلام قولا من رب

الرحیم سلام علی نوح فی العالمین سلام علی ابراهیم

سلام علی موسی و هارون سلام علی ال یاسین

ختوها خالدین سلام هی حتی مطلع الفجر

سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین دعای بسم الله الرحمن الرحیم

وهو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا وینشر

رحمته وهو الولی الحمید برای شیطان بلیته کند در هر

بلیه

بلیه فاضل در از کند درون آرد پیشه سازد و در بینی بنوزد

و در بینی دهد و در شود امینت

91

ملعب علمای کفار ان

۱	۱۸	۱۱	۸
۱۲	۷	۴	۱۳
۱۴	۱۵	۱۵	۳
۱۷	۱۰	۶	۱۰

آیت باران آمدن امینت

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا

وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ أَوَمَنْ

كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا

يمشي به شن كمن مثله ث في الظلمات ه طه

ليس بخارج خ منها كذلك زين اسم ايت

سبع حروف در ربع مثاني نهاده اند حروف اسم اعظم كه بلغ عود دعوت اين اسم اعظم بر حضرت موسى عليه السلام

ميكرد در ربع الاجابت مزبور است چون در دست كم امين

ناخدا را

بسم الله الرحمن الرحيم ونترل من القران

نوعديگر هر كه در روز چهارشنبه صورتى كه آخرين

چهارشنبه ماه صفر است نوشته در كوزه اندازد

بخورد از جمع مسلمان كه از كوزه آب بخورند جميع ملاها

ايمن گردد و در امان باشد نقش امين

عليها عليق لعله ما في قلوبهم عليقا برحمتك يا ارحم الراحمين

هر كه اين نقش را بكيار بر بندد گناهان بنقاد

سال

سال او را حق تعالی بسیار مرزد هر که دو مار بیند گمان

مادر پدر را دیدار مرزد نقش معظم و مکرم اینست

92

الام	اصم	لا آله الا	محمد الله	رسول الله
دوردی	اب	مومن	دارم	ندیدم ایی
محمد	لا اله الا	الله	محمد	رسول الله

نوعدیگر برای دفع شیطان و دیو او کردر خانه فسار کنند

و سنگ ساری کنند باید که سنگ بگیرد و برای سنگ

دوازده بار درود و صد بار علیقا لیقا انت تعلم

الکا فونی اهملهم رویدا

ما فی قلق بعلمک علیقا انک علیم و ذکیم و اکبر کیدا فهمهل

رویدا بخواند و کلوخ را بدهد و در مقابل آن به براند

الت یا الله تعالی بعد از ان مراد آن ظاهر خواهد شد بر طرف شود

مجربست و برای کشادن بول آدمی و اسب و غیره صحت

کرد و این تعویز را نوشته سه درود بخواند اینست

	٤	ح	ب	ق
	٢٠	ک	١٥	د
	س	و	ی	ه
ا	١٤	٢		ی
			ا	

و برای هلاک کردن اعدا بسیار عجب است

باید که یک سبوی آب نا رسیده بیاورد و بر ان سبو

سوره یاسین چهل و یکبار بخواند بروز سه شنبه و بر ان

دمد و بر در اعدا یزند ان یا الله العزیز تمام خانه عدو خراب شود و عیش و عشرت

عمده این اعمال خیرات و مطلوب طالب و مطلوب و اسم
الاعظم الامر ساعة معمول فیه طالع ساعة
معمول فیه قمر خداوند برج قمر منزل قمر ملک موکل بروز
ملک جان ارضی بعلاه هریا نزده کعاب راجع نموده
استنطاق فرماید پس ملک عرسی صغیر را پس امتزاج کند
در جلاول مراتب خوامس و استنطاق نماید ملک کبیر
حاصل کردد اقسمت علیکم بحق الملک العرشی کبیر صغیر
ان تحلیوا المال هسلا من کل طرف و بحق هذه الاملاک
فلان فلان بحق الملک القرشی فلان کن عونا لی طلب المال بعد ازین این تعویز
جهت برطرف شدن قی اطفال بنویسد و در کلوا طفال
بندد و وقتی که برطرف شود از کلو برآورده در باز و بسته نگاهدارد
و نام آن طفل با بین تخلف المیعاد بنویسد بفرمان الله تعالی

شفا یابد تعویز است بسم الله الرحمن الرحیم یا من خلق
الانسان فی کبد ایحسب ان لن یقدر علیه احد یا من
جعل الانسان عینین ولسانا وشفتین وهدیناه النجدین
[illegible]
یا الله یا الله یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم
بسم الله الرحمن الرحیم وضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین
عددا واخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا
همسا ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا
من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا انک جامع
الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد
النشانی لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد
خاصیت این ایت
[illegible]
تولید دهد قطع حامله اطفال در کهواره اطفال در گریستن
وشرام الصبیان محفوظ ماند انیت دلة ما سکن فی اللیل والنهار

وهو السّميع العليم اگر بيمار را خواب نيايد اين آيت

نوشته بر كردن بيمار بندد انيت لا اله الا انت سبحانك

انّي كنت من الظالمين جهت دفع درد بيمار و درخت اكاره

با بيخ و برگ او آورده در سبوى نو شورانيده خاكستر آنرا بخورد

و بالاى آن طعام و روغن بوره دفع شود باذن الله تعالى ١٢

براى كشادن بخت دختران نوشته در كردن بندند انيست

٢	٢	٢	٢	١
٩	٦	٨	٣	٢
٤	١٥	٣	١٣	١٢
٨	١	٣	١٠	٥
١	٣	١٠	٨	٤

در حدیث معتبر از حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

وارد شده در صحت و فساد خوابها در ایام و لیالی ماه

از جهت اختصار جدولی وضع کردیم مشتمل بر ایام ماه و صدق

و کذب خواب و مدت ظهور تعبیر انش مستمدا

روز اول شب اول خوابش درست نیست

روز دویم شب دویم اگر خوب دیده بد گردد و اگر بد دیده

روز سیم شب سیم خوب گردد بر عکس دیده بود

روز چهارم شب چهارم تعبیرش بعد از چند روز یا چند ماه ظاهر شود

روز پنجم شب پنجم بعد از چند روز یا چند ماه ظاهر

روز ششم شب ششم خوابت بهر نحو دیده باشد

روز هفتم شب هفتم بهمان نحو که دیده ظاهر شود

اول هشتم

روز هشتم شب ششم خوب است ثمره اش زود ظاهر شود

روز نهم شب نهم آنکه دیده دیده درست دیده

روز دهم شب دهم در وعش ظاهر شود

روز یازدهم شب یازدهم تاویلش بعد از چند سال ظاهر شود

روز دوازدهم شب دوازدهم تعبیرش بعد از چند روز ظاهر شود

روز سیزدهم شب سیزدهم میانه است در خوبی دیدی

روز چهاردهم شب چهاردهم میانه است در بدی و خوبی

روز پانزدهم شب پانزدهم انچه دیده درست دیده

روز شانزدهم شب شانزدهم تعبیرش بعد از چند ماه ظاهر شود

روز هفدهم شب هفدهم تاویلش بعد از چند سال ظاهر شود

روز هجدهم شب هجدهم درست دیده انچه دیده

روز نوزدهم شب نوزدهم ۱۹ راست خواهد بود

روز بیستم شب بیستم ۲۰ دروغش ظاهر شود

روز بیست و یکم شب بیست و یکم ۲۱ انچه دیده غلط دیده

روز بیست و دویم شب بیست و دویم ۲۲ درست دیده باعث شادیست

روز بیست و سیوم شب بیست و سیوم ۲۳ برعکس دیده بود

روز بیست و چهارم شب بیست و چهارم ۲۴ انچه دیده خلافش ظاهر شود

روز بیست و پنجم شب بیست و پنجم ۲۵ درست ندیده دروغش ظاهر گردد

روز بیست و ششم شب بیست و ششم ۲۶ درست دیده ثمرانش ظاهر گردد

روز بیست و هفتم شب بیست و هفتم ۲۷ راست است انچه دیده

روز بیست و هشتم شب بیست و هشتم ۲۸ خواب پریشان است

روز بیست و نهم شب بیست و نهم ۲۹ راست است انچه دیده

ادریس

روز سیم شب سیم اقسمت علیکم یا آهِ نفطرِ غیالِ

جلیشِ دمیالِ هطِ طمیشِ ولوهیمِ زغیةً

حذابةِ طمیالِ بحق بطرحِ حادِ زاده و

بعد نماز خفتن سیصد و شصت بار بخواند برای گشایش

هر کاری عورت بسته باشند و بهیچوجه گشاده نمی شود باید که این

دعا را مشک و زعفران بنویسد در کلوی آن بندد از برکت

این دعای نخبت گشاده شود و از غیب خوری بدو برسد

یا بحمد خدا تعالی از برکت این دعا همه خیر برقرار بوده است

هر که ترک آرد کار کرد نعوذ بالله منها دعا معظم و مکرم و بزرگوار

نیت بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انصرنا علی کل عبدٍ

صغیرٍ و کبیرٍ و ذکرٍ و انثی و حرٍ و عبدٍ و شاهدٍ و غایبٍ

از برکت این دعا عورت بسته گشاده شود و از برکت این دعا کار فرخنده

و جمع اوقات بکنت و دلگشایی بود و از مشک و زعفران بر کاغذ

وشریف ووضیع ومسلم وکافر ولا تسلط علینا

من لا یرحمنا والحقنی من غیرک یا الله یا احد

یا صمد یا رب یا غفور یا شکور برحمتک استغیث

علیک یا هو یا من هو یا الله لا اله الا هو اسم

الله مجریها ومرساها ان ربی لغفور رحیم وصلی الله

علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

خواص سوره‌های قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم سوره فاتحة الکتاب جهت شفای

مریض چهل نوبت بخواند در میان سنت وفریضه نماز صبح

البته آن بیمار شفا یابد واگر کسی را کلف روی بوده باشد

یا دنبل داشته باشد هفت مرتبه بخواند وبا دیران دمد

به شود بفرمان خدا تعالی وازبرای برآمدن حاجت هر کس

چهل بخواند

که بخواند مهمات وی باحسن وجهی کفایت کردد انشاءالله

تعالی سورة البقر از برای دفع دیو و پری و از برای دیوانکی

و صرع هفت نوبت بخواند و باد بر آنکس دمد و بعد از ان بنویسد

بر کردن مصروع یا دیوانه بندد که شفا یابد انشاءالله تعالی سورة

آل عمران بجهت خلاصی از قرض سیزده نوبت بخواند از قرض

خلاص شود سورة النسای جهت موافقت و محبت زن و شوهر

هفت مرتبه و وصلاحیت هفت نوبت بخواند دوستی و محبت

زیاده شود انشاءالله تعالی سورة المایده نذر برای قحط و جوع

چهل و یک نوبت بخواند روزی بر ایشان فراخ کردد و تونگر

انشاءالله تعالی سورة الانعام بجهت هر حاجت که داشته

بسیار بخواند البته حاجت روا شود و اگر بجهت بیمار

بخواند شفا یابد و عمرش دراز شود بفرمان خدا تعالی روایت

کرده اند از عبد الله بن عباس رضوان الله عنه که حضرت

رسالت صلی الله علیه وآله فرموده که هر کس سوره کریمه

انعام تلاوت کند و در میان خواندن سخن نگوید در آخر این

دعا بخواند اجابت برخواسته آخر رسیده شود و هر مرادی که در

دل داشته باشد از حضرت ذوالجلال بخواهد البته روا شود و آن دعا

الله تعالی انیت بسم الله الرحمن الرحیم یا سریع الحساب

یا شدید العقاب یا غفور یا رحیم یا خالق کل شیء یا قاهر

السموات والارض یا خالق الحب والنوی یا مسبب الاسباب

و یا مفتح الابواب و یا قاضی الحاجات و یا مجیب الدعوات

و یا ولی الحسنات یا دافع البلیات و یا محی الاموات و یا

نور النور

نور السموات والارض یا ذو الجلال والاکرام وصلی الله
علی خیر خلقه محمد واله اجمعین الطیبین الطاهرین وسلم تسلیماً
کثیراً کثیراً برحمتک یا ارحم الراحمین ۵ یارب اقض حاجتی
وکف مهمات بحق القرآن العظیم سالک ان تقضی حاجتی و
حاجات جمیع المومنین والمومنات یا قاضی الحاجات ویا ارحم
الراحمین ماسورهٔ اعراف جهت خلاصی از بند و زندان البته
خلاصی یابد هیچ بلائی دیگر گرفتار نشود و حساب روز قیامت بروی
آسان گردد بفرمان خدا تعالی سورهٔ انفال هر کس که
بنزدیک بادشاهی یا بزرگی بحاجتی رود باید که ده نوبت
بجهت آن حاجت بخواند و باد بر خود دمد البته کامروا گردد
و هرگز خوار و ذلیل نشود و هر مراد که بخواهد حاصل شود بفرمان

خدا بتعالی سوره توبه را برای دفع شر طالمان و عذاب آخرت

هفت نوبت بخواند از جمیع عذاب دنیا و آخرت ایمن گردد

و مستوجب رحمت حق تعالی شود و توبه وی قبول شود سوره

یونس علیه السلام بجهت دفع دیو و از برای فتح و نصرت بر دشمنان

بیست و یکبار بخواند و اگر مشک و زعفران بر پوست آهو بنویسد

و با خود دارد از جمع آفات در امان خدا باشد و بر جای مخوف

که رود نترسد و هر بلایی که گرفتار شود بزودی نجات یابد

بفرمان خدا بتعالی سوره هود علیه السلام هر که از مهمی عظیم پیش

آید و از آن ترسان باشد سیزده نوبت بخواند نیت برآمدن

حاجت خود را بران خواند و یا بر خود دمد جمیع مهمات وی

کفایت شود و بمراد رسد و آن دشواری بآسانی مبدل شود

سوره

سورة یوسف علیه السلام اگر کسی خواهد که پیش پادشاهی

یا بزرگی یا دست رد جهت برآمدن حاجات خویشتن از

ایشان سبز ده نوبت یا نوزده نوبت بخواند و یا بر خود و همه جمع

مهمات وی حاصل شود و هرگز خوار و ذلیل نگردد و اگر بنویسد

در میان دیوار خانه نهد خانه بروی و فرزندان وی مبارک باشد

و مقصود برسد ان شاء الله تعالی سورة رعد از برای گرسنگی

کودکان بنویسد در کوزه بندد ساکن شود و از همه بلاها

و آفت ها در پناه خدا باشد سورة ابراهیم علیه السلام بجهت تنگی

و تنگ دلی هفت نوبت بخواند ایمن شود و روزی

فراخ شود و هیچ بلائی گرفتار نشود و فرو مانده نشود بفرمان

خدا تعالی سورة الحجر در وقت خرید فروخت هفت نوبت

بخواند آن بیع بروی مبارک شود و جمعیت و روشنائی

یابد و شاد و خرم شود از آن معامله سورة النحل بجهت تفرقه

دشمن صد و هفت نوبت بخواند و باد بر خود دمد و بر جانب

دشمن هم بدمد و بعد از آن بنوشد و با خود دارد جمیع مخلوقی

کردند دوست و محب وی شوند و زبان ایشان بر

وی بسته شود ان شاء الله تعالی قال رسول الله صلعم که

هر کس سورة کریمه بنی اسرائیل هفت بار بخواند و بمزار

مادر و پدر برسد و بیرا رقتی دست دهد حق تعالی

او را در بهشت دو قصر مرد دهد که هر قصر دویست

او صیه باشد و هر او صیه بهتر از دنیا و آنچه در دنیاست

و اگر کودکی در سخن زبان گرفته شود و بمشک فرغوار

بنویسد

بنویسد و بشوید و بخورد او و هر فصیح زبان شود و صاحب ۱۰۰

طبع شود و از همه بلای ایمن باشد ان شاء الله تعالی سوره الکهف

هر که در شب جمعه یا روز جمعه یکبار بخواند تا جمعه دیگر آفتی و بلایی

بوی نرسد و اگر هفت نوبت بخواند حاجات دنیی و

دینوی وی کفایت شود و همرا در برسد ان شاء الله تعالی

سوره مریم علیها السلام از برای فراخی روزی و حفظ حاطر

هفت نوبت بخواند و اگر مرد دیر آبستن باشد بسبک و

کلاب زعفران بنویسد و بشوید و بخورد گشاده شود

و اگر بنویسد و بر درختی بندد میوه بسیار دهد و از جمله

آفات ایمن شود و اگر هفت روز بنویسد و بگلاب

بشوید و بنباشتا بخورد از جمیع بلاها و علتها و محنت ها

شفا یابد و اگر بنویسد و در اندرون کوزه یا شیشه نهند
و بر شش بوم محکم کنند و در هر خانه که نهند شیاطین نگریزند
و معیشت بروی فراخ گردد و جمعیت یابد ان شاء الله تعالی

سورة طه بجهت کشادن بخت دختران و تزویج
ایشان نیست و یکتو بت بخوانند بکشاید و اگر از برای
رفع سحر و جن و ظفر بر دشمن و نصرت و کشاد در امور
دنیوی بخوانند ایمن گردد و جمله آفات آخر زمان و سلامتی
ایمان از شر شیطان بیست و یکتو بت بخوانند از همه بلاهای
آخر زمانی در امان حق باشند ان شاء الله تعالی سورة الانبیا

بجهت دفع شر دشمن مقهور و بیچاره گردد بر دشمنان
ظفر یابد و دشمن مقهور شود بفرمان خدا تعالی

سورة الحج

سورة الحج در وقت کشتی نشستن هفت نوبت
بخواند از آفت دریا ایمن شود و بسلامت بیرون آید
برکت این سوره کریمه انشاء الله تعالی سورة المؤمنون
بجهت کاهل نمازی هفت نوبت بخواند بمبارخر لیس
شود انشاء الله تعالی سورة النور از برای دفع بهتان
و دروغ هفت بار بخواند هیچکس در حق وی دروغ و
بهتان نتواند گفتن و زبان خصمان بروی بسته گردد بفرمان
خدا تعالی سورة الفرقان از برای دفع شر دشمن و هلاک
ایشان صد و هفت بار بخواند دشمنان هلاک شوند
یا آواره ببرکت این سوره کریمه انشاء الله تعالی
سورة الشعرا اگر کسی را بنده باشد و ترسد که بگریزد

هفت بار بخواند و با دبروی دمد و بر جامه سفید بنویسد
و بر گردن وی بندد هر گز نگریزد بفرمان خدا تعالی سورة
النمل اگر یک هفته هر روز یکبار بخواند حضرت باری تعالی
جمیع مهمات وی برآورده خیر گرداند ان شاء الله سورة
القصص هر گه هفت بار بخواند بعدد هر موئی که بر اعضای
وی بود نیکی در دیوان عمل وی نویسد بفرمان خدا تعالی
سورة العنکبوت از برای دفع اندوه بخواند هفت بار سورة
الروم از برای شر دشمن بست و یکبار بخواند ایمن شود ان شاء الله تعالی سورة لقمان از جهت دفع علتهای
اندرونی بست و یکبار بخواند مقصودی دینی دنیوی وی
محصل گردد ان شاء الله تعالی سورة الاحزاب از برای

از خلوص اخلاص نشود سورة ۳۳ الی
از برای کرامتی خاطرات بست و یکبار بخواند ۵۴

کشادن بخت دختران چهل ویکبار بخواند مراد حاصل

شود بفرمان خدا تعالی سوره السما بجهت دفع بلای

وآفت ها بخواند هفت نوبت ایمن شود سوره فاطر

بوقت حاجت عرض داشتن پیش ملوک وامرا انعقاد

بار بخواند حاجت روا کرد دو دشمنان دوست وی شوند

وامداد وی کنند به برکت این سوره کریمه ان شاء الله تعالی

سوره یس جهت سلامتی ایمان چهل ویکبار بخواند واگر به

مشک وزعفران وگلاب بنویسد وبشوید وبخورند قوتی

در دل ایشان پدید آید واگر بنویسد همچنان بجهت حفظ هفت

بامداد دوازان آب ناشتا بخورد قوت حافظه وی زیاده

شود دهر دو حفظ کند دیگر فراموش نکند واگر مرد بیرا بسته

باشند از آن آب هفت روز بخورد کشاده شود

و اگر نبوسید در جائی و ظرفی سرتنگ نهند دیو و شیاطین

در آن خانه راه نیابند و بحیلت کشایش نخواهند بغایت

نیکوست و اگر کسی را حاجتی و مرادی باشد باید که هفت نوبت

بنام هفت سلطان بخواند اول بنام سلطان بایزید سلطانی

دویم شیخ ابو سعید ابو الخیر سیوم سلطان ابراهیم ادهم چهارم

سلطان ابراهیم شاه سمنانی پنجم سلطان سنجر ماضی ششم سلطان

محمود غازی هفتم سلطان نعمان این موسی الرضا علیه التحیة

و الثنا البته بمقصودی برسد و هر مرادی که در داشته باشد محصل

گردد و منقولست از حضرت امیر المومنین علی ابن ابی طالب

علیه السلام که حضرت رسول صلعم فرمود یا علی این بخواند که

در ایام

در خواندن آن برکت هست اول اگر تشنه باشد سیر گردد

دوم دیم تشنه سیراب شود سیوم برهنه پوشیده شود چهارم

ترسیده ایمن گردد پنجم دردمند بخواند حق تعالی دستگیری وی

کند ششم بچشم مردم عزیز و محترم گردد و هفتم به نیت وام بخواند

ادا گردد هشتم اگر به نیت دشمن بخواند مقهور شود نهم اگر به نیت

امر ترش کند بخواند حق تعالی دیرا بیامرزد دهم اگر بیمار بخواند

اگر عمری باقیست بزودی شفا یابد و اگر نقیست بزودی

وآسانی بایمان برود شرح وخاصیت این سوره بسیار

است و در وهم و خیال نمیگنجد اما اینجا شمه ارسال نمودیم و باقی

اختصار کردیم والله اعلم و در حدیث آمده که هر که هر شب یکبار

یکبار بخواند خدا تعالی دیرا بیامرزد و هر که در اول روز بخواند

حاجات دنیا و آخرت او برآورده شود و در حدیث است

که یس دل قرآن است پس خلاصه قرآن است و در شرح این سوره

گرچه حدیث بسیار است اما در اینجا بیش ازین نمیکنجد پس

مختصر کردیم سورة الصافات را برای برآمدن حاجات و مهمات

و برکت در عمر و در روزی هفت نوبت بخواند سوره ص

جهت چشم زخم مرا کب بخواند و باد بروی دمد از چشم حاسدان

ایمن شود سورة الزمر را برای عزت و جاه و حرمت در میان

خلایق هفت بار بخواند سورة المؤمن بجهت مهمات بزرگ هفت نوبت

در ماندگی یکبار بخواند دلیل کس نشود سورة السجدة بجهت ترس

از بادشاهان و بزرگان و رستن از قهر ایشان صد بار بخواند

قهر ایشان بدل بسیم کرد سورة الشوری بجهت ترس از دشمنان

طالان

ظالمان سه بار بخواند ایمن گردد سورة الزخرف جهت برآمدن
مهمات دنیا و آخرت هفت بار بخواند کفایت کردد
سورة الدخان جهت برآمدن حاجات و ایمنی از دزد و زخم هر روز
یکبار بخواند ایمن گردد سورة الجاثیة از برای آسانی سکرات
موت که بروی آسان شود و از شر شیطان ایمن گردد سه بار
بخواند سورة الاحقاف بجهت دفع دیو و پری و دفع سحر و جادوی
هفت نوبت بخواند و باید بر خود دمد و از جمیع بلیات شیطانی
ایمن شود سورة محمد صلی الله علیه وسلم بوقت مصاف
از برای ظفر و نصرت بر دشمنان چهل و یکبار بخواند البته ظفر یابد
بیکبت این سورة کریمه سورة الفتح بجهت گشایش کارها
و فتح و نصرت بر دشمنان هفت بار بخواند جمعیت کلی روی

بوی نماید بفرمان خدا تعالی سورة الحجرات بجهت دفع
درد شکم و علت ها اندرون هفت بار بخواند و بمشک در عنوان
بنویسد و بگلاب بشوید و بخورد از همه علتهای آخر الزمان پاک
گردد ان شاء الله تعالی سورة نمل جهت دفع غم و اندوه
و شر دشمنان امین شود و از برای آسانی جانکندن و آسایش و
روشنائی گور هشت جمعه هر جمعه سه بار بخواند از برکت این سوره
کریمه امان یابد سورة الذاریات بجهت فراخی روزی و
عیش و دفع دست تنگی اعتقاد و پنج نوبت بخواند گشاده روزی
و فراخ شود سورة الطور از برای دفع علت جذام
هر شب جمعه بسیار بخواند شفا یابد سورة النجم بجهت حصول
حاجات و مهمات دنیوی و اخروی سبت و یکبار بخواند
و

جامه مُحلل کردد سورة القمر بجهت ترس از سلاطین یا

ظالم داشته باشد هفتاد نوبت و باد بر خود وید و برابروی

روی دشمنان مهربان وی شوند سورة الرحمن بجهت خوشنودی

حضرت رب العالمین و برآمدن حاجات دنیوی و آخرت

هفتاد نوبت بخواند خدا تعالی از وی خشنود شود و مقصودت

از وی محصل شود سورة الواقعه از برای دفع شر شیطان

و برکت رزق در روزی و عمر چهل و یکبار بخواند نیاز

شود ان شاء الله تعالی سورة الحدید بجهت کشادکار دنیا و

و آخرت هفتاد بار بخواند مهمات وی برآورده شود و بی خبر

نشود بفرمان خدا تعالی سورة المجادله اگر سه بار بخواند بر خاک

وید و بر طرف دشمن و خصمان بریزد دوست و مهربان شوند

و بصلح انجامد سورة الحشر بهمت هر مهمی که داشته باشد چهل

روز هر روز چهل بار بخواند و اگر یکروز فوت شود باز سر گیرد

چون اتمام رسد نیاز به برکت سوره کریمه سورة الممتحنة بهمت

دفع شر شیطان پنج بار بخواند از شر شیطان ایمن شود

و با ایمان از دنیا برود بفرمان خدا تعالی سورة الصف

اگر فرزندان مطیع و فرمان بردار نباشند صد و هفت بار بخواند

و باد بر ایشان وزد مطیع و فرمان بردار شوند سورة الجمعة

از برای موافقت و محبت زن و شوهر پنج بار بخواند و باد

بر ایشان وزد مهر و محبت زیاده شود از جانبین سورة

المنافقون بهمت دفع غمازان و منافقان و سخن چینان

صد و هشت بار بخواند در امان خدای باشد سورة التغابن

نافله

بجهت حفظ مال از حرامی هفت بار بخواند و با دربان مالے

که داشته باشد بمدد حفظ و امان حق تعالی باشد سورة

الطلاق هر کس که سه بار بخواند حق سبحانه تعالی وی را از

جمیع تفزفها ایمن گرداند سورة التحریم از برای مهربان شدن

دشمنان و ایمن گردیدن از شر ایشان و از بلاهای ناگهان

بست و یکبار بخواند محفوظ گردند سورة الملک بجهت دفع

بلاها چهل و یکبار بخواند از جمله بلاها ایمن گردد و حساب منکر

و نکیر و حساب روز قیامت بروی آسان بگذرد و بغرمان خدا تعالے

سورة نبا برای حصول حاجات و مقصودات و مهمات

دنیا و عقبی هفتاد و پنج بار بخواند مرادات محصل گردد سورة

الحاقه بجهت آسانی سوال منکر و نکیر و اسانیش گور هفتاد

هم در بعضی کتب نبوده از خفتن بخواند از عذاب گور ایمن گردد

پنج بار بخواند از جمله غدایها ایمن شود سورة المعارج بوقت

جنگ خصمان صد و بیست بار بخواند جنگ بصلح مبدل شود سوره

نوح علیه السلام بنیت هلاک دشمنان هزار بار بخواند و بعد

ازان این دعا بخواند اللّٰهُمَّ یَا رَبَّ السَّمَآءِ وَ یَا جَرِ الْمَاءِ وَ یَا عَالِمَ
الْاَدْآءِ وَ یَا مُغِیْثَ الضُّعَفَاءِ وَ یَا مَلْجَاءَ الْفُقَرَاءِ اللّٰهُمَّ
مَنْ کَادَنِی بِسُوْءٍ فَکِدْهُ وَ مَنْ اَرَادَنِی بِسُوْءٍ فَارِدْهُ
وَ یَا مُفَجِّرَ الْمَاءِ مِنْ نُجُوْمِ الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ امْطِرْ عَلَیْهِمْ
مَآءً عَدْقًا دَرْقًا لَا یَبْقَ مِنْهُمْ دَیَّارًا وَ لَا تُدِرْ عَلَی
الْاَرْضِ مِنَ الْکَافِرِیْنَ دَیَّارًا وَ لَا تَجْعَلْ لَهُمُ الْاَنْهَارَ
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الَّذِیْ لَا شَرِیْکَ لَکَ فِیْ جَبَرُوْتِکَ وَ اَنْتَ
عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ یَا قَادِرُ یَا قَادِرُ یَا قَاهِرُ
یَا قَاهِرُ یَا قَاهِرُ لَکَ مِنْ عَاصِیَهٖ وَ کَمْ مِنْ مَظْلُوْمٍ وَ کَمْ مِنْ
عَبِیْدٍ غَلَبْتَ عَلَیْهِ سَطْوَتُکَ اَللّٰهُمَّ اکْفِنِیْ شَرَّ هٰذَا
الظَّلُوْمِ الْجَهُوْلِ الْعَبِیْدِ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ مَا لِیْ سِوَاکَ
مَهْرَبٌ وَ لَا مُقِیْلَ فَلَا تَرُدَّ الظَّالِمِیْنَ الْاَنْهَارَ اَمَالِکَ الرِّقَابِ
یَا شَدِیْدَ الْعِقَابِ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِیْنَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ اَجْمَعِیْنَ

سورة الملک بجهت دفع دیو و پری هفت بار بخواند ایمن
شود سورة المزمل بجهت تمامی مهمات و برآمدن حاجات
هزار بار بخواند از جمع بلیات ایمن شود سورة المدثر بجهت
برهنگی صد و هشت بار بخواند در دو جهان برهنه و بی ستر نماند
و پریشان خاطر نماند سورة القیمة بجهت حساب قیامت
هر شب جمعه سه بار بخواند حساب قیامت بروی آسان گردد
سورة الانسان بجهت ثواب یافتن در آخرت هفتاد و
پنج بار بخواند ثواب عظیم یابد و از حوض کوثر شراب طهور
و براییا شامند سورة المرسلات بجهت یافتن ثواب صد بار
بخواند از ثواب صادقان بهره مند گردد و بفرمان خدا تعالی
سوره عم بجهت روشنائی چشم وی زیاده گرداند سورة

النازعات جهت سلامتی ایمان مبست وبکبار بخواند

حق تعالی ایمان وی را از شر شیطان نگاهدارد وایمان بسلامت

ببرد سورة عبس بجهت دوستانی روز قیامت هفت بار

بخواند از بارکی وکوری روز حشر ایمن گردد سورة التکویر

بجهت دفع بلاها ودریا مبست وبکبار بخواند در دنیا وآخرت

ایمن گردد ودر امان حق تعالی باشد سورة الانفطار

جهت دفع گرسنگی کودکان هفت بار بخواند وبادبری

وبدار رسیده شود بفرمان خدا تعالی سورة المطففین

اگر عورتی دشوار زاید هفت بار بخواند وبادبری وبدد

بآسانی حمل نهد بیرکت این سوره کریمه سورة الانشقاق

از برای زلزله وآفات سماوی وارضی هفتاد بار بخواند

سورة

سورة البروج از برای دفع بدگویان وحاسدان بغایت مفید است بار

بخواند از شر ایشان محفوظ گردد بفرمان خدا تعالی سورة الطارق

بجهت دفع دیو و پری و سحر و ساحران و جمله حیله دیگر که در

ساحران و منافقونست یازده بار بخواند ایمن گردد بفرمان

خدا تعالی سورة الاعلی بوقت رفتن در سفر سه بار بخواند

از خطرات سفر در امان خدا باشد سورة الغاشیه بجهت

دفع بادهای گرم که در اندام باشد خصوصاً باد سرخ و سفید است

دیگ بار بخواند دیا دبران دمد دفع شود بفرمان خدا تعالی

سورة الفجر دفع تب و بیماری متقادم بار بخواند بصحت

مبدل شود ان شاء الله تعالی سورة البلد بوقت دیر آمدن

بشهر از سفر یکبار بخواند و بجهت دفع فتنه های آخر الزمان

هفتاد بار بخواند در امان باشد سورة الشمس بوقت طلوع

آفتاب سه بار بخواند ثواب عظیم و اجر جزیل یابد و آن روز

بوی آفتی نرسد سورة اللیل بوقت فرو رفتن آفتاب

یکبار بخواند از ظلمت قیامت در امان باشد و اگر صد

و هشت بار بخواند و بر مال خود و مدار جای در امان خدا باشد

سورة الضحی را بجهت بندد که غایب شده باشد و هزار

بار بخواند البته حاضر گردد بفرمان خدا تعالی سورة الم نشرح

در وقت بیع یا شرکت سه بار بخواند بروی مبارک شود

و بر بیع مفت کرد و سورة والتین بر بنیت غایبی که در سفر

داشته باشد هفت بار بخواند بسلامت باز آید سورة

العلق بوقت رفتن نزد یک ملوک و حکام سه بار

بخواند

بخواند و چیزی بر خود و مدد نظر ایشان خیر و مختوم گردد و

هر حاجتی که از ایشان داشته باشد روا شود سورة القدر

هر کس که بعد از نماز عشا یازده بار بخواند بحق شب قدر

دریابد و اگر در شب نیمه شعبان دویست بار بخواند از دنیا

نرود الا که آمرزیده شود و بفرمان خدا تعالی سورة البینة

بجهت مقبول عبادات خویش بیست و یکبار بخواند

طاعات وی قبول درگاه خدای شود سورة الزلزلة

به نیت دفع حصان و دفع زلزله و باجل هزار بار بخواند

از شر همه ایمن شود و هیچ بلائی در نماند ان شاء الله تعالی

سورة العادیات بجهت دفع چشم زخم و دفع شر حاسدان

و دشمنان پنج نوبت خواند از همه ایمن شود سورة القارعة

بجهت برآمدن حاجات و مهمات صد و بیست بار بخواند مهمات

وی بدلخواه ساخته سورة الکافرون بجهت دفع جمیع بلاها سه بار

بخواند در امان حق باشد سورة والضحی دفع علتهای شکم و درد

اعتدون بخواند آرام یابد بفرمان خدا تعالی سورة الهمزه از برای

دفع علتها و مرضها انچه برآید هر روز بخواند شفا یابد و از غم خلاص

گردد سورة الفیل از برای دفع زبان حصان و بدگویان و حاسدان

بیست و یکبار بخواند از زبان جمیع بدگویان در امان خدا باشد

سورة القریش بجهت هلاک دشمنان در شب جمعه میان

نماز شام و خفتن هزار رود و بیست بار بخواند بمراد برسد

و دشمنان هلاک شوند یا او را رد کردند سورة الماعون بجهت

دفع افلاس اگر که چهل و یکبار بخواند حق تعالی ویرا تحیل

نگرداند در دنیا و آخرت بی نیاز گردد سورة الکوثر حضرت

رسول حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که هر کس

این سوره کریمه بخواند هر یکبار حق تعالی او را روزی کند از

ارشد ابهای بهشت ثوابی در دثواب اعمال او نویسد

سورة الکافرون بجهت حفظ ایمان هر روز هفت بار بخواند

حق تعالی ایمان او را السلامت نگاهدارد ان شاء الله تعالی

سورة النصر بجهت نصرت یافتن بر دشمن و محفوظ بودن

از کل بلاها هفت نوبت بخواند هر روز در امان ملک

علام باشد سورة اللهب از برای هلاک دشمنان هفت

هزار بار بخواند جمیع دشمنان هلاک شوند یا دوست شوند و

حاجت مندی باشند و اگر چهار بار بخواند و یا در خود دمد

۱۱۵

متفرق شوند ان شاء الله تعالی سورة الاخلاص از برای حفظ

ایمان هر روز هفت بار بخواند با ایمان از دنیا برود و بجهت

رستگاری آخرت هزار بار بخواند و اگر کسی را حبس کرده باشند

هزار بار بخواند خلاصی یابد بفرمان خدا تعالی سورة الفلق بجهت

دفع در هر روز سه بار بخواند و با دیگر امور الهای خود بدر

امان حق باشد سورة الناس مع الفلق سه بار بخواند از جمیع

بلاها و آفت ها ایمن گردد و اگر سحری پیش از ان کرده باشند

باطل شود بفرمان خدا تعالی و برکت این سوره های کریم

انشاء الله تعالی آمین یارب العالمین هو الفتاح دعای

سیفی فاتحه و آیة الکرسی و نود و نه نام بخواند و این

دعا هم بخواند اینست اللهم یا لطیف اغثنی و ادرکنی

بحق لطفك الخفی الهی کفی بعلمك من القال وکفی بحمدك
عن السوال یا الله العالمین وخیر الناصرین برحمتك ۱۱۱
یا ارحم الراحمین استغیث الهی من ذا الذی دعاك
فلم تجبه ومن ذی الذی استجارك فلم تجره من ذی الذی
استغاث بك فلم تغثه واغوثاه واغوثاه بسم الله الرحمن الرحیم

عبد الله عباس روایت میکند که در خدمت حضرت
امیر المومنین علیه السلام نشسته بودیم امیر المومنین حسین
صلی الله علیه وآله در آمد وگفت مردی در آمده است که
از وی بوی مشک می آید ودستوری میخواهد در آید امیر المومنین
علی علیه الصلوة والسلام فرمود که بگویید که تا در آید رخصت
دادند تا آنکه در آمد مرد بدیندی مر او را بصورتی بدیع وزبان

فصیح و با لباس ش ها نه گفت السلام علیک یا امیر المومنین

علی گفت من مردی ام از قضات عرب از شهر یمن و ملکی عظیم

در تصرف منست و مرا دشمنی است قوی با لشکری گران

و سالهاست که با من در هر محله است و مقاتله و دفع او هیچ حیلتی

نمیتوانم کرد شب بخواب دیدم که تا مرا میگفت که نزد یک

امیر المومنین علیه السلام رو و از وی درخواست کن تا دعای

که مرا و را حضرت محمد رسول الله تسلیم کرده است تا ترا بیاموزد

که این اسم اعظم در ان دعا است تا بیرکت این دعا از

دستمن خلاصی یابی و بروی ظفر یابی لبس شادمان بیدار

شدم و هیچ توقف نکردم و بخدمت تو آمدم و زحمت

بسیار دیدم امید دارم که از کرم تو ای امیر المومنین علیه السلام

که مرا باز نگردانی و مرآن دعا بیاموزی که مرا حواله سوگرده
اند و من لشکرانه آن چهار هزار غلام که با خود آورده ام آزاد
سیکردانم در راه خدا تعالی و رسول علیه السلام انگاه امیر المومنین
علیه السلام را فرمود که تا دلوات و قلم بیاورند و این
دعا را نوشت و بدو داد و فرمود که هر روزی باید خواند
که من امید دارم پیش از انکه بولایت خود رسیده باشد
دشمن تو هلاک شده باشد که من چنین شنیده ام از
حضرت رسول صلی الله وسلم که هر که این دعا را بنیت مال
بخواند با خضوع و خشوع و بر کوه اشارت کند کوه در حرکت
آید و بر روی آب روان شود پیش آن مرد بولایت
خود روان شد بعد از چهل و یک روز دیگ حاصد آنداز طرف

112

یمن و عرضه داشتند از آن پادشاه بحکمت حضرت

رسالت صلی الله علیه و آله و سلم آورد که بتوفیق خدای تعالی

و بهمت آنحضرت صلی الله علیه و ببرکت این حرز

چون به نزدیک یمن رسیدم لشکر یمن بازگشتند و دشمن را

هلاک گردانیدم و مملکت خود بگرفتم و مال و گنج دشمن را

بدست آوردم و بعد ازین از جمله مخلصان صادق رسول الله

پس حضرت علی علیه السلام با صحابه خواص این دعا را از آن حضرت

التماس کردند و رسول صلی الله علیه فرمود که بآن خدای که

جان محمد در ید قدرت اوست که جبرئیل امین این حرز را

بمن آورد و فرمود که امتان را وصیت کن بخواندن این هر

هر که این حرز را بصدق و اخلاص بخواند هر مرادی که از خدا

خواهد

بخواهد برداشت و دست بگشتم یا اخی جبرئیل خواص این دعا را

بگوی فرمود اگر خواص این دعا را بنویسد از صد یکی نتواند

نوشت امام چهل خاصیت این حرز را بگویم ده در باب

اخرت و سی در باب دنیا مسلمانان فایده کلی باشد اول

از ده اخروی آنست که خواننده این حرز را حق تعالی بر

ایمان از دنیا ببرد اگرچه در همه عمر خود گناه کرده باشد دوم آنکه

خواننده این حرز را وقت نزع این دعا را بصورتی خوب

بدوی عرض کند تا عاشق جانرا تسلیم کند سیم آنکه چون او را

در خاک نهند این دعا را در مقابل بماند تا منکر و نکیر

جواب منکر و نکیر بگویند چهارم آنکه بهر طرف که خواننده باشد از

دعا در بهشت هفتاد هزار حاجات و حور و رضوان

پنجم

اورا بدهند پنجم انکه خوانده این حرز را در روز قیامت روی

چون ماه تابان بوده باشد و خلق جمله عرصات در وی نگرند

ششم آنکه حق تعالی اورا در زیر عرش خود جای دهد و دیگران

گویند کیست بود که در دنیا ما نیز این حرز خوانده بودی هفتم انکه

چون به پل صراط رسد مرکبی بروی ظاهر گردد و گوید که ای خواننده

دعای مذکور که حرز بوده باشد بر من نشین و چشم برهم نه واو

بر نشیند چون برق از پل صراط بگذرد هشتم انکه

نهم انکه چون ایشان

بزیارت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آیند او بر همه مقدم باشد

دهم انکه خواننده این حرز بچشم همه اقاربان و عموم خلایق و عزیز

مکرم و محترم باشد و دیگر خواص کاینه دنیا گفته شود اول انکه

چون

چون کسی بکار خود فرو مانده باشد و شب او بنیه نیم شب

برخیزد و طهارت بگیرد و اگر غسل کند بهتر باشد و ده رکعت

نماز کذارد و بهر سلام هر سوره که خواهد بخواند و بر پیغمبر درود فرستد

اگر صادق باشد در روز بمراد رسد والا بامداد دیگر روز رسد که

برادر خود برسد دویم آنکه اول کسی در بلائی یا در زندانی کرفتار

باشد یا در دست ظالمی اسیر باشد این حرز را چهل و یکبار

بخواند خدایتعالی او را خلاص دهد و اگر خلاص نشود فرد اقامت

دامن مرا بکیرد که رسولم سیم آنست که بیماریکه هیچکس علاج

او را نتواند کرد این حرز را بمشک و زعفران بنویسد و بر قدحی

پاک بشوید و بآن بیمار دهند که بخورند و درد شفا یابد چهارم آنکه

اگر کسی غمین باشد چهل روز این حرز را بخواند روز چهلم بنویسد

بمشک و زعفران و بخورد مراد وش حاصل شود پنجم

اگر کسی را علت بش آید چهل و یکبار این حرز را بخواند

انگاه بنویسد و بشوید و بخورد شفا یابد ششم اگر کسی

شخصی عاشق باشد و خواهد که بحلالی او را بخواهد و صبر نداشته

باشد و در روزه بگیرد و وقت افطار روی بطرف آن خانه

کند و این حرز را بخواند و بعد از ان حرز را بخواند و بگوید الهی

لَیْسَ یَا قَلْبُ بِهِمْ وَ اَنْتَ تَعْلَمُ مَا فِی قَلْبِی وَ بُغْیَتِی مِنْهَا ذَانِعْمَ

یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ هفتم انکه چون سفری کرده خواهد برود باید که

غسل کند و در رکعت نماز بگذارد و بخواند این حرز را روانه

شود از ان بسفر بسلامت باز آید و از بلاها ایمن گردد و

هشتم انکه اگر کسی را دشمن بزرگ بوده باشد و با او

توانند

برخواند آمد باید که هفت روز آدینه سوره طه و یکبار این ۱۱۵

حزر را بخواند حق سبحانه و تعالی دشمن او را مقهور گرداند ۹ هم

آنکه اگر کسی را خویشان باشند که با او معاشرت بد کنند و

با او متابعت نکنند سه روز روزه دارد و در این سه روز

یکبار بدام این حزر را بخواند و دست را بر روی بمالد حق

تعالی آن قوم را مسخر و مطیع او گرداند ۱۰ هم آنکه اگر کسی

از درد یا جانوری موذی مثل شیر و گرگ و مار و گزدم

و غیره خوفی داشته باشد در منزله خط بر گرد خود بکشد و

این حزر را بخواند از شر همه ایمن گردد ۱۱ یازدهم آنکه اگر کسی را

مار گزیده باشد این حزر را بخواند و دست بر آن جای گزیده

نهد ۱۲ زهر مار بر وی کار نکند از زهر انجا بدر رود دوازدهم آنکه

اگر کسی ترا از شهر یا دار و ئی داده باشد این حرز را بنگ و زعفران

و گلاب بنویسد و بشوید و بخورد زایل گردد سیزدهم

آنکه اگر کسی در شهری یا بلائی افتاده باشد این حرز را

بنویسد و در سقف خانه آویزد و آن خانه از بلا ایمن باشد

چهاردهم آنکه اگر کسی را از پادشاه و یا از غیر خوفی داشته

باشد که بر دست گشتن باشد باید که غسل کند و جامه پاک بپوشد

و این حرز را بخواند در برابر وی رود هیچ

آفتی بوی نرسد پانزدهم آنکه اگر کسی خیری از دزدیده

باشد در شب آدینه دو رکعت نماز بگذارد و در

رکعت اول سوره فاتحه و سوره والشمس و در رکعت

دویم فاتحه و سوره والضحی و الم نشرح بخواند

و بگوید

و بعد از سلام این حرز را بخواند و با طهارت بخواب

رود حق تعالی در خواب در را بوی نماید شاء الله

آنکه اگر کسی در بستگی داشته باشد و کند کار خود

ندارد در روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیرد

و هر روز دو رکعت نماز به نیت کند و بگذارد و در رکعت

اول بعد از فاتحه آیت و من یتوکل الله بر ایا

را بخواند و پنجبار سوره اخلاص و در رکعت دوم

هم این طریق بخواند و بعد از نماز سه بار این حرز را

بخواند و سخن نگوید با طهارت بخواب رود فتح

کار او نماید هفتم هم اگر کسی را فرزند بهم نرسد این

حرز را بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بشوید

وبزن دهد تا بخورد و مرد به نیت فرزند در رکعت نماز

بگذارد و این حرز را بخواند و باران جمع شود حق تعالی او را

فرزند شایسته کرامت کند ۱۸ هم در خانه که این حرز ۱۹

باشد از درد و بلا و آتش ایمن باشد نور دهم هر که هر ۲۰

روز این حرز را بخواند و یا در خود بدرد دست در روی

مالد هیچکس با او بد نتواند کرد و از همه چیز ایمن باشد

اگر چه خلق دشمن او باشد ۲۱ سیم چون کسی در معرکه

رود در رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی فاتحه یکبار

و سه بار سورهٔ اخلاص بخواند و بعد از ان این

حرز را بخواند روانه شود اگر چون باران تیغ بالای

ریزند گزندی بوی نرسد و از هیبتی در دل خصمان

افتد

افتد و هر که رو کند از پس او بگیرد دست دیگر چون
خواهد در گشتن نشیند این حرز را بخواند و باد بر خود دمد
از خوف گشتن ایمن گردد و دست دوم چون در بیابانی
باشد و بر وی گرسنگی و تشنگی غالب گردد مر او را
کم کند بخاک تیمم و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول
آیة الکرسی و آمن الرسول تا آخر بخواند و در رکعت دوم
فاتحه و شهد الله انه لا اله الا الله را تا آخر آیه و الله نور
السموات و الارض بخواند و بعد از نماز این حرز را بخواند حق تعالی
از عالم غیب طعام و شراب بوی رساند دست سوم
اگر فقر و فاقه و عیال گرفتار باشد چهل و یکبار بگوید بگوید روز
پیش از نماز غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت

اول چهل و یکبار فاتحه و چهل و یکبار سوره اخلاص بخواند

و در رکعت دویم سه بار فاتحه و سوره اخلاص چهل و یکبار

و بعد از نماز صلوات بسیار بفرستد و این حرز را بخواند نشر

آنکه در میانه اگر روز فوت شود باز ابتدا کند تا متوالی چهل و یکروز

تمام حق تعالی بعد از آن فتح روزی کرداند که از احتیاج ایمن گردد

بست و چهارم اگر کسی این بهر مال و ملک خود از دشمن برسد

این حرز را بر پوست آهو بنویسد و در میان مال نهد هیچ مضرت

بمال و ملک وی نرسد بست و پنجم اگر کسی در مضافی رود

این حرز را با نافحنا لک فتحاً بنویسد و در موضع گیرد و سر علم

به بندد و بر ابر خصم بندد لشکر خصم اندوه و انبوه نماید و بجنگ

بهزیمت روند بست و ششم اگر خواهد که دیو و پری مسخر

وی

وی کردند روز چهارشنبه بوقت فرو شدن آفتاب سرد
تن جامه را بشوید و خود را معطر کرداند و آیت الکرسی و سوره
فلاقل بخواند و با دیر خود دمد و از ابادانی بدر رود چنانکه آدمی
نزدیک آن نباشد و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از ان فاتحه
و بعد از فاتحه انچه قرآن داند بخواند و بعد از ان این حرز را
بخواند و دلرا قوی دارد و خطی بر گرد خود بکشد و اینه الکرسی
بخواند و اگر آواز صعب شنود باید که خوف نکند که الکاه
بزرگ ارواح نماید از خویش و ساز خویش بنمایند و آواز
کنند که چه میخواهی از ایشان و از ایشان شرطی بستانند
هر وقت که ایشان را طلب کند حاضر شوند و این
حرز را میخوانده باشند که مضرتی بوی نرساند بمنه وکرمه

اگر کسی خواهد که خصم او هلاک شود در روز چهارشنبه هفت بار

سورة نوح را بخواند و سخن نگوید و چهل بار این دعا

بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَصْبَحْنَا وَاَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلّٰهِ اَللّٰهُمَّ

اَنَا عَبْدُكَ وَاَبْنَاءُ عَبْدِكَ

اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ حَيْثُ

يَحْتَفِظُ وَمِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَفِظُ

اَللّٰهُمَّ احْرُسْنَا مِنْ حَيْثُ يَحْتَرِسُ

وَمِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَرِسُ اَللّٰهُمَّ

اَسْتُرْنَا مِنْ حَيْثُ نَسْتَتِرُ وَمِنْ

حَيْثُ لَا نَسْتَتِرُ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا

العافية

الْعَافِيَةَ وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ وَأَرْزُقْنَا
الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
امراة سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ
مِرَّةً وَاحِدَةً اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنِي بِسَمْعِي
وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ
مِنِّي وَأَرِنِي ثَارِي فِي عَدُوِّي
ايضًا وصبح لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ
تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ
الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ

مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ سَتِّتْ وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ

وَقَلِّبْ تَدْبِيرَهُمْ وَخَرِّبْ

بُنْيَانَهُمْ وَقَرِّبْ اٰجَالَهُمْ وَسَوِّدْ

وُجُوهَهُمْ وَبَيِّضْ عُيُونَهُمْ

وَقَطِّعْ اَرْزَاقَهُمْ وَبَدِّلْ اَحْوَالَهُمْ

وَاشْغَلْ اَيْدِيَهُمْ وَحَسْدَهُمْ

وَحَدِّهِمْ اَحَدٌ عَزِيزٌ مُقْتَدِرٌ

يَا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ اِنَّمَا اَمْرُكَ اِذَ

اِرَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

یا رب انی مغلوب فانتصر

در هفتم بار البته بمراد برسد بیست و هشتم آنکه

اگر کسی را نماز روزه بسیار قضا شده

باشد در شب جمعه دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول یک

بار بخواند الحمد لله و هفت بار آیة

الکرسی و در رکعت دویم فاتحه

و امن الرسول یک بار به خواند

و چون سلام باز دهد این حرز را

بخواند و شفا کند و در حضرت

رب العزت قبول افتد بیست

و نهم آنکه اگر کسی از وطن دور

شده باشد و در غربت مانده

باشد و خواهد که بوطن خویش

باز رسد این حزب را هر روز بعد

از نماز صبح بخواند که

یکه حی سبحانه تعالی

او را بوطن خود باز رسان

خواص شی ام آن که اگر

کسی در غمی یا تهمتی

گرفتار شده باشد

چهل روز در وقت

طلوع آفتاب صلوات

بعز نستند و این حرز را بخوانند حق تعالی او را از غم نجات

دهد و روایت است که حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب

علیه السلام فرمود که هر کس که دیرا دشمنی سخت

داشته باشند باید که چون این حرز را اهمل و یکبار

بخواند و اگر کسی آن مدت نداشته باشد هفت بار البته

دشمن او هلاک گردد و هم از آن حضرت روایت

است که هر کسی را قرضی باشد و به نیت ادای قرض

این حرز را بخواند دین او ادا شود با سانی و خصمان

از وی راضی گردند و هم آنحضرت فرموده که هر کس

این حرز را هفت نوبت بخواند به نیت آنکه چیزی

از وی پوشیده باشند در خواب با او نمایند که در زد آن کیست

وهرکس که در سفر و در حضر این حرز را بخواند از دشمن
و اعدا و قطاع الطریق ایمن گردد و هرکس این حرز
را با خود نگاه دارد الله تعالی او را عزیز گرداند و مقبول
خلق گردد و این حرز را خواص بسیار است و عجب
است و دوازده هزار خواص دارد در وقت قرات
این حرز را روز جمعه یا روز چهارشنبه و هرکس ارادهٔ خواندن
این حرز را در اول روز غسل کند و دو رکعت نماز
بگذارد و بعد از فاتحه سورهٔ یٰسٓ را بخواند و هرکس
ارادهٔ قتال دشمن داشته باشد این حرز را بقلم مار یک
نویسد و در زیر زبان نهد از دشمن ایمن گردد اگر ارادهٔ
قبول خلق داشته باشد این حرز را بنویسد و نماز عا

الی حسده باید خواند و بر بازوی راست ببندند و در

پیش خلق عزیز باشد و خواص این حرز را بسیار است

اما باید که رزق حلال باید خورد و از بندان و مخربات

کلمات فتنه انگیز و دوری باید کرد و از حرص و حسد

و غیبت و بهتان اجتناب باید کرد و پیش از خواندن

این حرز سه بار نماز و عا را للاحسده باید خواند و ده بار

صلوات و سه بار آیة الکرسی و یکبار وَاِلٰهُکُمْ

اِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ

و یکبار عَنَتِ الْوُجُوْهُ الْحَیِّ الْقَیُّوْمِ وَقَدْ

وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الٓمّٓ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ نَزَّلَ

عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا
لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَيٰةَ وَالْإِنْجِيلَ
مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ
الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ إِنَّ اللَّهَ
لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ
وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ
فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بخواند و بعد از ان اعتصام بخواند و شروع در خواندن
کند بیان از کار که هر روز این حزب باید خواند یوم الثبت

لا اله

لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ

123

آیه من یوم الاحد لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِکُ

الْحَقُّ الْمُبِیْنُ مائه مرة یوم الاثنین

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَزِیْزٌ جَلِیْلٌ یَا عَزِیْزُ یَا جَلِیْلُ

مائه من یوم الثلثا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا کَثِیْرًا دَائِمًا

من یوم لاربعاء لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ خَالِصًا

مُخْلِصًا مائه من یوم الخمس لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ وَکِیْلٌ

مائه مرة یوم الجمعه سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ مائه مرتبه بیان شاره

اوّل لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَنْتَ رَبِّیْ وَاَنَّ عَبْدُكَ

ثانی اِنَّمَا اَمْرُهٗ اِذَا اَرَادَ شَیْئًا اَنْ یَّقُوْلَ لَهٗ

كُنْ فَیَكُوْنُ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدَتْ

محل ثالث اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ الثَّبَاتَ

فِی الْاَمْرِ وَالْعَزِیْمَتِ محل رابع تَرَدَّیْتَ بِالْعِزِّ

الْكِبْرِیَاءِ الْعَلَا وَتَازَرْتَ بِالْعَظَمَةِ

وَالْكِبْرِیَاءِ اشارت خامس اَللّٰهُمَّ قَسِّمْ

احسانك اِلَیَّ فِیْ مَا بَقِیَ عُمْرِیْ درشاره

فتح این اسما بخواند بِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْرَارِ

كَرَمِكَ الْخَفِیِّ وَبِحَقِّ الْاِسْمِ الْاَعْظَمِ

اسما

اَسْئَالُكَ اَنْ تَقْضِىَ حَاجَتِىْ وَتُهْلِكَ

عَدُوِّىْ وَتُوَصِّلَنِىْ مُرَادِىْ وَتَدْفَعَ

عَنِّىْ شَرَّ جَمِيْعِ خَلْقِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

الرَّاحِمِيْنَ اِنَّمَا اَمْرُكَ اِذَا اَرَدْتَ

شَيْئًا اَنْ يَقُوْلَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ وودر اشاره

قبل این اسما بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ اُدْعُوْنِىْ

اَسْتَجِبْ لَكُمْ وَاِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ

اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ هَمِّىْ وَاكْشِفْ غَمِّىْ

وَاَهْلِكْ عَدُوِّىْ وَاقْضِ حَاجَتِىْ

وَيَا اَقْدَرَ الْقَادِرِيْنَ وَارْحَمْنِىْ بِرَحْمَتِكَ

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وجهت دفع دشمن الحاح کند ورنه

نوبت دوم این دعا بخواند شمل فلان بن فلان

اَللّٰهُمَّ شَتِّتْ شَمْلَهُمْ

وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَزَلْزِلْ اَقْدَامَهُمْ

وَقَرِّبْ اٰجَالَهُمْ وَاقْطَعْ اَهْلِكَهُ

وَاَخْذِ عَزِيْزٍ مُقْتَدِرٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ

الْقَادِرِ الْقَاهِرِ الْقَوِيِّ الْعَزِيْزِ الْجَبَّارِ

الْمُتَكَبِّرِ الْحَيِّ الْقَيُّوْمِ يَا هُوَ عَنِ الصَّادِقِ

سبعین مرتبہ

عَلَيْهِ السَّلَامُ من قرأ هذا الدعا هلك

الْعَدُوِّ وَفِيْهِ لَكَ الْبَتَّةَ وَهُوَ هٰذَا الدُّعَاءُ

اَللّٰهُمَّ شَتِّتْ شَمْلَهُمْ وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ

وَقَلِّبْ تَدْبِيْرَهُمْ وَخَرِّبْ بُنْيَانَهُمْ

وَقَرِّبْ اٰجَالَهُمْ وَسَوِّدْ وُجُوْهَهُمْ

وَبَيِّض

وَبَيِّضْ عُيُوْنَهُمْ وَقَطِّعْ اَرْزَاقَهُمْ

وَبَدِّلْ اَحْوَالَهُمْ وَشَغِّلْهُمْ بِاَبْنَائِهِمْ

وَحَسَلَمِيْمْ وَخُذْهُمْ اَخْذَ عَزِيْزٍ

مُقْتَدِرٍ يَا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ اِنَّمَا اَمْرُكَ اِذَا

اَرَدْتَ شَيْئًا اَنْ يَقُوْلَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ

يَا رَبِّ اِنِّيْ مَغْلُوْبٌ فَانْتَصِرْ دُعَائِيْ

که در وقت رسیدن باشاره باید خواند هر یکره

بِاللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ بِحُسْنِيْ وَبِحَقِّ

الْاِسْمِ الْاَعْظَمِ اَسْئَالُكَ اَنْ تَقْضِيَ

حَاجَتِيْ وَتُهْلِكَ عَدُوِّيْ وَتُصَلِّيَ

مُرَادِيْ وَتَدْفَعَ عَنْ شَرِّ جَمِيْعِ خَلْقِكَ

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اِنَّمَا اَمْرُكَ اِذَا اَرَدْتَ

شَيْئًا اَنْ تَقُوْلَ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ

وبعد از دعای سیفی این دعاء بخواند نسیت دعاء

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ يَا حَنَّانُ

يَا دَيَّانُ سُبْحَانَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا

ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَشْهَدُ اَنَّ كُلَّ

مَعْبُوْدٍ مِنْ دُوْنِ عَرْشِكَ اِلٰى مُنْتَهَى

قَرَارِ الْاَرَضِيْنَ بَاطِلٌ اَنْتَ يَا غِيَاثَ

الْمُسْتَغِيْثِيْنَ اَغِثْنِىْ يَا رَبِّ وَجَنِّبْنِىْ

مِنْ سَخَطِكَ وَاحْرُسْ عَنِّىْ شَرَّ

جَمِيْعِ خَلْقِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

هذه

126

بسم الله الرحمن الرحيم

اسرار بحر تو ای نگار اندر نارم منزل زین دردم اندر نارم
تا دست بدرد تو اندر نارم نقشه محنت تو دانه اندر نارم

ز ابی میان دو کس جدای افکند این طلسم را
دو سه سنه میل این را از آب ساسش بر پارچه
رد بازن بنویسد سه روز در جای خلوت نموده بسوزد
یکن مرد یا زن از مرد و یکی ان خلوت را بر بلند
فور عداوت پیدا شود عظمت

[illegible] ۱۱۱۳ ۶ ۶ ۶

شرح باطل السحر اینست هذا الشرح

128

باطل السحر اگر سحر کرده باشند یا کنند بنویسند این را

خود دارد و هیچ حرز از هر نوع بر او کار نکند و دعای طلسم این

دعاء وَلَقَدْ اَوْحَيْنَا اِلَىٰ اُمِّ مُوسَىٰ

اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا

فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ

فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ فَغَشِيَهُمْ

لَا يَشْعُرُونَ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ

وَاَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ فَهُمْ

لَا يَفْتَرُونَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ اسم صاحب کلام هر کس باشد

بسم الله الرحمن الرحيم شرح آية الكرسي وقف لازمست

الا هو القيوم ولا نوم له ما في الارض الا باذنه

ما خلفهم الا بما شاء والارض وحفظهما

العلي العظيم ودر هر وقفي كه يك انگشت وقف كند

ابتدا از انگشت خنصر دست راست وختم بانگشت ابهام دست

چپ در برگشودن ابتدا از ابهام دست چپ كند وبر خنصر دست

راست ختم كند شرح آية الكرسي نقلست از بزرگان دين كرده

موضع در آية الكرسي وقف است هر كه در محل خواندن ملاحظه

نمايد در هر وقف كه برسد بايستد ويك انگشت فراهم آورد وبه

درگاه بي نياز بردارد چون آية الكرسي تمام شود دستها را بر روي

خود بمالد در جميع امراض جميع اعضا بدن كه جميع امراض وعلل در امان خدا يتعالى

بلكه

باشد در آفتها و آسیبها محفوظ بماند و دیگر منقوش است که اگر کسی را بیمی

پیش آید که در آن عاجز و معطل باشد و تدارک آن نداند باید که

طهارت بسازند و به نیت آن مهم دو بنه الکرسی را بخواند چون

بسلام دوم برسد و عنده آن مهم را بخاطر آرد البته که این حاجت

خاطرخواه او برآید اگر کسی را دشمنی صعب باشد که بهیچ حیله با او

برنمی آید به نیت مقهور شدن و مغلوب شدن آنکس

بنیاد خواندن کند چون بسلام دوم رسد که بعلم ما بین آیدیهم

آنکس را بخاطر بگذراند البته آن شخص مغلوب و مقهور گردد

و خواننده بروی ظفر یابد و این جمله از مجربات است و آزموده ایم

هر که درین شک آرد کافر گردد اگر بعد از نماز بامداد دیشب

از طلوع آفتاب الحمد بخواند و هفت بار آیة الکرسی بخواند اول بدست

راست بدهد و بعد از آن دست چپ و بعد از آن بر پیش رود و بعد
از آن بر پس پشت و بعد از آن بالای سر و بعد از آن زیر قدم و
هفتم بر دست خود مدد برآ اعضای خود مالد در امان حق تعالی باشد
و اگر کسی خواهد که در نظر سلاطین و ملوک و دوست و دشمن عزیز
و مکرم باشد و همه بر او مهربان گردند آیة الکرسی را سه بار بخواند
و بر کف دست دمد و در روی مالد در نظر سلاطین و دوست
و دشمن عزیز و مکرم و مهربان گردد و اگر کسی خواهد که در میان زن
و شوهر محبت اندازد چنانچه اگر یک ساعت همدیگر را نه بینند دیوانه
دیوانه گردند در مسجد جمعه شش رکعت نماز بگذارد در یک
سلام و در میان هر رکعتی یکبار الحمد و هفت بار آیة الکرسی
چون از نماز فارغ شود آیة الکرسی را چهل و یکبار بر چهل پاره نان
فاضل

فلفل سفید نخواند و یک یک در آتش اندازد و نام انکس

که خواهد محبب آزموده است اگر کسی خواهد که یکی را بعقد

و نکاح خود آورد دانه انگر سی را بر بشش دانه موبز

بخواند و بخورد انکس دهند محبب است و اگر سی دانه انگر سی

را باعتقاد درست در وقت و ساعت زهره و مشتری

بنویسند و با خود نگاه دارد محبوب همه دلها شود اما باید که

دانه انگر سی جهت حرام نکند که کفر است اگر جهت حلال کند

ثواب بسیار است اگر کسی خواهد که علم آموزد و تیز فهم گردد

باید که دانه انگر سی را بمشک و زعفران و گلاب بنویسند

و بر آب قند بشوید و بخورد که محبب است و صد بار بیش ازین آزموده است

اگر کسی خواهد که یکی را از راه دور بیاورد باید تا بار کشنه زرد و

عود خام و دو خشم مریم با هم بیامیزد و بهل و یکبار آیة الکرسی بر آن

بخواند با سم طالب و مادرش در وقت زوال آفتاب

و دود کند که آن شخص بیم آنست که دیوانه کرده و بیقرار شود همان

روز را در پیش گیرد و بیاید اگر صد فرسنگ دور باشد اگر کسی

خواهد که بر زبان کسی را بسته گرداند آیة الکرسی را بنویسد بمشک

و زعفران و در خانه تاریک سرنگون بیاویزد بر زبان آنکس که

بنام او کرده باشد بسته گردد بفرمان خدا تعالی اگر کسی خواهد که

درد پیدا کند در آن شب که مال برده باشد بامداد آنکس که

گمان دارد بخاطر کند راند و بیک طشت بیاورد خورد و پس سفید

مزج ۱۲

و زیر آن طشت پنهان کند و آیة الکرسی را هفت بار بخواند

و بر طشت دمد بر همان کسان را بفرماید دست بر آن طشت نهند

هر کس که

هر کس که دوست تحریص دزد را دوست دارد و دزد دشمن کردد

بعون الله تعالی اگر کسی خواهد که در میان دو کس دوستی ظاهر کردد

بستاند پاره نمک و بخواند آیة الکرسی را هفت بار بر آن

نمک و بچوشاند که آن شخص با همدیگر چنان شود که اگر همدیگر

را بکشتن نیز بینند که میان دو کس خصومت اندازد دوبار صلح کنند

بستاند یک سیب بزرک و آیة الکرسی را بران بخواند و

بخورداو بدهد تا بخورند متفق یکدیکر دند اگر کسی خواهد که در

نظر سلاطین و خلایق عزیز کردد هر روز آیة الکرسی را

مداومت نماید و با و بر خود دمد که بغایت مجرب است

زنهار که این خواص آیة الکرسی را بهر کس ندهند تا بعد از

کرفتار شوی و شرح آیة الکرسی بسیار و نهایت است

اما مختصر کرده شد اما در محل که حاجت مهمی آیته الکرسی را

میخواند باید که بوی خوش بکار دارد تا فایده تمام بخشد والله اعلم بالصواب

الشرح الباطل السحر والله اعلم

صلوات الحمد قل هو الله صلوات

۳ ۱ ۳ ۳

شرح سورة یس روایت است که چون ختم سوره مبارکه مشغول

شود روز اول طلب کند طرفی پاک و یکبار آیته الکرسی

و سه بار قل هو الله احد و معوذتین هر یک سه نوبت

و یس را یکبار بخواند و به آب بدمد و بعد از ان همان

آب وضو ساز و رو بقبله نشیند و این اعمال

بجای آورد و بعد از ان دو رکعت نماز بگذارد و هر حاجتی

که خواهد شروع در خواندن این سوره انشاء الله تعالی شود

۹۹

ویکبار ختم چهل یکروزه است و تاریخ روز اول را نویسد که

مبادا فراموش شود زنهار که به نااهلان ندهند که باعث

فاد میشود والله اعلم بالصواب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ يٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ

الْحَكِيْمِ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْنَ عَلٰى صِرَاطٍ

مُّسْتَقِيْمٍ تَنْزِيْلَ الْعَزِيْزِ الرَّحِيْمِ لِتُنْذِرَ

قَوْمًا مَّآ اُنْذِرَ اٰبَآؤُهُمْ فَهُمْ غٰفِلُوْنَ لَقَدْ

حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰٓى اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ

اِنَّا جَعَلْنَا فِيْٓ اَعْنَاقِهِمْ اَغْلٰلًا فَهِيَ اِلَى

الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُوْنَ وَجَعَلْنَا

مِنْۢ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ سَدًّا وَّمِنْ خَلْفِهِمْ

سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۞

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ

لَا يُؤْمِنُونَ ۞ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ

وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ ۞ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ

وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۞ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ

مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ

فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ۞ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ بِجَوَارِ اللَّهِ

وَقُوَّتِهِ وَعُوذَتِهِ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا مَعْشَرَ

الْأَرْوَاحِ الرُّوحَانِيَّةِ بِعِزَّةِ اللَّهِ ۞ وَنُورِهِ

وَبِحُرْمَةِ أَسْمَاءِ اللَّهِ وَبِحُرْمَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۞

133

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا كَافِيْ يَا هَادِيْ يَا لَطِيْفُ

يَا بَاقِيْ اَجِبْ يَا رُوْقَا اِسْئَلْ اَنْتَ وَخُدَّامُكَ

مِنَ الرُّوْحَانِيَّةِ الْاَرْضِيَّةِ وَاَنْتَ يَا مُذْهِبُ

سَمِيْعًا مُطِيْعًا بِحُرْمَةِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

الْعَالَمِيْنَ وَبِحُرْمَةِ الْمَلِكِ الْغَالِبِ

عَلَيْكُمْ اَمْرُهُ اَنْجِدُوْهُ بِحُرْمَةِ الطَّيْرِ

طَائِلَ قُلْ جَآءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ

اِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوْقًا وَاَقْسَمْتُ

عَلَيْكُمْ يَا كَطَفَ رُسَيَائِلَ اَللّٰهُمَّ

سَخِّرْ لِيْ قَلْبَ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ لِيْ مَحَبَّةً

بِحُرْمَةِ سُوْرَةِ يٰسٓ وَبِحُرْمَةِ اِسْمِ الْعَظِيْمِ
وَبِحُرْمَةِ سَيِّدِكَ كَجَمْ كَعْحَيْنُوْشْ وَاضْرِبْ
لَهُمْ مَثَلًا اَصْحٰبَ الْقَرْيَةِ اِذْ جَآءَهَا الْمُرْسَلُوْنَ
اِذْ اَرْسَلْنَآ اِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوْهُمَا
فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوْٓا اِنَّآ اِلَيْكُمْ مُّرْسَلُوْنَ
قَالُوْا مَآ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَآ اَنْزَلَ
الرَّحْمٰنُ مِنْ شَيْءٍ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَكْذِبُوْنَ
قَالُوْا رَبُّنَا يَعْلَمُ اِنَّآ اِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُوْنَ ۞
وَمَا عَلَيْنَآ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ۞
الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ۞ يَا رَحْمٰنُ ۞ يَا رَحِيْمُ ۞
يَا رَءُوْفُ ۞ يَا عَظِيْمُ ۞ يَا لَطُوْفُ ۞ يَا جَلِيْلُ ۞

134

يَا جَبَّارُ يَا جَوَادُ يَا جَاعِلُ اُجِبْ يَا جَبَّارُ
اَنْتَ وَخُدَّامُكَ مِنَ الرُّوحَانِيَّةِ وَالْاَرْضِيَّةِ
وَاَنْتَ اَمْرُهُمَا سَمِيعًا مُطِيعًا بِحُرْمَةِ
اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَبِحُرْمَةِ الرَّءُوفِ
الْعَطُوفِ وَبِحُرْمَةِ الْمَلِكِ الْغَالِبِ
عَلَيْكُمْ اَمْرُهُ هَوْزٌ وَبِحَقِّ هٰذَا طِيلَ
وَقَدْ مِنَّا اِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ
هَبَاءً مَنْثُورًا وَاَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ
يَا بَهْمَفْجَائِيلُ اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي قَلْبَ
فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَلَى حُبِّي بِحُرْمَةِ اِسْمِكَ
الْعَظِيمِ وَبِحُرْمَةِ حَوَّا وَبِحُرْمَةِ

سَيِّدَكَ يَتْبَعَ مصطفوش إِنْ نُجَابِا السَّبِيـ
وَالطَّاعَةِ وَتَحَضَّرُوا قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا
بِكُمْ لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ
مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ
أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ۞
وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ
قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ۞ اتَّبِعُوا
مَنْ لَّا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَّهُمْ
مُّهْتَدُونَ ۞ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي
فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۞ ءَأَتَّخِذُ
مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ

تُغْنِ عَنِّی شَفَاعَتُهُمْ شَیْئًا وَلَا یُنْقِذُوْنَ

اِذًا لَّفِی ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ ۞ مَالِكِ

الدِّیْنِ ۞ یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ ۞

عْبُ یَا شَمْسَائِلُ اَنْتَ وَخُدَّامُكَ

نَ الرُّوْحَانِیَّةِ وَالْاَرْضِیَّةِ وَاَنْتَ

اَنْتَ یَا رَحْمٰنُ ۞ یَا مَالِكَ یَوْمَ الدِّیْنِ ۞

رْمَتِ الْمَلِكَ الْغَالِبُ عَلَیْكُمْ

نْ خُطَّتِیْ وَبِجُرْمَةِ فَمُطَهِّلٌ فَاِذَا

مَاءَ وَعْدُ رَبِّیْ جَعَلَهٗ دَكَّآءَ وَكَانَ

عْدُ رَبِّیْ حَقًّا ۞ وَاَقْسَمْتُ عَلَیْكُمْ

عَ فَقُلْنَا ئِلْ اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِیْ فُلَانَ بْنَ

فلان عَلَى مَحَبَّتِي وَبِحُرْمَةِ سورة يس وَ

اِسْمِ الْعَظِيْمِ وَبِحُرْمَةِ سَيِّدِ اِسْمِ الْعَ

وَبِحُرْمَةِ سَيِّدِكَ كَائِحٌ طَالِحُيُوشِ

اُمَّتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَالَيْتَ قَوْ

يَعْلَمُونَ ۞ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَ

مِنَ الْمُكْرَمِينَ ۞ وَمَا اَنْزَلْنَا عَلَى قَوْ

مِّنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا

مُنْزِلِينَ ۞ اِنْ كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِ

فَاِذَا هُمْ خَامِدُونَ ۞ يَاحَسْرَةً عَ

الْعِبَادِ مَا يَاْتِيهِمْ مِنْ رَّسُولٍ

تاتوا به يستهزءون ۝ يا حسرة على العباد ما
1310
هلكنا قبلهم من القرون انهم
اليهم لا يرجعون ۝ وان كل لما جميع
لدينا محضرون ۝ وآية لهم الارض
الميتة احييناها واخرجنا منها
حبا فمنه ياكلون ۝ وجعلنا فيها
جنات من نخيل واعناب وفجرنا
فيها من العيون ۝ ليأكلوا من ثمره
وما عملته ايديهم افلا يشكرون ۝
سبحان الذي خلق الازواج كلها
مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما

لا يعلمون ۞ وآية لهم الليل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون ۞ والشمس
تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم
والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون
القديم لا الشمس ينبغي لها ان تدرك
القمر ولا الليل سابق النهار وكل في فلك
يسبحون ۞ وآية لهم انا حملنا ذريتهم في
الفلك المشحون ۞ وخلقنا لهم من مثله
ما يركبون ۞ وان نشأ نغرقهم فلا صريخ
لهم ولا هم ينقذون ۞ الا رحمة منا ومتاعا
الى حين ۞ واذا قيل لهم اتقوا ما بين

اَيْدِيْكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۞

وَمَا تَاْتِيْهِمْ مِنْ اٰيَةٍ مِنْ اٰيٰتِ رَبِّهِمْ اِلَّا كَانُوْا

عَنْهَا مُعْرِضِيْنَ وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ اَنْفِقُوْا

مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنُطْعِمُ مَنْ لَّوْ يَشَآءُ اللّٰهُ اَطْعَمَهٗ

اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ۞ اِيَّاكَ نَعْبُدُ

وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ۞ يَا سَرِيْعَ يَا قَرِيْبُ يَا مُجِيْبُ

اَجِبْ وَاَنْتَ يَا بُرْهَانُ سَامِعًا بِحُرْمَةِ

اِيَّاكَ نَعْبُدُ يَا مِيْكَائِيْلُ اِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ۞

وَبِحُرْمَةِ سَرِيْعِ الْقَرِيْبِ الْمَعْبُوْدِ لِمُسْتَعَانٍ ۞

اَنْتَ وَخُدَّامَكَ مِنَ الرُّوْحَانِيَّةِ وَ

الأرضية وبحرمة الملك الغالب عليكم أمرها

كلمن وبحرمة فهطهطل قال موسى ما جئتم

به السحر إن الله سيبطله إن الله لا يصلح عمل

المفسدين وأقسمت عليكم يا مسدع

بر ائيل اللهم سخر لي قلب فلان بن فلان على محبتي

سورة يس سيدك شجع وهجيوش ويقولون

متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ما

ينظرون إلا صيحة واحدة تأخذهم وهم

يخصمون فلا يستطيعون توصية ولا إلى

أهلهم يرجعون ونفخ في الصور فإذا هم

من الأجداث إلى ربهم ينسلون قالوا يا ويلنا

من ٩

مِنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَ 138
صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ۞ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً
فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ
نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۞
إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ ۞
هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ۞
لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ۞ سَلَامٌ قَوْلًا
مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ ۞ سُبْحَانَ الْمُفَسَّرِ عَنْ كُلِّ مَذْمُومٍ
سُبْحَانَ الْمُفَرَّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ ۞ سُبْحَانَ
الْمُخَلَّصِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ ۞ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ
مَكْنُونٍ ۞ سُبْحَانَ الَّذِي مَجْرَى الْمَاءِ فِي الْبِحَارِ

وَالْعُيُونَ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بِقُدْرَتِهِ
الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ مَنْ اَرَادَ شَيْئاً اَنْ
يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونَ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ
مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ رَبَّنَا
افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَاَنْتَ خَيْرُ
الْفَاتِحِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْغَالِبُ
الْحَقُّ الْمُبِينُ مُحَمَّدٌ الرَّسُولُ اللّٰهِ صَادِقُ
الْوَعْدِ الْاَمِينِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ
اَجْمَعِينَ
اَللّٰهُمَّ اَلِّفْ مَحَبَّتِي وَعِشْقِي فِي قَلْبِ فُلَانِ
بْنِ فُلَانٍ لَوْ تَكَلَّمَنِي اَوْ وَسْوَسَتِي اَوْ زِدْنِيَا
لِاَفْرَادِهِمْ وَلَا اَكْلَ لَهُمْ وَلَا نَوْمَ لَهُمْ وَلَا حُضُورَ

لهم ولا راحة لهم الا جاء عندي وبحق هذه

الاسماء العظام وبحق محمد ﷺ ولا حول ولا قوة

الا بالله العلي العظيم الهي يا صمدي من عندك

مدد دي وعليك معتمدي اياك ناصرا

معين بحق اياك نعبد واياك نستعين اغثني

على كل حال بقوتك وقدرتك يا رحمن

يا رحيم برحمتك يا ارحم الراحمين وامتازوا اليوم

ايها المجرمون الم اعهد اليكم يا بني ادم ان لا

تعبدوا الشيطان انه لكم عدو مبين

اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر

يا مقدم يا لطيف يا خبير يا خالق يا هادي

اَجِبْ يَاخَرْفَائِلَ اَنْتَ وَخُدَّامِكَ مِنَ الرُّوحَانِيَّةِ

وَالْاَرْضِيَّةِ وَاَنْتَ يَاشَهْرُوشِ سَامِعًا مُطِيعًا

بِحُرْمَةِ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَبِحُرْمَةِ الْقَادِرُ

الْمُقْتَدِرُ وَبِحُرْمَةِ الْمَلِكِ الْغَالِبُ عَلَيْكُمْ اَمْرُهُ

سعفص وَبِحُرْمَةِ فَطَهْطِيل وَاِنَّهُ لَكِتَابٌ

عَزِيزٌ لَا يَاْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ

تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ وَاَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ

لَالَاغَ شَمْهُورَيْشَ اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي فُلَانَ بْنَ فُلَانَ

مَحَبَّتِي وَبِحُرْمَةِ سُورَةِ يٰسٓ وَبِحُرْمَةِ حَوَّا وَ

سَيِّدِكَ لَالَاغَ زَوْفَائِشَ وَاَنِ اعْبُدُونِي هٰذَا

صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِ

أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ۞ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنتُمْ
تُوعَدُونَ ۞ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ
الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ
وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۞
وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا
الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ۞ وَلَوْ نَشَاءُ
لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا
مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ۞ وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ
فِي الْخَلْقِ ۞ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ۞ وَمَا عَلَّمْنَاهُ
الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِي لَهُ ۞ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ
مُّبِينٌ ۞ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ وَبِحَقِّ يَا حَكِيمُ يَا عَلِيمُ

يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ يَا نُورُ يَا عَلِيُّ يَا لَطِيفُ

يَا هَادِيُ اَجِبْ يَا عَيَائِيلَ اَنْتَ وَ

خُدَّامُكَ مِنَ الرُّوحَانِيَّةِ وَالْاَرْضِيَّةِ

وَاَنْتَ اَبْيَضُ سَامِعًا مُطِيعًا بِحُرْمَةِ

صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ وَبِحُرْمَةِ

الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ وَبِحُرْمَةِ حَمْطَهْطَيْلَ

اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ

الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَاَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ

بِكَجْ كَصْطِيَائِيلَ اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي قَلْبَ

فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَلَى مَحَبَّتِي وَبِحُرْمَ

اسْتَدْ

وَبِحُرْمَةِ سُوْرَةِ يٰسٓ وَبِحُرْمَةِ اِسْمِ
141
الْعَظِيْمِ وَبِحُرْمَةِ حَوٰمٓ وَبِحُرْمَةِ سَيِّدِكَ
مُحَمَّدٍ ﷺ لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ
الْقَوْلُ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ۞ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا
خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ اَيْدِيْنَا اَنْعَامًا
فَهُمْ لَهَا مٰلِكُوْنَ ۞ وَذَلَّلْنٰهَا لَهُمْ
فَمِنْهَا رَكُوْبُهُمْ وَمِنْهَا يَاْكُلُوْنَ ۞ وَلَهُمْ
فِيْهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ اَفَلَا يَشْكُرُوْنَ ۞
وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لَّعَلَّهُمْ
يُنْصَرُوْنَ ۞ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ
لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُوْنَ ۞ فَلَا يَحْزُنْكَ

قولهم انا نعلم ما يسرون وما
يعلنون أولم ير الانسان انا خلقناه
من نطفة فاذا هو خصيم مبين
غير المغضوب عليهم ولا الضالين
يا قاهر يا عزيز يا مالك يا مؤمن يا
مهيمن يا ظاهر يا كبير اجب يا كشاف
وانت سامعا مطيعا بحق غير
المغضوب عليهم ولا الضالين
وبحرمة القاهر العزيز الكبير المتعال
وبحق شمخ صنطغلا وبحرمة طمطهط
المقفجيل فوقع الحق وبطل ما كانوا

يعملون ۝ واقسمت عليكم يا ابن حكما ئل

اللهم سخر لي فلان بن فلان على محبتي

وبجرمة حوا وبجرمة سيدك يرع

سكطفهوش وضرب لنا مثلا ونسي

خلقه قال من يحيي العظام

وهي رميم ۝ قل يحييها الذي انشاها

اول مرة وهو بكل خلق عليم الذي

جعل لكم من الشجر الاخضر نارا

فاذا انتم منه توقدون ۝ اولیس

الذي خلق السموات والارض

بقادر على ان يخلق مثلهم بلى و

هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۞ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ
شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ
الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ ۞ اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ كَمَا
سَخَّرْتَ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَيِّنْ
لِي قَلْبَهُ كَمَا لَيَّنْتَ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ فَإِنَّهُ لَا يَنْطِقُ إِلَّا بِإِذْنِكَ نَاصِيَتُهُ
فِي قَبْضَتِكَ قَلْبُهُ وَفِي يَدِكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۞ اَللّٰهُمَّ اجْذِبْ إِلَيَّ قَلْبَ فُلَانٍ
بْنِ فُلَانٍ كَمَا يَجْذِبُ مَغْنَاطِيسُ الْحَدِيدَ
وَاجْذِبْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ وَجَمِيعَ

عضائه وبحرمة حمقك وبحرمة
نبيائك المرسلين والملائكة
المقربين وبحرمة يس والقرآن الحكيم
وبحق الم الكهيعص وبحرمة طه وطس
وطسم وحم عسق وحمر والكتاب
المبين وبحرمة ص والقرآن ذي
الذكر بل الذين كفروا وبحرمة ق
والقرآن المجيد وبحرمة والطور
وكتاب مسطور في رق منشور
والبيت المعمور والسقف المرفوع
والبحر المسجور وبحرمة ن والقلم

وَمَا يَسْطُرُونَ ۞ وَبِحُرْمَةِ سُورَةِ الْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ الْكَرِيمِ الْقَدِيمِ الشَّأْنِ النُّورِ
الْمُبِينِ كَمَا قُلْتَ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ۞
وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا وَبِحُرْمَةِ
أَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الْعُظْمَى الْمُكَرَّمَةِ
الْمُطَهَّرَةِ الْمُقَدَّسَةِ الْمَنُورَةِ وَبِحُرْمَةِ
الْعَرْشِ وَالْكُرْسِيِّ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ
وَبِحُرْمَةِ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَالْأَرَضِينَ
السَّبْعِ وَالْكَوَاكِبِ السَّبْعَةِ السَّيَّارَةِ
وَبِحُرْمَةِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَالْيَ

الْمَوْعُوْدِ وَشَاهِدٍ وَّمَشْهُوْدٍ وَّ
بِحُرْمَةِ وَالسَّمَآءِ وَالطَّارِقِ مَآ اَدْرٰىكَ
مَا الطَّارِقُ النَّجْمُ الثَّاقِبُ وَبِحُرْمَةِ وَالْفَجْرِ
وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ اِذَا
يَسْرِ وَبِحُرْمَةِ وَالتِّيْنِ وَالزَّيْتُوْنِ وَ
طُوْرِ سِيْنِيْنَ وَهٰذَا الْبَلَدِ الْاَمِيْنِ
وَبِحُرْمَةِ بَيْتِ الْحَرَامِ الْمُقَدَّسِ وَبِحُرْمَةِ
اَنْبِيَآئِكَ وَاَصْفِيَآئِكَ وَعِبَادِكَ
الصَّالِحِيْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ يَا خَيْرَ
النَّاصِرِيْنَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ

القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في
السموات وما في الارض من ذي
الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين
ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء
من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات
والارض ولا يوده حفظهما وهو العلي
العظيم لا اكراه في الدين قد تبين الرشد
من الغي فمن يكفر بالطاغوت و
يومن بالله فقد استمسك بالعروة
الوثقى لانفصام لها والله سميع عليم
الله ولي الذين امنوا يخرجهم

مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ ۞ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا

١٢٥

٣ اَوْلِيَاءُهُمُ الطَّاغُوْتُ يُخْرِجُوْنَهُمْ

مِّنَ النُّوْرِ اِلَى الظُّلُمٰتِ اُولٰئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ

هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ۞ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ

الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا اللّٰهُ

يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا مَلِكُ يَا قُدُّوْسُ

يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيْزُ

يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ

يَا مُصَوِّرُ يَا غَفَّارُ يَا قَهَّارُ يَا وَهَّابُ

يَا رَزَّاقُ يَا فَتَّاحُ يَا عَلِيْمُ يَا قَابِضُ

يَا بَاسِطُ يَا خَافِضُ يَا رَافِعُ يَا مُعِزُّ

يَا مُذِلُّ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا حَكَمُ يَا عَدْلُ

يَا لَطِيفُ يَا خَبِيرُ يَا حَلِيمُ يَا عَظِيمُ

يَا غَفُورُ يَا شَكُورُ يَا عَلِيُّ يَا كَبِيرُ

يَا حَفِيظُ يَا حَسِيبُ يَا مُقِيتُ يَا جَلِيلُ

يَا كَرِيمُ يَا رَقِيبُ يَا مُجِيبُ يَا وَاسِعُ

يَا حَكِيمُ يَا وَدُودُ يَا مَجِيدُ يَا بَاعِثُ

يَا شَهِيدُ يَا حَقُّ يَا وَكِيلُ يَا قَوِيُّ يَا مَتِينُ

يَا وَلِيُّ يَا حَمِيدُ يَا مُحْصِي يَا سَيِّدِي

يَا مُعِيدُ يَا مُحْيِي يَا مُمِيتُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ

يَا وَاجِدُ يَا مَاجِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ

يَا فَرْدُ يَا قَادِرُ يَا مُقْتَدِرُ يَا مُقَدِّمُ

بلا

يا مؤخر يا اول يا اخر يا ظاهر يا باطن

يا والي يا متعالي يا بر يا توّاب يا منعم

يا منتقم يا عفو يا رؤف يا مالك

الملك ذو الجلال والاكرام يا ربّ

يا مقسط يا جامع يا غني يا مغني يا معطي

يا مانع يا نافع يا ضار يا نور

يا هادي يا بديع يا باقي يا وارث

يا رشيد يا صبور يا صادق يا ستّار

سورة حشر رسول صلّى الله عليه وسلّم

كه هر كس سورة حشر بخواند خدا تعالى گناه متقدم و متأخر

او را بيامرزد و نيز فرمود صلى الله عليه وسلم كه هر كس سورة

حشر بخواند عرش و کرسی و بهشت و دوزخ و آسمان ها

و زمینها بر وی آفرین کنند و بحبت او استغفار خواهند

و شهید از عالم بیرون رود و در سود صلی الله علیه وسلم

مر امیر المومنین علی را رضی الله عنه که هر شب سورهٔ حشر

بخواند تا سر دنیا و آخرت از تو باز دارند و از امام جعفر صادق

رضی الله عنه منقول است که این سورهٔ بحبت بر آمدن حاجت و

مهمات چهل روز هر روز یکبار بخواند و اگر یک روز فوت

شود از سر گیرد و بعضی اند آنانکه اجابت فرموده اند که بحبت بر آمدن

حاجات وضو کند و چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی بعد از فاتحه

این سوره بخواند و در رکوع نیز این سوره بخواند هر حاجتی که نیت

داشته باشد بزودی و آسانی بر آید و اگر این سوره را در جام

بعد

سفید تولید و آب باران بشوید و بخورد و نسیان از وی زایل

شود و قوت حفظ در وی زیادت کرد و در آثار آمده است

که هر کس سوره حشر را چهل روز متوالی هر روز چهل و یک بار بخواند

مستجاب الدعوات گردد و هم مهمات بر وفق مراد او شود قوله

تعالی وَالَّذِينَ تَبَوَّءُ الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ

إِلَى قَوْلِهِ الْمُفْلِحُونَ • این آیات را روز یکشنبه وقت

طلوع آفتاب اول ماه بر خاتم زر نقش کند و بعود و عالیه آن را بخور

کند هر کس که این خاتم را انگشت کند روزی بروی فراخ گردد

و خیر و برکت بسیار نظهور آید و اگر این آیه بر پوست آهو نویسد و با

خود دارد و کینه و حسد و غل و غش از دل بیرون رود قوله تعالی

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى

لا ینصرون چون خواهند که بسفر بیرون روند قطار

جامه او در و این آیه بر آن بنویسند و در راهی که بر آن راه خواهد

رفت زنجیر بچون به آن موضع رسد از آن در نتواند گذشت و

ترک سفر کند **قوله** تعالی هو الله الذی لا اله الا هو

الی آخر السورة ثم رسول صلی الله علیه وسلم

فرمود هر کس در صباح بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان

الرجیم و بعد از ان سه آیه از آخر سوره حشر بخواند هفتاد

هزار فرشته خدا تعالی بر وی موکل کند تا بحیث او امر آنش

منع خواهند تا بوقت شام و اگر در شام این دستور عمل کند او را

همین منزلت باشد و اگر بمیرد از جمله شهیدان باشد و منقول است که بیمار از شیخ بو

که هر کس بحیث بیمار مریض پیش او آمدی بحیث او فاتحه و چهار آیته

سورهٔ حشر نوشته و قل هو الله احد و معوذتین بر یک کاسه بار نوشتی و بعد از ان نوشته

148

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النَّاسِ اِلٰهَ النَّاسِ اَذْهِبِ
الْبَاْسَ وَاشْفِ حَامِلَ كِتَابِي هٰذَا شِفَاءً
لَا يُغَادِرُ سَقَمًا وَلَا اَلَمًا عَلَيْكَ وَقُوَّتِكَ
اِنَّكَ عَلٰى مَا تَشَآءُ قَدِيْرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ اَجْمَعِيْنَ وَصَحْبِهٖ
وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا بعد ازان بران بیمار بدمند

شفا یافتی و در آثار آمده است که چهار آیه از آخر سورهٔ حشر بهر دردی که

باشد شفا است چون باوضو این آیات را خواند و در کلام مفصل از اکابر آمده

آخر سورهٔ حشر شفا است از جمیع دردها مکرر و از ابن عباس رضی الله

عنهما منقول است که هر کس اول بسیاری آید در اول صباح بر بالای بیمار

بخوانند لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ

لَرَاَيْتَهٗ اِلٰى اٰخِرِ السُّوْرَةِ ، شفا یابد و گفته اند که اگر

کسی را وردی باشد این آیات را بران ورم خواند سه روز هر روز

هفت بار و بعد ازان سه روز این آیات را در جام ابگینه نویسد

بر عنوان و آنرا بشوید و باب باران بصاحب ورم دهند شفا یابد

چون خواهند که شروع در خواندن کند پس یکصد و پنجاه نوبت یا

قریب و یا مجیب بگوید و بعد ازان اعتصام بخواند بعد ازان شروع

در اعوذ بالله کند و تسمیه بخواند و هفت بار پس بنقش بخواند

و قصد بهیچ وجه نه کند و شروع کند

تا اربعین تمام شود اعتصام امنیت

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ وَاَعُوْذُ بِكَ

بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

وَحْدَكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ

الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِیْنُ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ

الثَّالِثُ الْوُجُوْدُ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الْمَعْرُوْفُ

الْمَعْبُوْدُ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الظَّاهِرُ لَا یُرٰی

یَا اَللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الْبَاطِنُ لَا تَخْفٰی یَا اَللّٰهُ

اَنْتَ اللّٰهُ نُوْرُ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ یَا اَللّٰهُ

اَنْتَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْاَحَدُ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ

اَللّٰهُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ یَا اَللّٰهُ الْعَزِیْزُ

الْجَبَّارُ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الْمُتَوَحِّدُ

بِالصَّمَدِیَّةِ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَیُّ

الْقَيُّومُ الَّذِي لَا يَمُوتُ * يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ

الْمَعْرُوفُ بِلَا عِرْفَانٍ * يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ

التَّامُّ الْكَامِلُ * يَا اللّٰهُ اَنْتَ الْغَالِبُ

الْحُسْنِ وَالْجَمَالِ * يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الظَّاهِرُ

الْبَاطِنُ السَّالِمُ مِنْ كُلِّ فَاقَةٍ * يَا اللّٰهُ

اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ

يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ * يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ

لَا ضِدَّ لَكَ وَلَا نِدَّ لَكَ وَلَا شَبِيهَ

يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَكَ شَرِيكٌ

فِي الْمُلْكِ * يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَمْ

يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا لَيْسَ كَمِثْلِهِ

شَيْءٌ

شَيْءٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ

السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ وَلَا

بِلَا غَايَةٍ يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ بِلَا غَايَةٍ

يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الْمُقِيْمُ بِلَا اَحَدٍ يَا اللّٰهُ

اَنْتَ اللّٰهُ الْحَيُّ الَّذِيْ لَا يَمُوْتُ يَا اللّٰهُ

اَنْتَ اللّٰهُ الْحَيُّ الَّذِيْ لَا يُنْتَلٰى يَا اللّٰهُ

اَنْتَ اللّٰهُ يَا اللّٰهُ اَنْتَ

اللّٰهُ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ ذُو الْ جَلَالِ

وَالْاِكْرَامِ يَا اللّٰهُ بِحُرْمَتِ هٰذِهِ

النُّوْرِيَّةِ الشَّرِيْفَةِ وَبِحُرْمَةِ هٰذَا

الدُّعَاءِ اَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِيْ وَتُبَلِّغَنِيْ

اِلَى مَا هُوَ مَقْصُوْدِيْ وَمُرَادِيْ وَ
تُسَهِّلَ عَلَى كُلِّ عَسِيْرٍ وَتُسَخِّرَ لِيْ خُدَّامَ
هٰذِهِ السُّوْرَةِ الشَّرِيْفَةِ حَتّٰى يَكُوْنُوْا
اِلَيَّ عَوْنًا فِيْمَا اُرِيْدُ مِمَّا هُوَ مَقْصُوْدِيْ
مُرَادِيْ اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِيْ خَلْقَكَ وَرِزْقَكَ
اَللّٰهُمَّ اَلِّفْ عَلَى قُلُوْبِ عِبَادِكَ
مِنْ كُلٍّ وَاُنْثٰى مِنْ حُرٍّ وَعَبْدٍ وَكَبِيْرٍ
وَصَغِيْرٍ بِالْمَحَبَّةِ وَالْمَوَدَّةِ وَالْعُطُوْفَةِ
وَارْزُقْنِيْ حَظَّ الْحُوْلِ وَافْتَحْ لِيْ
اَبْوَابَ لُطْفِكَ وَرِزْقِكَ وَقُلُوْبَ
عِبَادِكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّافَةِ وَارْزُقْ

رِزْقًا وَّاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا وَكُنْ لِّي

عَوْنًا وَّمُعِيْنًا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَ

اٰمِيْنًا يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى

سَيِّدِنَا وَاٰلِهٖ اَجْمَعِيْنَ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا

كَثِيْرًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

يٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيْمِ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْنَ

عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ تَنْزِيْلَ الْعَزِيْزِ

الرَّحِيْمِ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّا اُنْذِرَ اٰبَاؤُهُمْ

فَهُمْ غٰفِلُوْنَ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰى

اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ اِنَّا جَعَلْنَا

عَلَىٰ فِيٓ اَعۡنَاقِهِمۡ اَغۡلٰلًا فَهِيَ اِلَى الۡاَذۡقَانِ فَهُمۡ مُّقۡمَحُوۡنَ ۝ وَجَعَلۡنَا

مِنۡۢ بَيۡنِ اَيۡدِيۡهِمۡ سَدًّا وَّمِنۡ

وَّمِنۡ خَلۡفِهِمۡ سَدًّا فَاَغۡشَيۡنٰهُمۡ فَهُمۡ

لَا يُبۡصِرُوۡنَ ۝ وَسَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَاَنۡذَرۡتَهُمۡ

اَمۡ لَمۡ تُنۡذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُوۡنَ ۝ اِنَّمَا تُنۡذِرُ

مَنِ اتَّبَعَ الذِّكۡرَ وَخَشِيَ الرَّحۡمٰنَ بِالۡغَيۡبِ

فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٍ وَّاَجۡرٍ كَرِيۡمٍ ۝ اِنَّا نَحۡنُ

نُحۡيِ الۡمَوۡتٰى وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُوۡا وَاٰثَارَهُمۡ

وَكُلَّ شَيۡءٍ اَحۡصَيۡنٰهُ فِيۡٓ اِمَامٍ مُّبِيۡنٍ

سُبۡحَانَ الۡمُنَزَّهِ عَنۡ كُلِّ مَذۡمُوۡمٍ

سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ
الْمُخَلِّصِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ سُبْحَانَ
الْعَالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ الْمُجْرِي الْمَاءَ
فِي الْبِحَارِ وَالْعُيُونِ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ
خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ اِنَّمَا اَمْرُهُ
اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ
وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ وَعَوْنِهِ
وَغَرِمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ
يَا مَعْشَرَ الْاَرْوَاحِ الرُّوحَانِيَّةِ بِعِزِّ عِزِّ
اللّٰهِ وَبِنُورِ وَجْهِ اللّٰهِ وَبِجَلَالِ جَلَالِ اللّٰهِ

وَبِحَقِّ أَسْمَاءِ اللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ اُجُبْ يَا رُوْفَائِيْلُ يَا عَبْدَ اللّٰهِ

مِدْهِيَا مُطِيْعًا سَامِعًا بِحَقِّ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَبِحَقِّ الْحَيِّ الْقَيُّوْمِ وَبِحَقِّ

الْمُوَكِّلِ بِقَائِمَةِ الْعَرْشِ وَبِحَقِّ

اللَّطَاهِطِيْلِ وَقُلْ جَاءَ مرویست از امیر المو

علی رضی اللہ عنہ کو ہر کہ این استغفار را ہیچ گناہی نماند ا

گناہان او بیش از ریگ بیابان و موج دریا باشد استغ

اینست لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ

رَبِّ عَمِلْتُ سُوْءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِيْ

۱۰

فَاغْفِرْلِي فَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ لَا إِلٰهَ

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبِّ

عَمِلْتُ سُوْءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبْ

عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا

أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبِّ عَمِلْتُ

سُوْءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَارْحَمْنِي

فَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ * در خالصة الحقایق

آورده است رسول مردود صلی الله علیه الصلوٰة والسلام

هر که زنهار باشد نماز او مثل نماز من آن نماز مردود است برصاحب

نماز پرسیدند یا رسول الله چگونه گذاریم مثل نماز تو پس رسول

فرمود علیه الصلوات والسلام هر که این استغفار بعد از نجه گذارد

باشد سه بار بگوید نماز او مثل نماز من باشد گفتند یا رسول الله

آن استغفار کدام است رسول علیه الصلوات والسلام

این استغفار فرموده این را اسناد بسیار است در سحرگاه

و بعد ادای هر پنج وقت نماز سه بار بخواند استغفار اینست

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ

اَذْنَبْتُهُ عَمْدًا اَوْ خَطَاءً سِرًّا وَعَلَانِيَةً

وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِیْ اَعْلَمُ

وَمِنَ الذَّنْبِ الَّذِیْ لَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ

عَلَّامُ الْغُيُوْبِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِيْمِ از تفسیر معنی واجبا

علوم در خبر است هر که هر روز بر مومنان سلام بر نش خواهند بست

و لکن

دشمن با بهر روز این استغفار بگوید ایزد تعالی همه خصمان

او را خشنود گرداند اگرچه همه روی زمین خصم او باشند ایزد

تعالی همه را خشنود گرداند که او خیر ندارند همه مومنان را در 154

حق او شفاعت کنند استغفار اینست

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ اَحْيَاهُمْ

وَمَيِّتِهِمْ شَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ وَصَغِيْرِهِمْ

وَكَبِيْرِهِمْ وَاَذْكَرِهِمْ وَاُنْثٰيهِمْ اِنَّكَ

تَعْلَمُ مُتَقَلَّبَهُمْ وَمَثْوٰيهِمْ اِنَّكَ

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ تسبیح بیان

سنت و فریضه نماز صبح چهل و یکبار بخوانند

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَا ذُا الْجَلَالِ
وَالْاِكْرَامِ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ
اَنْ تُحْيِيَ قَلْبِيْ بِنُوْرِ مَعْرِفَتِكَ بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا

تسبیح سیدنا ومولانا ونبینا ومحمد صلی اللہ علیہ

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهٖ سُبْحَانَ
اللّٰهِ الْعَظِيْمِ وَبِحَمْدِهٖ تسبیح امیر المومنین
علی علیہ السلام سُبْحَانَ اللّٰهِ الْقَاضِيْ
الْاَكْبَرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْخَالِقِ الْبَارِيْ
سُبْحَانَ اللّٰهِ الْقَادِرِ الْمُقْتَدِرِ سُبْحَانَ

اللّٰهِ

اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ

الْأَعْظَمِ وَبِحَمْدِهِ تسبیح ادریس علیه السلام

سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى سُبْحَانَ مَنْ

عَلَا عَلَى الْهَوَى سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى

تسبیح حضرت فاطمه الزهرا ع این تسبیح هر که در میان

سنت و فریضه نماز صبح این تسبیح چهل و یکبار بخواند امن شود

از زوال ایمان او دل او نمیرد ثواب بسیار است

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا

بَدِيعَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ

وَالْإِكْرَامِ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ تُحْيِي قَلْبِي

بِنُورِ مَعْرِفَتِكَ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ

تسبیح نوح نبی الله علیه السلام

سُبْحَانَ الْعَالِی الْجَلِیْل سُبْحَانَ الْخَالِق
الْبَارِئ سُبْحَانَ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِل سُبْحَانَ
الرَّءُوْفِ الرَّحِیْم سُبْحَانَ الْعَرْشِ الْعَظِیْم

تسبیح هود علیه السلام سُبْحَانَ الرَّفِیْعِ
الْاَعْلٰی سُبْحَانَ الْعَظِیْمِ الْاَعْظَمِ
سُبْحَانَ مَنْ کَانَ هٰکَذَا وَلَا
یَکُوْنَ هٰکَذَا غَیْرُهٗ سُبْحَانَ مَنْ
عَالِمٌ یَرٰی سُبْحَانَهٗ وَتَعَالٰی سُبُّوْحٌ
قُدُّوْسٌ رَبُّ الْمَلَائِکَهِ وَالرُّوْحِ
سُبُّوْحٌ قُدُّوْسٌ رَبِّیْ وَرَبُّ الْخَلْقِ الْخَلْوِ

العظيم الرؤف الرحيم سبحان الله
وبحمده الباسط سبحان الضار
النافع سبحان القاضي بالحق

تسبيح ابراهيم خليل الله ع

سبحان الله من
ملاء الدهر قدسه سبحان من
يغشى لا بد نوره سبحان من اشرقت
كل ظلمة بنوره سبحان من لا بد
ان لا يغير دينه سبحان اوله علم
لا يوصف واخره علم لا ينفد

تسبيح اسماعيل ع

سبحان من هو مطلع
على جواز م القلوب سبحان

مَنْ هُوَ مُحْصِي عَدَدَ الْعُيُوبِ

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ

فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ سُبْحَانَ

الْوَدُودِ الْغَفُورِ تسبيح يعقوب

عليه السلام سُبْحَانَ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ الْجَوَادِ

سُبْحَانَ الْكَرِيمِ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ

الْبَصِيرِ الْحَكِيمِ سُبْحَانَ السَّمِيعِ الْوَاسِعِ

سُبْحَانَ اللهِ عَلَى إِقْبَالِ اللَّيْلِ

سُبْحَانَ عَلَى أَدْبَارِ النَّهَارِ وَلَا

إِلَهَ إِلَّا اللهُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَلَا

الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَ[illegible]ظْمَتُهُ وَ

وَالْكِبْرِيَآءِ مَعَ كُلِّ نَفَسٍ وَكُلِّ طَرْفَةٍ
عَيْنٍ وَلَمْحَةٍ سَبَقَتْ عُلُوَّ سُبْحَانَ اللّٰهِ
عَدَدَ ذٰلِكَ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ ذٰلِكَ
سُبْحَانَكَ عَدَدَ عِلْمِكَ سُبْحَانَكَ
عَدَدَ خَلْقِكَ تسبیح یوسف علیہ السلام
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَآئِمٌ لَا يَشْتَهُو
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ سُبْحَانَ مَنْ
هُوَ غَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ تسبیح خضر علیہ السلام
سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الرَّحِيمِ سُبُّوحٌ
قُدُّوسٌ رَبُّ الْحَيُّ الْقَيُّومُ سُبْحَانَ
الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْحَقِّ الرَّفِيعِ الْحَلِيمِ

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مَوْجُودٌ وَلَا يَزَالُ
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ وَلَا يَنَامُ

اسناد دعا ابلیس علیه اللعنة والعذاب روایت

است که روزی ابلیس لعین بخدمت پیغامبر علیه السلام

آمد رسول فرمود یا لعین چرا چندین نافرمانی کردی و میکنی

وخود را مستوجب دوزخ میگردانی ابلیس لعین گفت

یا رسول الله المحفوظ دعا دیدم هر روز هزار بار گناه کند

و در حال و یکبار این دعا بخواند البته به بهشت برود حضرت

گفت: ای دعا کدام است ابلیس لعین پدید

شد حضرت پیغمبر متفکر شد جبرئیل علیه السلام همان ساعت در رسید

گفت یا رسول الله تعالی ترا سلام میرساند و میگوید که ابلیس راست میگوید این را

قبل از چهار صد هزار سال ابلیس میداند دعا از دل او فراموش خواهد کرد حضرت

پیغمبر صلعم گفت این دعا کدام است جبرئیل فرمود دعای محفوظ است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ سُبْحَانَ
اللّٰهِ الْمُلْكِ الْجَبَّارِ سُبْحَانَ اللّٰهِ
الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْكَبِيْرِ 158
الْمُتَعَالِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ اللَّيْلِ وَا
لنَّهَارِ سُبْحَانَ الَّذِيْ لَمْ يَزَلْ وَيَكُوْنُ ولايزال
شَدِيْدُ الْمِحَالِ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ وَصَلَّى اللّٰهُ
عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اَجْمَعِيْنَ

اسناد دعا بنج کنج چون آورده اند بروایتی امیر المومنین علی علیه السلام

روزی رسول صلی الله علیه وسلم مسجی نشسته بود جبرئیل بیامد واین

دعا پنج گنج از حضرت رب العالمین بیاورد و گفت یا رسول

الله صلی الله علیه وسلم حق سبحانه و تعالی ترا سلام میگوید و

بعد از سلام تحفه و درود میفرستد و میفرماید یا محمد این پنج گنج مرا داد

علی سبیل امانت مصاف کردن بر کافران در حمایل خود بدارد و بر قوت

این جنگهای کافران را هزیمت نماید و اسلام آشکار شود جبرئیل علیه السلام

چون فرمان رسید باز گشت محمد رسول الله ص علی را طلبید و گفت یا علی

حق سبحانه تعالی بجهت تو اینک هدیه فرستاده که بر هیچکس نفرستاده

مگر تو با حمایل خود بدار دعا این پنج گنج پیوسته در سر نهاده چون

در کافران برقی و این پنج گنج را در حمایل خود گردی مظفر و منصور گشتی

پس رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت هر کرامت من این پنج گنج را خود بدارد

هر کجا که برود صحت و سلامت و خصمان را زار کرده و همه مطیع و فرمان بردار

باشند

باشند و در میان صفها باهیبت باشد و اگر صد هزار دشمن باشد همه دوست

او شوند و اگر در سفر و حضر رود و سلامت باز گردد با عزت بسیار

نگاه دارد با عظمت پروردگار معاینه کند و اگر

شک باین دعا ببرد کافر گردد و در دوزخ

نزول دعا پنج نسخ است **نسخ اول**

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَاُفَوِّضُ
اَمْرِیْ اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ
وَاَسْتَفْتِحُ بِاللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ
الْعَزِیْزِ الْحَکِیْمِ شَهِدَ اللّٰهُ قُلْ هُوَ اللّٰهُ
اَللّٰهُمَّ اَجِرْنَا بِعَیْنِكَ الَّتِیْ لَا تَنَامُ وَ

اَرْحَمْنَا بِقُدْرَتِكَ كنج دويم ٢

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَالسُّ

عَلَيْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيْنَا

مِنْ بَرَكَاتِكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ

عَنْ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَآؤُكَ وَلَآ اِلٰ

غَيْرُكَ وَاللّٰهُ وَلِيُّ التَّوْفِيْقِ كنج سيو ٣

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَمَنْ اَرَادَ بِسُوْٓءٍ فَرُدَّهُ وَمَنْ كَادَ

بِكَيْدٍ فَكُدْهُ وَمَنْ بَغٰى عَلَيْ

فَاَهْلِكْهُ رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِيْ وَاَغْ

ل

حَوْبَتِیْ وَاجِبٌ دَعْوَتِیْ یَا اَمَنُ

الْخَائِفِیْنَ کنج چهارم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ اِهْدِنَا عِنْدَكَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا

مِنْ اَیْدِیْنَا مِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ اِیْمَانِنَا

وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَبَارِنَا مَنْ ظَلَمَنَا

وَانْصُرْنَا عَلٰی عِبَادِنَا وَلَا تَخْذُلْنَا

وَبَقِّیْنَا وَمَوْلِیْنَا کَثِیْرًا کنج پنجم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ شَاهِدُنَا غَیْرُنَا هَدَیْتَ

یَا قَرِیْبًا غَیْرَ بَعِیْدٍ نَا غَالِبًا غَیْرَ مَغْلُوْبٍ

یَا خَالِقًا غَیْرَ مَغْلُوْبٍ یَا رَازِقَنَا

غَيْرَ مَرْزُوقٍ وَيَا مَعْبُودُ غَيْرَ

عَابِدًا وَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَ

مُحَمَّدٍ وَاَرْزُقْنِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَ

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ دعای این حفظ

هر که این دعا را بر پارهٔ نان بنویسد و هر صباح به نهاری بخورد

بنوعی حافظ هر چه بخواند یاد کیرد باین ترتیب روز شنبه

فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ روز یکشنبه

رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا روز دوشنبه

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسٰى روز سه شنبه اِنَّ

يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفٰى روز چهارشنبه

لَا تُحَرِّكْ بِهٖ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِ

روز

روز پنجشنبه اِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْاٰنَهُ

روز جمعه فَاِذَا قَرَاْنَاهُ و پیغمبر فرمود صلی الله علیه وسلم

بدرستی که مرکب را نبود دونه حرب است و هر حربه بزرگ

تر از نبودنه زخم کردن بشمشیر پس هر که خواهد سلامتی

ازان پس بعد هر فریضه نماز این دعا بگوید دعا یاد است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَعَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ فِي الدُّنْيَا

وَالْاٰخِرَةِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لِكُلِّ هَمٍّ

وَغَمٍّ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَلِكُلِّ كَرْبٍ

لَا رَمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلِكُلِّ

ذَنْبٍ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَلِكُلِّ ضِيْقٍ

حَسْبِیَ اللّٰہُ وَلِکُلِّ مُصِیْبَۃٍ اِنَّا لِلّٰہِ

وَلِکُلِّ نِعْمَۃٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ مَا بِیْ مِنْ

رَحْمَۃٍ فَمِنَ اللّٰہِ وَلِکُلِّ رُخَاءٍ

اَلشُّکْرُ لِلّٰہِ وَکُلِّ عُجُوْبَۃٍ سُبْحَانَ اللّٰہِ

وَلِکُلِّ قَضَاءٍ وَقَدَرٍ تَوَکَّلْتُ

عَلَی اللّٰہِ وَلِکُلِّ طَاعَۃٍ وَمَعْصِیَۃٍ

لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّۃَ اِلَّا بِاللّٰہِ وَاَقُوْلُ

لِکُلِّ رَغْبَۃٍ وَرَھْبَۃٍ اَللّٰھُمَّ صَلِّ

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ

دعای وصیت خواب است نقلست از سلمان فارسی پیغامبر صلعم

که مولانا شیخ الاسلام برهان الدین غنیمانی رحمت الله علیه

در شهر سمرقند در سال سنه ثمان و تسعین و خمسمائة

پیغامبر صلعم را در خواب دید که می اید و دعا عا و را خدمت پیغامبر صلعم

دستار خود بسته و متابعت کرد شیخ الاسلام پیش رفت و سلام

162

بگفت و سوال کرد ای پیغمبر خدای واقعه ازین صعب تر

چیست که هر روز چندین هزار امت من از دنیا بآخرت می آیند

از ایشان یک ایمان را با خود نمی آرد شیخ الاسلام در پای مبارک

عالم افتاد و گفت تدبیر چیست یا سید عالم گفت تدبیر آنست که کلمات

میگویم تا تو نیز میان امتان در کن این دعا را تعلیم نمود و گفت هر که بر این دعا مداومت نماید با ایمان هلاک نگردد و

شیخ الاسلام چون از خواب بیدار شد خط سبز نشسته دید و صحت تعبیر خواب

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسئلک بعزتک یا عزیز

وَبِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرُ وَبِحَمْدِكَ

يَا حَمِيدُ وَبِحِكْمَتِكَ يَا حَكِيمُ

وَبِرَحْمَتِكَ يَا رَحِيمُ وَبِعَظَمَتِكَ

يَا عَظِيمُ وَبِعَفْوِكَ يَا عَفُوُّ

وَبِفَضْلِكَ يَا رَحْمٰنُ وَبِمَنِّكَ

يَا مَنَّانُ اَنْ تَحْفَظَ عَلَى الْاِيمَانَ

فِي اٰنَاءِ اللَّيْلِ وَاَطْرَافَ النَّهَارِ

قَائِمًا وَقَاعِدًا وَرَاكِعًا وَسَاجِدًا

اِتْقَاظًا وَنَائِمًا حَيًّا وَمَيِّتًا عَلَى كُلِّ

حَالٍ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * استغفار کیا

استغف

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ
الْقَیُّوْمُ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
وَاَتُوْبُ اِلَی اللّٰهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
مِنْ جَمِیْعِ مَا کَرِهَ اللّٰهُ مِنْ قَوْلًا
وَفِعْلًا وَخَاطِرًا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُکَ
لِمَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا
اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ وَمَا اَسْرَفْتُ
اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَاَنْتَ الْمُؤَخِّرُ وَاَنْتَ
عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ
اَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ ثَبَتُّ

اِلَيْكَ ثُمَّ عُدْتُ بِهٖ وَاسْتَغْفِرُكَ
بِمَا اَرَدْتُّ بِهٖ وَجْهَكَ فَخَالَطَهٗ
بِمَا لَيْسَ لَكَ فِيْهِ رِضًا وَاسْتَغْفِرُكَ
لِمَا عُدْتُ بِهٖ مِنْ نَفْسِيْ ثُمَّ
اَخْلَفْتُكَ وَاسْتَغْفِرُكَ لِمَا دُعِيَ
اِلَيْهِ الْهَوٰى مِنْ قَبُوْلِ الرِّجْسِ مِمَّا
اشْتَبَهَ عَلَيَّ وَهُوَ عِنْدَكَ
حَرَامٌ وَاسْتَغْفِرُكَ مِنَ النِّعَمِ
الَّتِيْ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَوِيْتُ بِهَا
عَلٰى مَعَاصِيْكَ وَاسْتَغْفِرُكَ
مِنَ الذُّنُوْبِ الَّتِيْ لَا يَعْرِفُهَا

عنی

غَيْرُكَ وَلَا يَطَّلِعُ عَلَيْهَا سِوَاكَ
وَلَا يَسَعُهَا اِلَّا حِلْمُكَ اِلَّا يُنْجِينِي
مِنْهَا اِلَّا عَفْوُكَ وَاسْتَغْفِرُكَ 184
لِكُلِّ يَمِينٍ سَلَفَتْ مِنِّي فَحَنِثْتُ
فِيهَا عِنْدَكَ وَاَنَا مَاخُوذٌ بِهَا
وَاسْتَغْفِرُكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
وَاسْتَغْفِرُكَ يَا عَالِمَ الْغَيْبِ
الشَّهَادَةِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ عَمِلْتُهَا فِي
بَيَاضِ النَّهَارِ وَسَوَادِ اللَّيْلِ وَفِي
خَلَاءٍ وَمَلَاءٍ وَسِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ

وَأَنْتَ نَاظِرٌ إِلَيَّ إِذَا رَتَكَبْتُهَا وَ
أَتَيْتُ بِهَا مِنَ الْعِصْيَانِ يَا حَكِيمُ
يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ وَأَسْتَغْفِرُكَ
يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَأَسْتَغْفِرُكَ
لِكُلِّ فَرِيضَةٍ وَجَبَتْ عَلَيَّ
فِي أَنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ
فَتَرَكْتُهَا عَمْدًا أَوْ خَطَأً أَوْ نِسْيَانًا
وَأَنَا مَسْئُولٌ بِهَا وَأَسْتَغْفِرُكَ
لِكُلِّ سُنَّةٍ مِنْ سُنَنِ سَيِّدِ
الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ وَنَبِيِّكَ

مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

تَرَكْتُهَا غَفْلَةً وَسَهْوًا وَجَهْلًا وَ

تَهَاوُنًا وَجُرْعَةً وَقِلَّةَ مُبَالَاةٍ

بِهَا وَأَنَا مُعَاقِبٌ وَاسْتَغْفِرُكَ

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنَ الظّٰلِمِينَ وَاسْتَغْفِرُكَ

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

لَكَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْعٰلَمِينَ

لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ

وَأَنْتَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ غُفْرَانَكَ

رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهِ
مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ اَجْمَعِيْنَ بِعَدَدِ
مَنْ صَلَّ عَلَيْهِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَ
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

دعاء قرشيا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
قَرْشِيًّا جَلًّا وَمَلًّا دَيُوْمِيًّا
تَتُوْيًّا شَهُوْيًّا تَمُوْتَلِثِيًّا اَزْرَ
اَزْرَطِيًّا طُوْطَنْطًا طُوْطُوْطِيًّا
طُوْطَانِيًّا اَهْيًّا اَشْرَاهِيًّا قَمْهِيًّا

هَلَّا مِمَّا هَلَّلُهِيَّا هَرْجُوا هَرَآئِيلَ أَطْوَائِيلَ

حَمْبَطَآئِيلَ خُسَرَوَائِيلَ دُومَتَائِيلَ

اَشْرُوفِيَّا اَشْرُوقَرَائِيلَ اَسَنْجَائِيلَ

اِهْرَائِيلَ وَاَغْلَائِيلَ وَاَكْوَائِيلَ

طُوسُوسَائِيلَ رُوقَائِيلَ

خُمُورَعَائِيلَ تَبَقْشَائِيلَ

قَرْقَآئِيلَ مَهْرَائِيلَ بَرَكْتَائِيلَ

تُرْشَائِيلَ بُورِيَائِيلَ شَقْشَس

رَهَائِيلَ مَلْكَائِيلَ

مِيكَائِيلَ سَرَكْتَائِيلَ

اَهَوَاهَ وَايَهْ نَمْسُوا سَنْكُرُا

مُحَرَّوَائِلَ مَنْظُودَائِلَ

مَنْظَرَهْ مَشْغُودَهْ مَجْزُودَهْ

يَرْغَانْقَرِغَامَائِشِ

أَرْقَلِيشِ أَوَرَمْ أَرَرَهْ وَرَايَهْ

مَشَايِلَ أَكْنَهَائِلَ

هَيَائِلْ صُوَرْ وَآئِلَ

نُودَائِلَ دَرْدَائِلَ

شَهْنَائِلَ

حَمْهَائِلَ

بَطْمَطَائِلَ سَخْطَائِلَ

رُوحَائِلَ

مَنْظ

مَنْظِرِی یَزُومًا
یَزُومًا اَزْرَمَائِلَ
اَنْکِذِی اَنْکِذِی
تَرْمَائِیلَ اَنْهَرْ ثَائِلَ
اَنْفَامِی
تَلِیشَاتَبِیتًا
مَکُومَّتًا
شَهْطَرْحِسًا
شَهْطَرْثَانِیَهْ
اَهْلِیلُ
وَمَالِی وَوَلَدِیَ

بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ
وَبِحُرْمَةِ
لَبَرَرَةِ
وَكِرَامِ الْكَاتِبِينَ
أَنْ تَقْضِيَ
حَاجَتِي
يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
وَيَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ
بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ

بسم الله الرحمن الرحیم هر که یکصد یازده الف بنویسد

شب جمعه و با خود دارد در نظر بادشاهان محترم باشد

و دل او روشن کردد و حاجت او روا کردد و در محل

بنویسد و با خود دارد یا سبحان الله هر که دوازده ب

بنویسد روز یکشنبه در زیادتی ماه از کرب قاهر و متکبر باشد

و مردم از و در آزار باشند و خواهند که رحم دل شود در مقام

او دفن کند آن صفت ها از و زایل شود اکر بدین نوع

بنویسد و با خود دارد به نیت هر که دوست او شود اکر

بنویسد در کاسه چینی و بخورد بیمار در حال شفا یابد اما در محل

بنویسد یا حی یا رحمن هر که چهار صد

و دست بنویسد روز چهارشنبه در غروب آفتاب

و نخورد دل کوری را ببرد و خط را زیاده کند و هر چه بیابد

فراموش نکند اگر با خود نگاه دارد دشمن ایمن باشد

در وقت نوشتن این دو اسم بخوانند یا قیوم یا احد

هر که بانصد ده ش بنویسد روز سه شنبه وقت زوال

از دیوار خانه رو بقبله بیاویزد در کارها ثابت قدم گردد

اگر زن و شوهر جنگ کرده باشند بر کاسه چینی بنوشته

و بخوانند صلح افتد در وقت نوشتن این دو اسم

بخوانند یا دایم یا صمد هر که بنگاه ح بنویسد در وقت

طلوع آفتاب زبان بدگویان بسته شود و بر دشمنان

ظفر یابد و حاجتش روا شود اگر از عمل دور افتا

عمل و عمرش دراز گردد و در وقت نوشت

بخواند یا باری یا کریم هر که هر ده ح بنویسد در شب

بیخشسه گر راه طریق باشد و با خود دارد سحر بردی کار کند

و چشم بر در بخ نه بیند و روزی یابد اگر بمنک و زعفران

بنویسد و در حریر بپچد و در موم سفید کرده در زیر دندان نهد

البته ارواح را به بیند در وقت نوشتن این دو اسم نخوانند

یا باری یا زاکی هر که شصد و ده خ بنویسد و در خانه

خالی رود یک نه آخر ماه در خانه خود جای پاک دفن کند

هر مرادی که در دل دارد زود بر آید اگر در دست ظالمی گرفتار

باشد خلاص یابد اگر از جای بلند آویزد نزد بنام دشمن آن دشمن

هلاک شود در محل نوشتن این دو اسم نخوانند یا کافی یا قوی

هر که بخ دال بنویسد در جای خالی در نیمه شب چهارشنبه

کر مردم در خواب باشند بمشک در عفران بنویسد

و با خود نگاه دارد و دست دول ادکاده شود در نظر

خلایق با حرمت باشد و اعتبار کلی بروی کنند فرض دی

ادا کرد و در محل نوشتن این دو اسم نخواند یا خیان یا مان

هر کرا هشتصد و شصت و یک ذ بنویسد در روز شنبه

بوقت طلوع آفتاب در مسجدی که نماز میکند از دفن

کند به نیت امانت اگر مال او در دهن از دها باشد

در حفظ امان خدا تعالی باشد تا وقتی که باز رسد در وقت

نوشتن این دو اسم نخواند یا دیان یا خالق هر کرا

و یک ا بنویسد در شب دوشنبه که ماه روشن

در بغار بکرد و با خود نگاهدارد اگر عاشق باید محبوب

والا

مرا داوزود برساند و در نظر پرسلاطین و اکابر عزیز باشد

و از همه بلاها ایمن باشد در وقت نوشتن این دو اسم

بخواند یا رحیم یا رحمان هر که استصده ن بنویسد

در وقت غروب آفتاب در کورستان گفته متعارف

محبوب روی کشف شود و زود بدولت رسد در وقت

نوشتن این دو اسم بخواند یا حلیم یا معید هر که سی و

شش ش بنویسد در روز چهارشنبه بحمام رود آنرا

شش بار بشوید و آب آن بر سر ریز در روزی روی

گشاده گردد اما باید پاک باشد در وقت نوشتن

این دو اسم بخواند یا حمید یا غزیز هر که نود و نه ص بنویسد

در کاسه چینی بمشک و زعفران و بگذارند که او را

بسنه باشند در حمام بعید و بر سر ریزد بخت او کشاده

کردد اگر در میان دو لشکر جنگ بود قبول کند و برابر دشمن

بدارد و آن جنگ بصلح بدل کردد اگر در میان مصحف

نهد بهزیمت هلاک دشمن آن دشمن هلاک شود و

در محل نوشتن این دو اسم بخواند یا قاهر یا قریب

هر که استاد و نخ ض بنویسد در شب شنبه و بر جوب

آنار بندد و بماند علم در خانه خالی در دیوار مقابل قبله

فرو برد هر چه در پیش مردم داشته باشد باز دهند اگر در میان

مصحف عزیز کردند در وقت نوشتن این دو اسم

بخواند یا مذل یا قوی هر که نوزده ط بنویسد در شب

جمعه بمشک و زعفران و زر بر سر نهد عزیز کردد و حفظ رسالت

پناه

پناه را صلی الله علیه وسلم در خواب بیند اگر بخورد نور
دل پیدا کند اگر مربطی بخورد گشاده گردد اگر بر شمشیر
نقش کند هر جا که زند کار کند اگر آید اگر به نیت دشمن در
میان مصحف نهد دشمن هلاک گردد اگر با خود دارد
در نظر پادشاه عزیز شود در نعمت و روزی بر وی فراخ
گردد و بهر نیت که بنویسد مراد برسد در وقت نوشتن
این دو اسم بخواند یا عالی یا قدوس هر که بنویسد
وده ظ بنویسد در شب جمعه بر کاسه چینی و بخورد
شفا یابد اگر بنویسد با خود دارد همه مراد برسد در
وقت نوشتن این دو اسم بخواند یا محمود یا کریم
هر که سیزده ع بنویسد رفته بخشته با خود دارد

مشهور عالم گردد مانند آفتاب و ایمان کامل روزی

گردد در وقت نوشتن این دو اسم بخواند یا مبین

یا علی هر که پانزده غ بنویسد روز جمعه و با خود دارد

هر گز محتاج خلق نگردد و زبان بد گویان بر و بسته گردد

در محل نوشتن این دو اسم بخواند یا عظیم یا عجیب

هر که نود ف بنویسد روز چهار شنبه و با خود دارد

مرادات دنیوی و اخروی او حاصل گردد در وقت

نوشتن این دو اسم بخواند یا غیاث یا مغیث

هر که هژده ف بنویسد با خود دارد جمیع مطالب

برسد و از بند فرزندان خلاصی یابد در وقت نوشتن

این دو اسم بخواند یا ملک یا مبین هر که یکصد

و یک

و یک ک بنویسد و با خود دارد از همه بلاها ایمن باشد

در فتح بروی گشاده گردد و بهمه مرادها برسد و همه وقت

میتوان نوشت در محل نوشتن این دو اسم بخواند

یا عفوّ یا شکور هر که نود م بنویسد روز جمعه پیش

از طلوع آفتاب و با خود دارد دو بهره مراد برسد اگر در

باغ یا زراعت بیاویزد هیچ آفت نرسد هر که با خود

دارد در نظر مردم عزیز باشد در محل نوشتن این دو

اسم بخواند یا خالق یا محیط هر که بکصد و شش ن

بنویسد در شب سه شنبه و با خود دارد و از همه آفت ها

ایمن گردد و هیچ چیزی بر دی پوشیده نماند در وقت

نوشتن این دو اسم بخواند یا حلیم یا شکور هر که با خود

هر بنویسد با خود دارد همه علمها بروی کشف گردد

و همه مرادها او حاصل گردد در وقت نوشتن این

دو اسم بخواند یا بگیرد یا هدی هر که بست ی بنویسد

و با خود دارد در هر وقت که باشد بهمه مراد برسد در

وقت نوشتن این دو اسم بخواند یا سلام یا دائم

چون بنای این باب بر وضع این است ناچار مفردات

را در اسه کلمات نیز ترتیب داد و فایده در اینجا

متصور داشت چنانکه مذکور میگردد بدانکه حروف

عبارت است از بست و هشت حرف و یک

حرف خلاف است که لام الف باشد و بعضی آنرا

از حروف مفرد میدانند زیرا که حضرت رسالت پناه

صلی الله

صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که بست و نه حروف از
حرف دعای مستجاب است ولاکه آنرا از حرکه شمرده
اند گویند که هر حرفی عددی موضوع است از برای این حرف
هیچ عدد موضوع نیست و کلمات سبعه و معانی او ابنت
ابتث ج یعنی پاک و منزه است و خدای احد از زن
و فرزند و خویش و پیوند نزاد و نه میرد و ضطغ بر همه
پاینده و باقیست غضنق بر همه غالب کلمن دانا
و توانا هلایا آفریدگار اشیا این کو یا وضع علما است حرف
کثیر هم آنه باشد بر خلاف دایره ایجد که درین خلاف
است آنرا بر آنند که ترتیب آن وضع الهی و از آسمان
بدین ترتیب نازل شده و بعض گفته اند که این وضع را

حکیمی از حکمای یونان ترتیب داد و او را هشت فرزند

داشت موسوم باین هشت کلمه و او را قدم الهی گویند

بسم الله الرحمن الرحیم صفت شیر چنین گویند که شیر از

موش تبرسد و دیر زاید گویند که در همه عمر خود

یکبار بیش تر آید و هم باشد که مورچه آنرا بخورد از خوردی

و لطافت که در او و شیر عالی تر و هیمت اگر در راه باکس

برابر افتد آنکس از دو خواهند سلامت نکند و هیچ گربه

نیز نرساند گویند اگر شیر با پلنگ جفت شود نیز حاصل

شود و پلنگ نیز با شیر ماده جفت شود نیز حاصل شود

نماند استر بود شیر از درخت توت منهزم شود و

شیر را سود نهند درست شود اگر بر سوختگی نهند به شود

اگر مبه بر خود مالند سرما نگیرد و اگر زهره او در چشم کنند در جمیع عمر
چشم درد نکند اگر زهره بخورند دلیر شود و خونخوار شوند اگر زهره
شیر و زهره گرگ با خود دارند بچشم خلایق عزیز و محترم باشند
اگر دندان او با خود دارد مزاج باشد اگر چنگال او از جای
بیاویزد و دوام کند در آن خانه نگردد اگر موی او زیر و خداوند
تب سه روز دود کند سود کند و اگر در خانه نهند بشه در آن
نباشد اگر گوشت شیر بخورد دلیر و نامدار گردد اگر بر روی
پوست بنشیند از پشه و کیک ایمن باشد اگر مغز او در
بانبق بگذارند در گوش چکانند کری را ببرد اگر سرگین او
در شراب بیامیزند و بخورد سنگ را دهند دیگر بام شراب نبرد صفت

فیل جالینوس گوید هر که یک هفته هر روز یک درم پیه

فیل بخورد نعایت فربه شود اگر زهره او خشک کنند و بپاشند

در چشم کشنده سفیدی چشم را ببرد اگرچه کهنه باشد اگر استخوان

او در گردن گاو بندد هیچ دد بگرد او نگردد اگر سم گوش آن را

در شراب کنند و بخورد کس دهند صد ساعت بخواب

رود اگر زنی کف دهان فیل بردارد آلتش نشود اگر

تاخت فیل خداوند با سوزن زیر خود دود کند سود دارد اگر

سرگین او بر اندام مالند جهنده بگریزد اگر در خانه دود کنند

موش و دیگر جانوران بگریزند صفت یلنک بسیار بگیرند

بود اگر جانوری بالای سری خود بیند قصد او کند اگر در باغ

نشیند البته هلاک کند یلنک از سایه آدمی تر شود اگر دانه خر

بپاشند در گوشت پاشند چون یلنک دنبه بخورد

ایدر گوشت او بخورند فربه دلیر شوند اگر گوشت او خشک کنند

باز بیخ پزند در جراحت نهند سود دارد اگر پوست آن بکبر

بندند ماهر که مناظره کند ظفر یابد اگر ناف ماجود دارند مشک

بران مالیک نکند و چشم نرخم بوی نرسد منعر سر او زهر است

خشک کنند و آب عنزه بیبق مالند سود دارد اگر منعر او

گنده هر که بوی شنید هم هلاک باشد گویند بلنک را

دو منعر است یکی زهر است یکی شفید انگه زهر نیست باعطر

بیامیزد ماخود دارد مردمان مطیع او شوند چنان توان دانست

که هر دو نهنبه کدام مکس بران نشیند و زهر او زیر خیزد بلک

است دارد اگر مرد زهر بود اگر موی او در خانه دود کنند گزدم

بگریزد اگر پیه او دود کنند خاصیتهاست اگر منعر ش در باید

هرگز نرنگد صفت یوز اگر همه یوز در جائی بالند بر مارگزند

باشد در حال به نشود درد فرو نشیند اگر گوشت یوز نخورند

و نخورند نقوشش را سود دارد و اگر یک یوز در خانه زیر زمین

دفن کنند موشش در آن خانه نرود و موشان تمام

بگریزند اگر دندان او با دندان موش لب بندند هر دو بمیرند

سرگین ملنگ ماده را بجویند در میان آن حریر بایند

بر مثال عنبر شنبد زرد اگر بر سر زبان نهد نورد و هر که با خود

دارد او را فرزند نشود و حامله نکرد و یوز جانوری نیکوروی

زود با دمی خوب گرد دول یوز دگوش چکانند گری ببرد

اگر زنی دول یوز بخورد یا ببرد او را نیستن اندر اگر سه یوز

دود نشند و بر دست با مالد سر ببرد اگر سرگین یوز دود کشد

دول.

موسان بگریزند صفت سیاه گوش چنین گویند اگر

مغز او با آب کشنیز در جگر مالند که در اعضا دویدن باد

پیدا شود دیر دار اگر جگر سیاه گوش بریان کنند و خورد

با پیند و با نمک در بن دندان کنند کرم پنج دندان بک

شود و دندان سخت کرد و اگر گوشت او کسی بخورد فربه شود

اگر گوشت او کسی بخورد فربه شود اگر گوش او کسی با خود دارد

در میان مردم با شکوه باشد و شجاع کرد و اگر مغز او بگذارند

و با روغن زیبق در جایگاه مالند که باد گرم باشد به شود اگر استخوان

او خشک کرد و با عود در بیرکسی که مسخ کرده باشند دود کنند

منفعت کند اگر دل او با شیر بخورد کسی دهند محبت وی بگیرند

و زبان نیز همین خاصیت دارد صفت کرک بغایت

مکّار باشد چنانکه ده فرسنگ بوی کوشنده رود و از خاک

بترسد چون بران باشد اگر نی بشاب بردی کمر کرگ

کند دیگر او بستن نشود اگر ستوری پای بر استخوان کرگ

نهند لنگ شود اگر دندان کرگ بر گردن کودک نهند د

ارزع ایمن باشد اگر دندان میش کرگ در روغن افکنند

تا چهل روز بعد ازان آن روغن بر قضیب طلا کنند عجایب

بیند اگر در خود مالد در میان مردمان باشکوه باشد اگر دندا

کرگ با دندان کودک مالد بید رو برآید اگر با خود دارد

سگ بران بانگ نکند اگر در پوست شیر دوزد در گردن

اسپ بندند از جمله اسپان باشکوه تر و با قوت تر باشد

اگر کسی خواهند که از اسپ بفتد دندان کرگ را

در زیر زمین خاک کنند چون بدانجا رسد از آب

بنفشه اگر چشم راست کرگ با خود دارد از عجب

هیم نکند اگر بر گردن کودک بیاویزند شب تترسند

اگر دیده او آب غوره گ بیند و در چشم کنند تاریکی

بیرد و آب رفتن باز دارد اگر گوشت وی بخورد

بسیار دان شود اگر گوشت او زه کمان سازند چون

تیر انداز شبها کمان که آنجا حاضر باشد زه بگشایند اگر از پوست

او کمر سازند و در میان ببندند زحیر بگشاید و دلیر شود اگر خون

او بخورند قوی دل و دیوانه شکل شود اگر استخوان گرگ در

روغن کوسنه بپشن رو کله دهند گرگ از آن نواحی بگریزد

اگر به او در دست و پای مالند سر با باز دارد اگر درد

مالند و دست بر سینه زن نهند که در خواب باشد

و گویند که مرا از فلان کار خبر دار کن بقدرت خدا تعالی

در سخن آید و بگوید سر کین کرگ خداوند قولنج ما آب به

آشامد منفعت باید و خداوند صرع را نیز سود دارد اگر کین

کرگ در پوست بار باکنند و با خود دارند نفرس

اگر قضیب کرگ خشک کرده در وقت مجامعت

قدری آب دهن ترکند و بر قضیب مالد و با هر زن

جمع شود مطیع او گردد و دیگر هیچکس را نخواهد اگر جنگال کرگ

بر بالین کودک نهد در شب نترسد اگر زهره او خشک

کنند و با کنجد بسایند و بر جراحت نهند سود دارد اگر

او بار دوغ با همین بگذارند و بنام آنکس که خواهند بر ان مالند

مطیع و فرمان بردار شود اگر بزد کرطلا کند نزد جمع شوند آستین

شود اگر خایه کرک بگذارد و نمک در آن جو بیاشد هر کرا

درد پهلو باشد مثقال از آن بخورد شفا یابد اگر درد روغن

زیت بجوشاند و در مضیب مالد و بازن مجامعت کند

هر کرد یکر کس را نخواهد اگر کعب کرک بریزه بندند بر

دشمن ظفر یابد اگر دم کرک در دهی دفن کند هیچ کرک

دران ده نزود اگر زبان کرک در پوست باره دوزند

بر کودک نبندند صرع برد صفت خوک چون خوک زخم

دار شود در آب رود به شود اگر کرک را مار گزیده باشد

پیه و جگر خوک و سداب بخورد صحبت یابد اگر با خاک او

عسل بزغند کسی بخورد هر گز بول نکند اگر خوک بول کرده باشد

خداوند ضرع باخود دارد و نفع کند اگر پیه خوک در خانه ک

مالند دران خانه عداوت پیدا شود و دشمنی پدید آید اگر د

سم اسپان مالند که سائیده بود به شود اگر در پوست دبای

سرما برده مالند به شود اگر سرگین خوک در زیر درخت

بادام تلخ یا زردآلو که دانه او تلخ باشد چنانچه بوسه درخت

برسد چون بار دهد ازان شیرین باشد اگر موی خوک

در ورق زر بپیچند هر که با آن باشد در خواب رود و بیدار

نشود اگر استخوان آن در کاسه بندند در کردن خداوند

ربع آویزند به شود اگر سر خوک در جائی دفن کنند در آن

بنام هر که نخواهد خوابش نبرد صفت خرس چنین

گویند که خرس جانوری باشد قوی اگر بر اندام وی

پیدا شود و چندان بکاود و کز بزرگ تگرد و خود را هلاک کند

اگر گرگ پیه خرس بخورد نهایت فربه شود اگر خداوندش ناسور

و نقرس بر وی پوست بنشیند سود دارد اگر پیش او

بر دندان کودک مالند بید بر آید اگر گرگ و چشم خرس

بر کتان نهند و در بازوی مالند و ببندند و تب ربع ببرد

اگر دندان خرس را که از اسبحر نسبت کرده اند و آن مورد

دارد اگر گرگ در شب سازی نوازد باید و کوشش کرد

چون نانوان در نخورد شود گوشت سگ خورد صحت یابد

از جمله خواص آن آنست اگر گرگ پاره گوشت از اندام او

با خود دارد هر کجا رود گرامی و عزیز باشد و اگر دندان او بر کودک

که در جامه خواب لول کنند بند سود دارد اگر دندان راست

آن بانگ شاخ می او در طرف دندان که در دو سگ

بیاد نیز خند سود کند دا کر با خود دارد سگ بران بانگ نکند

اگر خداوند نا سور بر پوست وی نشیند سود دارد اگر

او در چشم گشند در دو بنشاند اگر نیم دانگ بخورد زنی

شهوت او بر دو طلب مرد نکند اگر بر خود مالد از روی

اندام بیرد اگر سرگین گفتار بگوشتر خانه نهند کبوتر در انجا بسیار

شود و سر گفتار در جایی در زیر خاک کنند هر چهارپای که

او را در شکم بود چون بدانجا رسد به شود اگر دست را

او در زندگی بر بندد هر که با خود دارد بیش از که را در غربال

اگر پیه گفتار با خود دارد تا در خم بانگ ایمن باشد اگر کسی

را معامل باشد گفتار را در ست بزند در آن آب نشیند

سود کند اگر گوشت کفتار بخورد فربه شود اگر موی

کون کفتار را بسوزند و با روغن زیت خالص در کون بمالند

مالند آن علت برود اگر قضیب کفتار در سایه خشک کنند

و بخورون زن دهند البته آرزوی جماع کند اگر فرج کفتار با

خود دارد البته همه کس آزاد دوست دارند صفت کوسفند

اگر دندان کوسفند را بسوزند و با آب شست بیامیزند و انجا

که موی رفته باشد بمالند موی برآید اگر به کوسفند با روغن

زیتون بجوشانند و جایگه افتاده باشد در روی هر جا که باشد

بروی مالد پاک شود اگر زهره کوسفند که فربه باشد بر قضیب

طلا کنند در وقت مجامعت لذتی عظیم یابد و زن بر

وی عاشق شود اگر زهره کوسفند با آب آلوی سیاه و نمک

بخورند هر گز دنبل بر نیارد و اگر با عسل بیامیزند و بر سر

آعضا مالند همین خاصیت دارد اگر آب در گوش رفته

باشد در گوش چکانند بیرون آید اگر زهره گوسفند و بنالد

با دانجان با هم بخورد و سایه و با اندک شکر مخلوط و مقداری بخورد

بهانشا بکام سالد چندانی که خواهند قی کند اگر خواهند که بسته

شود آب کاسه سر که بخورد و بار السیتا اگر زهره گوسفند

خشک کنند و بساید و در چشم کشد تاریکی را ببرد اگر جگر گوسفند

بریان کنند و بخورد طبع را سخت کند و قوت دهد امیرالمومنین

علی علیه السلام فرموده که هر کس چهل روز گوشت گوسفند

متصل بخورد دلش سخت شود و چشمهایش تاریکی پذیرد

خویش بد باشد و مردم کرم مزاج بوقت کرمانشاه

پیوسته گوشت خوردن اگر روغن باغ خام وگرم در بینی

چکاند در دو شقیقه رود اگر خواهند که موی مالد او شکافد زیرزد

روغن بادام خالص شیر خشک سه درم یکجا بمالند موی مالد

نافع خواهد بود و هر که کحل بود دیگر اباک نشود و کمتر روغن در

آن مالد یکهفته شوره پاک شود اگر بیشتر مالد خون مرده از

دی برود و انگاه روغن بادام خالص و کشنیز خشک کوفته

در سر همی مالد که موی برآرد اگر بنفشه کوسفند بار روغن در بپزند

ببندند در دهن بشاند اگر کسی را جانوری بگزد بنفشه با مغز فندق

بکوبند در ان مالد درد ساکن شود اگر چشم کوسفند بسوزند

بار روغن زیتون رسیده بر جراحت ببندند درد ساکن شود

و نافع بود اگر جراحتی باشد که خون باز نماند شکنبه کوسفند بدان

و باحریره بیرد بران تراحت نهد دست بران نهد خون

باز دارد اگر عضو را قضب سست شده باشد کوشت

رمه ران کوسفند باد بنه و بیارد و بخورد و خود کرفته سازد و

چند روز بخورد قوت دهد و شیر کوسفند کرم و نرم است نفع

دارد و باد شکند اگر خواهد که قضب او بزرک شود جند

توبت شیر مالد اگر شیر کندیده بود بهتر است اگر شیر میش

با مغز بنه دانه در هم آغازد و بروغن موز در آمیزد و بر کشد

موی سیاه و در از کردد اگر شیر میش غرغره کند آواز بلند

و صاف شود اگر نفس باشد از پای خون بستاند نفس

شیر میش بزدود آرد مسیده و سفیده خایه مرغ و روغن کا

در هم آمیزد و بر نفرس بندد به شود اگر شیر میش با نمک

و الفتر

برقصب مالد بزرگ شود اگر شیر میش بیا شکر طبرزد و

کیترا از هر یک پنجدرم بکوبد و با شیر گرم کند و بنا شتا بخورد

سرفه بهن بردا گر قریبی خواهد استاند خردل صدرم و در شیر

نبیشن بجوشاند و به روغن و شیره بنزد هر روز چند که تواند بخورد

قریه شود آزموده است صفت بنفشه اگر سر بنفشه بسوزانید

در کتان ما رسند و در زیر سر خفته نهند تا برندارند بیدار نشود

اگر زلی دشوار زاید سر بزیت کبرد یا بدندان نگاهدارد

آسان بزاید اگر کف دهان بزدوست هند بخورد

دهند از هوش برود اگر ریش بزکهن بر تب ربع

بندند برود گر شب کور باشد زهره بز بستاند و آب

بر لب زند تا نام گیرد دار فلفل سوده بر وی افکند و در بینی کشد

شب کوری ببرد اگر زهره بزر آب پودینه و کلاب بسایند

و در چشم کشد ببرد و زهره کشن با بونسا در برجای طلا کنند

موی ببرد دیگر موی نروید جگر بز سرخ بر آتش نهند تا آب

از آن بیرون آید و فلفل سود دوران کشد و در چشم کشد

شب کوری ببرد جگر بز سیاه با پیه بریان کند و بخورد شکم

راندن باز دارد اگر کسی را ردم کند خون بز کشن در بینی

چکاند خون رفتن باز دارد و گوشت نرم در هوای گرم

مردم کرم مزاج را سود دارد گوشت بزغاله لاغر همه علت است

اگر کسی حلیب خورده باشد و کار نکند گوشت بزغاله خورد

کار کند و شیر بز و زهره بز و انگبین برابر هم بیامیزد و بزند کرمال

ما هر که جماع کند از و شکیبد اگر شیر بز با روغن بز در هم کند

دارهای قاتل بروی کار نکند اگر پیه بز خورد لیسایند چنانچه رسم

شود و بچشم بر سیاه بسوزانند و خاکستر ش با روغن بیامیزند

دل سه را خون از بینی رود یک خون نیاید موی بز سرخ و زهره

مرغ و موی زنان و علک و کندر مغل هندی در هم آمیزد و فتیله سازد

در چراغدان سبز افروزد و بام هر که خواهند حاضر شود اگر دم

بز سیاه لبا یه خشک کند با آب بیامیزد و بر تبق مالد خنده نوت

ریش شود صفت اسپ اگر پیه اسپ بر دنبل بارش

نهند زود نرم شود و سرش بدید آید اگر تیغ را بخون اسپ تر

کنند مقابل زهر بود و بر هر چه زنند جان نبرد اگر خون او در خمیر

کنند و زن آبستن نخورد بچه نیفکند اگر خون اسپ با دیک

بر پهلوی صاحب سپرز طلا کند سپرز زرد دارد اگر عرق اسپ با

حضرت از آن

شراب بخورد زنان آبستن دهد بچه بفکند گوشت اسپ

گرم و نرم است شکم را نرم کند و قوت معده دهد و آب پشت

بیفزاید و زنان آبستن را منفعت دهد و لیکن اسپ

جوان و فربه باشد اگر سم زیر خود دود کند خاشاک از دی

بیفتد اگر سم اسپ بسوزانند و با روغن زیت بر معده مالند

شکم را نرم کند و بر اند اگر با سد زمق مالند ببرد و بر ریش کهن

مالند بهتر باشد اگر سم اسپ کمیت را بسوزانند و بکوبند و با لوبیا

بیامیزند و در موی مالند سیاه کردد و مرد سفید شود اگر سم اسپ

تازی در زیر زن حامله دود کند بچه مرده از شکم بیفتد اگر خاکستر

سم مادیان مزده در آستانه خانه نهاده کند موشان از

خانه بگریزند اگر شیر اسپ تازی با شکر بیامیزد و بزن د

نخورد حامله نشود اگر مرغ بندند از خانه بیرون نیارند اگر زنی

بر بنه نهد و نخورد بر کبر داندانش تنگ نشود اگر شیر اسب

با شکر بیامیزند و حب سازند هر زن که با خود دارد آبستن آید

سرگین اسپ تازه بفشارند و آب آن در گوش چکانند

گرانی گوش ببرد اگر بر چشمها بندد سود کند اگر در زیر زن

دود کند بچه مرده از شکم بیفتد اگر خون اسپ گرم بستانند و بر

کف مالند کنگی ببرد اگر موی دنبال بگیرند و بنام کسی

خواهند هفت گره زنند و بر گردن بگویند بستم خواب فلان این

فلان بدین موی اسپ نارآن که همچون اسپ که خوابش نگیرد

اگر موی پیشانی اسپ در طعام نخورد کسی دهند خسته نشود نالان

شود اگر دندان اسپ بر گردن بندند لی درد بآسانی برآید

صفت استر چنین گویند که استر در میان حیوانات همچنان

که یوز در میان بهایم وحشیار باشد بجدی اگر جائی گذشته باشد

چون بدانجا رسد اگرچه شب باشد و مدت برآمده باشد

راه ببرد اگر موی سر او با روغن یاسمین حل کنند بر هر جا که مالند موی

برآید اگر زنی دلی استر نخورد و هرگز آبستن نشود اگر سم او را

بسوزانند خاکستر سم با روغن زیت مرهم کنند هر جا که طلا کنند

بد و هفته موی برآید اگر بیم گوش استر در شراب کنند

و بخورد کسی دهندست و بیخبر شود اگر ناف زنی ببندند

آبستن نشود خون استر با پاره پشم کوسفند بخورد دیر گردد

آبستن نشود صفت حمار گفته اند اگر خر نر با ماده رود در

حالت موی دم بمالند هر که او موی با خود دارد پیوسته قضا

قیام باشد اگر زهره کلاغ سیله بستانوم آن موی بر ران

سبد مراد برآید اگر مشته ازان خاک که در انجا مراغه کرده

باشد بیارند و نهان در زیر خوانی که مردم ازان طعام منخورند

ناگاه تمام بی اختیار بخندند گفته اند درمیان خوان بعضی را در

درمیان کردن چیزی پیدا شود مثال مهره و آن مهره باز دهد

بزرگ باشد و چاره کردن او آنست که آن خود را بگیرند و

بجای یک دستینر انجا که مهره بود بگذارند و آن مهره بیرون آرند

نرم شود در آب سرد افکنند سخت شود چون سنگ سفید

باشد و میل بزردی زند و آن را بهری باشد سودمند

و منفعت کند زهر و غیره را که آن مهره با خود دارد بچیزهای همه

کس غریب باشد اگر گزدم بگزد گلوش خرکوبند که مرا گزدم

گزنده

دردسا کن شود اگر کس علتی در انگشت پیدا شود با کس نه

گوید و انگشت در بینی خرکند به شود اگر سر خر در خانه در زیر

خاک کند کس در آن خانه نخواب زود اگر مصروع بر پوست

خر نشیند سود دارد اگر پوست خر در خانه دود کند جانوران

بگریزند اگر بر دندان زند درد ساکن شود اگر زنی با خود دارد

بار نگیرد اگر سر گین تازه بفشارند و سه قطره در بینی چکانند

که خون رود باز ایستد اگر سرگین خشک بسوزانند با باره کمان

و سیاهی و نمک با هم بسایند بر جراحت باشند

به شود اگر زنی را در رحم رنش باشد بینه شیر خر تر کند و بر کرد

نافع بود جالینوس حکیم گوید هر که حاجز خر خشک کند با شیر آب آمیزد و

بدیوانه و مصروع دهند تا بخورد نافع بود اگر مغز سر خر به در خانه

کسی در مالند در آنخانه جنبک و آنسوی پیدا شود اگر بخورد

کسی دهند مفلوج شود کسی را مار گزیده باشد بجراحت نهند سود

دارد اگر بریم گوش خر با شراب بخورد کسی دنبه بیهوش اگر خون

خر بخورند دلیر شود اگر پیه خر بگذارند و با روغن سندروس

بیامیزند هر جا مالند ریش اگر سم خرد رمقامی دود کند

مکان بگریزند اگر ارنسم خر انگشتری سازند و مصروع بدست کند سود

دارد سبز زخر خشک کنند و بکوبند و در پوست آهو بندند و با

خود دارند در پیش همه کس عزیز و محترم باشد اگر خر قضیب

بسوزانند و با روغن زیت بر موی کنند دراز شود صفت

گوز خر اگر کسی گوشت گور خر بخورد بسیار باد ها دفع شود و تولنج

و درد لنبت بردارد کسی مغز او بخورد دست و بالش سست

شود اگر بار گزیده مالند سود کند اگر تنگ گور خر با تنقر استوان

گاو در روغن گل بیامیزد و بر نقرس نهد سود دارد اگر

تنقر او با عسل معجون کند و کفش بیامیزند و بر نقرس

نهد سود دارد اگر بر آتش بجوشانند و بخورد بیمار دهند

نباشتا بخورد چند کرت و بجام رود البته به شود اگر زهره او بگیرند

و خشک کنند و با شکر بیامیزد و بخورد آتش دهد که آنرا ماکور

باشد اگر پیه او بگدازند و با روغن گل بیامیزند و بلب و گوش

چکانند و چرب کنند خنک را بیرد اگر کودک که در جامه خواب

بول کند نخورد دیگر بول نکند اگر با روغن زیت آمیزند و بر کلف

مالند ببرد اگر سرگین گور ماده خشک کند و خورد کند با زهره

بیامیزند و در موی کنند موی سیاه شود صفت گاو چنین

گویند گر گاو جانوری زورمند و هم رنگ یار خرما گون بهتر و زورمند

تر نیست اگر کرگ خواهد که شاخ گاو کج باشد راست کند ناگرم چند

زور بشاخ او بندند نرم شود اگاه چنانکه خواهند راست شود آب

سرد بران ریزد و زمان سخت شود اگر بیخ در گوشت گاو

ریزند بمرد جالیوس گوید گوشت گران است و دیر گذار و

خشک دارد و سرد است و هر گاه خوردن گوشت چاره نباشد

بسرکه و زعفران باید پخت تا زیان نکند اگر خون گاو در حراجت

مالند از ان خون بار استد اگر زنی دشوار زاید سرگین دود

کند در زمان بار نهد اگر سرگین گاو ماده بسوزند و خاکستر ش

با روغن زیت بر نعرتس نهد سود دارد اگر سرگین گاو خشک

کرده بسایند و خداوند استسقا بیاشامد سود دارد اگر بره

کاو هر گز بدر کاسک نهد سود دارد اگر زنی از حیض پاک نشود

شیر کین او بران محل نهند پاک شود اگر کسی را حایه در دکند

زهره کاو دران مالند به شود اگر زهره کاو با روغن یاسمن بیامیزند

و زنان بخورند از حیض پاک شود اگر زهره کاو و آب انار در

گوش چکانند درد ساکن شود اگر زهره کاو خشک کرده زنی بکوبد

فرج او تنگ شود اگر زهره کاو بخورند خشک بیز یکبر زهره کاو در

دیوار خانه اندازد کزندگان از ان خانه بگریزند اگر زهره کاو و

قطران و سنگ مومیز بر سر کل مالند موی برآرد اگر بیز نصیب مالند

بزرگ شود اگر آب خطمی بزنند و بران بیز بندند رنگ و سوسه

ببرد اگر زهره کاو ماده و روغن کل و قطران در گوش چکانند

کری ببرد اگر بر کلف مالند شود کتد اگر زهره کاو و زهره ماهی

دختر بالا بیند و زن نخورد بر کبود یا بر سیاه حیض بکاهد

بار کبود اگر زهره گاو ماده و بادام تلخ و سکل کوفته بکوبند و بسرکه

تر کنند و بزمین مالند به شود اگر کعب گاو بسوزانند و در سرکه کنند

و بر دندان نهند سود دارد و اگر با سرکه و عسل بخورند سبز را سود دارد

اگر سم گاو بسوزانند و خاکستر شش بر جایگاه که ریش باشد بر اکنده

کند به شود اگر زهره گاو با سرکه و عسل بخورند سبز را سود کند

اگر استخوان گاو ماده بسوزانند و با خون سیاه شان و نمک بر

ریش نهند درست شود خصوص ریش اسپ صفت

گاو زرد چنین گویند گاو زرد خواص آن بسیار است اگر مغز او

با روغن گل بر گوش کند درد ببرد اگر مغز استخوان آو با

روغن خور بگذارند و بر دست و پای مالند که خشک شده باشد

بال آید اگر بول کاو زرد با عسل بیامیزند و در بینی کشند شب

کوری ببرد اگر نقطه کاو زرد بخورد زنی دهند مرد دوست

شود اگر شش کاو زرد آرد جو سوده بر طلا کند درد ساکن

شود صفت **کوساله** نیز خاصیت دیگر دارد اگر زهره او در خانه

به بزند کیکان همه گرد آیند اگر خایه کوساله بریزند و بخورند شهوت

زیاده کند اگر بول کوساله در گوش چکانند درد گوش

چکانند درد گوش ببرد اگر مغز کوساله بر روی کودک

مالند زیرک شود اگر مغز استخوان کوساله در بینی مالند

خنک ببرد و خواب آورد صفت **کاو کوهی** چنین گویند

که کاو کوهی با مار دشمن است اگر یکی را از ایشان بیابند بکشند

اگر سر و نعل او در آتش نهند جمله گزندگان بگریزند اگر کسی

وی

وی بسوهان بسایند و باعسل بیامیزند بخورند مدر کرمی که در شکم

باشد بمیرد اگر سه درم از سروی و سه درم تخم خاص بسایند

و بخورد انکس دهند که خون از شکم آید به شود اگر مازریده بر پوست

او نشیند سود کند اگر قضیب او خشک کرده نگاه دارد و چون کسی را

کمیز گرفته باشد باب بشویند بخورند در حال بگشاید اگر خداوند

قولنج بخورد شفا یابد اگر زرنیخ بهره او جزی نویسد و بر کاغذ مهره زنند

زر نوشته نماید اگر در چشم کشد شب کوری برد اگر مغز او بسوزند

با سنگ بیامیزند دندان نهد درد ساکن شود اگر خایه او بریان

کنند بخورد شهوت بیفزاید اگر استخوان خداوند تب با خود

دارد منفعت بیند صفت گوسفند کوهی بغایت زیرک باشد

بحدیکه چون جراکند بیکدیگر بالا بدارند بدیده بانی اگر کسی پیدا شود

آنرا خبر کند در اول روز که سهیل طلوع کند بجای جمع شوند

و خاصیت هر کدام که اول سهیل را ببیند جمله تابع او شوند اگر زهره

او بارد غش زیت آمیزند و در دیوار خانه مالند بسیار ایران خانه

بگریزند اگر خون او در یاقوت مالند و بر آتش نهند خون بر آن

آورند خوشرنگ شده باشد اگر گوشت او بخورد دلیرانه دهند

منفعت کند اگر خون او بخورند بر یک شانه را ببرد و پاک

کند اگر سرگین او بجائی مالند جائیکه گردم گزیده باشد بهتر شود اگر خون

او بخورد دلیرانه دهند سود دارد اگر خون او در گوشت مالند هر که

بخورد فربه شود اگر جامه او را بریان کرده بخورند شهوت را قوت

دهد اگر شاخ او با سه درم شکر بیامیزد و بخورد خون از آنکه رفتن

بازدارد اگر دنبال بسوزند و با شراب کهن در قضیب مالند قوی

لود

شود اگر استخوان آو خداوند تب با خود دارد منفعت کند اگر گیاه از

گرم بخورد مار گزیده دهند سود کند اگر بول او زنی بخورد بچه بیندازد صفت مثل اگر

نف دهان شتر بگیرند و در حوض بر آب کنند هر که از ان بخورد قضیب او

سخت شود اگر بخورد کسی دهند دیوانه شود اگر مغز قلم آزا با عسل

آمیزند و بخورد کسی دهند که او را در دکلو باشد به شود اگر مغز او با روغن

زیبق بیامیزند و بر زخم مار نهند سود کند اگر مغز او با روغن بگذد بر چشم

کشند تاریکی ببرد اگر شقیقه شتر اندک بخورد کسی دهند هر گز از

در دکلو نباشد اگر موی بسوزند خاکسترش بر جراحت نهند یک

شود اگر در بینی افتند خون بازایستد اگر دل او بریان کرده

بخورند دلیر و قوی دل شوند اگر قلم های او با بند و در آب

بجوشانند و در سوراخ موش بگیزند جمله بمیرند اگر شش در بیمار

بمالند زردی ببرد اگر خشک کنند و با بید خداوند بیضه بخورد

19

صفت کند اگر کوهان او بارو بنه متعذر آنه زود آنرا بگذارند و در

پشم از زند و یا سورتهند سود دارد اگر با پیاز بریان کنند و بخورند

آب پشت بیفزاید اگر اسپ یا استر از شتر ترسد در وقت جو

تو بره او بر از سر کین کند و زبانی بر سرش کند و بعد از ان بریزند

جو دهند دو سه روز دیگر نترسد اگر گوشت شتر بسیار خورند

شوند اگر خون او کرم پیاپی در زیر بغل مالند بوبه برد اگر خون

او و عود میان دو کس پاش نهند میان ایشان عداوت

پیدا شود اگر پول او در اماس نهند سود دارد اگر کسی از بیماری

روی زرد شده باشد شیر شتر مالد سرخ شود اگر زهره او

کوشش چکانند در دگوش بهر صفت آهو از جانوران

هیچ جانوری از آهو پاکیزه تر نیست و خواص بسیار دارد اگر کسی

بسوزند دبار روغن بسایند بر موی مانند سیاه شود اگر شش باسداب

در روغن زیت در دندان کبرند بیدرد برآید اگر سیم او بسوزند ودر

ریش پاشند سود کند اگر زهره او نمک قطران از هر یک قدری در

آب کرم کند وصاحب سرفه کهن بخورد شفا یابد اگر گوشت آهو را به

خرگوش بیامیزند وبپزند وزیره وحلبه وسلیخه وکل سرخ کوفته بران

افشانند در یکدیگر بزنند وکره کنند هر گاهش دهلو درد کند منفعت

کند وصداع مزمن وخمارش در آب کرم بخورد شفا یابد گوشت

او هر که بخورد مردی او بیفزاید استخوان سینه او را بکوبند ودر سرکه بجوشانند

ودر سایه خشک کنند ودر جراحت که نهند به شود اگر

سر او بسوزند وخاکسترش بر روغن بهی بیامیزند در جائی که کوفت

رسیده باشد مانند به شود بفرمان خدای تعالی صفت خرگوش

یکسان گفته اند کز حرکوش یکسانه راست و یکسانه ماده اگر خون خر کوش

با روغن گل بیامیزند و در چراغ کنند هرچه دران خانه باشد سیاه نماید

اگر خون او در چشم کشند آب از چشم رفتن باز دارد اگر بر کودک

مالند تب ازان ببرد اگر خون او خشک کنند با آب غوره د

در چشم کشند خارش چشم ببرد اگر خون او و شش او زنی که

آبستن باشد در خود مالد فرزند زینه آید اگر سرگین او در خورد کسی

با شور بادهند بی اندیشه باد از و جدا شود اگر استخوان او بر خداوند

نقرس بندند سود کند اگر لبستان او بخوردن زنی آبستن دیر

دیدار آبستن نشود اگر موی او در پای بچه سرما باز دارد اگر بسوزا

دست پای سرما برده با و دارند زود به شود اگر زهره او در چشم کش

سفیدی ببرد اگر بر قضیب مالند و با زن جمع شوند آن زن

محب او شود اگر بشراب زهره او را آرد جوبا یکدیگر بیامیزند

و بر سر طلا کنند و در سر بنشانند اگر زنی بروغن گل با خود بردارد

و مرد با او نخوابند البته حامله شود اگر معز سر او بخورد کودک که در رحم باشد

و نهند سود کند اگر بر جایگه موی سر کنده باشند بمالند دیگر نروید اگر

مغز او بر گزیده مار نهند سود کند اگر بخورد کودک را نهند باکس

که لرزه بر دست و پایش افتد اگر جگر او خشک کنند و با شراب

و شاداب نخورد تب ببرد اگر دل او بر بازو بندد هر پری که ببیند

راست برود اگر نیه او بر دی که مالند که بدست بود دست ارزان

برود اگر کسی نخورد فربه شود اگر چشم او زیر سر مار زده دود کنند

سود کند اگر پشش او خشک کنند و نیم درم از شراب کند

و نخورد صاحب تب ربع دهد زود ببرد صفت روباه

اگر سیر را در دشت بود شکنبه روباه بریان بخورد سود

دهد اگر روز یکشنبه بریان کند و بخورد از طعام خوردن سیر شود

اگر سپرز روباه بردست دپای مالند سرما بران کار نکند اگر پیه روباه

بگدازند و در گوش چکانند درد سر و کری ببرد اگر پیه او

و مغز حر گوش بر جای مالند که موی نباشد موی برآید

اگر پیه او در پشانی مالند خوابش ببرد اگر بگدازند با

سوسن در پاره پنبه در گوش نهند درد دندان ببرد

اگر زهره او با شیر بزند و خشک کنند اگر در روزها داشته

باشند قدری از ان بمالند سود کند اگر مغز در جای مالند موی

بیارد اگر دندان او بر کودک بیاویزند درد گوش ببرد

اگر پوست او با دوشاب بزنند بر هر جا که درد کند

طلا

طلاکند به شود اگر قضیب در سر باویزند درد سر نماند

اگر شش او خشک کنند و با عسل بیامیزند هر که بخورد

از طپیدن دل خلاص شود اگر شش او خشک کند و با زمرد بسپ

در زیر قضیب دود کند قوت کیرد اگر چهار پای او از خداوند

نرسش بیاویزند سود کند صفت شغال چنین گویند

که هیچ جانوری از شغال ستیزه کار تر نباشد اگر خداوند نا سور

بر پوست او نشیند سود کند اگر گوشت او بخورند بادها

زشت به برد اگر برگ بیدبا خون شغال به برد زند در سر

مانند درد ساکن شود اگر پیه او با روغن گل بکبد از ند هر گرا باد

سرد گرفته باشد نماند به شود صفت میمون چنین گویند

که میمون آدمی بود زشت کردار حق تعالی صورت او

مبدل گردانیده اگر دل او خشک کند اگر دل او خشک کند و با

شراب بخورند در دل را سود دارد اگر خون او بخورند

دهند گنگ شود صفت گربه چنین گویند که گربه جانوری

باشد غریب دوست چنانکه اگر غریبی بخانه آید و گربه بود

آنجا باشد بیاید و در کناری نشیند اگر بینی گربه بر روغن زیاد

حریص کند دیوانه شود اگر خواهند که گربه مهمان را زحمت ندهد

پشت دست او بر روغن حریص کنند که بدان مشغول شود

اگر شکنبه گربه را سوخته بریان کنند و بخورند دیوانه دهد

شفا یابد اگر خایه گربه خشک کنند و بسایند و در وقت مجامعت

بر قضیب طلا کنند با هر زنی که جمع شود دیگر هیچ مرد نخواهد

اگر خایه گربه سیاه بر آتش نهند تمام ماذ گردد از آن خانه بگریزند

اگ

اگر خایه گربه سیاه دیده بر سرخ تر بامیه بریان کنند و روغن آن

بر قضب طلا کنند عجایب بیند اگر دل گربه سیاه دیوست

گرگ بر باز و بند و هیچ دشمن بروی ظفر نیابد اگر نخ قطره خون 196

از گوش گربه سیاه بگیرد و بنالیه در آمیزند هر که بوی او بشنود

محب شود اگر سر گین گربه سیاه زیر زنی دود کنند بچه

مرده از شکم بیفتد اگر سر گین او با روغن بابونه مالند کرب

و لرزه دارد منفعت کند اگر سر گین او با نیم مثقال روغن

زیبق بیامیزند و در بینی کسی کنند که تصور داشته باشد

به شود اگر به او با روغن گل و سداب بکبس مالند دیوانه

شود اگر بر سر ماخورده مالند سود کند اگر در حلوا کنند و بخورد

کس دهند مطیع و فرمان بردار شود صفت دلق جانوریست

هم بشکل گربه اما از گربه بزرگتر باشد و در زمین روم بسیار

باشد و مار از آن بگریزد اگر گوشت آنرا بخورد و با دلقوه

را سود دهد اگر پیه او بخورند فربه شوند اگر پوست او در آتش نهند

جنبندگان و گزندگان همه بگریزند صفت خارپشت

دو جنس باشد یکی سفید و یکی سیاه که در هند بسیار باشد

و خارهای دراز دارد اما از جنس سفید همه جا باشد و با مار

دشمن است و دران خاصیت بسیار است اگر گوشت

او بخورد دو سبز را پیراید اگر خارپشت بسوزانند و بر نیش

نا سور نهند سود دارد اگر خارپشت با روغن بریان کنند

و در جائیکه موی کنده باشد بمالد دیگر بر نیاید گر گوشت

او بخورد در درد جگر و درد پهلو و پای که از سردی بهم رسیده باشد

بریدا اگر بخورد کودک دهند در جامه خواب بول نکند و جرام

وسیل و سپرزا سود دارد اگر شکنبه او بخورد دهند که بول

اولبسته شود بکشاید اگر زهره او با کافور در بینی خداوند ضراع

آویزند سود کند اگر چهار دست و پای او از صاحب نقرس

بیاویزند سود کند اگر بر خداوند تب لرزند بپندد شفا یابد

اگر مغز او لب بند و در سر مازده مالند به شود اگر پیه او بر پاره

لشم اندازند و در خانه جمله حانوران کرداند صفت موش

اگر موش در جای بسیار باشد خاکستر در خانه او بریزند

جملگی بگریزند اگر کسی دار الثعلب بوده باشد موش بخورانند

و خاکسترش بر دغن چراغ بشبهند در ان مالند سود کند اگر کسی

مار گزیده باشد موش را بدو نیم کند در زخم نهند سود کند

اگر خون او بازاغ سیاه در بینی مالند بهق را ببرد اگر خون

موش خرما کشته بر زخم گاه بندد به شود اگر سرگین او بخور

برگیرند یا دود کنند بگذارند اگر جایه او زن ما خود دارد و آبستن

نشود اگر جگر او بخورد خداوند صرع دهند شفا یابد دم موش

بر خداوند در سر بندند به شود اگر موش را بچهار پاره کنند

و در چهار حد کشت زرار نهند زاله از ان نگردد اگر خون او

در چشم کودک که از مادر تولد کند کشند آن کودک چنان

شود که هر کجا چیزی نهاده باشد به بیند صفت شمندر مرغی

باشد آتش دوست در صحرائی که آتش کرده باشند بر دو

و نابد برون آتش و برون آید اگر زهره دانگی با آب بخورد

بجوشند و در شیر آلایند و بمالند سود کند اگر یک

نام

زهر داده باشند کلبته خون بخورد شفا یابد صفت شنبره

کومنید بروز طاقت بریدن ندارد بول او بر مار زهر

قاتلست اگر خشک کند و بساید دکسه را که بسته باشد

بر دگر مالد بکشاید اگر بر درخت بمالند بریزند ملخ دران حوالی نه

نشیند مغز سر او دو رنگ است یکی سفید و یکی سیاه اگر

موی از جای بکنند و سفید بمالند دیگر بروید اگر دل او در کمین بمالند

بخواب برود اگر زهره او بسایند و در چشم کشند شب

کوری برود اگر سر آنرا با خود دارد در جماع کردن با

قوت باشد و مانده نشود صفت راسو اگر استخوان

راسو را بن با خود دارد آب تن نشود اگر گوشت او را

بخورند باد سرد ببرد اگر شکنبه او بخورد دیوانه دهند

شفا یابد اگر پیه او بر دندان کودک مالند بیدرد برآید اگر

خایه او در پوست شیر گیرند و زن با خود نگاهدارد آبستن

نشود راسو جانور است اگر کسی را بگزد گوشت او بر

گزیدگی او نهند در حال درد بنشاند و گزندگی سگ دیوانه

نهند سود دارد راسو بسوزند و خاکستر او با موم و روغن گوس

اسکانون سرشته و بر خنازیر طلا کنند سود دارد راسو در خانه

نگاهداشتن خانه را از حیوانات زیانکار پاک کند

صفت عقاب شاه مرغانست چنانچه شیر

پادشاه دوپایان است و بینای او چنانست که ده فرسخ

بیند و در شکم او سنگ باشد مثال چشم گاو سیاه و

سفید هر که با خود دارد بچشم خلایق عزیز و محترم باشد

پر او در خانه دود بگند مار بگریزد در مغز او استخوانی باشد

گوچک هر که آنرا نگاه دارد همیشه فیروز باشد اگر چنگال

او در آب بیاویزند نیک رونده شود صفت باز

هر بامداد در میانه بهمه مرغانست اگر بیمار شود گمان نخورد و

نیک شود اگر سرگین باز بجای گوشت باز سرگین لبط

باشد اندران مرهم که بار کرده شده است و زهره باز در

سیاهیها بکار آید اگر گوشت باز بروغن سوسن و آن

روغن در چشم که آب رود کشنده به شود اگر خون او بخورند

خونخوار شود اگر استخوان پای بسوزند و بر سوختگی باشد به شود

اگر مغز او با شکر بخورند معده را قوت دهد اگر چنگال

باز در درخت آویزند مرغی دیگر بر آن درخت ننشیند

اگر چشم آب سرد لب بیند و در چشم کشد روشنائی

افزاید اگر کهنی او با عسل بیامیزند و بر دنبل نهند سود کند

و سرد اکند صفت کرکس یاقوت باشد و پیوسته

طلب مردار کند اگر استخوانه او بجویند سنگ ببندد

هر که بدندان گیرد سخن گوید هر که بشنود مطیع او شود اگر گوشت

او بپزند و با انگبین و زیره کرمانی طرفی کشد نگاهدارد اگر

کسی را مار گزیده باشد پاره از ان بخورد زهر بپرهیزد و بهتر

شود و بهتر آن باشد که بخود آب دهند اگر زهره او با

عسل معجون کنند و در چشم کشد روشنائی زیاده شود

اگر مقدار دو غن زیت و قطران بیامیزند و بینی چکانند

موی در رستن پیدا شود اگر استخوان برجه او بندند نگر

ور دپای ببندند سود کند اگر استوان او بر خداوند نترسد نبندد

راست بر است و چپ چپ البته بهتر شود اگر سوزنی را

بخون کرکس آب دهند هر گوشش که بدان سوراخ کنند فراهم

نشاید صفت کلنگ حانوری نادان بود اگر با قلی ما

گوگرد به پزند در جایی باشند کلنگ بخورد بمیرد اگر زود بسرش

روند افتاده بود توان گرفت اگر خایه او در زیر سر کبک کنند

چند روز و بعد ازان بر موی سفید مالند سیاه کرد و اگر گوشت

کلنگ با سرکه بپزند و بخورند قوت در مجامعت دهد اگر به

او در گوشش چکانند کری برود و اگر زهره او با روغن زنبق

بیامیزند و در بینی خداوند ریزند سه روز درست شود اگر

چشم راست او بخوشند و در چشم کشند خواب دران چشم نماید

در مقام خرابه سازد یا در کوه اگر سرگین آو با خرد لسابند

و در جایی گشند موی بروده باشد موی بر نیاید اگر خایه او

در دیگی در سر برف نهند تا بجوشد اگر مغز او بنام ک

بخورد دهند آنگس مطیع شود اگر با روغن بنفشه بیامیزند

و در بینی چکانند در دو شقیقه بیرد اگر استخوان های او در حامگ

سرزاب خورند در آتش نهند جنگ و عربده پیدا

شود اگر چنگال او در جایی دود کنند یکسان بگریزند اگر خون

او بسایه خشک کنند و با تخم مورد بکوبند و بر دنبل نهند

زود نرم شود اگر بروغن زیت در سر مالند اشک و سوزش

بیرد اگر دل او بیرون آورند و در سینه زنی نهند که در خواب

باشد هر چه کرده باشد بگوید صفت زاغ گویند مرغی

ff 199

باشد چون عقاب ولیکن مهوش رباید و مردار دوست

دارد و از سوسن مهوش باشد چنانکه اگر بوی سوسن بشنود

زنجور شود اگر زهر او زن آلستن قدری بخورد بچه بیفکند اگر

باشد یک زهره او بخورد دیوانه شود صفت کُلاغ و

خاصیت بسیار دارد اگر کلاغ بکشند و بسوزند و با روغن

بسرشند هر جا که مالند موی برآورد اگر بکشند و رها کنند کنده شود

و حک کند و بموی مالد اگرچه سفیده بود سیاه شود اگر

زهره او و زهره کربه سیاه با هم بیامیزند و بر موی مالند

تا زنده باشد سفید نشود اگر زهره کلاغ با روغن یاسمن آ

قضیب مالند با هر زن که جماع کنند دوستی عظیم پیدا کند

اگر زهره کلاغ بر پاره کرباس بندند و بر ران ببندند هر چند که

خواهد جماع کند اگر خایه کلاغ چهل روز در زیر سر کین کند و بگذارد

ناکنده شود در موی مالد سیاه شود اگر گوشت کلاغ سیاه

خورد باد ها بشکند و حادثه بدی بروی کار نکند اگر خون او در سایه

خشک کنند و با شکر بیامیزند و در باقلا بخورند سرفه کهن ببرد اگر

مغز او بگذارند آب روغن زیتون در جایگاهی مانند که باد کم

باشد به شود و اگر استخوان او خشک کرده با عود در زیر کس

دود کنند سود دارد اگر دل او با شراب بخورند دهند منطبع

و محب و فرمان بردار شود از مالیش همین خاصیت دارد

صفت تتبجه مرغی باشد بغایت زیبا دوست دارند

آن اگر بگذارند نشسته بر هم بینند اگر استخوان او با غالیه هر که بوی

نهد یکان برآید اگر مغز او ما بروغن گل بیامیزد و در جای مالد

که باد گرفته باشد به شود اگر شب کور ازان روغن در چشم کند

به شود اگر کوشت او بخورند عاقل و زیرک شوند اگر زهره او

بخورند ابله و نادان شوند صفت ~~ها~~ و ازان بوی تا

خوش آید و گویند که کمس ازدهان او نخیزد اگر کسی

برود و در خانه او را بگیرد پاره سفال و او بیاید و راه نیابد

که باشیانه رود برود سنگ بیاورد با پاره گل و بران سفال

نهد در حال آن بنشیند هر که آن سنگ بیاید بر بروی کا

نشسته که نهد گشاده گردد بفرمان خدای تعالی اگر ماهید

را با روغن یاسمن بیامیزند و ازان در گوش چکانند

کری را بیرد اگر بگیرند و بکشند و هر دو چشم او را در خری

پاک بندند و در بازوی چپ خویش بندند بر چشم

همه غریو باشد اگر در جایی نهان کند در آن مقام بجای

نتواند خواب کرد اگر تاج او بار را با خود دارد سخن او

پیش همه کس قبول باشد اگر سر او بر کودک بندند

تیز فهم شود اگر زبان او با شکر بیامیزند و بخورند حفظ زیاده شود

اگر پیه او در خانه دود کند هیچ حادوئی در آن خانه کار نکند

اگر پی از بال او با خود دارد هم حاجت او برآید اگر پر

او در استخوان او در بالش نهد بخواب رود هر چه یاد

کند از خواب بیدار نشود اگر پر او بسوزانند و با روغن بمالند

بخورد دیوانه دهند به شود اگر دل خشک کند و بشراب

بخورند مردی بفزاید اگر دل او در زبان ضفدع در

پوست

پوست کیرند عجایب بنید اگر دل او خشک کند لسا بند
و بانخود دارند

و در شنبه کند در برابر هر دو میل در چشم کشد و روی آنگس
بنید عائق آنگس شود که میل در چشم کشیده باشد اگر مغز
اسود در چشم کسی که سفیدی در چشم او پیدا شده باشد منفعت
کند اگر مغز او با عالیه بیامیزند بنام کسی که خواهند چون آن بری
کند محب شود اگر زهره او بسایند و با روغن کنجد بخورد زنی
دهند حیض او برود اگر پوست او بر سر نهند درد سر ببرد اگر
بخمال او خشک کند و بر کسی مالند مطیع شود اگر بچه زن
او دنبال او را از بر او در کیسه آدم نهد هر وقت که جماع
کند آن زن او را نوبند چندانکه خواهد جماع کند اگر هر دو را بکشند
و با برده بارده کند در دیگ کند و آب بر سر آن کند هر باره

که بالا آید آنرا نگاهدارد آنکس محبوب شود اگر استخوان

پای او بسوزند و با نبید در طعام کند و بخورد کودک دهند حفظ

بیفزاید اگر بخورد کودک دهند حافظ شود اگر استخوان هدهد

را با گندم بجوشاند و چند روز در سرکه اندازد و بعد از آن به

کلف مالند به شود اگر با خود دارد چشم مردم عزیز شوند

اگر منقار او بسوزند و بر نامسور نهند سود کند اگر سر هدهد

با خود دارد هیچکس با وی داوری نکند اگر پای

چپ او با خود دارند کس پشت او بر زمین نرساند

اگر گوشت او بخورند کر شوند اگر ران راست او در

کبوتر دود کنند کبوتران از آن برج بروند اگر سرگین او در

سرگین کبوتر و سرگین خروس با روغن بر در بروند بل

طلا

طلا کند منفعت دارد صفت کبوتر کوبند مارا زکبوتر

بگیرند و صدای آواز او اگر خانه نهاده باشد خروش رند

پیدا شود تباه شود اگر جواهر رنگ کرده باشد در کاوی

کبوتر بچه نهند و برون آرد بغایت خوب شده باشد

باید که آب سرد بشویند اگر کبوتر بچه را ریزش کند

و نخورد زود فربه شود اگر خون کبوتر در چشم کشد درد چشم

ببرد اگر به آرد جو قطر آن بیامیزند در بهق و سپید مالند به شود

اگر خون کبوتر و موی گربه در جائی بر آتش نهند جنگ و

فتنه پیدا شود اگر در سایه خشک کنند و بسایند در چشم

کشند شب کوری رود اگر با سرکه مرهم کنند و بر جراحت

نهند به شود اگر در بینی چکانند خون باز دارد اگر بمالند بکلها

جامه برود اگر سرکین باچندین بکوبند و در موی بندند دراز

شود اگر گوشت کبوتر بخورد بارها بشکند و سردی و آب

از دهن زفتن باز دارد و آب پشت بیفزاید اگر استخوان

او در سایه خشک کنند و بخورد لیابند و بشکر سفید

بخورند سبز را سود کند اگر استخوان های او با با قلا

بلیابند و بخورند سرفه را بیرد اگر استخوان سر او بسوزند

و خاکسترش با آب پیاز بر کلف مالند پاک

شود اگر استخوان لیابند و بر ریش بمالند به شود

اگر چشم او بخورد کس دهند شب کوری باز آورد

اگر خایه او بر سر کبن نهند تا بچه برآرد و چند روزی

نگاهدارد و بعد ازان بکشد و خون او و خون آدمی

بخورد کس دهد مفلوج شود صفت کبک مرغیست

نادان دیرکه گردن حریص است اگر شراب کهن بخورد

آب آزاد هندست شود اگر خون او شیر نر ابگیرد

بیامیزند بهق مالند به شود اگر گوشت او بخورند بادها

بشکند اگر زهره او در چشم کشند کوری ببرد اگر پیه او بگیرند

وکابی که شقیقه درد کند بمالد به شود خاصیت تیهو

جانوری رعناست و دران وقت که مست شود

اگر کس آوازش کند از عقب وی رود و گوشت

تیهو نهایت کم است هر که بسیار خورد باه را قوت

دهد و بادهای سرد بشکند اگر زهره او در چشم کشند

شب کوری دور شود اگر پیه او در بهق مالند به شود

صفت قمری هیچ مرغی بیدارتر از قمری نیست و بانگ

او مغز را سود دارد و مار از بانگ او بگریزد و هیچ مرغی

مبارک تر از آن نباشد در خانه او باشد درد و ساحر

راه نیابد و کشتن او کراهیت دارد ازین خواص

بسیار گفته شده است صفت خروس مرغی ناشناس

بیدار بیخ وقت بانگ کوید اگر سر سفره او چرب

کند بانگ نتواند گفت اگر چنگال او بزهره کاو

بیالایند تا واز بد بسیار بانگ کوید اگر اسپی

مانده باشد جو جه بکرم در دهان اسپ کذارند ماندگی

ببرد اگر مغز سر او و مغز ساق او در سایه خشک کنند

و بساید و در چشم کشند هر کس که ویرا ببیند دوست

دارد

ومقطع او شود اگر مغز او بر گزیدگی مار و گزدم مالند سود کند اگر

مغز او با روغن یاسمن بر قضیب مالند قوت پیدا شود و دودی

افزاید اگر خون او با سیب یا به مالند و بخورد کسی دهند یا انکه

بوی کند او را دوست دارد اگر خون او را خشک کند و بسایند

و در طعام کنند و بخورد کسی دهند که بسیار گری باشد کم گری شود

اگر ناخن پای خروس با خود دارند با هر که بکوشند ظفر یابد اگر

خار پای خروس بسوزند و بخورد کسی دهند او را خواب

نیاید اگر استخوان پای او بکوبند و بخورد کسی دهند که از را فته

باشد خوش شود اگر خروس جوان بخورد کودک نابالغ

دهند که بخسبد پس زهره او بستاند و بر قضیب مالند و زن

را بخوابانند چنانکه او سرنگون افتاده باشد باری جمع شود و

حال باز گرد وصفت مرغ سیاه چنین گویند اگر مرغ سیاه که

رنگ دیگر نباشد بکشند و آنچه در شکم او باشد بیرون آورند

و بسوزند و مقدار فلفل اسود با بجای او بریزند و شکمش را

بدوزند و بپزند بخورند سه روز قولنج بگذاید اگر جیر با عسل بیامیزند

و بمرغ دهند جایه او بزرگ شود اگر سرگین او زیر دندان درد

کنند درد بنشاند اگر سرگ و عسل بخورند قولنج بگذاید اگر

پیه او بگدازند با پیاز در گوش چکانند درد گوش

ساکن شود اگر در قضیب طلا کنند با هر زن که جمع شود غیر او

دیگر را نخواهد اگر جایه او گرم بخورند درد کلیه بشود و شهوت

را قوت دهد اگر گوشت وی خورند فربه شود اگر متواتر

بخورند آب پشت بیفزاید اگر استخوان او بسوزند

ان

ولستاینده و برسوختگی باشنده زود نیک شود اگر زهره او با مرداسنگ

بیامیزند و روغت مجامعت بر قضیب مالند محبت پیدا

شود اگر زهره مرغ سیاه و زبان او با روغن کنجد بیامیزند و

سه روز بخورند پیش از انکه موی سفید شود هر روز از ان یک

مرغ پخته بخورند سفید نشود صفت لبط مرغی باشد نیکایت

ابله و از آب نه شکیبد اگر چشم او در کاسه نهند که خفته بود

هر چه از و پرسند جواب گوید گوشت او گرم است لیکن

گرانست اگر کسی بسیار خورد فربه شود اگر استخوان او در

سایه خشک کنند و بسایند و برسوختگی باشند نیک شود

اگر پیه او بر کلف مالند ببرد اگر پیه لبط با روغن با سمن

یکجا زنند و سه قطرات در گوش چکانند کری ببرد صفت

فاخته چنین گویند که فاخته بوقت نوروز نشاط بسیار کند و بچه را

دوست دارد و در همه عمر یک جفت گیرد اگر جفت او کشته

شود هیچ جفت دیگر نگیرد اگر خون او با روغن خوزی بینی مالند

به شود اگر خشک کند و با بند بخورد کودک دهند در جامه

خواب بول نکند اگر گوشت او خورد به شود اگر با روغن

جوز بریان کند و بخورد درد زهار ببرد و شهوت انگیزد و با

راقوت دهد صفت تدرو تدرو را بریان کند و با نان

میده قطر بخورد مجامعت را قوت دهد و گونه تدرو را سرخ

کنند و گوشت او بهتر باشد از گوشت اهلی است اگر پیه او

یکدانگ زند و در گوش چکانند در حال درد گوش ساکن

شود اگر بر او بسوزند و خاکسترش بگلاب تر کنند و در سر

مالند

مالند در دسر به وصفت باشه چنین کویند که باشه

چون باز صید کند اگر زهره او بانیم درم آرد جو بخورند باه را قوت

دهد اگر استخوان خشک کرده بکوبند در جراحت مالند به شود

اگر کوشت او با پنبه دانه بپزند و زیره دران کشند زن بخورد

از حیض پاک شود اگر چنگال او کودک با خود دارد شب

دلیر شود اگر بر او در زیر بهند خواب خوش آورد صفت

کبوتر چنین کویند کبوتر مرعی مبارک باشد چنین بانک کند کس

ندانند که از کجاست اما آشیانه در درخت باشد و ریشه چند

بیاورند و مسکن آن در کوه بود اگر آن که آن بران می نشینند

او را بگیرند هر مرادی که از خدا عزوجل طلب کنند بیابند

اگر استخوان او در بازو بندند در چشم خلایق عزیز و محترم باشد

اگر گوشت او بخورد کسی دهند مطیع و فرمان بردار شود اگر بازو

بخورند کبر بگیرد پیدا اگر مغز او با عالیه بیامیزند هر که بوی او بشنود

مطیع و فرمان بردار شود اگر زهر او در چشم کشند سفیدی و

تاریکی ببرد صفت غواص مرغی کردن و منقار دراز دارد و

بتازی ماهی کشد گویند اگر گوشت او بکسی دهند محب

شود اگر استخوان او بنام کسی سوزند مطیع شود اگر گوشت

او بخورند بادهای زشت دفع کند اگر مغز او با عالیه در دماغ

کسی رساند محبت پیدا شود اگر چنگال او بسوزند در

سوختگی پاشند سود کند اگر سرگین او با شکر لیسانیده بکودک

دهند سر بسود صفت همای بر سر مرغان از ان شرف

دارد که استخوان خورد و جانور نیازارد همای مرغی باشد

دلیر

وسایه فرخنده دارد چنین کو نبیذ هر کرا سایه بر سر او افکند

در نقرس عظیم بوی رسد و خورش او استخوان ماشد و بر سر او

موی نباشد اگر استخوان او بر نقرس بندند سود کند اگر بهر او

در چشم کشند آب دو بین باز دارد اگر نر دیک چشم بیاویزند

در درد چشم ساکن شود اگر بر او در خانه دود کند مار گزدم بگریزند

صفت تعلق کو بند که تعلق خواص بسیار دارد اگر زهره او

بخورد کس زنهد هلاک شود اگر شکسته او بدنهد شفا یابد اگر

گوشت او بریان کند و بخورد معده را قوی کند و شهوت

بیفزاید و گوشت بچه او بهتر باشد اگر خایه او چهل روز زیر

سر کین اسپ نهد و بعد از چهل بردارند و بر موی سفید مالند

سیاه شود صفت عندلیب وقت گل آواز بسیار کند

و با کل موانست دارد اگر گوشت او خشک کنند و بخورند شهوت

را قوت دهد اگر گوشت او خشک کنند و بپایند و با روغن

زن بگیرد و بچه بیند از دو اگر زن گوشت او بخورد و حامله و

سلیطه شود اگر خون او بخورند حافظ شوند اگر در سایه خشک

کنند و کلاب در بینی چکانند که خون رود و با را ایستد اگر خون

او بای او بر کودک ببندند از چشم زخم ایمن باشد صفت

کنجشک موانست تمام دارد و در خانه که آدم نباشد وطن نکند

و عمر دراز دارد اگر کنجشک بروغن کاو بریان کنند و بپوره آن

افشاند و یکهفته سیر نخورد فربه شود اگر زهره او با عسل بر قضیب

مالند و شراب بیاشامد و با زن مجامعت کند آلتش شود

اگر بچه او پیش از آنکه موی برآرد با روغن کنجد بریان

کند و بخورد آب پشت بیفزاید اگر بچه او پاک کند در آشیانه

زنبور بیاویزد تا زنبوران او را بکنند باید که ببرد در روغن

جوشاند در وقت مجامعت یکی قطره در کف پای مالد

بخایب بیندازد اگر متعفن کنجنک با شکر بیامیزند و بخورند

آب پشت بیفزاید اگر در قضیب مالد سود کند اگر سرگین او

با آب باران ترکند و در چشم کشد شب کوری ببرد اگر گوشت

او بخورند آب پشت بیفزاید اگر استخوان او با خود دارد زخم

بروی کار نکند صفت طوطی اگر پای او در پر کبوتران اندازد

کبوتران جمله بگریزند اگر سرگین او بر جراحت نهند بهبود یابد

مار در خوردن مار جهد تمام نماید سر و دم آنرا جدا کنند

به پزند و نمکش پاک کنند و بیم نخجه کرداند آن آب را بپزند و در

روغن زیت بریان کند از علتها پاک شود و قوتی عظیم پیدا

پیدا شود اگر نیش افعی بر خداوند در دندان بیاویزد به شود

اگر سر افعی در کردن خداوند خوک بیاویزند منفعت کند اگر

دل افعی از خداوند تب بیاویزند سه روز به شود اگر شوربای

افعی را بخداوند خرام دهند سود دارد و اقراص افعی که در وی تریاق

فاروق افتد خداوند خرام را سود دارد و گوشت افعی بر گزند

افعی نهند در دندان صفت ماهی سفتور که در خشکی باشد

او را با نمک بپرورند باه را قوت دهد اگر گوشت او بخورند

فربه شود و قوتی پیدا شود اگر پوست او بر خداوند لرزش بیند

سود کند اگر بر خداوند ناسور بندند یا دود کشند سود دارد صفت

خرچنگ دو سر دارد دو دهان و زبانی در سینه دارد و یکی

باشد اگر جائی پرند این نگیرند تا باد بران نکند رها نکنند اگر چه خرچنگ را

آفتاب خشک کنند و نکوبند و با روغن بنفشه بجوشند پس روغن

صاف کند از کتان فتیله کند و در چراغ نو کند اردوشن کنند

بر جائیکه نهند جان نماید که هر که دران جا باشد رقص نماید

اگر کسی را مار گزیده باشد خرچنگ زنده را بدو نیم کنند

و بر سر جراحت نهند سود کند اگر پوست چشم او بر جدا و تب

بر بازوی بندد تب زایل شود اگر کسی را درد پهلو باشد

خرچنگ را بگیرد بریان کرده بخورد منفعت کند سرد اگر

خون او در بینی مالند درد ببرد اگر در سایه خشک کنند و بآب

بیارند در لگه کلف مالند به شود اگر در هاون کنند و بکوبند

و با روغن بنفشه بمالند و آن روغن با برگ مرغ در خانه

وبه مالند به شود اگر زهره بخورد دیوانه شود منفعت کند

اگر با شکر بخورند سرفه کهنه ببرد اگر کبد را زشت او بخورد از علت

پاک شود صفت **غوک** گویند غوک را بدو نیم کنند

نیم در آفتاب و نیم در سایه خشک کنند نیمه سایه بازپس شود

و نیمه که در آفتاب است بسوزانند و خاکسترش بخورد

زنی دهند آنچه کرده باشد در حواب بگوید صفت

سوسمار چنین گویند که سوسمار خانه جای سخت سازد

چون سیر شود موی برآورد و خاصیت بسیار دارد اگر موی

آن زنی با خود دارد آبستن نشود اگر خون او با روغن

بلسان در چراغ روشن کند مردمان او خانه را نیک دیگ نماید

صفت **کژدم** گویند کژدم را چشم نبود چون زخم زند

بکریزد کسی که در خواب باشد نیازارد اگر آنرا در خانه بسوزند

همه کژدم های او خانه برآیند و بعضی گویند بگریزند اگر کژدم را بکوبند

و بگزیده کژدم نمیرد به شود اگر بزیتون و آب یا برنج در کژدم مالند

بمیرد صفت عنکبوت هیچ جانوری بخانگی و مست عنکبوت

نباشد و شکار نکند اگر مورد تازه در خانه او رود نکند بگریزد اگر

عنکبوت بر خداوند تب بندند سود کند اگر عنکبوت در

شراب بجوشاند بر خداوند تب بلغمی بخورد دهند سود

متفرقات

دارد اگر تار عنکبوت بر جراحت بندند سود کند اگر زنبور در

عسل نهند بمیرد چون در سرکه نهند زنده شود سایه در خانه

زنبور بیاویزند بگریزند اگر افیون و سرکه بر زخم زنبور نهند به شود

بگریزد و نمک بر جایی مالند مگس بر آنجا ننشیند اگر مگس

دران اندازند میرد اگر مگس بارو غن زیت در جایی

کنند تا خشک کند پس بساید بموی مالند سیاه شود

اگر قطر یقی بارو غن کنجد حل کند و در سوراخ مورچه ریزند تمام

بمیرند اگر خایه او در حلوا یا چیزی دیگر بخورد کسی ابتدیه بروی افتد

اگر پوست ترب بخورد به شود اگر مورچه بروغن زیت

بسرشند و در گوش چکانند درد ساکن شود اگر خایه او

خشک کنند و بپاشند بهر جا که مالد موی ببرد اگر خایه مورچه و

کف دریا و شکر و زعفران از هر یک برابر بکوبند و در چشم

کشند سفیدی ببرد کوبیدا کرده قشر نیز دود کند بشب بگریزد

اگر یک تخ زرد زنبور خنی نهند نزدیک نماید صفت

کیک اگر خواهند کیک رنجه نگردد در میان خانه کوزه ی

کنند و بر خون کند همه انجا جمع شود اگر بر وقت خواب کاسه

بر آب کنند و سه نوبت سوره اذا زلزلت بر آن آب خوانند

و بر بالین نهند کیک و پشه که در آنخانه باشد خود را در آن

آب اندازند در سر آدمی چون موی سیاه باشد سپس سیاه

باشد یا بر یک انار سرو تن بشوید سپس نباشد صفت

چغانه اگر هفت عدد چغانه یک یک در آب

اندازد و یکساعت رها کند بعد از ان هر کس که بوی ش

گرفته باشد آن آب را بخورد کشاده گردد اگر مالش مار

در میان کل نشاند بمیرد اگر در میان سرگین نهند باز زنده شود

اگر مالش مار در گوش خرکند بیهوش شود چنانکه گویند مرده

است چون بران کنند باز بخود آید صفت حراطین

گرمی باشد سرخ و در زمین نمناک می باشد اگر او را

خاک کند و خورد لسیار لسا ید و با روغن زیتی چند نوبت

بزود کرمها لدرا بزرگ شود والعنب دارد گرمی باشد سبز در میان

بالزها باشد اگر آنرا در سرکه و عسل نهند بعد از چند روز بر طرف

مانند ببرد صفت نخل اگر بیخ آن در درخت خرما فرو

برند درخت خشک شود طبع خرما گرم و نرم است هر که لسیار

خورد قوت کبد را خون سیاه کند و سده جگر و درد سر

آورد و زبان را سیاه کند اگر خرما خرک با کافور لسا ید

در بینی کسی کشند که خون آید باز ایستد صفت انگور

هر چند شیرین تر است طبع او گرم تر است از انگورهای انگور

طائفی گرانتر بود باد انگیزد اگر انگور طائفی لسیار خورد

ناسور پیدا شود اگر خواهند که مقرت نرساند از پوست

بپیرازد که مقرت دردانه پوست است شاخ در زیر

مصدع بیاویزند نفع کند اگر بر کف او با سداب و کافور معجون کنند

و بخورند هر چند که شراب خورد مست نشود و صفت غوزه سرد و

خشک است صفرا بنشاند و شکم به بندد و اگر انکور را بپیرانه

و بی پوست خورند تن فربه شود و آب پشت افزاید غوزه

خشک است دل و جگر خوش کند انکور طالبی معده را

قوت دهد و دل را نشاط دهد مویز سیاه از کشمش کمتر است

معده را قوی کند کشمش از همه لطیف تر است دل را

قوت دهد جگر را منفعت کند صفت سیب ترش

همه زیرا سود کند هر که سیب ترش بر سر نهد خواب

آشفته بنید اگر سیب در برگ انجیر بنید و در گل کنند

هر چند که خواهند بماند صفت انار شیرین بکری میل دارد

و لطیف بود و جگر را قوی کند و لیکن آب پشت

بیفزاید و دماغ تر کند انار ترش سرد است صفرا بشاند

و تپش دل و معده و جگر زایل کند اما قولنج آورد و در ترش

و شیرین در یکدیگر نیک باشد اگر انگبین در آب

بجوشانند در سال سه نوبت در پای انار ترش

ریزند شیرین شود اگر پوست درخت انار بجوشند

و آب آن باز خورند شکم را بند اگر به برگ انار سرو تن بشویند

بس بود صفت سیب به رایی آزار آرد رخت فرو

گیرند در برگ بیخ و مغاک بکنند و برگ در انجا کنند

و برگ نی بپوشند و او را در انجا نهند و خاک بر وی بپوشند

تا بینای دیگر تازه بماند به سرد و خشک است و معده و جگر

و دل را نیکست اگر نباشتا بخورند طبع را سخت کند و تشنگی

بنشاند و آب او قی را باز دارد و صفت امرود انواع باشد

دل و جگر را آب دهد و معده را خشک کند سرد و تر باشد

و بعضی گویند معتدل است دل را قوت دهد و چون بسیار خورد

معده را سست کند برگ او گویند در جراحت باشند

به شوند چون امرود بخورند زنجبیل پرورده از عقب

بخورند دفع کند مضرت صفت شفتالو چون در

میان نرسند نپرند بماند شفتالو سرد و تر است

تشنگی بنشاند و جگر را نیک بود و تب و بلغم را سود

کنند اگر برگ او بکوبند در جائی که گرم افتاده باشد ریزند

جمله بمیرند اگر در جائی دود کنند ماران بگریزند اگر برگ او بکوبند

با آب و زنجبیل در تن مالند نیکو شود اگر برگ او در جامه نهند

خراب نشود اگر برگ او خشک کنند و بساید و سه روز

هر روز دو درم بخورد هر کرم که در شکم باشد بمیرد و اگر تخم او

بسوزانند و با سرمه در چشم کشند حرارت چشم را ببرد اگر

بر ریش نهند ریم بیرون کند صفت زرد آلو چون رسد

باشد طبع شفا لو دارد چون شیرین باشد کمی دارد و

معده را نیک بود اگر خواهند که زرد آلو شیرین کنند

مغاکی در ان دختر کنند در سالی چهار نوبت هر نوبت

یکمن نمک در آب کنند و در ان مغاک ریزند اگر زرد آلو

خورند از عقب او شکنجبین خورند نیک بود اگر مغز او با

خربق بخورد سگ دهد تا مادام که بارد جو سرشته باشد سگ

بمیرد اگر مغز او با زنگار بکوبند و بر منفعد نهند خارش ببرد صفت

انجیر کوبند درخت انجیر کم بارد هر شاخی از درختی دیگر باو

بندند بار بسیار دهد اگر کاود دیوانه و کرس باشد در شاخ

انجیر بندند نیک شود اگر سر کاوز بر درخت انجیر دفن

کنند چنانکه بیخ نرم بیش از همه بخته شود طبع انجیر گرم تر باشد

گرده را سود کند و آب پشت افزاید اگر بسیار خورند حیضه

دارد اگر کسی برای سه روز پیش که بجوشانند و بخورد

سفت کند اگر بجوشانند و بخورند سرفه کهن ببرد اگر با

سرکه نپزند و بخورند و دردمان نگاهدارد درد دندان ببرد اگر

انجیر خورند با روغن بادام سفید در عقب خورند مضرت

نکند اگر سیاه در دست و جامه باشد آب غوره بشویند

بیدا اگر خواهند توت سیاه سفید شود مغاکی بکنند در پای

درخت و دو کره توت در آن ریزند و بپوشند بخاک

صفت توت سیاه سرد و تر است اسهال دارد اگر با آب

غرغره کند صاف و درد کلو را سود کند و معده و جگر را ساکن

کند اگر توت خورند از عقب آن ماء العسل خورند نافع

مضرت کند اگر خواهند صفت جوز بسیار نند مغز او

بسیار نند و از مورچه نگاهدارند چون دو سال تمام شود از

انجا بکنند و در جای دیگر بنشانند نیک شود اگر مقوی خورا

خورند زهر را سود دهد اگر خورنده تازه با شکر بخورند ام

اشت که تا سالی دیگر آنرا در چشم نباشد اگر جوز تازه

در سه آب شب بیفزاید جوز کرم و خشک است و صفرا

یزد و دهن بجوشاند و سرفه آورد صفت نارجیل چنین

وینند که روغن نارجیل در موی مالند سیاه شود زرد و سفید

شود طبع او گرم است اگر بیخ او در چراغ کنند بجای فتیله

خورد اگر چرب تر است او با عدد در مجلس باش

نهد جماعت مست شوند صفت بادام اگر بادام تلخ و خربق

سیاه در آب سرشند بخورد سگ دهند بمیرد روغن بادام

گونه بادهای سرد بشکند و بادام شیرین سینه را نرم کند

دردها را سود دارد دماغ را نیرو می دهد اگر با شکر

سه در آب شب بیفزاید و تن را فربه کند و گونه روی

نیکو شود اما در معده گرانی کند و باه بر انگیزد اگر روغن بادام

بینی کاود و لوانه کند نرم شود صفت فندق هر چند فندق بسیار خ

شهوت افزون شود اگر شاخ او بر جراحت کوبند بند

ساکن شود در روغنش برای اسهال سود کند اگر چوب

نفید او بسوزند و خاکسترش بر جائی باشند که کرم افتاد

باشد سود کند اگر شیر او بخورند دهند زود مست شود

و بیهوش شود صفت فستق گرم و خشک است در دوشت

را سود کند و سنده بکشاید و آب پشت بیفزاید و صفرا

و خون را بخیراند و باد سرد را سود دارد صفت چوب ک

سرد و خشک است در تابستان از و نطره چیزی فرو چکد

معده را قوی کند و طعام را زود هضم کند اگر برگ او بر آبله

مالند به شود اگر بیخ او در دندان مالند نیکو بود صفت

تعصب را تبازی میگویند اگر جائی درد کند ماران بگزند

خرگوش چون بیمار شود بسبزی نخورد نیک شود اگر مار را

بزلی دهند مست شود صفت خیار بگویند و بار بنگار و

نمک و کمیز آدمی بر ماسور نهند به شود اگر بر لب او در خانه

درد کند خفاش بگریزد از ان خانه صفت سنجد چنین

گویند که سنجد تبازی گویند و درختی باشد مبارک

و طبع او گرم و خشک است و خون را تلخین گرداند

و سنبه را زم کند و سرفه که از خون باشد زایل کند و طبع

را زم کند صفت خربق حکیمان گفته اند اگر بوست تره گرم

و خشک است بسوزانند و بخورند سرفه را سود دارد و گوشت

او کرم دماغ او سرد و خشک و دانه او سرد و تر و بد پوست

او دل را قوی کند و معده را قوت دهد و نشاط آورد اگر رنگ

بجامه سفید شد بر تش تریج بشوید و دانه او نیز ریاح سود کند

صفت تارنج صفرا بشکند اما آب پشت ببرد تر شی او

رنگهای سیاه ببرد اگر پوست او با روغن بجوشانند و در

موی مالند قوی کند و سفید نشود صفت لیمو سرد و خشک

است خون را تسکین دهد و خون صاف کند و درد سر

ببرد و دهن خوش کند و معده را قوی گرداند صفت

مورد گویند گرمست و خداوند رودت را سود دارد

اگر شاخ مورد همچون در انگشت درد سر را ناس

سر را سود کند آب مورد در شراب هر که خورد زهر

ست شود اگر برگ مورد و برگ کل و صندل و مردار

سنگ بکوبند و در بغل مالند بوی ببرد اگر برگ مورد

و برگ کل و صندل چند بر نزدوسر بران شویند بسوسر

در سر ببرد موی را نیک بود و اگر روغن مورد در موی

مالند موی نگاهدارد اگر مورد در سر مالند در دشقیقه به

برد اگر مورد را بجوشانند و آبش در مقعدی که بروند

آید مالند تا بجای خود رود اگر دانه او بجوشند و آبش

بخورند درد سرفه و بلغم سر را ببرد و خون از شکم باز دارد

صفت سرو از وصف مستغنی است اما شمه گفته شد

اگر کسی بوی سرو را بشنود سرش درد کند اگر برگ او در آب

بجوشند و بخورند دهند زود مست شود اگر برگ او در خانه دود

گند مار بگریزند اگر کور سرود در پیش خداوند درد شقیقه

دود کند سود دارد و به شود اگر در زمستان هر بامداد

کرم دریای درخت گل ریزند در سالی دو نوبت بار

دهد صفت گل سرخ اگر گل سرخ بگریت دود کند

سفید شود اگر بر او کوفته در چشم کشند کور شود

گویند قطران ار برخیزد چون قطران زنی نجود اگر

آبستن نشود اگر زنی منی مرد بر گیرد در جماع لذت

یابد صفت نرگس هر کس که سداب بسیار خورد خون

بسوزد و شهوت ببرد هر زن که او را حیض بسته باشد

یکدرم آب سداب با یک آنار مرو روغن گل درهم کند

و بخورد هم در ساعت حیض بگشاید اگر کسی را مار زده باشد

سداب

سداب و برگ جوز بکبرد و بکوبد و بخورد زهر مار بروی کار

نکند و بجای تریاک باشد اگر کسی را درد معده باشد شاخ

سداب نباید دود معده نهد درد شش بنشاند هر کاهه کاسنی

خورد لسبار خون صاف کند و جگر را تازه دارد و حرارت

زهر بنشاند هر کرا جایه اماسیده بود سیاه اسبرغم را بکوبد و

آلبش بر جایه طلا کند اماس بنشاند و درد ساکن شود

اگر اسبرغم را با روغن تازه بر موی مالند موی را سیاه کند اگر

کسی را سداب نبود در سورنج سوراخ سوراخ جله بمبرند اگر برگ

سداب با روغن تازه بجوشانند و بر جوشش مالند هر گز زندگی

در جایه وی نفتد آزموده است اگر کسی تخم کرفس با شکر

بکوبد و بخورد مردی افزاید تخم کرفس و تخم کدر و تخم کوشت

از هر کدام یکدرم فرنفل یکدرم مصطکی و پاره عود خام همه را بکو

با سه چندان فانیذ معجون کند و هر روز سه درم بخورد معده را

قوت دهد و قوی گرداند و بلغم را ببرد و بوی دهان خوش کند

و آب رمض از دهان باز دارد و سردیها ببرد و کرم اندر شکم

بکشد و بادها بشکند و کرده را قوی گرداند و زهار کرم کند

و در یک از مسابه ببرد و تخمه و ناگواری طعام را نیکو بود و باد

بواسیر را ببرد و باد مخالف نشاند و شهوت را بیفزاید

و آرزوی طعام آرد اگر خون بارا ک سیاه بیامیزد و بر سیر

طلا کنند ببرد و سود دلب بار کند اگر کرم را زود آب

تا ختن گرفته باشد شکنبه خارپشت بخورد نیکو شود اگر کرم

خورده به کرد و بصلاح آید هر که سر خون نجاید بوی دهان

و آن

خوش کند و تشنگی برد و باد سموم بردی کار نکند اگر در

دندان مالند خونی که از دندان آید بیار السیتد اگر دندان معیوب

بود عیب از دندان زایل کند اگر کسی را کژدم بگزد و طرخان

بنجاید دوا ترا انجا مالد درد شش بنشاند اگر سپیدان بار و غن

گل بجوشانند و بران کسه دنجورد دردی زایل کند و سود دهد

اگر کسی شلغم با گوشت پزد بخورد شهوت بیفزاید و کرده را قوی

کند دل طبع را نرم کند اگر دست و پای سرمازده باشد شلغم بخته در دی

کند تبع نخشد هر که صحبت بسیار کند کرده ضعیف شود از صحبت

خویش لذت نیابد و مقرر احساس کند و چشم تاریک نماید

و جان و تن را زیان دارد و مفلوج کند هر که نان و سرکه خورد

زردی او ببرد و تشنگی تیز فرو نشاند هر که بسیار خورد دارد

شقیقه ازان بود در آخر عمر ازان علتها پیدا شود اگر

کافور در بینی بکاند او را درد شقیقه هم بود و خواب خوش

آرد اگر کاسنی را بکوبند بر اماس نهند اگر از خون

باشد بنشاند اگر شکم مزمن بر کاسنی کند دربان کند و بخورد

خون از شکم باز دارد اگر نمک خورد آب از دهان باز

ایستد اگر توت بوقت خفس بخورد معده را قوی گرداند

و بوی دهان خوش کند خوریس گوید هر که با دروب بسیار

خورد کرم اندر شکم بکشند پدید کند هر که اب با دروب

با خون اسپ در پهلو مالد سپرز را ببرد هر که با دروب

با سرگین کبوتر در گرمابه بخوبیش مالد کرز را ببرد این سوری

گوید اگر بگیرد آب با درنگ و بگذارد در چشم کشت کوری

۱۱۰

بلا اشتهاء شربت کوفته نوشند و با زنجبیل و نمک و روغن بالشته

بر دهر که آب باد و خاک با بهره خر کوش یکوشاند

و اندر کوشش افکند ریم از کوشش یازد او دو نیک

شود اگر خواهی که خوک بزیان نکند حریص سیاه خورد نکوید

و بر آب بیامیزد و کرد بر کرد آن مقام پراکنده کند که مجرب است

هر زنی که حایه خر کوش خشک کرده بخورد با مرد جمع آید در حال

بار گیرد هر که حایه موش خشک کند و شافه کند و زنی بر گیرد

چون با مرد جمع آید آبستن گردد بفرمان خدا تعالی اگر دو جشم

خر کوش خداوند تب با خود دارد تب نشود اگر خر کوش

در هر جا که نالد سرما باز دارد و هیچ کار نتواند کرد اگر خون خر کوش

در چشم کشد موی از چشم بیرون آرد خر کوش با انگبین

خداوند بواسیر را بیرد اما باد در شکم اندازد گویند هر که

ترب نباشتا نخورد معده را قوی کند و بلغم ببرد و تخمه را

نیک بود و آواز نیکو شاید اگر ترب در بهی مالند

بهی ده ساله را ببرد و نیز جهارم را نیک بود اگر

یک قدح آب ترب با یک آنار انگبین در کرمابه بخورد

قی آورد و بلغم پاک کند و تب سه روزه را ببرد و یرقان

این مژه کوبند اگر دانه سبز با روغن بریان کنند و بر خود مالد

و بر کرد کمارش معده را بنشاند و منفعت پدید آید و

کرم اندرون بکشد و زایل کند اگر جم با روغن بریان کنند

و با شکر خرد بخورد هر بامدادی که در خایه باشد ببرد و زایل کرداند

ابراهیم کوبند که برگ کدو بکوبند و بر خویشتن مالد گرما

ببرد سهل که پوست کدو بخته و خام بکار دارد اگرده کرک را شسته

بالش

هر صبح خوشنود کند مهران کوبد که تخم شوید و سیاه‌اسپرم

یعنی ریحان بروغن بریان کند هر روز یکمثقال بخورد رحمن از

شکم باز دارد اگر بر ریحان بکوبند زن ارزان شاقر دارد

سه شب زمار را بغایت کرم کند هر که تخم ریحان بروغن بریان

کند در گوش نهد کرانی را ببرد هر که روغن نرگس بسیار بوید

تعرشش قوی شود و خوانش خوش شود هر که روغن نرگس

با شبت بر قضب مالد قضیب را سخت کند و قوت

اخراج بهتر زن که آلتش نشود نرگس را بکوبند و بنبه باب

آن تر کند و بخود بر گیرد و چون با مرد جمع شود آلتش کرد دهد که

آب نرگس در چشم کشد کوری ببرد هر که نرگس را بکوبد اندر

دهان نهد تشنگی ببرد هر که زهره خوکش در روغن بیامیزد

بیامیزد بوقت مجامعت در تن ماند و یک ساعت نگاه

دارد و انگس در حال دوست تو کرود و متقرار نشود هر که تخم

کندنا بکوبید و بخورد کمی و حرارت پدید آورد و بسیار منفعت

تن بود اما باد از تنگ نباشد هر که زهره خار پشت در

چشم افکند سفیدی را بیرد اگر کف را نقش کرفته باشد

مور سر کودک هفت سالرا ترکند و بروی نهد نیک شود

اگر زنی را کودک اندر شکم مرده باشد شیر بنگ بستاند

بوی دهد تا بخورد در ساعت بارنهد اگر کسی در طعام

بخورد تا ریگ از چشم بیرد اگر گشنیز تر ببرد و بخورد و بگ

از شانه بیرون آورد اگر سیر بسیار خورد معده را پاک کند

در عشه از دست و پای بیرد و نقره را نیک بود اما صفرا

انگیزد درد شقیقه و خارش اندام پدید آید و خون را بسوزد

اگر نخم ترب و بیارسنج در بینی مالد بسیر را ببرد هر که را درد دندان

باشد اگر برگ سداب و مویز سیاه بکوبد و زیر دندان نهد

در حال درد ش بنشاند و راحت و آسایش پدید آید اگر

سداب با سرکه بجوشاند و پاره دیگر آب ترکند و بر پهلو جب

بندد درد سپرز را ببرد و باد ش بنشاند و پهلو درد نکند و لسیار

منفعت پدید آید اگر کودک را کرم در شکم و زهار باشد در

آب سداب تر کند و بر زهار ببندد و اگر مرا بشداد اگر

آب ترب و آب کامه هر دو بهم بیامیزد و بدان غرغره کنند

آواز گرفته باشد بنشاند و بلغم ببرد و معده را قوی کند و سرفه را ببرد

هر که ترب با انگبین بیامیزد و بخورد درد ناف ببرد و نفخ

نسیار پدید آید هر که تخم ترب کلوه با شیر بیامیزد و بر کلف

مالد کلف از روی ببرد اگر سرکین بازرنی بخورد او را ازر

عیاید ارسطاطالیس گوید اگر کسی لعناع را بجوشاند و بر پهلوی

چپ مرهم کند سپرز را سود دارد اگر لعناع خشک با شکر

بکوبد و بخورد اندوه ببرد و لطافت آورد در تن ابو حنا گوید اگر

لعناع را بان بخورد معده را قوت دهد و بلغم را از معده تحلیل

دهد و چون لب بار خورد آب بشت را ببرد زبان دارد

هر که لعناع را با آب دهن تر کند و در بای تر کرده مالد سود کند

مجرب است وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ

لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا

جده

223

...بَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ

...۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲

...لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

تعبیر خوابنامه از حضرت امام جعفر الصادق علیه الصلوٰة والسلام

بسم الله الرحمن الرحیم از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام ۱ ۱ ۱

۲۰ ۲۱

هرچه بیند همان شود شب بیست و یکم دروغست

۲۲ ۲۳

شب بیست و دویم هرچه بیند همان شود شب بیست سیو

۲۴

و بیست چهارم اگر تنگ دیده باشد بداگر بود دیده باشد

۲۵ ۲۶

یکیست شب بیست و پنجم و بیست و ششم بعد از چند روز دیگ

۲۷

یا بعد از چند ماه دیگر یا بعد از چند سال دیگر اثر کند شب بیست و

۲۸ ۲۹ ۳۰

و بیست و هشتم بیان واقع است شب بیست و نهم و سلام راست

است و تعبیر ندارد و الله اعلم بالصواب **باب اول**

در دیدن فرشتگان و بهشت و ستارگان و کرسی و

آسمان و دوزخ و صراط و پیغمبران و قیامت **باب دویم** ۲

در دیدن آفتاب و ماهتاب و ستارگان و رعد و برق

و باران **باب سیوم** ۳ در دیدن دریا و جا

و

وحوض وآب ورود کشتی باب چهارم در دیدن

روشنائی وتاریکی وشمع وچراغ وقندیل وآتش ومشعل

باب پنجم در دیدن تل وکوه وریگ وبالا و

نشیب وخاک وبیابان وگنج وآهک وخشت پخته

وخانه ودیوار باب ششم در دیدن شهر وشهرستان

وقلعه ومسجد ومنبر ومناره باب هفتم در دیدن سرا

وبستان وکرمابه وکوشک ودوکان وآسیا ونردبان

وناودان باب هشتم در دیدن مشک وعنبر وعود

وکافور وصندل وگلاب وزعفران وروغن ونان

خورش وهرچیزی که بوی خوش دارد وصورت

نیکو باب نهم در دیدن مرد جوان وپیر وکودک

باب دهم در دیدن غسل کردن و دست و روی شستن

تیمم کردن و بانگ نماز نفل و اقامت گفتن و رکوع و سجود

و حج و عمره و زکات مال دادن و صدقه دادن و عزت

کردن باب یازدهم در دیدن خلیفه و لاب و قاضی

و نقیب و خطیب و شحنه و وزیر و وکیل باب دوازدهم

در دیدن کاسه و قلم و دوات و لوح و منشور و حواله و نامه

و سلاح باب سیزدهم در دیدن مردان سوار و کوشت

و پوست و اندام مردان و زنان و استخوان و نقصان اندر

تن مرد باب چهاردهم در دیدن کلبه و زندان و تخت

و کرسی و سراپرده و عماری و کیسه و صندوق و کردان و خیمه

و ستون و فرش و بالش و حجره و قبه و شادروان و کشادن

و بگشتن

وبستن واز جای بکاه وتنگ بیرون آمدن باب پانزدهم ۱۵

در دیدن دیگ ودیگدان وشوره وشورود ودود خاکستر

باب شانزدهم ۱۶ در دیدن مردم در بینه ودهن اوراکرفته و

ستردن موی وموی باز کردن باب هفدهم ۱۷ در دیدن

بریدن وکردن زدن واماس کردن وزیاده نقصان

در اندام پدید آمدن باب هجدهم ۱۸ در دیدن پستی وبلندی

ودرازی وکوتاهی وآبله ودرم باب نوزدهم ۱۹ در دیدن

باغبان وسبزه ومرغزار ورياحين باب بستم ۲۰ در دیدن

نانخورش وحلواو انکبین وشکروان وغیر آن باب

بست یکم ۲۱ در دیدن تره وپیاز وسیر ونمک وغیر آن باب

بست دوم ۲۲ در دیدن کامه وشراب خوار وقماع وزهر وشش

ولسان کردن و مسهل خوردن باب بیست و سیوم در دیدن ۲۳

جواهر و یاقوت و مروارید و درم و دینار و مس و نقره و

آب و سنان و سبو و کوزه و آنچه مانند آن باب بیست و چهارم ۲۴

در دیدن لباس و انگشتری و جامه و پوشیدن و کلاه

و دستار باب بیست و پنجم ۲۵ در دیدن عروسی کردن و بوسه

دادن و صحبت و آنچه بدان ماند باب بیست و ششم ۲۶ در دیدن

نمل و بند و دام و لسان و سوزن و دو و ختن جامه باب

بیست و هفتم ۲۷ در دیدن سلاح و آلت پادشاهی و آنچه بدان

باب بیست و هشتم ۲۸ در دیدن ابریشم و سوزنه و تصاویر و مانند

آن باب بیست و نهم ۲۹ در دیدن نابینا و مانند آن باب

سی ام ۳۰ در دیدن رباط و حجله و زندان و گورستان و مرده

و تجارة

وخمازه ومانندان باب سی و یکم در دیدن مار یانه زدن

وگردن زدن ودست وپا بریدن وپاره پاره کردن مردم

باب سی و دوم در دیدن نای زدن وسرود گفتن

وبازی کردن وشطرنج باختن ونرد باختن وچنگ زدن

باب سی و سیوم در دیدن خرید وفروخت وبها کردن

وترخ ارزان کردن باب سی و چهارم در دیدن پریدن

درهوا واز هوا فرود آمدن ومانند آن باب سی و پنجم

در دیدن ستور وبهایم وسخن گفتن با ایشان ومرغان

باب سی و ششم در دیدن بیم وفزع وکمین از دشمنان

وسباع وکمان بستن ومنازعت کردن باب سی و هفتم

در دیدن قصاب وحیوان کشتن وپوست کندن ومانند

آن باب سی و ششم ۳۸ در دیدن گوسفند و میش و

بزغاله و موو پشم او و شانه و مانند آن باب سی و نهم ۳۹

در دیدن خرگوش و کور خر و اندامهای ایشان و مانند آن

باب چهلم ۴۰ در دیدن گاو نر و ماده و گوساله و مانند

آن باب چهل و یکم ۴۱ در دیدن فیل و گاو میش و

انواع اندام ایشان باب چهل و دوم ۴۲ در دیدن خرک

و بوزنه و موش و خفاش و مانند آن باب چهل ۴۳

و سیوم در دیدن دد و دام و مثل شیر و گرگ و مانند آن

باب چهل و چهارم ۴۴ در دیدن یکس و سبس و مور چه

و زنبور و پشه و مانند آن باب چهل و پنجم ۴۵ در دیدن

ماهی و سنگ و پشت و حرچنگ و مانند آن باب

چهل و

چهل و ششم ۴۶ در دیدن مار و کژدم و مانند آن باب چهل و هفتم ۴۷

در دیدن ابلیس و دجال و شیاطین

و جادوان و غیره باب چهل و هشتم ۴۸ در دیدن لشکریان

و اجناس ایشان و مانند آن باب چهل و نهم ۴۹

در دیدن آنچه دلالت کند بر درازی عمر پادشاهان

و نیکوکاری ایشان و دلیل بهر سعد و نحس باب

پنجاه ۵۰ در دیدن عبادت کردن و شکر و استغفار

کردن و حمد گفتن و ثنا و دعا کردن و قرآن خواندن

و نماز کردن و شب زنده داشتن باب پنجاه و یکم ۵۱

در دیدن زلزله و آب و آتش افتادن باب

پنجاه و دوم ۵۲ در دیدن جهود و گبر و ترسا و کنشت و

وکلیسیا باب پنجاه و سیوم در دیدن مُرغان

باب اول در دیدن فرشتگان و انچه ذکر رفت

هرکه فرشتگان را بخواب بیند در نعمت دو جهان افتد

اگر کسی ملک الموت را بخواب بیند که جان وی

می ستاند یا در خواب بیند بر وزندگانی وی در ازگردد

اما ترسی باید اگر کسی در خواب بیند که فرشته بر وی

سلام کرد در دو جهان ایمن گردد و بهشت جاوید یابد

اگر کسی پیغمبری را در خواب بیند نعمت و راحت

در دو جهان یابد اگر کسی بهشت در خواب بیند

علم و زهد و سروری و نعمت و فرح و راحت و ایمنی و

بشارت بود و خیر و برکت یابد اگر کسی ستارگان

را در خواب بیند بلندی و رفعت و سلطنت و نعمت

و مرتبه و عزت یابد اگر کسی در خواب بیند که در آسمان

کشوده شد روزی وی فراخ گردد اگر کسی در خواب

بیند که طعام با میوه میخورد و ناگاه دو اژدرها دوزخ را

بخواب بیند خشم خدا بود و نیک نه بود اگر در خواب

بیند که طعام دوزخ را بخورد آنکس طلب معیشت میکند

و اگر در خواب دیدن رشته و خط و بیم گناه باشد

و اهوال باشد اگر کسی در خواب بیند که تراژوی را

کشیده قاضی آن شهر بعدل و انصاف کوشد قیامت

در خواب دیدن اهوال و بیم و فزع باشد آخر کار خداوند

کار بآن کرد **باب دوم** در دیدن آفتاب و مهتاب

والجمله ذکر رفته آفتاب در خواب دیدن از برای سلطان

سلطان کرد یا قاضی یا عالم یا امام شود اگر کسی در خواب

بیند ماه را میان خوم خود بنهاد کرد اگر کسی در خواب

بیند که ماه در کنار او افتاد یا او در کنار او اگر پسر آورد

بهتری بود کار او بالا کرد و اگر غایب بود باز خانه

آید و اگر امید فرزند داشته باشد پسر شود نیکو روی بود

پس ماه در خواب دیدن مرد را زن بود و زن را

شوهر اگر کسی در خواب بیند که ماه گرفته بود آنکس

بدنامی منسوب کرد و اما ستارگان در خواب دیدن

برد و آورده وجه بود بر او و فرزندان و بندگان و شاگردان

و نقبها و علما و قضاة و خلفا و خزینه داران و مردان جنگجوی

کرنگ در خواب بیند که ستاره در کنار او افتاد دانکس را

عزت و دولت رسد یا والیی آید اگر ستارگان را

داند که کدام است آنچه تعلق بدان ستاره دارد بیاید چنانکه

بهشتی در خواب بیند قاضی یا وزیر یا ملک اگر در خواب

بیند کرسی بر ماه نشست و همی رفت آنکس پادشاه

شود و اگر سزاوار آن نباشد بمیرد یا بر سد باران در

خواب و بدین رحمت و برکت باشد و اگر فاسق بوده

باشد بلا و قحط و بیماری افتد اگر کسی در خواب باران

آهسته رحمت باشد کرد و باد و تاریکی فتنه و جور سلطان

باشد اگر در خواب آواز رعد بشنود بوقت باران

در آن موضع خیر و برکت پدید آید اگر باران در رعد و برق

بهم است بیم و فزع باشد بادر خواب بشارت و راحت است

و اگر کسی در خواب بیند که باد سخت و گرد و خاک پیدا شود

دلیل آن موضع بیماری و لشکر ستمگر پدید آید زاله نخواب دیدن

که بوقت خود نباشد بلا بود برف و یخ نخواب دیدن

صحبت حلال بود قوله تعالی و فی السماء رزقکم و ما توعدون

اگر کسی در خواب بیند که برف و یخ همی خورد میراث حلال

یابد اگر کسی در خواب بیند که باران بهیت آمد دران موضع

لشکری با مرگ مفاجات پدید آید **باب سیوم**

در دیدن دریا و چاه و حوض دریا در خواب دیدن برکت

یابد اگر نشسته آن باشد اگر کسی در خواب بیند که آب خوردی

صحت کند اگر در خواب بیند که از چشمه آب خوردی فرح یابد

و اگر

وآرایش وشادی بود اگر کسی درخواب بیند که در رود

افتاد در نعمت افتد چنین درخواب دین مردم بزرگ

باشد ونیکنام گردد وغرق شدن اگر کسی درخواب بیند در

جزیی افتد حوض درخواب دین با مردم بزرگ وتونگر گردد

افتد اگر درخواب بیند که از حوض آب خورد با مردم پاک

دین وتوانگر آمیزد ومال بمقدار بزرگی آب حوض یابد

اگر درخواب بیند که آب صافی خورد عیش خوش

یابد ومال حلال فرزندگانی دراز یابد اگر درخواب بیند

که درشت نشست یا زشت برآمدی کار او بالا گیرد واگر

سزاوار ولایت بود ولایت یابد بزرگ کاری معزول بود

باز دران کار شروع کند واگر رودی درخواب بیند تونگر

کردد اگر بنده اراد شود اگر امید نیز نداشته باشد بیند

آید یا دولت اگر کسی در خواب بیند که خود را در جایی

او کندی و نشسته مردی نیک کردد و روزی فراخ شود

اگر کسی در خواب بیند که در آب شنا کردی تدبیر کردن

در کاری بود و اگر آب روشن بود مال و جاه یابد

و اگر آب تیره بیند مال حرام یابد اگر در خواب بیند که از خر فض

که غسل کردی از همه غمها بیرون آید و گفته اند گشتن در

خواب و دیدن فرزند بود و تونگری و عیش خوش

بیند جاه در خواب و دیدن فرزند بود و تونگری و عیش

دروغست بقول دانیال زیرا که اگر در خواب بیند که در

جاه افتاد حذر باید کرد که در غدر دیگر نیفتد اگر کسی در خواب

بیند

۱۵ باب چهاردهم در دانستن آنکه در خواب بینند

بیند که از چاه آب کشیدی از بزرگی یا حاکمی منفعت یابد

یا از آن چاه آب خورد یا دوری نشست از غمها فرح یابد

اگر از آن چاه چیزی کشیدی و برداشتی و در جای کردی

مال منفعت یابد و از غمها ایمن گردد **باب چهارم** در دیدن

روشنائی و تاریکی و شمع و چراغ و قندیل و مشعل روشنائی

در خواب دیدن اسلام بود و راحت تاریکی در خواب

دیدن کفر و ضلالت آتش در خواب دیدن فتنه و

فساد باشد و مال حرام آتش بی دود در خواب دیدن

از غم رستگاری و سلطنت و بزرگی اگر کسی در خواب

بیند که آتش چیزی نجس و هیمی خوردی سخنان ناخوش

شنود آتش بی دود مال فرح بود شمع و چراغ در خواب

دیندیرزگ بود و تونگری باشد اگر در خواب بیند که در دست

یا در سرا او چراغ بود آن را سپر آید و اگر سزاوار ولایت باشد

ولایت یابد و اگر در غربت باشد بخانهٔ خود آید اگر

در خواب بیند که در شهر یا در مجلس او شمع یا چراغ یا قندیل بود سلطان

شهر عادل بود یا منصب شود اگر در خواب بیند

که در سرای او شمع یا چراغ بود اگر غریب باشد زن خواهد

آورد و اگر درویش باشد تونگر گردد و اگر بازرگان باشد

نفع بسیار بیند و یا گنج یابد و اگر صاحب جمال نیکو سیرت

نجرد باب پنجم در دیدن کوه و تل و رباط و بارگاه

و بست و خاک و کوه و تل در خواب و دیدن ملک

با فتن و تقرب بود و ولایت یابد اگر در خواب بیند که

در سر کوه ایستاده است اگر سزاوار ولایت باشد ولایت

یابد والا کار او بالا گیرد و بمهتری برسد و اگر در خواب بیند

که از کوه فرود آمد میانه بود گاه غم و گاه راحت اگر کس در

خواب بیند که در بلندیست مال بسیار یابد و درجه بزرگ

شود بیابان در خواب دیدن پرخطر کند کارش اگر کسی

در خواب بیند که از بیابان بیرون رفت از غم بیرون رود

ریگ در خواب دیدن مال حلال بود از بزرگی یا از فضل

ی اگر در خواب بیند که در ریگ میرفت درنج و مشقت

بیند خاک و سنگ در خواب دیدن مال حلال بود از

ف سلطان یا از طرف زن فایده یا از طرف بزرگان

و سند دیوار نو در خواب مال باشد دیوار کهنه عمارت

کردن نیک بود اگر دیوار بد بیند قاسم آنکس از کاری

بکاری شود اگر کسی در خواب بیند که دیوار خانه فرو آمد

خداوند خانه مصیبتی رسد یا خود بمیرد و نردبان در خواب دیدن

یا بر نردبان پای نهادن سلطنت بود و عزت و کار از

بالا کردن و خشت نخته در خواب دیدن نکو باشد و سنجان

ناخوش بشنود و کارش دشوار باشد خشت زدن

در خواب دیدن مال جمع کردن بود کج و ناک در خواب

دیدن مال و منفعت باشد از قبل زن باب ششم

دیدن شهر و شهرستان و قلعه و مسجد و منبر و منار و

خواب دیدن دین راست باشد و کار بزرگ

کردن و بعیش خوش گذراند شهرستان و باره و

دیدن ارامش و روشنائی بود اگر در خواب بیند که در

شهری در آمدی دین وی قوی کرد و بر دشمن ظفر

یابد و بیرون آمدن از شهر حرمت بازداشتن اگر

در خواب بیند که باره و قلعه را عمارت میکنند کار او بالا

گیرد و اگر در خواب بیند که در مسجدی باشد از سلطان

و قاضی در پیش نکوئی بیند اگر در خواب بیند که نماز میگذارد

کاری کنند که همه مردم از و خشنود باشند و حق تعالی نیز

از و راضی باشد و بهشت روزی وی شود اگر در خواب

بیند که بر منبر یا بر مناره شدی او را بزرگی و نیکوئی

رسد اگر مسجد جامع در خواب بیند مهتری بود اگر در خواب

بیند که در مسجد جامع شدی او را خیر و برکت باشد و از بلاها

ایمن باشد اگر در خواب بیند که مسجد جامع آراسته کار نیک

بدست او اید اگر در خواب بیند که در مسجد نشست بجراب

باز دارد آنکس توکل بر خدا کند و در دنیا و آخرت ایمن گردد

در روزی برای او فراخ گردد و اگر کسی در خواب بیند که بر جدا

تعالی سپاس داری و حمد کنی ال بسیار و فرزند نیکو بود اگر

در خواب بیند که منارهٔ شکست و فرود آمد یا بران شد

بزرگی بمیرد و اگر در خواب بیند که منارهٔ مسجد جامع افتاد

خطیب یا قاضی بمیرد و باب هفتم در دیدن سرا و بستان

در کرمابه و کوشک و دوکان و آسیا انبهه در خواب دیدن

مرد را تونگری بود و زن را شوهر اگر کسی در خواب بیند

که در سرای او گشاده شد اگر مرد باشد زن کند و اگر زن

۱۰

بود شوهر کند خدا تعالی او را پسر دهد اگر کسی در خواب بیند

بوستان را زن صاحب جمال روزی او کرد و فرزند کمالی

و رشادی کند راند و کوشک و غرفه در خواب دیدن هنری

باشد و مال بسیار یابد و بمراد برسد دوکان در خواب

دیدن عیش باشد مرد او را اگر در خواب بیند که اسبا

خراب کردی طعام نیک شود و مستراح و مطبخ در خواب

دیدن اگر مرد بود زن بخواهد و اگر زن بود شوهر کند **باب**

هشتم در دیدن مشک و عنبر و عود و صندل و گلاب

و زعفران و روغن و خوشبو و هر چه بوی خوش دارد

باشد یا صورت نیکو او را بخواب دیدن مال حلال بود

و شادی باشد و سخن خوش شنود و روغن با

خوش بود در خواب دیدن زن سلیطه باشد و مرد
فاسق و سخن ناخوش شنود و در عمران در خواب بیمار
و فکر بود باب نهم در دیدن مرد جوان و مرد پیر و زن جوان
و زن پیر و در خواب دیدن دولت و بخت بود و
آسوده گردد و غلام در خواب دیدن بشارت و شادی و
روشنائی باشد کنیزک در خواب دیدن خیر و برکت و ظفر یافتن
بر دشمنان بود و کودک در خواب دیدن چون پسر باشد شادی
و چون دختر باشد غم بود زن پیر در خواب دیدن غم بود و زن
جوان در خواب دیدن شادی و عیش بود باب دهم
در دیدن غسل کردن و دست و روی شستن و تیمم کردن و
بانگ صلوٰة و اقامت و رکوع و سجود و حج و عمره و زکوٰة مال دادن

وصدقه دادن وعزت گزیدن غسل در خواب دیدن

امنی باشد و نیکوروئی و نعمت و جای یافتن در رکوع و سجود

جاه یافتن بود در رکوع سجود کردن در خواب عدل پادشاه

و شادی بیند سر و پا برهنه کردن در خواب توبه کردن و از غم

واندوه بیرون آمدن بود اگر کسی در خواب بیند که در کعبه شدی

و بیرون آمدی از همه غمها فرج یابد و از همه فتنه ها ایمن باشد

قوله تعالی ومن دخله کان امنا اگر کسی در خواب بیند که آب

زمزم میخورد از تشنگی قیامت ایمن گردد و اگر کسی در خواب

بیند که اقامت گفتی ایمنی بود باب یازدهم در دیدن خلیفه

و امام و قاضی و نقیب و فقیه و خطیب و موذن و پیمانه و ترازو

و کیل قاضی را در خواب دیدن امر خدای تعالی بود و موقوف دین

باشد پیمانه وکیل وترازو وکیال در خواب دیدن قاضی

آن شهر را کار راست بود واگر کسی در خواب بیند که ترازو

وکیل بشکست قاضی آن شهر را بمیرد یا از قضا معزول شود

اگر در خواب بیند که قاضی خویش روی بود دلیل کند که

خدا تعالی از وی خشنود بود اگر قاضی ترش روی بیند

دلیل کند که خدا تعالی از وی خشنود نبود اگر فقیه را در خواب

یا قاضی یا نقیب یا امام یا عالم یا خطیب یا مؤذن اگر این

کس صلاحیت دارد بعزت رسد واگر صلاحیت آن

ندارد کاری بکند که زیان دارد باب دوازدهم در دیدن ۱۲۰

کاردستی و قلم و دوات و لوح و منشور و حواله و نامه و سواد

و قلم بخواب دیدن حکم واو بدرجه رسد لوح در

خواب

خواب دیدن علم و ریاست باشد بر مردان نامه نوشتن و در

خواب ولایت باشد و فوت و منعت نافتن و دین

باشد اگر کس در خواب بیند نامه قاضی را حاجت روا کرد

و تلمذان در خواب چنین زن کند کراسه و مصحف نوشتن

بنیکی کردن و میراث حلال نافتن و امانت و منشور در خواب

دین و ملیت بود بر قوم حاکم فرمان دادن و بمراد در

در خواب شادی و عزت و دولت باب سیزدهم

مردان و کوشک و بوستان و اندام مردان و استخوان

و نقصان اندرین مردمان یا جاههای بسیار دین ارائش

و شادی و مال بود اگر کس در خواب بیند که سر از تن جدا

کردن میان او و بزرگان جدای افتد اگر کس در خواب بیند

که گوشت مردم در اشتن زن نیکوروی بود و خبر خوش البتود

چشم در خواب دین نور بصر بود و مال بود دلستان مرد در

زن در خواب دین برادر و خواهر و شوهر باشد مای مردم در

خواب دین سعی کردن در طلب مال حلال بود و پشت مردم در

خواب دین برادر و یار و دوست بود و پوست و استخوان

نیز در خواب نیکو بود و دهن مردم در خواب دین میراث

و اگر کس در خواب بیند که دندان پیشین وی افتاد مصیبت

رسد وی را یا سفر کند در رود و آب دهن و بلغم انداختن

فرح نافیش از غم بود و گفته اند که شادی بسیار زیر بود و اگر

کس در خواب بیند که دهان وی خشک شدی روزی بروی تنگ

تنگ شود و پوست و شکم و استخوان و انچه بران ماند در خواب

این

دیدن عزت وجاه ومرتبه باشد موی مردم درخواب دیدن راحت

جان بود واماس وکره وابله ودنبل وخبرهای کم زیاده بدین

بود درخواب دیدن مال وعزت وجاه وفرزند خادمان را در

خواب دیدن دولت وعزت وخیر بود باب چهاردهم در

دیدن کلید آن وزندان وتخت وکرسی وسراپرده وعماری و

کیسه ومحل وصندوق وگردون وخیمه وستون وفرش وحجره

تنبه وشادروان وبستن وکشادن دار وجایگاه ننگ بیرون

آمدن اشیمه خوب است چپ راست درخواب دیدن

ننگ بود اگر از برای سوختن بود واگر کسی درخواب بیند

که از جایگاه ننگ بیرون آمدی از غم ها برهند وراحت یابد

اگر درخواب بیند که قفل بر او اگرد کارهای بسته او باسان

ایمن گشته و شود و در بسته کشادن بهین حکم دارد و زین و پالان

و در خواب دیدن بلندی بود اگر کسی در خواب بیند که بر کوه دلی

نشسته باشد عزت و دولت یابد کسی و محل و خیمه و حجره

و سرا پرده او در خواب دیدن آبنا بزرگی بود اگر خداوند خواب

مستور و اگر نا مستور بود دیدن زندان غم و اندوه بود و شوی

در خواب دیدن مردم محتشم بود و نیک بود باب پانزدهم

در دیدن دیگ و دیگدان و تنور و خاکستر دیگ در خیمه

در خواب زن باشد مراد او شوی باشد و زنا زاد دیگدان

در خواب دیدن کزنگ صاحب جمال بود تنور در خواب

دیدن مال حرام باشد باب شانزدهم در دیدن مزدم بر بام

دامن او را گرفته باشد و سایه دامنش چون ابها که گفته شد

در خواب

از خواب بینند که او را از میان با دشمن مکرفت یا آتش او را

سوخت از هیبت زن غم خورد او را مصیبت رسد از قبل مال خویش

را که کند یا گناه بزرگ کند توبه باید باب هفتادم در دیدن

برگ زدن و حجامت کردن و موی سترون و بازی کردن موی

و ریش بریدن و در اندام افتادن و الماس کردن و زیاده و نقصان

در تن پدید آمدن برگ زدن اگر خداوند خواب در عمل حیث

باشد فرج بود و چون تعلل نماید خداوند خواب سفر کند اگر در

خواب بیند که تمام خون وی برگ بست و هیچ خون در دیدن

وی نماید احتش نزدیک باشد تو به بام باید حجام پیر بود در خواب

دیدن بهتر از حجام جوان بود گویند حجامت در خواب گردن

امانت گذاردن بود دوست پیغمبر بجای او رود اگر گبر در

خواب بیند که حجامت کردی دیهم نشان حجامت بردی نماید

مهر بر قباله کند و در دیوان قضا بردی بعدل گواهی دهند اگر حجام

جوان بود گواه دروغ دهند اگر کس در خواب بیند موی سر نازی

کردی فرح یابد و اگر در خواب بیند که ریش او را بیده یابد

بسیار بود جمع شود و نیکنامی یابد اگر کسی در خواب بیند

که رگ از اندام افتاده و شغل از قبل زن یابد اگر کسی در خواب

بیند که رشته از تن برآمد مال و منفعت یابد و لباس در تن

زیادتی مال و جاه و مراد بود لاغری و بیماری در خواب دین

زن بزنی باشد **باب هجدهم** در دین درازی و کوتاهی

دو رم حدت و مزاج سرکین در خواب دین بر تن مال بسیار

جمع شود و منفعت یابد کاخ بخواب دین نیز مال بود سرگین

در خواب

در خواب دیدن مال حرام بود دستراج و بلندی مال بسیار بود اگر

مردی یا زنی بخواب بیند که از فرج او مار بیرون آمد او را فرزند آید

اگر مردی بخواب بیند که او را فرج شده چون زنان یا خود را بی دگر بیند

یا خصیه بیند بیشش بریده شود و اگر زنی بیند که او را ذکر شده

یا از پیش شتر شده همچون مردان هرگز او را فرزند نشود **باب**

نوزدهم در دیدن درختان میوه دار و سبزه و ریاحین و مرغزار

در خواب دیدن منفعت بود و نزدیکی باشد درخت میوه دار

در خواب دیدن عزت و قدرت خداوند خواب را بود

سبزی بر درخت مال بود در خواب دیدن تر یا خشک در وقت

بود در وقت یا در

یا غیر وقت خود سیاه یا سفید مال و منفعت بود در روزی حلال

در حلال بود

خوانا ناپاک شیرین در خواب دیدن هنر از ترش اما در زمستان

دیدن آن وقت که برگ درخت بریزد بخواب دیدن زحمت

بود و منفعت نبود اگر در خواب توت سیاه و سفید بوقت

خود بیند مال و منفعت باشد کشمش در خواب دیدن مال

بود خربزه در خواب دیدن اگر شیرین است مال باشد

و اگر ترش است اندوه باشد انجیر در خواب دیدن نوشکری

بود سیب در خواب دیدن فرزند و کنیزک و مال حلال بود

سیب ترش در خواب دیدن لبر باشد شفتالو در خواب دیدن

پسر و کنیزک باشد اگر شیرین بود دختر و اگر ترش بود غم و اندوه

بود خلوزه در خواب دیدن نا فرمند در خواب دیدن مرد را نیک

بود و مال یابد اگر کسی در خواب بیند که در سرای او بوستان او ریحان

بر آید او را راحت و از آن خوشی و شادی بود و کس در خواب

باورد

اودم نیکوردی بود اگر کسی در خواب بیند گاو اشن با با قلاب

حلال بهم رساند و بمراد رسد نان تنج و تنج چون خشک باشد فرزند دو

زندگانی دراز یابد و چون نان رسیده بود خصومت باشد **باب**

بیستم در دیدن نان خوردنش و حلوا و انگبین و شکر و نان همه این

در خواب دیدن روزی حلال باشد اگر پادشاه را در خواب

بیند ولایت او زیاده کرد و اگر کسی دیگر در خواب بیند که نان نخشیدی

تنج و غله ارزان شود شکر و انگبین و شیرینیها در خواب دیدن

منفعت و عزت و مراد یافتن باشد تلخ و شور در خواب دیدن

سختهای خوش بشنود **باب بیست و یکم** در دیدن ترو و پیاز

و نمک همه در خواب دیدن سختهای ناخوش بشنود

و اگر کسی در خواب بیند که نمک خورد بیماری و غم بود بمکار

باب دویم در دیدن کامی و شراب

در خواب مال حلال بود

دوار و وقاع و سهر و قی کردن سهر در خواب دیدن و

خوردن مال حرام بود اگر کسی در خواب بیند که مست

در کار دنیا حریص گردد و دوار در خواب خوردن توبه نصوح

بود شیر در خواب دیدن روزی حلال بود شیر در خواب

دوشیدن مال حلال باشد دوغ در خواب دیدن پشیمانی بود

شیر آهو در خواب دیدن و خوردن مال حلال از قبل زن

شراب در خواب دیدن و خوردن مال و سلطنت و ولایت

بود شیر و شکر در خواب دیدن و خوردن با فروغ و مال حرام بود

شیر ببر و پلنگ در خواب دیدن دشمنی باشد

قی کردن در خواب توبه بود از گناه و از غم فرح یابد و بیمار

گوید و بقولی اندک مال تلف کرده و کلاب کل و شکر

وانچه بدین مانند اگر در خواب بیند دین پاک و علم و ادب

و عمر دراز و مال حلال و عیش خوش و ثنای نیکو بود

باب بیست و سیوم ۲۳

سبزه اگر کسی در خواب بیند مال و تندرستی بود

در و دیدن جواهر مثل مروارید و یاقوت و دینار و درم و مس

و نقره و شمع و چراغدان جواهر در خواب دیدن مال حلال

بود و میراث و فرزند چون ناشفته بود زن و کنیزک و دختر بود

یاقوت در خواب دیدن مال و کنیزک و علم و ادب بود

اگر کسی در خواب مروارید بیند کار رفته باز آید و اگر قرآن مزاوش

کرده باشد یاد گیرد و نقره در خواب دیدن مال حلال بود و نیکوئی

و دولت اما زن را خواری و ذلت باشد و درم در ستد نیک بود

مال حلال بود و غلام و تزویج و اورزان شدن زخها بود دینار

هر قدر که باشد بباید و اگر مژیره ماه بود همان قدر که دیده باشد

بباید بسیم طلای شکسته در خواب دین غم و اندوه و الم

و ناخوشی بود لیکن در آخر مراد حاصل آید دینار در خواب

دین دین پاک و علم نافع و مال بسیار بود اگر کسی در خواب

بیند که دینار بکسی داد یا کسی از وی بستد دید از غم فرح یابد یک

دینار در خواب دین زن و کنیزک بود مس در خواب

دین و آنچه بدان ماند کار ناکردنی کند و از آن و از ان

غم و اندوه بوی رسد طشت و افتابه و چراغدان و سبو

و آب دستان و کوزه دخم و طغار زنانه شوی بود و مرد ان

زنان و زر بسیار در خواب دین کر بکسی داد ن یا خا

ستن

2112

پوشیدن یا در دیدن از غم فرح یابد و از بیماری صحت یابد

اگر بیند تعالی یابد ۲۴ در دیدن لباس دانشمندان

و جامه پوشیدن و کلاه و دستار در خواب دیدن سلطنت

و مرتبت و شرف و ولایت و دولت بود حلقه در خواب

دیدن مال و ظفر بود و چون جواهر بود در آن حفظ کند از بیگانه

در خواب دیدن ۲۵ اگر پادشاه است او را اعدا بود جامه

سیاه پوشیدن در دین و دولت و سلطنت بود اگر جامه

پوشیدن عادت ندارد و بر اعظم بود و جامه سبز در خواب

پوشیدن بیماری و علت بود جامه کبود بدایت فیروزه

در خواب دیدن سروری و خرمی بود مهره در خواب

دیدن و پوشیدن نیک نه بود و خیری صدقه باید داد

در خواب و بدن قوت و ولایت بود جامه در خواب دیدن

و پوشیدن روزی حلال بود و خیر و برکت و ولایت و نعمت

بود کردن بند زنان اسیر و مردان را که خدائی و دختر آبستن

بانگین مروارید مردانرا نیکست **باب بیست و پنجم** در دیدن

عروس در کنار گرفتن و بوسه دادن و صحبت کردن اگر کسی

در خواب بیند که زنی را با خود گرفته بود زندگانی او دراز

کرد و بوسه دادن حاجت روا کردن از لطائف بیند که دختر

دوشیزه را بستد مراد خویش تمامی یابد **باب بیست و ششم**

در دیدن غسل و بند و دام در سیمان و دوختن جامه و دوک

غسل در خواب دیدن کفر و میل بناحق کردن اگر کسی در خواب

بیند که پای وی در دام افتاد و در مکر و حیله افتد سوزن و جامه دوختن

دیدن

خواب سلیمان در خواب دیدن مال حلال بود و دوکدائی یعنی

چرخه دیدن زن مستور باشد باب سی و هفتم در دیدن

سلاح و آلت پادشاه و مهتران و سوگند است و دروغ

خوردن سلاح بخواب دیدن قوت باشد و منفعت باشد

و مال و فرزند و مراد یافتن بود بخواب دیدن سفر

کردن بود و پیغام فرستادن کار دو خنجر در خواب دیدن عمر

دراز باشد معشوق در خواب دیدن خبر دروغ شنیدن

بود طبل و شیپور میانه بود با یاران و سیل حرب و فتنه

باشد اگر در خواب بیند که غارت میکرد و نعم راندوه

باشد چوگان و گوی زدن در خواب پادشاه و امرا

غنیمت یافتن بود اگر کسی آینه را در خواب بیند

باشد و آرامش و شادی از آینه سیمین باشد نکوهیده رسد

اگر خداوند سلطنت بود عدل کند در خلق اگر کس در خواب

بیند که پادشاه در مجلست طعام و جور میرود و اگر کس در خواب

بیند که سوگند خورد توبه نصوح باید کرد و اگر کس در خواب

بیند که سوگند دروغ خورد توبه نصوح باید کرد یا سوگند طلاق

خورد او را غم و اندوه رسد **باب بیست و ششم** در دیدن خز

و ابریشم و قصب در این جمله در خواب و دیدن مال و منفعت

بود و عزت و مرتبت چنانچه بیشتر یاد کرده شد در

اول کتاب ابریشم و مسوک در خواب دیدن همه حال

نیک بود قصب بر جامه اصحاب سلطان را در دین

کرامت بود و مرد صالح را نیز نیک بود ابریشم در خواب

دین

دیدن آن عامه را میانه نبود بقولی که گفته اند تصاویر مردمان را

نیک بود باب بیست و نهم در دیدن نابینا و مانند آن

اگر کسی در خواب بیند که از این علتها یکی نالسدی دلیل

کند که بقضای خدا تعالی راضی نیست لنگ و لنگ در خواب

دیدن خصومت و زیان کاری باشد اگر نخواب بیند

که عصا بدست گرفته بود فوت و مراد یابد اگر خداوند خواب

صاحب علت و درد است کار وی بروی گشاده گردد

انچه آرزو بود بیابد باب سی ام در دیدن لباط و

جامه و زندان و گورستان گور بخواب دیدن بد باشد

و بیم باشد اگر کسی در خواب بیند که از گور بیرون آمدی

فرح و راحت و شفا یابد مرده تازه در خواب دیدن

مراد یافتن بود از کار یکه طمع بریده باشد اگر کسی در خواب
بیند که مُرده است زنده کرد و او را در سرای او فتنه و ویرانی
پدید آید اگر کسی در خواب بیند که مُرده در آغوش گرفتی
میان او و خویشان خصومت افتد اگر در خواب بیند
که کوری کندی سرائی بنا کند و اگر کسی در خواب بیند
که مرده با وی چیزی دادی آن چیز در دنیا فاخر گردد و او را
رونقی پدید آید و شاد گردد و اگر کسی در خواب بیند که
مرده با وی سخن گفتی آن سخن وی حق و راست
بود اگر کسی در خواب بیند که چیزی مرده دادی یا از
مرده خوردی یا از مرده خواستی آن چیز در دنیا گران
گردد و با نظم و شادروان در خواب بیند چون تو بود

2115

هر مرد که از خواب بیدار شود این دعا بخواند

و هر که نیک بود که عزت و مال یابد و اگر گناه و

دریده بود صدقه باید داد و جمله در خواب بیند نیکوئی و

خوش طبعی و نو نگری و پاک دینی بود و تفسیر در جواب

و هر که زندان بود و غم اگر کسی در خواب بیند تازه رویی

مرده را آخرت آن مرده نیکو بود و اگر کسی در خواب بیند که

او را یا دیگری را بر جنازه نهاده اند و مردم بسیار از عقب

آن کس میروند درازی عمر و مهتری یابد اگر کسی در خواب

بیند که از جنازه بیفتاد از عمل که دارد معزول شود اگر کسی

در خواب بیند که جنازه برداشتن خدمت سلطان کند

کفن مرده را در خواب بیند مصیبت بود نماز گذاردن

بر مرده در خواب سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم اگر کسی

در خواب بیند که پدرش را جنازه نهاده اند اگر کسی

را امید فرزند بود پسر آید و عملهای رفته بدست آید اگر کسی

در خواب بیند که با مردمان کارزار همی رفت آتش بردی

افتد باب سی و یکم در دیدن تازیانه زدن و اگر دن

زدن و دست و پای بریدن و پاره کردن مردم اگر کسی را

در خواب بیند که کسی را گردن زدندی بر آنکس ظلم

کنند اگر در خواب بیند که کسی را انگشتی بر چشم خود طوفا یابد

اگر کسی در خواب بیند که کسی را تازیانه زدی بهر تازیانه

درمی یابد اگر کسی در خواب بیند که تازیانه خون برآمدی

از زخم زدن هر بار که خون برآید بر آنکس درد ع کوبند

اگر کسی در خواب بیند که دست و زبان آن و پای وی

جدا

سی و دوم ۳۲ در دیدن نای زدن و سرود گفتن و باسی کردن

جبه اگر دی قوت ایمان باید و عمروی در از کرد و یابد

و شطرنج باختن و چنگ زدن و نرد باختن و سرود گفتن و

شنیدن در خواب چون زدیک بود کو بند غم بود و شادمان

ناخوش بشنوند و کار باطل کند در حمت رسد نای زدن

در قص کردن بهر حال اندوه بود و دف زدن و از نشاط و

شادی از جهت زنان و خبری مشهور بود اما آواز مردم در خواب

دیدن از خانه او یا از سرای دیگری چنگ و ماحیا بود یا بربط

زدی و آواز او شنیدی اگر کسی در خواب بیند که از

عشق یا به سرود و نی نواز نی زدن حکمت بود اگر در خواب

بیند که آواز نای می شنود حیات خویش باید دشطرنج

ونزد باحش در خواب کار باطل کند اگر غالب باشد بر دشمن

فاخر باید با نزد باحش در خواب علم شدن از خدا تعالی باشد

دار پیغمبر صلی الله وسلم اگر کسی در خواب بیند که پل از خشت پخته بود

پل محکم در دین او بود دشانه کردن در خواب میان مردان الفت

افکندن بود دسیکو بود باب سی و سیوم در دین خرید و فروخت

بها فروخ ارزان کردن اگر کسی در خواب بیند که جوال ریخته آن

انجیر ارزان شود اگر طلب میکردی آن چیز عزیز گردد و اگر کسی

در خواب بیند که آتش در بازار افتادی از سلطان با اهل بازار

آبی بر سد اگر کسی در خواب بیند که چیزی خواست صدقه باید داد

تا ثواب او بدو رسد و از غم برهد اگر کسی در خواب بیند مرده

امروز ان سخن کردی و دادی چیزی را آنچه ارزان کرد و باب

کی

فصل سی و چهارم ۳۴ در دیدن پریدن در هوا و از هوا فرود آمدن از کسی

در خواب بیند که از جائی پریدی آن را اهل نبود زیرا که علیه صفر اوست

از کسی در خواب بیند که در هوا پریدی سفر کند اگر در خواب بیند

که در آسمان گشاده شدی و باز نیامدی نوبه باید کرد که دلیل مرگ

بود اگر کسی در خواب بیند که از آسمان بنهادی زن را طلاق

دهد و زنی دیگر کند اگر در خواب بیند که در آسمان گشاده شد

و در شکافتی را دید آنکس حج کند و روزی بردی فراخ کرد و اگر

در خواب بیند که تسبیح همی کردی آنکس از جمله زاهدان کرد و

اگر کسی در خواب بیند که از بام بیام یا از دیواری بدیواری

پریدی سفر کند یا از کاری بکاری یکرد و یا از شهری بشهری

رود اگر کسی در خواب بیند که از سرای خود بسرای دیگری پریدی توبه کند

از اگر کسی در خواب بیند که از پریدی از هوا فرود آمدن

باید کرد اگر کسی در خواب بیند که بر آسمان شدی کار او بالا

گیرد اگر در خواب بیند که در هوا خانه کرفتی از کل و خشت

در کار دنیا رفیقه شود باب سی و پنجم در دیدن کتر

و بهایم و سخن گفتن با مرغان هر چه از بهایم که با وی در خواب

بیند و سخن گوید او را کار عجایب پدید آید و از آنچه کز طمع بریده

است بوی رسد چنانکه از آن عجایب بماند و ایضاً علم و ادب

حاصل کند و در میان مردمان عزیز و مکرم و معروف بود اگر کسی

در خواب بیند که زاغ یا کلاغ بانگ میکرد و نیکو نباشد صدقه

باید داد باب سی و ششم در دیدن بهایم و مرغ و کرگتین از دشمنان

و سباع و گرایستن و منازعت کردن در خواب همه حال

شادی باشد و دیگر آنکه بهایم سخن گوید که فرح باشد

از آنچه

2018

در رسیدن ایمنی باشد از خصم اگر در خواب بیند که از سباع

او را رنجی رسید یا از بهایم یا از خویشان زیان رسد اگر کسی

در خواب بیند که از چیزهای دیگر بگریخت اگر دشمن آنچه بدو رسد

ایمن گردد و اگر آن چیز از دی همی گریزد و آن چیز را منقاد بیند

غم و اندوه بود اما منازعت کردن با حیوان یا سباع یا چیزی

بخواب بیند که بر وی دست یابد اگر او را غلبه کند ظفر باشد

او را بر دشمن اگر کسی در خواب بیند که با کسی کشتی گرفتی یا

با سباع یا بهایم و آن چیز او را بیفکندی دلیل کشتکه آن چیز

بروی ظفر یابد اگر بخواب بیند که بگشتند او را گشنده او را منفعت

رسد اگر کسی در خواب بیند که او کسی را بکشت بیداد کند

بود و باغی و عاصی و مخذول شود از بهر آنکه نزد خدای تعالی باغی

مشهور راست باب سی و هفتم در دیدن قصاب و کشتن

حیوان و بوست کندن معروف در خواب دیدن ظالم بود

و با دولت کند اگر کسی در خواب بیند که سر گاوی

کسی بریده بر آنکس چیره گشته یا مال او ببرند اگر کسی در

خواب بیند که گوشت خام میخورد وی بر جریان در دوغ دلیت

بیند و باب سی و هشتم در دیدن کوشنده میش و بزغاله

و موی و پشم ایشان اینها همه در خواب دیدن خوب

است افزونی رزق و دولت و اقبال با یوج در راحت

و دوام عمر خواهد بود و اگر کسی در خواب بیند که گاو

یا حیوان دیگر را قربانی کردی مراد خویش تمامی بیابد اگر

کسی در خواب بیند که از میش شیر خوردی مال حلال یابد

از آنجا

فرزند اگر در خواب بیند که پوست از میش کشیدی

او را پسر آید اگر در خواب بیند که بز غاله را کشته برای

گوشت او را مصیبتی رسد از جهت فرزند اگر در خواب

بیند که سر گوسفند یا سر گاو یا سر حیوان دیگر را پوست و گوشت

بار میکردی و همی بردی بادشاه یابد بقدر خویش اگر فرود

تر است بر مایست و مهتری برسد اگر آنجا مهتر باشد

مال حلال زیاده کرد او را اگر در خواب بیند که شراب خوردی

شادی یابد ما بسی ۳۹ دردین حرکوش و کور خر

وانداهای لنبان اگر کسی در خواب بیند که صید خری

کردی و بخوردی مال یابد و اگر کسی در خواب بیند که

گور خر نشسته داد و یرا مطیع شدی بر معصیت دلیر گردد

دا کسی در خواب بیند که از کوه خر بنهاد و اندام او شکست

در فرع دا فتد اگر کسی در خواب بیند که مکوی آهو سر بدی

او را دختر آید یا پسر اما دولت مند و مبارک قدم باشد

باب چهلم ۴۰ در دیدن اسب در خواب و دیدن

بسیار خوب است اگر بر پشت اسب سوار شود یا ل

مراد است مراد خود چنان که خواهد یافت و اگر نشد

همین اسب را دید اگر درویش بود ولی خیر است تو انگر خواهد

شد و اگر دولت مند است جاه و مرتبه و اقبال زیاده

خواهد شد بهر طریق دیدن اسب خوب است و مراد

ناقص است کاود و شتر و ماد گاو و گوساله اگر کسی در خواب

بیند کاو دارد یا بر و نشسته ولایت در یابد عزت

دا بتم

دمرتبه باشد اگر کسی در خواب بیند که در میان کاه دانه گاو می‌بیند

نمودار زر انی غله بود دگر انی گوشت گاو در خواب بیند

ملک و پادشاه بود و آنچه شکم باشد بخواب دیدن

مال حلال بود اگر کسی در خواب بیند که گاو را میدوشد

اگر بیمار باشد صحت یابد و اگر وام دار بود قرض ادا کند

و اگر نبوده باشد زاد کردد

باب چهل و یکم ۴۱ در دیدن فیل

و کاوه‌ش و انواع آنها و اندام و نشان اگر کسی در

خواب بیند که بر فیل نشسته بودی پادشاهی یابد اگر

نزدیک آن نباشد از مقربان پادشاه شود اگر کسی در خواب

بیند که گوشت فیل یا سر فیل میخوردی مال عظیم یابد و

گوشت و پوست و استخوان فیل در خواب دیدن پادشاه

وظفر یافتن بر دشمنان بود اگر کسی در خواب بیند که فیل

دیدن ابکنت مدبر پادشاه هلاک شود اگر کسی در خواب

بیند که فیل در خانه او را قوت رسد کاوهش بر صنعت

فیل است اگر در خواب بیند که جزوی از اندام کاوهش

در خانه بهم مهر کرده و کار او بالا گرفته نام باب

چهل و دویم ۴۲ در دیدن خرس و خوک و بوزنه و موش

و عنکبوت اگر در خواب بیند که با خوک الفت

داشته دوستی کند برای مصلحت اگر کسی در خواب

بیند که گوشت خوک میخورد مال حرام بخورد و در حرام

خدا تعالی گناهکار شود اگر خوک در خواب خوردن

مال حرام بود اگر کسی در خواب بیند که خوک کشته

سلطنت

سلطنت یابد و کار او بالا گیرد و موش در خواب دیدن

مرد فاسق بود اگر در خواب بیند که از عورت او موش

251

بیرون آمد او را فرزند آید اگر در خواب بیند که از دهن او

موش بیرون آمد او را فرزند آید اگر کسی در خواب خرس باشد

زنی نکاح کند صبح بادی دوست نبود از بدخوی و هر چه که او را م خرس

بیند مال حرام یابد بوزنه در خواب دیدن مردم بلید باشد ۴۳ باب چهل و سیوم

در دیدن دد و انواع او اگر کسی در خواب بیند که بر شیر نشسته بود کار او

بالا گیرد و در سخن گفتن با بهایم و نشستن در خواب آسان شدن کار مشکل باشد اگر کسی

در خواب بیند که شیر بادی سخن گفتی کار بزرگ او را میسر آید و دشمنان ظفر یابد اگر کسی

با یک نشست با مردم صحبت افتد اگر کسی در خواب بیند که یک دیو یک زنی دوست

او را طعنه زند نیز در خواب دید دشمن عظیم بود اگر کسی در خواب بیند که ولیل شاه ظلم

پادشاه بر رعیت اگر در خواب بیند که روباه نخورد وی بیم و ترس باشد اگر به خواب
دیدن مهتری بود باب چهل و چهارم ۴۴ در دیدن مگس و پشه و مانند آن
اگر کسی در خواب بیند که زنبور را گرفتی مال حلال بود و زنبور در خواب حریف ضعیف و
نادان یک دیگر را بسیار در حالت یکدیگر باشد و مال و فرح از خصم بود و مگس و پشه در خواب
دیدن همین حکم دارد اگر در خواب بیند که ملخ منحوس خانه بزرگ مال و میراث
یابد اگر در خواب بیند که ملخ در بیدن است لشکریان آنجا را بیغما برند
باب چهل و پنجم ۴۵ در دیدن ماهی و کاسه پشت و صدف و نهنگ
در خواب ماهی دیدن دشمن بزرگ باشد اگر کسی در خواب بیند
که نهنگ کشته تو به باید کرد که اجلش نزدیک باشد صدف
در خواب دیدن مرد بزرگوار معتبر شود و حرفت
در خواب دیدن با مردم بد خو معامله بود اما روزی نیکو و حلال

پیدا شود باب چهل و ششم در دیدن مار و کژدم و سر مار بریدن

در خواب دیدن دشمن ضعیف بود مار سیاه دشمن قوی

بود اگر در خواب بیند که گوشت مار را خورد بر دشمن ظفر یابد

و مال بدست آورد اگر کسی در خواب بیند که مار با وی سخن گفتی

دشمن بروی غلبه کند و کار بزرگ او را پیش آید اگر در خواب

بیند که مار را بگرفتی یا مار بروی بیچیدی یا مار در آشتی مال بسیار یابد

اگر در خواب بیند که از مار گریختی شادی بود اگر در خواب بیند

که از دیبا مار خوردی مال عظیم یابد و در آید کژدم در خواب دشمن ضعیف

بود اگر کس در خواب بیند که کژدم را بخورد دشمن مال را بخورد

باب چهل و هفتم در دیدن ابلیس و شیاطین و دجال و جادوان

انبیه دشمن بود اگر کس در خواب بیند که از ایشان یکی را

بکشته دشمن را ناچیز گردد و مال بسیار آورد بری در خواب

و بدین خبر دروغ باشد و مردمان را از خواب راه می برد و حال

در خواب و بدین قصه بود اندران موضع اگر کسی در خواب بیند

که تیغ را شکست بزرگ ظفر یابد و مراد خود بگیرد باب چهل و هشتم ۴۸

در دیدن پیشه کاران و اجناس انسان اگر کسی در خواب

بیند گر اهنگر از مقربان پادشاه گردد و صیقل در خواب و بدین از مقربان

ملوک شود و از او شوکت و منعت و نعمت بدو رسد کمان فراز کند

اگر در خواب بیند از نزدیکان فاتح شهر گردد و جوشن اگر در

خواب بیند مردی و فصیح و عاقل و نافع پیدا شود و سراج و

پالان گر در خواب بیند نیکو باشد صدقه باید داد و حائک در خواب

و دیدن راحت و منعت باید فعلیه در خواب و بدین کس باشد که مردم را

از

ار راحت بر سند زر کر در خواب و بدن با مردم

دروغ گو و خاین و فتنه انگیز در خواب و بدن کار افتد

با مردم با ک دین کار افتد عالم و فقیه در خواب

دیدن کناهش عفو شود کوزه کر در خواب

دیدن راحت بیند و آسوده کرد حلوا کر در خواب پز

دیدن خوشحالی بود طباخ در خواب دیدن

مردم حریص و ناصبور باشد و حراف در خواب

دیدن با مردم هرزه کو صحبت کند صیاد

در خواب دیدن با مردم زیان کار صحبت

کند حجام و رک زدن در خواب دیدن

با مردم بد الفت افتد با غبان

در خواب دیدن مال و فرزند بود باب

۴۹

چهل و نهم در دیدن آنچه دلیل بود بر درازی عمر

و نیکوکاری و نحس و سعد ابو ابراهیم عبد الله

بن جابر رضی الله عنه از حضرت رسول صلی الله

علیه و آله و اهل سه سوال کرد که کدام خواب است

که دلالت کند بر درازی عمر و نیکوکاری

و سعد و نحس بکوک گند حضرت فرمود که سلطان

یا امیر یا دریا یا حوی در خواب دیدن که آب می

خوردند یا حلوا یا شکر یا خرما یا عسل یا دوشاب

یا چیزی شیرین می خورند این هم

دلیل است بر درازی عمر پادشاه و عیش

خوش

خوشش در راحت باب پنجاهم در رویدن

عبادت کردن و قرآن خواندن و نماز گذاردن و روزه داشتن

و شکر و استغفار و حمد و ثنا کردن کسی در خواب بیند که قرآن

میخواند عزت و دولت و جهانی باشد اگر در خواب بیند

که سورهٔ فاتحة الکتاب میخواند دلیل است بر اجابت دعا

اگر پیش از خواب دعا کرده باشد که مستجاب

او باشد دلیل است بعد از خواب دعا کند که اجابت خواهد شد

اگر کسی در خواب بیند که سورة البقر و آل عمران میخواند عمر

دراز کرده و اگر در خواب بیند که نماز جماعت گذاردی

هر حاجت که دارد روا کرده و ایمن گردد و مرتبه یابد اگر در

خواب بیند که نماز میگذارد دلیل بود بر خیر و برکت و عزت

باب پنجاه و یکم در شادی و شرف و کرامات پیغمبر علیه السلام

در دیدن زلزله و آب و آتش و افتادن زلزله نخواب

دیدن بلا و تعرض باشد اگر در خواب بیند که در چاه افتاده

اگر در آن چاه آب باشد نفع و نیکوئی باشد اگر چاه خشک

باشد و در عذرد مگر افتد اگر بخواب بیند که در آب افتاده

اگر روشن بود مال حلال اگر تیره باشد اگر تیره باشد بمشقت

افتد آتش باید دود در خواب دیدن از غم و بیماری

و سلطنت بزرگی باشد اگر دود در آن نباشد و بزرگ نخورد

صدقه بدهد کس رفع بد شود

باب پنجاه و دوم در دیدن آهو

دیدن آهو در سرای نکوست و طلب کار در خواب دیدن بعبیر

ندارد و بقولی بر دشمن دست بیابد و منصور و مظفر

گردد

کردد و ترسا در خواب دید که بر دشمنان ظفر یابد و بر مال

حریص شود اگر کس در خواب بیند که در گشت یا در کلیسا

255

نماز گذارد توبه باید کرد **باب پنجاه و سیوم** در دیدن مرغان

اگر کس در خواب بیند که کس را مالک و ولایت شود

و زندگانیش دراز کردد و هر چه از اندام کس بیند بزرگ

مال و ولایت یابد اگر کس در خواب بیند که بر کسی

نشستن شروع کند در عمر و دولت بیفزاید عقاب در

خواب دیدن پادشاه را باید و جنگ و جزع در خواب

دیدن ولایت و مال بود باز سفید سلطنت و مال و پسر باشد

اگر پادشاه در خواب بیند که باز در دست دارد و از دست وی

پرید و شکار نبرد در دست وی نماند شاه از دست او رود

واگر طاووس در خواب بیند زنی صاحب جمال و با هنر تمام

بدست آید اگر کسی در خواب بیند که طاووس در آشتی مال

و منفعت یابد کلنگ در خواب دیدن کاری کند که خالق

و مخلوق خشنود باشند و منفعت یابد اگر کسی در خواب

بیند که کبوتران در خانه دارد دولت بود کبوتر در دست

بخواب دیدن ایمنی بود و مال حلال یابد دراج در خواب

دیدن زن نیکوخوئی بود هزار دستان در خواب دیدن

مردم خوشخوئی او را دوست گیرند شپریج در خواب

دیدن بیابان بود آخر مراد رسد کلنگ در خواب دیدن

او را پیری بود خود را در غمی و شادی بیند لط در خواب

دیدن مهتری بود در میان قوم اگر مردی در خواب بیند که کلنگ

ماده زاست او، بدین را طلاق بسه ده فاخته دهای

در خواب دید فراخی روزی و دولت بود هدهد در حرات

دید مردان را زن بود و زنان را شوهر باشد نمیت الکتاب

لعون الملک شرح دعای جوشن صغیر است والله اعلم

میگوید کاتب الحروف الی الله ابو طالب بن وهب

که یافتم دعای جوشن و خبر او و فضل او را در کتاب از کتابهای

جده سعید خودم که اوحد الدین حسن ابن داؤد است رحمة الله علیه

که این مضمون در کتاب مهیج الدعوات و غیر آن از کتاب

معتبره بود بس دوست داشتم آنرا در این مکان نادر نسته شود

فضل دعا و ثواب کسی که آن چیز که بر خواند و نگاه دارنده است

از ثواب روایت میکند از مولای متقیان امام موسی بن جعفر ع

از پدرش باقر بن جعفر ع از پدرش امام زین العابدین ع از پدرش
حسین ابن علی ابن ابی طالب ع که آنحضرت فرمود که مرا پدرم
امیر المومنین ع که ای پسر من انا نعلیم بکنم تو را سری از اسرار خدا تعالی
که تعلیم کرده است مرا رسول صلعم و مطلع نیست بر او احدی گفتم
بلی یا ابا جانم فدای تو باد گفت نازل شد جبرئیل علیه السلام
نزد رسول الله صلعم در روز احد و خبیث بود که روزی هولناکی
بود گرمای سخت بود و در بر رسول خدا جوشن بود گرم شده بود
پس آنحضرت سر بسوی آسمان برداشت و خدای را باسم اعظم
خواند پس حضرت میفرماید که دیدم درهای آسمان گشاده شد
حضرت جبرئیل علیه السلام نازل شد و مرا گفت که السلام
علیکم یا رسول الله گفتم علیک السلام ای برادر من پس جبرئیل
گفت

گفت خدا تعالی نور اسلام میریسانند و میگوید که بکن خوش

را و بخوان این دعا را پس هر گاه که این دعا را بخواندی

یا با خود داشتی مثل حوض است بر جسد تو پس گفتم یا

اخی جبرئیل این دعا را خاصه هست از برای من و امتان

من گفت یا رسول الله این هدیه ایست از حق تعالی بتو

و امتان تو پس گفتم ای اخی جبرئیل ثواب این دعا چیست

گفت یا نبی الله ثواب این دعا را کس نداند و نمیداند

غیر خدا تعالی هر کس که بخواند این دعا را تر دیران آمدن

از منزل خود در وقت صبح صادق لاحق گرداند با عمال صالح

او مانند کسیکه خوانده باشد توریت و انجیل و زبور و فرقان

صحف ابراهیم گفتم تا اخر جبرئیل هر که بخواند این دعا را عطا کند

خدا تعالی برای او حوراء در بهشت دهد برای او ثواب

صحف و توریت و انجیل و زبور و فرقان گفتم همه ثواب مر او را است

که بخواند این دعا را گفت یا رسول الله بحق آنکسیکه تورا

براستی برانگیخته مر بزرگی که عطا کند او را ثواب ابراهیم خلیل الله

و موسی کلیم الله و عیسی روح الله و محمد حبیب الله صلا گفتم

همه ثواب مر صاحب این دعا را است گفت بلی یا رسول الله

هر که بخواند این دعا را با خود دارد او را ثواب زیاده

از انچه گفته شد داشته باشد بحق آن کس که تورا به پیغمبری

فرستاد بزرگی که در غرب مغرب زمینی هست سفید

و او را خلق کرده است خدا تعالی بندگان را که عبادت

میکنند او را و عصیان نکرده اند بزرگی که گوشت روی

الشان

انسان فرو ریخته از کریه پس وحی کرد خدا تعالی

با انسان که چرا گریه میکنید و حال آنکه شما یک چشم بر هم زدن

بر من عاصی نشده اید گفتند گریه ما از خوف خدا تعالی است

که بر ما غضب نکند پس در این حال امیر المومنین علیه السلام

گفت یا رسول الله صلعم در انجا شیطان نیست گفت

نمیدانند انسان که خدای تعالی آدمی آفریده است با شیطان

وعده انجا عت را غیر از خدا کس نمیداند و فرو رفتن آفتاب

در بلاد انسان است خدا تعالی صاحب این دعا را بعدد

انسان ثواب میدهد و در بهشت که بیت المعمور در آسمان

چهارم داخل می شوند در هر روز هفتاد هزار ملک و بر ان

می آیند از ان هفتاد هزار که نوبت انسان نیست تا روز

قیامت داخل شوند خطاب فرماید خدا تعالی بعبد و ملائکه
ثواب بعبد و مومنین و مومنات جمله انس تا نفخ صور
گفت هر که سنجد آید عمار او در ظرف پاکیزه به آب باران
و زعفران پس بشوید و بخورد و انچه تواند عافیت دهد
او را خدای تعالی از سر دری کرد و رحمت او است از جمیع بیماری
گفتم یا اخی جبرئیل فضل و ثواب صاحب این دعا
را گفت بخ بخ آن کس که تو را بخ بخ بپیغمبری فرستاده هر که
بخواند این دعا را همه روز شهید گفتم شهید
یا بحر گفت بدهد او را ثواب هفتصد هزار شهدای
بر بدهد او را ثواب جمیع انچه خدا تعالی آفریده است
از جن و انس و دد و دام و دفع کند از شر شیاطین
الی

وکسیه السنان را گفتم یا اخی چیز مشکل زیاده کن گفت

نوآب اسرائیل گفت بدرستیکه خدای عزوجل فرموده

که بعزت جلال من کرم که هرکه ایمان دارد بمن و تصدیق کند

رسول مرا و تصدیق کند این دعارا امید هم او را ملک عظیم

دیگر دانم بهشت را جانب او بدهم تمام حجابت را برمی

از بندگان مومن خود از خزانه من چیزی کم نمی شود یا محمد ص

اگر بنده از بندگان من بصدق دل این دعارا بنهاد و

نویسد بخواند از جمیع بلاها مثل برص و جذام و

جنون و یا از بلائی که اطبا از علاج او عاجز باشند

عافیت دهم او را از آن امراض و ای بر آن کس

که انکار کند این دعارا ای محمد صلی الله علیه وآله وسلم

اگر نبوسید این دعا را بجای مشک زعفران و کافور و

بنویسد و بیاشامد هر کس نبشت ازل گرداند خدای تعالی

بر قبر او صد هزار ملک با نور و دفع کند از او هول منکر

و نکیر را و ایمن گرداند از عذاب قبر و برانگیزاند در قبر او

هفتاد هزار ملک با هر ملک طبقی از نور نثار کند بر او

تا روز قیامت و گرداند قبر او را چندانکه چشم کار کند و

نجرا به به بهشت مثل عروس جمله از برکت و حرمت

این دعا باشد جبرئیل گفت یا محمد رسول الله صلی الله

علیه و اله وسلم از حق تعالی شنیدم که این دعا بر

سر او قات عرش نوشته است پیش از آنکه

دنیا به پنجهزار سال فرو بندد مومن و مومنه که با عتقاد

و الی

درست نخواند و شکی در وی نباشد در اول ماه رمضان المبارک

نخواند عطا کند خدا تعالی او را ثواب شب قدر دریافته

در هر آسمان هفتاد هزار ملک و هر ملکی بست هزار سر باشد

و بر هر سری بست هزار دهان و بر هر دهانی بست هزار زبان

و همه زبان تسبیح کنند خدا تعالی ثواب آنها را آن بنده

عطا فرماید که این دعا را خوانده میان او و حضرت باری تعالی

نماند و برانگیزاند خدا تعالی نزدیک سر او را مدن او از قبر

هفتاد هزار ملک و در دست هر ملکی علمی از نور و هفتاد

هزار غلام و در دست هر غلام زمام اسپی که شکم او از نور

و پشت او از زبرجد و پای او از یاقوت و بر پشت هر

اسپی قبه از نور که هر قبه را چهار صد در باشد و بر هر

دری چهار صد درنشن گسترده باشد از سندس و

استبرق و بر هر درنشن چهار صد حوری و هر حوری را چهار صد

کنیز باشند و هر کنیزی را چهار صد کیسو باشد از مشک و بر سر هر حوری

تاجی از طلا باشد و ذکر خدا تعالی کنند و ثواب آن همه

از دارنده این دعا باشد و بعد از آن هفتاد هزار ملک و با

هر ملکی حامی باشد از لولو سفید که در آن جا مها باشد از نقره

آب صاف و شیر و خمر و عسل مصفی که خدا تعالی در کلام

مجید خود در سوره محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرموده و بر سر

طبقی دستاری و بر دو نوشته باشد که لا اله الا الله وحده

لا شریک له و در تحت آن نوشته باشد که این هدیه ایست

از خدا تعالی از برای آن کس که این دعا را خوانده یا رسول الله

این دعا

هر بنده که این دعا را بخواند ملایکه در عقب آن باشند او را
او ثواب نویسند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت که هر
بنده مومن و مومنه که این دعا را در ماه مبارک رمضان
سه نوبت بخواند و اگر نتواند یک نوبت بخواند بدرستی
که حرام گرداند خدا بر او آتش را واجب گرداند او را بهشت
و موکل گرداند بر او دو ملک که محافظت کنند او را از
صباح تا شام که زنده باشد و چون وفات کند اماده گرداند
حق تعالی برای آنچه وصف کرده شد پس گفت جبرئیل
یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم باموز این دعا را هر مومنی
که مستحق او باشد که چون بخواند به نیت خالص دلگاه
دارد و با طهارت باشد و گفت امام حسین این عمل

صلوات الله علیه که وصیت کرد بمحمد پدرم امیرالمومنین علی

ابن ابی طالب ع بحافظت این دعا و فرمود که بنویسش

کفعمی من این دعا را بس کردم انچه ما مور بودم بآن و این دعا

ربیع الاجابت است و نجیبت ارکنهای خدا تعالی وصیت میکنم تورا

ای بنده مومن که بخوانی اینده عارا به نیت صادق و عقیده این دعا

مگر بمومنی که صلاحیت آن در شنه باشد و اگر نه بغیر مستحق بس می

گردانند نفع را بمضرت و حرام می شود بر تو ثواب اینده عا و رسول الله فرمود

بحضرت علی ابن ابی طالب ع که یا علی تعلیم کن اینده عارا باهل و اولاد و حبیب

ایشانرا بخواندن این دعا که جبرئیل ع افضل اینده عارا چندان تمین تعریف

گردانکه تعاد نیست کسی نشمردن آن مگر خدا تعالی و شرح اینده عا بر تو ارزانی

اما مختصر کردیم تا خواننده و نویسنده را ملال نشود هر که در بن دعا شک آرد کافر گردد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

هذا الدعاء حوشن صغير است

262

اِلٰهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضٰى عَلَيَّ سَيْفَ
عَدَاوَتِهِ وَشَحَذَ لِيْ ظُبَةَ مُدْيَتِهِ
وَاَرْهَفَ لِيْ شَاحِدَ حَدِّهِ وَدَافَ
لِيْ قَوَاتِلَ سُمُوْمِهِ وَسَدَّدَ نَحْوِيْ
صَوَائِبَ سِهَامِهِ وَكَمْ تَنَمَّرَ عَنِّيْ عَائِنٌ
جَرَاسَتِهِ وَاَضْمَرَ اَنْ تُسَوْمَنِيْ
الْمَكَارِهَ وَيَحَرَّ عَنِّيْ ذُعَافَ
مَرَارَتِهِ فَنَظَرْتَ يَا اِلٰهِيْ اِلٰى ضَعْفِيْ
عَنْ اِحْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَعَجْزِيْ عَنْ

مُلِمَّاتِ الحَوَادِثِ وَقُصُورِي عَنِ
الاِنْتِصَارِ مِمَّنْ بَجَارَبَتِهِ وَوَحْدَتِي
فِي كَثِيرٍ مِنَ نَاوِيهِ وَأَرْصَادِهِمْ
إِلَى فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي فِي الاِرْصَادِهِمْ
بِمِثْلِهِ فَأَيَّدْتَنِي بِقُوَّتِكَ وَشَدَدْتَ
أَزْرِي بِنَصْرِكَ وَفَلَلْتَ لِي أَشْبَاحَهُ
وَخَذَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَشْدِهِ
وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ وَوَجَّهْتَ
مَا سَدَّدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ
إِلَيْهِ وَرَدَدْتَهُ وَلَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ
وَلَمْ تَبْرُدْ حَرَارَاتُ غَلَيْظِهِ وَقَدْ
عَضَّ

عَضَّ عَلَى اَنَامِلِهٖ وَاَدْبَرَ مُوَلِّيًا
قَدْ اَخْفَقَتْ سَرَايَاهُ فَلَكَ الْحَمْدُ

265

يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي
اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِيْ لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ
وَلِاٰلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِيْنَ اِلٰهِيْ
وَكَمْ مِّنْ بَاغٍ بَغٰانِيْ بِمَكَائِدِهٖ
وَنَصَبَ لِيْ اَشْرَاكَ مَصَائِدِهٖ وَوَكَّلَ
بِيْ تَفَقُّدَ عَائِنِهٖ وَاَضْبَارَ اِلَيَّ
اَضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِيْدَتِهٖ اِنْتِظَارَ
الْاِنْتِهَازِ فُرْصَتَهٗ وَهُوَ يُظْهِرُ لِيْ

بَشَاشَةَ الْمَوْتِ وَيَبْسُطُ إِلَى وَجْهَا
غَيْرَ طَلِقٍ فَلَمَّا رَأَيْتُ دَغَلَ سَرِيدَةَ
وَقُبْحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ
فِي مُلْبِّهِ وَأَصْبَحَ مُجْلِبًا إِلَى فِي
بَغْيِهِ أَرْكَسْتُهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ وَأَبَنْتُ
بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ فَصَرَعْتُهُ فِي
زُبْيَتِهِ وَأَرْدَيْتُهُ فِي مَهْوَى
حَفِيرَتِهِ وَجَعَلْتُ خَدَّهُ طَبَقًا
لِتُرَابِ رِجْلِهِ وَشَغَلْتُهُ فِي بَدِيَّتِهِ
وَرِيزَقِهِ وَرَمِيَّتِهِ بِحَدِّهِ وَخَفَقْتُ
بِوَتَرِهِ وَذَكَّيْتُهُ بِمَشَاقِصِهِ

وَكَبِيتَهُ لِمَنْخَرٍ وَرَدَدْتَ
كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَوَثِقْتَهُ بِنَدَامَةٍ
وَفَتَنْتَهُ بِحَسْرَةٍ فَاسْتَخَذَ لَوْ
اَوْ قَضَاءَكَ بَعْدَ نَحْوَتِهِ وَ
اَنْقَمَعَ بَعْدَ اَسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا
مَاسُورًا فِي رِبْقَةِ حِبَائِلِهِ الَّتِي
كَانَ يُؤَمِّلُ اَنْ يَرَانِي فِيهَا يَوْمَ
سَطْوَتِهِ وَقَدْ كِدْتُ يَا رَبِّ
فَلَا اَرْحَمَنَّكَ يَحِلُّ بِي مَا حَلَّ
بِسَاحَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ
مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي

انا ةٍ لا يعجل صل على محمدٍ وآلِ
محمدٍ واجعلني لانعمائك من
الشاكرين ولآلائك من الذاكرين
الهي وكم من حسودٍ شرق بحسده
وعدو شجي بغيظه وسلقني
بحد لسانه وخزاني بموق
عينه وجعل عرضي غرضاً
لراميه وقلدني خلالاً لم تزل فيه
فنادتك يا رب مستجيراً بك
واثقاً بسرعة اجابتك متوكلاً
على ما كم انزل اعرفه من حسن

265

دِ فَاعِكَ عَالِمًا إِنَّهُ لَمْ يُضْطَهَدْ
مَنْ عَاوَاى إِلَى ظِلِّ كَنَفِكَ
وَأَنْ لَا تَقْرَعَ الْفُؤَادِحُ مِنَ الْجَالِى
مَعْقِلِ الْاِنْتِصَارِ بِكَ فَخَصَّلْتَنِى
مِنْ بَاسِهِ بِقُدْرَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ
يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَ
ذِى أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِى لِنِعَمِكَ
مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ
إِلَهِى وَكَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَكْرُوهٍ
جَلَّيْتَهَا وَسَمَاءِ نِعْمَةٍ أَمْطَرْتَهَا

وَجَدَاوِلِ كَرَامَتِهِ جَرْيَتُهَا
اَمْطَرُهَا وَاَعَمُّ اَحَدٍ اَسِنٍ
طَمْسَتُهَا وَنَاشِئَةِ رَحْمَةٍ نَشْرَتُهَا
وَجَنَّةٍ عَافِيَةٍ اَلْبَسْتَهَا وَغَوَامِضِ
كُرُبَاتٍ كَشَفْتَهَا وَاُمُورٍ جَارِيَةٍ
قَدَرْتَهَا لَمْ تُعْجِزْكَ اِذْ طَلَبْتَهَا
وَلَمْ تَمْنَعْ عَلَيْكَ اِذَا اَرَدْتَهَا فَلَكَ
اَلْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ
وَدَيْمُومِيَّةِ اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
لَا تَعْمَلُكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا اٰيِسَكَ

اٰمِينَ

مِنَ الذَّاكِرِينَ اِلٰهِي وَكَمْ مِنْ
ظَنِّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ وَمِنْ عَدَمٍ
اِمْلَاقٍ جَبَرْتَ وَمِنْ مَسْكَنَةٍ
قَادِحَةٍ حَوَّلْتَ وَمِنْ صِرْعَةٍ
مُهْلِكَةٍ اَنْعَشْتَ وَمِنْ مَشَقَّةٍ
اَرَحْتَ لَا تُسْئَلُ يَا سَيِّدِي
عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ وَلَا
يَنْقُصُكَ مَا اَنْفَقْتَ وَلَقَدْ سُئِلْتَ
فَاَعْطَيْتَ وَلَمْ تُسْئَلْ فَابْتَدَاْتَ
وَاسْمَحْ بَابُ فَضْلِكَ فَاَكْدَيْتَ
اَبَيْتَ اِيَّاسِ الرَّجَاءِ مَا وَاِمْتِنَانًا وَالَّا

تَطَوُّلًا يَا رَبِّ وَاِحْسَانًا وَاِبَيْتَ
يَا رَبِّ اِلَّا اِنْتِهَاكَ حُرُمَاتِكَ
وَاِجْرَاءً عَلَى مَعَاصِيكَ وَتَعَدِّيًا
لِحُدُودِكَ وَغَفْلَةً عَنْ وَعْدِكَ
وَطَاعَةً لِعَدُوِّي وَعَدُوِّكَ
لَمْ يَمْنَعْكَ يَا اِلٰهِي وَنَاصِرِي
اِخْلَالِي بِالشُّكْرِ لَكَ عَنْ اِتْمَامِ
اِحْسَانِكَ وَلَا حَجَزَنِي ذٰلِكَ عَنْ
اِرْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ اَللّٰهُمَّ
وَهٰذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ اَعْتَرَفَ
لَكَ بِالتَّوْحِيدِ وَاَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ

بِالتَّقْصِيرِ فِي أَدَاءِ حَقِّكَ وَ
شُهُودِكَ لَكَ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ
وَجَمِيلِ عَادَاتِكَ عِنْدَهُ وَإِحْسَانِكَ
إِلَيْهِ فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي
مِنْ فَضْلِكَ مَا أَرْبُدُهُ إِلَى رَحْمَتِكَ
وَاتَّخِذْهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى
مَرْضَاتِكَ وَأَمْنَ بِهِ مِنْ سَخَطِكَ
بِعَزَّتِكَ وَطَوْلِكَ وَجُودِ نَبِيِّكَ
وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَالْأَئِمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ
وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ

مُقْتَدِرٌ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ
لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَا نَعْمَكَ مِنَ
الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ
إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبِيدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ
فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَحَشْرَجَةِ
الصُّدُورِ وَالنَّظَرِ إِلَى مَا تَقَشَّعِرُ مِنْهُ
الْجُلُودُ وَتَفْزَعُ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ
وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ
فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

صَلِّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
لَا نَعُمُكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِآلَائِكَ
مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلٰهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ
أَمْسَى وَأَصْبَحَ سَقِيمًا مُوجِعًا
مُدْنِفًا فِي أَنِينٍ وَعَوِيلٍ يَتَقَلَّبُ فِي
غَمِّهِ وَلَا يَجِدُ مُحِيصًا وَلَا يُسِيغُ
طَامًّا وَلَا يَسْتَعْذِبُ شَرَابًا
لَا يَسْتَطِيعُ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا
وَفِي حَسْرَةٍ وَنَدَامَةٍ وَأَنَا فِي
صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ وَسَلَامَةٍ مِنَ
الْعَيْشِ كُلُّ ذٰلِكَ بِفَضْلِكَ وَ

عافيةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ
يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَدَيْ
لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِي لِنِعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ
اِلٰهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسٰى وَأَصْبَحَ
خَائِفًا مَرْعُوبًا مُسَهَّدًا مُشْفِقًا
وَحِيدًا وَجِلًا هَارِبًا بَاطِرًا
أَوْ مُنْجَحِرًا فِي مَصِيقٍ أَوْ مَخْبَأَةٍ مِنَ
الْمَخَابِئِ وَقَدْ ضَاقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْ
بِرُحْبِهَا وَلَا يَجِدُ جَبَلَةً وَلَا مَنْجَاةً لَا

مَاوِيٰ

مَاوَى وَلَا مَهْرَبًا وَأَنَا فِي أَمَانٍ وَ
وَطُمَأْنِينَةٍ وَعَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ
فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ
وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَا يَغْمُكَ مِنَ
الشَّاكِرِينَ وَلَا لِآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ
إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ
مَغْلُولًا مُكَبَّلًا بِالْحَدِيدِ بِأَيْدِي
الْعُدَاةِ لَا يَرْحَمُونَهُ فَقِيدًا مِنْ أَهْلِهِ
وَوَلَدٍ مُنْقَطِعًا عَنْ أَخْوَانِهِ وَ
بَلَدٍ يَتَوَقَّعُ كُلَّ سَاعَةٍ بَائِقَةً

قِتْلَةٍ يُقْتَلُ وَلِيٌّ مُثْلَةٍ يُمْثَلُ بِهِ
وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ
يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي
أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
اجْعَلْنِي لِإِنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلٰهِي سَيِّدِي وَكَمْ
مِنْ عَبْدٍ وَامْسَى وَاصْبَحَ بِقَاسِي
الْحُرُوبِ وَمُبَاشَرَتِهِ الْقِتَالَ بِنَفْسِهِ قَ
عَشَّيْتَهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ وَ
السُّيُوفُ وَالرِّمَاحُ وَآلَةُ الْحَرْبِ
يَتَقَعْقَعُ فِي الْحَدِيدِ مُبْلَغٍ مَجْهُودَهُ
وَلَا

وَلَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا
وَلَا يَجِدُ مَهْرَبًا قَدْ اَدْنَفَ بِالْحِرَاجَاتِ
اَوْ مُتَشَحِّطًا بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ
وَالْاَرْجُلِ يَتَمَنَّى شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ اَوْ نَظْرَةً
اِلَى اَهْلِهِ وَوَلَدِهِ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَ
وَاَنَا فِي عَافِيَةٍ مِمَّنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ
اَلْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ
وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَا نَعْمَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَلِاٰلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي
وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَاَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ

البحار وعواصف الرياح والاهوال
والامواج يتوقع الغرق والهلاك
لا يقدر على حيلة او مبتلا بصاعقة
او هدم او غرق او شرق او حرق
او خسف او مسخ او قد وانا في
عافية من ذلك كله فلك الحمد
يا رب من مقتدر لا يغلب وغني
اناة لا يعجل صل على محمد واجعلني
لانعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين الهي سيدي وكم من عبد
وامسى واصبح مسافرا شاحطا

عَنْ اَهْلِهٖ وَوَطَنِهٖ وَوَلَدٍ مُتَحَيِّرًا
فِى الْمَفَاوِزِ تَائِهًا مَعَ الْوُحُوْشِ
وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ وَحِيْدًا فَرِيًّا
لَا يَعْرِفُ حِيْلَةً وَلَا يَهْتَدِىْ سَبِيْلًا
اَوْ مُتَعَوِّذًا بِاَمْنٍ دَاوٍ حِرًّا اَوْ جُوْعٍ
اَوْ عَطَشٍ اَوْ عُرْىٍ اَوْ غَيْرِهٖ مِنَ
الشَّدَائِدِ مِمَّا اَنَا مِنْهُ خَلُوٌّ وَاَنَا
فِىْ عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهٖ فَلَكَ الْحَمْدُ
يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِىْ
اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِىْ لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ

وَلَا لَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي
كَمْ مِنْ عَبْدٍ مَسِيٍّ وَاَصْبَحَ فَقِيرًا
عَدِيمًا عَارِيًا مُمْلِقًا مُخْفِقًا مَهْجُودًا
خَائِفًا جَائِعًا ظَمْانًا مَنْ يَنْتَظِرُ مَنْ
يَعُودُ اِلَيْهِ بِفَضْلٍ اَوْ عَبْدٍ وَجِيهٍ
هُوَ اَوْجَهُ مِنِّي عِنْدَكَ اَوْ اَشَدُّ
عِبَادَةً لَكَ مَغْلُولًا مَقْهُورًا قَدْ
حُمِّلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَآءِ وَشِدَّةِ
الْعُبُودِيَّةِ وَكُلْفَةِ الرِّقِّ وَثِقْلِ
الضَّرْبِ بِيَدِهِ اَوْ مُبْتَلًا بِبَلَآءٍ شَدِيدٍ
لَا قِيلَ لَهُ اِلَّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ وَاَنَا

المحدوم

اَلْمَحْدُوْمُ الْمُنْعَمُ الْمُعَافَى الْمُكَرَّمُ
فِيْ عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيْهِ فَلَكَ الْحَمْدُ اللّٰهُمَّ
يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِيْ
اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِيْ لَا يَغْلِبُكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ
وَلَا يَئُوْكَ مِنَ الذَّاكِرِيْنَ اِلٰهِيْ سَيِّدِيْ
وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَاَصْبَحَ طَرِيْدًا
شَرِيْدًا حَيْرَانًا مُتَحَيِّرًا مُسْتَجِيْرًا
خَائِفًا جَائِعًا خَاسِرًا فِي الصَّحَارِيْ
وَالْبَرَارِيْ قَدْ اَحْرَقَهُ الْحَرُّ وَالْبَرْدُ
وَهُوَ فِيْ ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ وَضَنْكٍ

مِنَ الْحَيَوَانِ وَذُلٍّ مِنَ الْمَقَامِ بَيْنَ
اِلَى نَفْسِهِ حَتَّى لَا يَقْدِرُهَا عَلَى
ضُرٍّ وَلَا نَفْعٍ وَاَنَا خَلْوٌ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ
بِجُوْدِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ
وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِيْنَ
لَا نُعْمَكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ وَلِاٰلَائِكَ
مِنَ الذَّاكِرِيْنَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اِلٰهِي مَوْلَايَ
وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى

وَاصِحْ

وَاصْبَحَ عَلِيلًا مَرِيضًا سَقِيمًا
مُدْنِفًا عَلَى فِرَاشِ الْعِلَّةِ وَفِي
لِبَاسِهَا يَتَقَلَّبُ يَمِينًا وَشِمَالًا لَا يَعْرِفُ
شَيْئًا مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ
الشَّرَابِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً
لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا
وَأَنَا خَلْوٌ مِّنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ فَلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ
لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ لَكَ

لا نعمك من الشاكرين ولا لائك
من الذاكرين وارحمني برحمتك
يا مالك الراحمين الهي مولاي و
سيدي وكم من عبد امسى و
واصبح قد دنا يومه من حتفه
وقد احدق به ملك الموت في
اعوانه يعالج سكرات الموت
وحياضه وتكدر عيناه يمينا
وشمالا ينظر الى احبائه واوداءه
واخلائه قد منع من الكلام
وحجب عن الخطاب ينظر الى

نفسه

نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا تَسْتَطِيعُ لَهَا صَبْرًا
وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خِلْوٌ مِنْ ذٰلِكَ
كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ لَا يَعْمَكَ مِنَ
الشَّاكِرِينَ وَلَا يَلِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ
وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا مَالِكَ
الرَّاحِمِينَ إِلٰهِي مَوْلَايَ وَسَيِّدِي
وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي

مَضَائِقِ الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ
وَكَرْبِهَا وَذِلِّهَا وَحَدِّ يَدِهَا بَدَا
وَلَهُ اعْوِانُهَا وَزِبَانِيَتُهَا قَلَائِدُ
أَيُّ حَالٍ يُفْعَلُ بِهِ وَأَيُّ مِثْلٍ
يُمَثَّلُ بِهِ فَهُوَ فِي ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ
وَضَنْكٍ مِنَ الْحَيَوٰةِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ
حَبِيسٌ لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا
نَفْعًا وَأَنَا خَلُوٌّ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ
بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلٰهَ إِلَّا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يَعْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

أَمَّا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ لَا تَعْمَكَ مِنَ
الشَّاكِرِينَ وَلَا آيِسَكَ مِنَ
الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا مَالِكَ الرَّاحِمِينَ وَإِلٰهِي مَوْلَايَ
وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ امْسَى
قَدِ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَاحْلَ
بِهِ لَيْلَاءُ وَفَارَقَ أَوْدَاءَهُ
أَحِبَّائَهُ وَأَخِلَّاءَهُ وَامْسَى حَقِيرًا
أَسِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ
وَالْأَعْدَاءِ يَتَمَنَّى وَلَوْنَهُ يَمِينًا

مَنْ شَمَّا لَا قَدْ حَلَّ فِي الْمَطَامِرِ وَ
ثُقِّلَ بِالْحَدِيدِ لَا يَرَى شَيْئًا مِّنْ
ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رُوحِهَا
يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ
لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خَلُوٌّ مِنْ
ذٰلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ
فَلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ
مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ
لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَ
لِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ

مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا مَالِكَ الرَّاحِمِينَ إِلٰهِي مَوْلَايَ
وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمَسْتَ
وَاَصْبَحَ قَدِ اشْتَاقَ إِلَى الدُّنْيَا
لِلرَّغْبَةِ فِيهَا إِلَى اَنْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ
وَمَالِهِ حِرْصًا مِنْهُ عَلَيْهَا
وَقَدْ رَكِبَ الْفُلْكَ وَسَارَتْ
بِهِ تَهْوِي فِي اٰفَاقِ الْبِحَارِ وَظُلَمِهَا
يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ لَهَا
عَلَى نَصْرٍ وَلَا نَفْعٍ وَاَنَا خِلْوٌ مِنْ
ذٰلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

فَلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ
مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ
لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِيْ لَكَ مِنَ الْعَابِدِيْنَ
وَلِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ وَلِآلَائِكَ
مِنَ الذَّاكِرِيْنَ وَارْحَمْنِيْ بِرَحْمَتِكَ
يَا مَالِكَ الرَّاحِمِيْنَ اِلٰهِيْ مَوْلَايَ
وَسَيِّدِيْ وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى
وَاَصْبَحَ قَدِ اسْتَتَمَّ عَلَيْهِ الْقَضَآ
وَاَحَلَّ بِهِ الْبَلَآءَ وَالْكُفَّارُ
وَالْاَعْدَآءُ وَاَخَذَتْهُ الرِّمَاحُ

وَالسُّيُوفُ وَالسِّهَامُ وَجُدِّلَ صَبْرًا
وَقَدْ شَرِبَتِ الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ وَاكْتَفَتِ
السِّبَاعُ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ وَأَنَا
خَالٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ يَا مُسْتَحْقِقَ مَنِّي يَا إِلَهِي
إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
لَا نَعْمَلُكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ
مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَعِزَّتِكَ

يَا كَرِيمُ لَا طْلُبَنَّ بِمَالَدَيْكَ وَلَا حِنَّ
عَلَيْكَ وَلَا لْجَئَنَّ اِلَيْكَ وَلَا مُدَّنَّ
يَدَيَّ نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا اِلَيْكَ
فَبِمَنْ اَعُوْذُ يَا رَبِّ وَبِمَنْ اَلُوْذُ اَجِدْ لِي
اِلَّا اَنْتَ اَفَتَرُدَّنِّي وَاَنْتَ مُعَوَّلِي
وَعَلَيْكَ مُتَوَكَّلِي اَسْئَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى
السَّمَآءِ فَاسْتَقَلَّتْ وَعَلَى الْاَرْضِ
فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ
وَعَلَى اللَّيْلِ فَاظْلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ
فَاسْتَنَارَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِيَ لِيْ جَمِيْعَ جَوَائِجِيْ
وَتَغْفِرَ لِيْ ذُنُوْبِيْ كُلَّهَا صَغِيْرَهَا
وَكَبِيْرَهَا وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ وَمَا تُبَلِّغُنِيْ
بِهٖ شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ مَوْلَايَ بِكَ اَسْتَغِيْثُ
فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَغِثْنِيْ
وَبِكَ اَسْتَجِيْرُ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَجِرْنِيْ وَاَغِثْنِيْ بِطَاعَتِكَ
عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ وَبِمَسْئَلَتِكَ
عَنْ مَسْئَلَةِ خَلْقِكَ وَانْقَلِبْنِيْ
مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ اِلٰى عِزِّ ذِلِّ الْغِنٰى

يَا مَنْ ذُلُّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ
فَقَدْ فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ
خَلْقِكَ جُودًا مِنْكَ وَكَرَمًا
لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ
عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَا نَعْمَكَ
مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ
الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ

اگر کسی را مشکلی یا غمی یا مصیبتی سخت پیش آید شش

نوبت آسمان کند و قبله بنشیند و سوره یٰسین و سورهٔ

واقعه را بخواند و سورهٔ اخلاص نیز بخواند و صد بار بگوید

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ پس چهار رکعت نماز بگذارد

در رکعت اول فاتحه یکبار و صد بار بگوید

وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ

بِالْعِبَادِ و در رکعت دویم فاتحه یکبار و صد بار بگوید

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ بخواند وچون

سلام باز دهد صد بار بگوید أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

وصد بار بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وصد بار

صلوات بر پیغمبر فرستد از ان غم و مصیبت

نجات یابد ان شاء الله تعالی ایضاً دیگر هر کس این

دعا بعد از اسم خود ورد نماید تا چهل روز هر روز پیش از

طلوع آفتاب دلالت است که دولت تا آفتاب باشد یابنده باشد

هر که این دعا را بخواند و بعد از ان بعد از اسم خود این دعا را بخواند

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ الْفَضْلِ

وَالْفَيْضِ وَالرَّحْمَةِ وَالدَّوْلَةِ

وَالسَّعَادَةِ وَالْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ

سیپارہ سیزدہم وما ابرئ نفسی ... التفسیر ... بالشو

الا ما رحم ربی ان ربی غفور رحیم ۵

سورۃ رعد مدنیہ

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الٓمٓرٰ تلک آیٰت الکتٰب ط والذی انزل الیک من ربک الحق

ولکن اکثر الناس لا یؤمنون ۵

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اجعل قلبي بارا وعيشتي قارا وعملي سارا
ورزقي دارا واولادي ابرارا واجعل لي عند
قبر رسولك محمد صلى الله عليه وآله مستقرا
وقرارا برحمتك يا ارحم الراحمين

وَالنُّصْرَةِ وَالْاَمْنِ وَالْاَمَانِ
وَالْاِيْمَانِ وَالتَّوْفِيقِ لِلدِّيْنِ وَالدُّنْيَا
وَالْاٰخِرَةِ اخر روز جمعه آفتاب زردی نخواند ثواب
عظیم دارد خصوص بجهت جمع مهمات وحوایجات دنیوی مجرب است
واز موده اند هٰذَا الدُّعَاءُ الثَّلٰثَاتُ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَبِهٖ نَسْتَعِيْنُ
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
الْعَظِيْمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ
الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِيْ
اِذَا دُعِيْتَ بِهٖ عَلٰى مَغَالِيْقِ اَبْوَابِ
السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ اِنْفَتَحَتْ

وَاِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ
اَبْوَابِ الْاَرْضِ لِلْفَرَجِ اِنْفَرَجَتْ
وَاِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ
تَيَسَّرَتْ وَاِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى
الْاَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ اِنْتَشَرَتْ وَ
اِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى كَشْفِ
الْبَاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ اِنْكَشَفَتْ وَبِجَلَا
وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَكْرَمِ لِوُجُوهِ وَاَعَزِّ
الْوُجُوهِ الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ
وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَ
لَهُ الْاَصْوَاتُ وَوَجِلَتْ لَهُ

القلب

القلوب من مخافتك وبقوتك
التي تمسك السماء ان تقع على
الارض الا باذنك وتمسك
السموات والارض ان تزولا
وبمشيتك التي دان لها العالمون
وبكلماتك التي خلقت بها السموات
والارض وبحكمتك التي صنعت
بها العجائب وخلقت بها
الظلمة وجعلتها ليلا وجعلت
الليل سكنا مسكنا وخلقت
بها النور وجعلته نهارا وجعلت

النهار نشورا مبصرا وخلقت
بها الشمس ضياء وجعلت
الشمس وخلقت بها القمر و
جعلت القمر نورا وخلقت بها
الكواكب وجعلتها نجوما
وبروجا ومصابيح وزينة ورجوما
وجعلت لها مشارق ومغارب
وجعلت لها مطالع ومجاري
وجعلت لها فلكا ومسابح وقدر
في السماء منازل فاحسنت
تقديرها وصورتها فاحسنت

تصويرها واحصيتها باسمائك
احصاءً ودبرتها بحكمتك
تدبيرًا واحسنت تدبيرها
وسخرتها بسلطان الليل وسلطان
النهار والساعة وعدد السنين
والحساب وجعلت رؤيتها
لجميع الناس مرئيًا واحدًا واسئلك
اللهم بجمالك الذي كلمت
به عبدك ورسولك موسى
ابن عمران عليه السلام في
المقدسين فوق احساس

الكروبين فوق عمائم النور فوق
طابوت الشهادة في عمود
النار في طور سيناء وفي جبل
حوريث في الوادي المقدس في
البقعة المباركة من جانب
الطور الايمن من الشجرة وفي
الارض مصر بتسع ايات بينات
ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر
وفي المنبجسات التي صنعت
بها العجائب في بحر سوف وعقد
ماء البحر في قلب القمر كالحجارة

و

وَجَاوَزْتَ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ
وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا
صَبَرُوا وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ
وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ
وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ جُنُودَهُ مَرْأًى
فِي الْيَمِّ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ
الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ وَبِمَجْدِكَ
الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ
وَلِإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
مِنْ قَبْلِ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَلِإِسْحَاقَ

صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَدْءِ شَرْعِ
وَلِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَا
بِمِيثَاقِكَ وَلِاسْحٰقَ بِحَلْفِكَ
وَلِيَعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
بِوَعْدِكَ وَلِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ
فَأَجَبْتَ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي
لِمُوسَى ابْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَى قُبَّةِ الزَّمَانِ وَبِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ
عَلَى الْأَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلَبَ
بِآيَاتِ عَزِيزَتِكَ وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَ
بِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ

التا

التامة وبكلماتك التي تفضلت
بها على اهل السموات والارض
واهل الدنيا والاخرة برحمتك
التي منت بها على جميع خلقك
وباسمائك التي اقمت بها
العالمون وبنورك التي العلمين
الذي قد خرمن فزعه طور سيناء
وبعلمك وعظمتك وجلالك
وكبريائك وعزتك وجبروتك
التي لم تستقلها الارض وانخفضت
لها السموات وارجوها العموم

الاكبر وركدت لها البحار والانهار
وخضعت لها الجبال وسكنت
لها الارض بمناكبها واستسلمت
لها الخلايق كلها وخفقت لها
الرياح في جريانها وحمدت لها
النيران في اوطانها باسلطانك
الذي عرفت لك بها العلية
دهر الدهور وحمدت به في
السموات والارضين وبكلماتك
كلمته الصدق وسبقت لابينا
ادم وذريته بالرحمة واسئلك

بِكَلِمَاتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَنُورِ
وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ
فَجَعَلْتَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا وَ
بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ
فَكَلَّمْتَهُ بِهِ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُوسَى
ابْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِطَلْعَتِكَ
فِي سَاعِيرَ وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ
فَارَانَ بِرَبَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ وَجُنُودِ
مَلَائِكَتِكَ الصَّافِّينَ وَخُشُوعِ
الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ وَبِبَرَكَاتِكَ
الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ
صَفِيِّكَ فِي أُمَّةِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّتِهِ مُوسَى
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِتْرَتِهِ
وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ اللَّهُمَّ وَكَمَا غِبْنَا
عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ
نَرَهُ صِدْقًا وَوَعْدًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ
إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ
وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ قَدِيرٌ
يَا أَللّٰهُ حَاجَتِي طَلِيدٌ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ
يَا بَدِيعَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ
بِحَقِّ هٰذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ
الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا
غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ
بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَانْتَقِمْ لِي مِمَّنْ
يُؤْذِينِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ مَالِكَ
يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ
نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ
لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ

خشية

خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ
لَا اِلٰهَ هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ
السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا
يُشْرِكُوْنَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ
الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ
لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ

هفت مرتبه صلوٰة بر محمد بفرستد باین طریق

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ

وَسَلِّمْ بِعَدَدِ مَا كَانَ فِىْ عِلْمِ اللّٰهِ

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

وحاجت خود طلب کند باید که باید با وضو باشد و پیش از آفتاب شروع کند

البته مراد حاصل خواهد شد اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ بِرُوْحِ

مُحَمَّدٍ وَّاَزْوَاجِ اٰلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى

اللّٰهُ عَلَيْهِ مِنْ اَلْفِ صَلٰوةٍ

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ يَا دَآئِمَ

بِغَيْرِ فَنَآءٍ وَّلَا زَوَالَ لِمُلْكِهٖ وَبَقَآئِهٖ

هر که صبح بعد از نماز هفت مرتبه بخواند در روز ضرری بوی نرسد

والله

وسلامت بمنزل خود باز آید و از سوده اند و بعد از نماز صبح پیش از آنکه

بکسی سخن گفته یکبار بگوید خدایا بحضرت امام حسین علیه السلام بخشودنیها او را بپذیرند ان شاء الله تعالی

288

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِكَلِمٰتِكَ وَ

مَعَاقِدِ عَرْشِكَ وَسُكَّانِ سَمٰوٰتِكَ

وَاَرْضِكَ وَاَنْبِيَآئِكَ وَرُسُلِكَ

اَنْ تَسْتَجِيْبَ لِیْ مَقْدُوْرَهَ فِیَّ مِنْ

اَمْرِیْ عُسْرًا فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ

لِیْ مِنْ اَمْرِیْ يُسْرًا از برای شده سرزنش

گذاشته بخواند هٰذَا الدُّعَآءُ تَامٌّ مُتْقَنٌ

يَا كُلَّ جَبَّارٍ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَحَقِّكَ
بَلِّغْ مَحْمُودِي وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنِّي هفت روز هر روز

مرتبه بر موئی سیاه نخواند و ناشتا نخورد البته حفظ او
زیاده شود هٰذَا الدُّعَاءُ اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ قَلْبِي
وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَأَطْلِقْ بِهِ
لِسَانِي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

شرح سورهٔ یس پس باین طریق هر کس بخواند
جمیع مرادات دنیوی و اخروی محصل گردد روایت میکنند
از امام ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه السلام از رسول الله

ص یا الم

صلی الله علیه و آله و سلم که هر که هفت بار سوره یاسین بخواند

بر سنگ آسیا بود آن سنگ آسیا بایستد بفرمان خدای تعالی

289

اگر کسی را آب روان نجواند این سوره و بدان طهارت

کند و در رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره یاسین بخواند

اگر عالم را آب بگیرد و تو بر روی آب باشی آن آب بر تو

الی نرساند بفرمان خدای عزوجل اگر این سوره هفت بار

نخواند دیر باد و مدد بگوید که فلان سلطان را پیش

من بیاورد در حال بقدرت الله تعالی آن سلطان حاضر

گردد و اگر این سوره را هفت بار بخواند و بعد از آن کاغذ

پاکیزه با طهارت بنویسد و وردی بفعله کند و با عتقاد درست

بوسته هفت نوبت دیگر بخواند آنگاه آن کاغذ را بگردن

بندد شاعجایب ها بیند که بصفت راست نیاید اگر کس

این سوره را بنویسد و بموم کند و نماز دی راست خود بندد

و دوست و دشمن و جمله خلایق مسخر وی گردند اگر خواهی که

بخت کسی بر بندی باید که از رد کور بهنه خاک برگیری و این

سوره را یکبار بروی بخوانی و باد بر آن خاک دمی و

آن خاک را گل سازی و بدیوار خانه آنکس بزنی

که بخت آنکس بسته شود که درگشاده نگردد و این

مهم را باید که بهیچکس تعلیم نکند که مجرب است و دیگر اگر خواهی که

راز عشق خود دیوانه سازی چنانکه از عشق تو یکدم قرار

نیابد باید که بر چهار پاره سنگ تیره این سوره را چهار بار بخواند

و بران سنگ سوره را چهار بار بخواند و بران سنگ تیره ها

بدهد و آن سنگریزه را انجیره کند و سر خمره بموم بگیرد و در آتش حمام

نهد و آتش اندک ببرسم و باید که شب نگذارد که بیرون آورد

و سنگریزه‌ها بیرون کنند و نمک آن کند که هلاک شود از عشق

و این مجربست و اگر خواهد که در نخست و دولت و عزت

بر او گشاده گردد در رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی یکبار سوره

فاتحه و یکبار سوره کس بخواند و این نماز را در سه شنبه و یا پنجشنبه

و یا آدینه بگذارد که در نخست و دولت بروی گشاده گردد و

این مجربست دیگر اگر خواهد که میان دو کس دشمنی شود و افتد

بر دو صله‌ان این سوره هفت بار بخواند و بر یک دهد را

بخورد که هرگز یکدیگر نبینند و این عجیبست و اگر خواهد که کسی را

هلاک کنی بیار دیگ خشت خام و در پیش خود نهد و صد و یکبار

این سوره نخواند هر بار که سوره تمام کند یک جنازه چون این

نماز دارد و این دعا آن جنازه نهد و بردی نماند جنازه گذارد

بعد از ان خشت را در یک حوض آب بیندازد و چون آن

خشت باطل شود دشمن هلاک شود بفرمان خدای عزوجل

اگر این سوره نخست غایب عبث و یکبار نخواند غایب

دران زودی حاضر شود بفرمان خدای عزوجل اگر این

سوره بگاه نبولید و بموم اندر کرد و بر بازوی راست

بندد عجایب ها بیند اگر خواهی زود بر عمل کند پیش از

نوشتن یکبار نخواند در حال آن غایب حاضر شود

و اثر عظیم دارد و اگر این سوره را در شبانروزی هفتاد

بار نخواند یا هفت بار نخواند چنان بود که هفتاد بار جمله دران

کرده باشد و در حفظ و امان حق تعالی باشد اگر خواهند که عقد الدین

کند در کرد او بریشم و هفت کاه بنویسد و بر هر کاه یکبار بخواند و

291

در پیش در خانه خود و یا در پیش در خانه او دفن کند البته زبان

دشمن بسته گردد بفرمان خدای عزوجل و اگر خواهی که کسی را

مهربان خود کنی چهل و یک سنگریزه بگیرد و چهل و یکبار

این سوره را بر وی بخواند هر نوبت که میخواند یا در یک سنگریزه

بدمد و همچنین تا چهل و یک سنگریزه آخر شود و بعد از آن سنگریزه ها

را در خمره کند و سر خمره را بموم استوار کند و در کرمابه پنهان

کند عجایب ببیند و بیم آن بود که رسوا شود و باید که زود بیرون

آرد و اگر خواهی که کسی را مطیع خود گردانی بیار نویسد در

هفت نار این سوره را بر وی بخواند و در خانه آنکس نهند

آنکس مطیع تو گردد و چنان شود که بی تو آرام نگیرد و بی تو

آب نتواند خوردن اگر خواهی که کس را مطیع خود کنی این سوره

را هفت بار بخواند بر هفت پاره ریسمان و در جامه آن

کس در بیجد و بموم مهر کند و در خانه تاریک بنهد آن کس

مطیع تو گردد و این مجرب است اگر خواهی که مردی را بندی

بیارد و کوزه خاک و بروی یکبار این سوره بخواند و آن

خاک را کل کند و در دیوار خانه آنکس بنهد یا زیر درخت

پنهان کند هرگز گشاده نگردد و این نیز مجرب است اگر خواهی

که خلق را در خصومت اندازی بخوان بر تخم گجی و باد برد

و مدد نام آن مرد را ببرد آن تخم گجی را در میان مردم اندازد

آشوب عظیم افتد و این آیه را هفت بار بخواند در حالت

از اض

292

اندا ختن اگر این آیه بخواند شاید لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ

فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ

يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ

وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ

اگر کسی این سوره را هفت بار بخواند روزی بروی فراخ آید

اگر کسی را کالای فروختنی در گشته باشد و خریدار نباشد این

سوره چهل و یکبار بخواند و باد بروی وزد بازارش نیکو شود

و خریدار نیکو بسیار پیدا شود و سود بسیار در دست آید

اگر خواهی که زنی را در نکاح خود در آری بستان نو و در نه دانه بادام

و این سوره بران بادام بخوان و بباد بران و مادر بر بستان ابریشم

در بیچه بر درخت سیب سفید شیرین یا امرود شیرین بیاویزد

هر بهای خویش در زیر آن درخت بسوزد بیشک بمراد

برسد و آن زن بنکاح آورد اگر خواهی که کسی را عاشق و

مبتلای خود گردانی بر گیر از هفت گردکنه خاک و هفت بار

این سوره بران بخوان و در طعامی که یک مثقال از ان خاک

بیندازی و بران کس که دل تو خواهد بدهی تا نخورد از عشق

تو دیوانه گردد مجرب است اگر خواهی که عقد انسان یک

کس بیاریک خشت در پیش خود نهد و بست و یکبار این

سوره بخوان و باک سخن مکن و هر بار که میخوانی یک

خط بر روی آن خشت بکشد چون تمام شود بعد از ان خاک

که بروی خشت گرد آمده باشد بگیرد و تمام را کل کند و بر روی

همان خشت مالد و بعد از ان خشت را بگیرد و در زیر نعل

مالند

شهد و از خانه برون آید و با کس سخن نگوید و بگور ستان

رود و آن خشت را در گور کنار اندازد و بیاید که محرست اگر

هزار سخن در عقب تو بگویند چون نزدیک تو آید همه فراموش

کند و خواهی که نیک تو بگویند هر که این معنی را شک آرد کافر

گردد و اگر مردی را بسته باشد و به هیچگونه گشاده نشود و

چهل هفت روز این سوره را بر گلاب و زعفران بنویسد

و بخورد در ساعت گشاده گردد و هر علتی که در اندرون

رفع شود اگر کسی را دست تنگ باشد باید که در شب

آدینه بعد از نماز خفتن چهل و یکبار این سوره بخواند و بعد

صلوات بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بفرستد

حق تعالی روزی او فراخ گرداند و اگر این سوره را بر قدری

نان نخواند و به سگ دهد تا نخورد آن نیت که فلان

کس را از فلان کس جدائی شود البته از یکدیگر

جدا شوند اگر خواهی که میان دو کس دشمنی افکنی

بیاور سنگی که یک من و ده سیر باشد و جهل و

یک بار این سوره را بخواند و بر آن دمد و آن سنگ

را ببرد و در زمینی که دانند در حال میان ایشان

جدائی افتد اگر خواهی که کسی را عاشق خود یکی نخواند

این سوره را نمک طبرزد در روز یکشنبه پیش از نماز

بامداد بیجاه نوبت بخواند و در آتش بیند از دود

نیاورد و مادری و نام خود و مادر خود چنان شود که

اگر یک ساعت ترا نه بیند دیوانه گردد و تواند این

و

آیت انیت وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ
خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ
وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي
إِنْشَاهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ
خَلْقٍ عَلِيمٌ دل وجان فلان بنت
فلان إِيَّاكَ نَعْبُدُ
وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

294

وا کر مهمی پیش تواید چهل وبکبار این سوره بخواند
البته این مهم وی کفایت شود وا کر این سوره
را بر عنفوان وکلاب بعقاد یا بنویسد وبخورد دل
می قوی کردد وهر چه بشنود وهر چه بخواند یاد کیرد وفراموش

یکند واگر این سوره را نویسد و بر درختی ببندد و آن

درخت میان باغ باشد هرگز آفت بر آن باغ

نرسد و در خانه این سوره باشد هیچ دیو و پری گزندی

باو نکند و صاحب خانه نرساند بفرمان خدای تعالی هر کرا مهمی

نباشد این سوره را بزعفران و گلاب بنویسد و در موم

گیرد و آب اندازد و از آن آب بخورد و آنگاه بر بالای

وی بندد و چون بشود جمع شود و فرزند پیدا شود بفرمان

خدای تعالی آن را الله تعالی وحده الغزیز بدانکه سوره یاسین

بسیار خواصی دارد از جمله خواصی چند مذکور میشود اول

هر کرا مهمی پیش آید مداومت نماید که مراد حاصل شود

باید که شک نیاورد و باعتقاد درست بخواند و ساعت

لکر

سعد اختیار کند که مرا در بسد اگر خواهی که کس را مطیع

خود کردانی بعد از نماز فرض باید او چهل و یکبار برچهل و یک

فلق سفید بخواند هر یک در میان موزی نهد و هر روز

یکی بسوزاند و باید که یکروز خطا نکند و اگر یکبار بسوزاند آن

کس دیوانه و بیقرار گردد بفرمان خدا تعالی و اگر هفت

میخ آهن هر یک بقدر زری یک انگشت و بهر میخی یکبار بخواند و در

آتش بگذارد تا سرخ شود آنگس بیقرار گردد و اگر خواهی

زبان کس ببند حاضر شو بیاره خیز و چهل یکبار لکند و

یکبار این سوره بخواند و در آید و آن انداز در زبان آن

کس بسته گردد چنان بسته شود که هیچکس باز نتواند

کرد بفرمان خدا تعالی و دیگر اگر خواهی کسی را محب خود

حاجتی چهل و یک دانه نوشادر و چهل و یک بار

سورهٔ یٰسٓ بران بخواند و در خانهٔ آن کس نهان کند

در خانهٔ تاریک باشد بخواند و در خانهٔ آن کس محب

و فرمان بردار وی گردد بفرمان خدای عزوجل و اگر

خواهی که کسی را دوست خود گردانی بیار چهل و یک خرز

و چهل و یکبار این سورهٔ بخوان بروی و در آتش نهند

که بسوزد آن کس آرام نگیرد تا پیش وی نیاید بفرمان

خدای عزوجل و اگر خواهی که کسی را عاشق خود گردانی بیار

چهل و یک دانه سنگریزه سرخ و بر هر سنگ یکبار این

سوره بخوانند و سنگها در خرقهٔ سبز نهند و سر خرقه بموم محکم

کنند و در جای گرم پنهان کنند عجایب ها بیند اگر خواهی که

عفا الله

ها اگر خواهی که کسی را عاشق خود گردانی بیار چهل

سنگریزه را و بخوانند و بفرمان خدای تعالی بر هر

عقد الانسان کتی بیار پاره ریسمان که دختر نابالغ رشته باشد

و سه بار این سوره بران بخوان و سه گره بزند و در خانه

29b

دشمن نهان کند زبان دشمنان بسته شود و اگر

خواهی که محکم بسته شود چهل و یکبار بخواند و گره

بزند و عجایب ببیند اگر خواهد که مار و کژدم گزیده را

به شود هفت بار بر آب خواند و بخورد مار گزیده بدهد

تا شفا یابد و اگر مار گزیده حاضر نباشد همان کس که خبر آورده

باشد بدهد که شفا یابد بفرمان خدای عز و جل و اگر کسی تواند خواند

بر پوست آهو بنویسد و با خود نگاهدارد که اگر خونی کرده باشد

هیچ کس بادی دشمنی نتواند کرد و اگر همه عالم دشمن وی

باشند هیچ کس این سوره کریمه را هیچ گزندی بوی نتواند رسانید

واگر خواهی که دشمنی یک کسی بیار خاک جهار راه واین سوره

را بران بخوان وباد بران دمد بنام انکس که خواهد ودر خانه

انکس رود در شنبه در ساعت مریخ یا زحل تیز که از

همدیگر جدا شود چنانچه هرگز بهم نرسند هفت پاره سنگ

در روز پنجشنبه در ساعت زهره یا مشتری هفت بار

برشکر خواند وبدانکس دهد تا بخورد در زود سخن چنان

شود که آرام نگیرد بفرمان خدای عزوجل اگر خواهی که کسی را

مطیع خود سازی بیاور پاره خالص چهل ویکپاره کند

ویک نوبت این سوره بخواند ویک در آتش اندازد

گر یک ساعت آرام نگیرد بفرمان خدا تعالی اگر خواهی که زبان

کسی را ببندی از دو گوسفند خاک برگیرد ویکبار این سوره

بران

بران نخواند وکل کند و بدیوار خانه اتش زند یا بیاورد

اتش سسته شود و دیگر بیاورد و پاره کرده کوکند و هفت

بار این سوره نخواند و باد بران دمد به نیت دشمن در بند

سیاه دهد تا نخورد سکت دیگر وی نتواند رسید دیگر بیار خبری

خورد نی و هفت بار این سوره نخواند و باد بران دمد تا

اگر گشاده باشد بار آرنش بیدالت والله تعالی

دعای روز نوروز باید خواند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ السَّنَةَ

جَدِيْدَةٌ وَاَنْتَ مَلِكٌ قَدِيْمٌ

اَسْئَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيْهَا

وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيْهَا

وَاسْتَكْفِيْكَ مَوْتَهَا وَشُغْلَهَا يَا ذَا الْجَلَالِ

وَالْاِكْرَام يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ وَ
الْاَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْاَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا
اِلٰى اَحْسَنِ الْحَالِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
وَاُفَوِّضُ اَمْرِىْ اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ
بَصِيْرٌ بِالْعِبَادِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

ازبرای مریض هر شنبه تا چهل روز او را خوانده کبوتر از دست

خود بر اند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ حَسْبُنَا
اللّٰهُ نِعْمَ الْوَكِيْلُ تَبَارَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ
الْخَالِقِيْنَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا

بِاللّٰهِ

بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ این دعا را حدیث بسیار

وارد و از برای مریض باید خواند ایضاً دعای دیگر

بِحُرْمَةِ الْحُسَیْنِ وَاَخِیهِ وَجَدِّهِ

وَاَبِیهِ وَاُمِّهِ وَبَنِیهِ وَشِیعَتِهِ وَ

مَوَالِیهِ نَجِّنِی مِنَ الْغَمِّ الَّذِی اَنَا فِیهِ

در وقت خواندن نَجِّنِی مِنَ الْغَمِّ الَّذِی

اَنَا فِیهِ صحت خود را از درد دل

خود بگذارید یا رَبِّ روایت از

ائمه معصومین صلوات الله علیه که رسول صلی الله فرمودند که حق

سبحانه تعالی عز شانه فرموده است هر بنده مومنی که در

شب جمعه ده مرتبه این دعا را بخواند بیامرزم گناهان صغیره و کبیره

او را واگر فردا قیامت عذاب کنم بر ورد کار او نباشم امنیت دعا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ

الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ

السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ

خَيْرِ الْوَرٰى سَجِيَّةً وَّاغْفِرْ لَنَا

يَا ذَا الْعُلٰى فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ وَصَلَّى

اللّٰهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ

اَجْمَعِيْنَ ز برای ازار باید خواند پنج

وقت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

يَا شَدِيْدَ الْقُوٰى يَا شَدِيْدَ الْمِحَالِ

يَا غَ

299

يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ ذَلَّتْ
لِعِزَّتِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ فَاكْفِنِي
شَرَّ خَلْقِكَ يَا مُحْسِنُ يَا مُنْعِمُ يَا مُكْرِمُ
يَا مُفْضِلُ يَا مُجْمِلُ يَا اِلٰهِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ
وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه وآله هر که
قطع کند رحم را روز یکشنبه میرسد باو غم و نامبارک
باشد و اگر قطع کند دوشنبه مبارک باشد و اگر قطع
کند روز سه شنبه سوخته شود آن رحم یا ببرد ی رود یا

غریق شود و اگر قطع کند روز چهارشنبه چهار پایان بسیار

نصیب او شود و لی تلاشش و لی محنت و اگر قطع

کند روز پنجشنبه علم نصیب او شود و اگر قطع کند روز

جمعه عمرش دراز شود و اگر قطع کند روز شنبه مرنج

باشد مگر آن رخت بر بدن او بود مگر آنکه بغرو شد

یا به بخشد صدق رسول الله و هم از سرور عالم علیه الصلوة و السلام

منقول است که کسی ناخن بگیرد روز شنبه اکله در ناخن

های او پیدا شود و کسی که روز یکشنبه بگیرد برکت از او

برود و کسی روز دوشنبه بگیرد حافظه و کاتب و تجاری

بشود و کسی روز سه شنبه بگیرد بیم هلاک دارد و کسی

روز چهارشنبه بگیرد میگردد بد خلق و کسی روز پنجشنبه

بگیرد و دور می شود از و داد و داخل می شود در بدن او

شفا و کسی بگیرد روز جمعه عمرش زیاده شود و مال نیز 3

زیاده شود اسناد سوره اخلاص اگر خواهی که کسی را

در عشق خود بیقرار گردانی بگیر هفت دانه فلفل سیاه

و بر هر یکی هفت مرتبه سوره مذکور را بخواند و بر روی هم

و بعد از آن یک پیاز سفید بیاورد و میان آن

را خالی کن و فلفل را در آن میان بنهد و در شب

آتش پنهان کن آن کس دیوانه و بیقرار حاضر

شود و عدد بگیر بگیر هفت پاره نمک و هفت فلفل

سیاه بر هر یکی هفت مرتبه سوره مذکور را بخواند

و در زیر آتش پنهان کن آنکس بیقرار شود

از عشق تو این عمل چنانست که اگر آتش بگیرد

اگر صد در سنگ باشد حاضر شود و آزموده است

و هیچ شک نیست نوع دیگر اگر خواهی که کسی را

از راه دور بیاوری یا بر خود بیقرار گردانی بگیر از راه

کندر آنقدر که تو خواهی هفت پاره ریگ با هفت

پاره سنگ و بر هر یک هفت بار سوره مذکور را بخوان

و در آتش اندازند یا در شیب آتش دان خاک

گشند بام مطلوب و نام خود و نام مادر خود دیوانه شود

و از صد فرسنگ راه بیاید و حاضر شود و نوعدیگر بیاریک

پیاز سبز و خالی کن و بیار هفت دانه فلفل سیاه

از هر دانه هفت بار سوره مذکور را بخوان و در میان پیاز

د نکور بند دسر بیاز بلا المحکم کن و بار لسیمان نارسیده

ر پیچ و در آتش بسوزان و در وقت سوختن بگو

للو تا تمام بسوزد آن کس در عشق تو بقرار کرد دون و تو

حاضر شود و از موده است و هیچ شک نیست و الله اعلم بالصواب

صیغه متاع در صورتیکه زن بلفظ خود صیغه کوید و مرد

بلفظ خود کوید و مهر معلوم شده باشد زن بعربی کوید

مَتَّعْتُكَ نَفْسِيْ بِالْمُدَّةِ الْمَعْلُوْمِ وَ

بِالْمَبْلَغِ الْمَعْلُوْمِ در بلا فاصله کوید قَبِلْتُ لِنَفْسِيْ فی الحال

و اگر زن وکیل تعیین کند مرد خود بکوید بعد از آنکه مدت

و مهر تعیین شده باشد اول وکیل زن کوید مَتَّعْتُكَ

نَفْسِ مُوَكِّلَتِيْ بِالْمُدَّةِ الْمَعْلُوْمَةِ وَ بِالْمَبْلَغِ

المعلوم فی الحال مرد بلا فاصله گوید قبلت النفسی

واگر مردی وکیل شود بجهت خصمین یعنی خود وزن صیغه گو

بدین طریق از برای زن گوید متعت نفسی موکلتی

من نفسی بالمدة المعلومة وبالمبلغ المعلوم

از جهت خود بلا فاصله گوید قبلت و در ایام در ماندگیها

و شدائد بکرر باید خواند الهی بحرمت الحسین واخیه و

وجده وابیه وامه وبنیه وسبعة وصاحبة وموالیه

بجنی انا نحن فیه واگر برای جمعی باشند و بخواند بحق یا

بحقنا بخوانند البته مراد حاصل است از برای جانوران

گزنده در شب سه مرتبه بخواند و سه دست بر دست بکند

زند در حفظ الهی می ماند امنیت اعوذ بکلمات الله

التامات التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر

من شر ما ذرء و من شر ما برء و

من شر كل دابة هو آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم

در او معات دارند کسیها با بر که کوزه پاک و پاکیزه را آب

پاک و پاکیزه کرده او را بلبه بسته بالای سر بگذارد هر وقت

از شب که بیدار شود اول سه جرعه از ان آب بخورد و

بعد از ان از همان آب وضو کرده دو رکعت نماز بگذارد

بهر سوره که میخواهد در رکوع بست و پنج مرتبه یا عیاث

المستغیثین بگوید بعد از سر از رکوع بر داشتن بیست

و پنج مرتبه بگوید و در سجده اول بیست و پنج مرتبه بگوید

سر از سجده برداشته بیست و پنج مرتبه در سجده دوم نیز از سجده

برداشته نیز بیست و پنجمرتبه که مجموع یکصد و پنجاه مرتبه گفته

شود در رکعت دوم بدستور یکیم و زیاد چون از نماز فارغ

شود سر سوی آسمان نموده یکی مرتبه بگوید من العبد الذلیل

الی المولی الجلیل بعد ازان هر چه میخواهد از مطالب خود عرض

و التماس نماید ان شاء الله تعالی که باجابت مقرون میگردد

و این از اسرار است انچه ملا عبد الکریم دعای هفته را که

زر در نوشته در جائیکه زر میگذارند بگذارد و گوید محرر است هفتم

هر ماه از سر تو بنویسد و اندک نقره در میان آن بگذارد

بسم الله الرحمن الرحیم یا کریم یا رحیم یا رازق

ب ا م ن ی

ل ل ل ل ل ل ل ل ل

یا ذو الطول یا ذو الطول

یا قاضی الحاجات

یا امان

ل ل ل ل ل ل ل ل ل

یا ذو الطول یا ذو الطول

یا ذو الطول یا ذو الطول

۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹

یا رحمن کل شئ و راحمه

اللهم اغنی بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک

هو الغنی الکریم

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ذوالطول یا ذوالطول یا ذوالطول یا ذوالطول

یا ذوالطول یا ذوالطول یا ذوالطول یا ذوالطول

ذوالطول ذوالطول ذوالطول ذوالطول ذوالطول

999999999

مروی عن الصادق ع طریقه استخاره ذات الرقاع آنکه بر سه

رقعه کاغذ بنویسد که بسم الله الرحمن الرحیم من الله العزیز الحکیم

و بر سه رقعه دیگر همین مضمون را که مجموع شش رقعه باشد

و در پاس هر رقعه بنویسد بفلان ابن فلان افعله یعنی نام

خود و مادر خود را بنویسد و در سه رقعه افعله بنویسد در

سه رقعه لا تفعله و بعد ازان شش رقعه را در زیر مصلی

بگذارد و دو رکعت نماز بگذارد چون سلام دهد صد مرتبه

بگوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة بعد ازان دست

بنشیند و بگوید که اللهم خرلی و اختر لی فی جمیع اموری

فی یسر منک و عافیة بعد ازان دست بزند و رقعه ها را

مشوش کند یکی در هم کند و یکی یکی بیرون آرد اگر سه

افعله پی در پی برآید خوبست و اگر سه لا تفعله برآید بداست

و اگر مختلف برآید همچنان بیرون آورد تا پنج رقعه عمل با

کرده طریق نماز میتا نیست نیت چنین کند که دو

رکعت نماز هدیه میت فلان میگذارم از برای خدا

خدا قربة الی الله در رکعت اول بعد از حمد یک

304

آیة الکرسی بخواند و برکوع و سجود رود در رکعت

دویم بعد از حمد ده آیة از قرآن بخواند و قنوت خوانده به

رکوع و سجود رود و سلام دهد و صواب نماز را اعادت

قربت کند و اگر آیة الکرسی نداند بعد از حمد دوازده قل

هو الله احد بخواند **طریق** نماز کسوف و خسوف

و زلزله و آیات نیت چنین کند که دو رکعت نماز کسوف

با ادای مختلف

یا زلزله یا غیره میکنم واجب تقرب بخدا بعد از احرام نماز

بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند و برکوع رود و تا پنج مرتبه

مرتبه پنجم بعد سجود رود و باز برخاسته همان قسم بعد از حمد هر

سوره که خواهد بخواند تا مرتبه پنجم قنوت خواند و برکوع و

سجود رود و سلام دهد و اگر نماز زلزله باشد بعد از حمد سوره

اذا از زلزله خواندن لازمست دعای سرزاشت چهارشنبه

سوری بقول اصح آنست که اول وضو سازد بعد ازان

غسل کند و در رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد از

حمد سوره توحید بخواند و سلام دهد و صد مرتبه تسبیح

اربعه بخواند در روی قبله نشیند و این دعا که نوشته

میشود بخواند بعد ازان اذکار نصر الله و الفتح بخواند و شروع

در سرزاشیدن نماز و در اثنای سرزاشیدن نیز این دعا

بخواند اگر در طلوع آفتاب سرزا تمام شده باشد دعا بخواند

بهتر خواهد بود و اگر برای روزی و ترقی دولت بخواهد

بود دو سر را بمشک و زعفران و گلاب تر کرده بخواند

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم لا

تخرجني الى اشرار الناس وارزقني
مالا كثيرا وعمرا طويلا ورزقا صحيحا
لا وبال فيه بحق التوراة والانجيل
والزبور والقران العظيم وبحق جميع
الملائكة المقربين والانبياء
المرسلين اللهم اعطني بكل شعر
تخلق من راسي نورا يوم القيمة
وزينني بالتقوى وجنبني عن الردى
وارزقني الحج والعمرة يا ارحم الراحمين

بعد از نماز صبح دست برداشته بخواند و بر روی مالد و مواظبت
نماید وسعت عظیم بهم رسد و محبوب دلها گردد و برکاریکه

اقدام نماید آسان گردد و کسی را امکان معاینه او نماند

دعا اینست اَلْبَاسِطُ الَّذِي تَبْسُطُ الرِّزْقَ

لِمَنْ تَشَاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَبْسُطَ رِزْقِي وَتُغْنِيَنِي

عَنْ مَخْلُوقِكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بدانکه در روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان این حرز را

باید نوشت و با خود باید داشت هر که این حرز را بنو

و با خود دارد تا ماه مبارک رمضان آینده در امان خدا

باشد و وقت نوشتن این حرز بعد از نماز جمعه است

تا غروب شدن آفتاب و حرز معظم و مکرم اینست

بسم الله الرحمن الرحیم لا الاه الا انت یا الله یا محیط

به علمك كه ل رحمن هون بالحق انزلناه و

بالحق نزل ارسلناك الا رحمة لهيعص حمعسق والله

خير احافظا وهو ارحم الراحمين تخم مصور نوجه حنيث ستت

فالك الله محمد علي فاطمه الحسن الحسين علي محمد جعفر موسي علي

محمد علي الحسن مهدي الخط مطوت روح اباتراب اباتراب

اباتراب ههه آآآم ١١١١ ١١١ ١١١

آآآم بسم الله الرحمن الرحيم ولو ان قرانا سيرت

به الجبال او قطعت به الارض او كلم به الموتى بل لله

الامر جميعا ه آآآم ١١١١ اما بايد كه اين حرز فرمايد

سطر نوشته شود جهت توسعه رزق وگشايش كارها

بسم الله الرحمن الرحيم يا الله الرقيب الرؤف الرحمن الرحيم

يا الله الحي القيوم يا مسبب الاسباب يا منفتح الابواب

افتح لي العبد الذليل فلان نام آن شخص را بنويس ابواب

فضلك وابواب رحمتك وابواب رزقك و

وابواب خيرك وابواب كرامتك وابواب نعمتك

وابواب سعادتك وابواب سلامتك وابواب

عطيتك وابواب رفعتك وابواب بركاتك و

ابواب منك وابواب احسانك وابواب

مرضاتك وابواب غفرانك وابواب الجنة

اللهم نكفل برزق كل دابة انت اخذ بناصيتها ان

ربي على صراط مستقيم وما افضل من اعطى وما اكثر

من ادعى اللهم اني اسئلك بمحمد وآله وبجميع المومنين

والمومنات

والمومنات برحمتک یا ارحم الراحمین اما باید که بر کاغذ زرد

نوشت و با خود نگاهدارد است این دعا را هر روز ده بار بخواند بهوشه

کارهای او گشاده گردد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله حسبی الله

توکلت علی الله امنت بالله و اعتصمت بالله و فوضت

امری الی الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بعد از نماز

صبح چهار صد مرتبه بجهار طرف خود یعنی مشرق و مغرب و جنوب

و شمال هر طرف صد مرتبه یا رزاق بخواند غنی شود و از وحشت

مهمات کلا دوازده هزار مرتبه بیکه مجلس بخواند هم دران

هفته مقصود حاصل شود و در بعضی نسخه هزار و دو صد مرتبه

نیز نگفته اند امن یجیب المضطر اذا دعاه

این برای کفایت مهمات و برآمدن حاجات و دفع دشمنان

این کلمه را صد و هفتاد و پنج بار بخواند که صیغه آن و اگر نتواند کلمه

حق را بر دو ضم کند و هر دو کلمه را دو هزار پنجاه مرتبه بیک

مجلس بخواند مراد است بزودی برآید ان شاء الله تعالی

جهت مال و نعمت هر که بعد از نماز عصر این نامهای نیز کوار

را صد نوبت بخواند حق سبحانه و تعالی او را چندان مال

بخشد که حساب آن نداند و هر روز زیاده شود اسمای

معظم و مکرم اینست یا الله یا فتاح یا وهاب یا قادر

یا رزاق یا غنی یا عزیز یا الله از هر شدان لبنا ربه بنده

تاکید شده است باید هر گاه تنگی بهم رسد بقصد زیارت

آمدن در مقامی که بدنیا مشغول نشوند و خلوت باشد

بنشیند و صد مرتبه جلواة بخواند و صد مرتبه انیه الکرسی را

بخواند

308

بخواند اول و آخر تا خالدون و باقی تا علی العظیم و آخر هم صلوة

سه مرتبه بخواند که البته در بین خواندن وسعت بهم رسد و

بعد ازین اگر همیشه مداومت باین نحو نشود هرگز در نماند کی

نمی باید ختم تا چهل روز است نقل من خط حکیم عبد الغفور

خاصیت اسم اول

خاصیت اسم دویم اگر خواهند که دشمن را هلاک کن باید که روز

یکشنبه اندک موم گرفته این اسم را دو صد و بیست پنج بار

بر ان موم بخواند و آن موم را صبور نی نبرد و در میان طشت

بدارد یک سنج از جاروب بگیرد و این اسم دو صد و بیست

پنج بار بر آن موم که صورت ساخته و آن سنج جاروب بخواند

در میان طشت بگذارد و سنج جاروب را نیز کمان ساخته

و نصف آن سنج را نیز ساخته و میکان آن تیر را نیز ساخته

و بر نیز یکصد و نه مرتبه اسم را خواند و بصورت و مدو تیر را

بزند اگر خواهند رود بمیرد در میان شکم او زند یک ساعت

نگذرد که بمیرد و اگر خواهد که تصدیع بمیرد بر پا بر داشت او بزند

و باید که این صورت واقعه نیز بمکوش خود دنگاه دارد

اسم دویم اینست نیل الصالو موکل این اسم

یا قادر یا اثر افعل هفت بار و هفت بار سوره

تمکاثر بخواند خاصیت اسم سیوم اگر خواهد که چهار علم

حاصل کند کیمیا و صیمیا و لیمیا و اسمیا بخواند تا چهل روز

ناغه نکند همه روز چهار آدمی بیاید و بگویند که ما را این چهار

علم موسی کلیم هر که را ازین چهار علم خواهی یقین نما اول

اسم کیمیا تعین کرده اند و سه اسامی را بر سیمیا و غیره

تعین نموده اند و بعد از چهل روز یکی ازین اسامی را بخواند

تا همان اسم را یاد کند آن صورت آدمیان که رفته اند

بیایند و بگویند که حاجت تو چیست بگو تا فرمان بردار تو

باشم مطلع او هفت بار اول هفت بار آخر سوره

تمکاثر بخواند خاصیت اسم هفتم چیزی تماشا به بیند روز

جمعه غسل کند و جامه پاک پوشد و میان کور ستّ

رود و در میان دو قبر کعبه بنشیند و اسم هفتم را بخوا

چهار بار بخواند و بر خود دمد تا حصار او شود و هیچ بلا و

با او نرسد مسخر و مطیع او باشد و بعد از خواندن یک جو

پیدا شود بصورت آفتاب و مهتاب بیاید و بگو

مقصود تو چیست مقصود را بگوید مهم بکفایت رسد

عن ان یذل یا قریب یا انیل هفت بار ا

و هفت بار آخر سوره مستأثر بخوانند خواص اسم هشت

هشت روز هر صد مرتبه هر روز بخواند هشتم روز یک

کس پیدا شود بصورت عورت هفتاد ساله و با او

گوید که ای مرد از خدای تعالی چه میخواهی در حال او از

هر صباح که دعا را حصار کنند هیچ بلا بر ایشان نازل نشود هفت بار بخوانند

310

و با او سخن نکن بکار خود مشغول باشد بعد یک ساعت

ان صورت رفته بصورت طفل شده باز بگوید بخواه چه میخواهی

بعد از ان بگوید هر مطلب که دارد با نگوید و بگوید که خدا را بهمه چیز

انگاهست چیزی دیگر بخواه که مطلب صورت گرفته نمیشاهده

محمدی برساند و طالب بمطلوب رسد اسم هاشم است

طارص میقت یا اسرافیل یا انائیل هفت بار اول و هفت

آخر مکاثر بخواند انا انزلناه بخواند نیز خواص اسم نهم انچه در

چشم پیدا شود معلوم کن این اسم را صد مرتبه بخواند بکبریتی

پیدا شود و هیبت ناک باید که خود را حصار کن و از وی

ترسد دل قوی دارد و آن بسخن در آید بگوید که ای مرد

هر وقت که ترا شکل پیدا شود مرا یاد کن و اسم را بخواند

تا همان وقت بیایم و هر چه دعای تو باشد حاضر کنم اسم

اینست مسخل طارص یا الله یا مرائیل و سوره انا

انزلناه در اول و آخر چهارده مرتبه بخواند خواص اسم دهم

اگر یک ده مرتبه بخواند آنچه طلسمات باشد بر وی عیان

شود بفرمان خدا تعالی اسم اینست نادمه آن یا

سرنائیل هفتاد بار اول و آخر سوره انا انزلناه بخواند

خاصیت اسم یازدهم اگر خواهد که خود بخود نمایشها بیند

چنانچه هست باید که هفت روز روزه بدارد و هر چه قلیل

کثیر باشد اختیار نکند یعنی آنچه از آتش پخته شود و طعا

بکند بعد برخیزد و روی شسته این اسم را با نصد مرتبه بخوا

بفرمان خدا تعالی مشاهده نمایند در حال بیرون آید هفت

صورت پیش دست بسته ایستاده شود و فرار بگیرد

تا آنکه زنده باشد از نظر او دور نشود و هر مشکل و مهمی که پیش آید

بآن صورت عرض کند آن صورت آخر نماند یا اگر فهم

علم باشد هر روز دو مرتبه بخواند بفرمان خدا تعالی آنچه یاد گرفته

باشد هرگز فراموش نکند و اگر مرد عیری باشد هرگز بر عورت

او قادر نشود و این اسم را نوشته در موم کرده در وقت جماع

در برگ تنبولی به پیچد و مرد در دهن کرده تا آنکه بیرون نکند

از آن نشود و باز هر که این اسم را چهل بار عدام بخواند پیش از بر

آمدن آفتاب هر که او را بیند دوست دارد و در نظر مردم بهیبت

باشد و اگر شمشیر کرده بکس با او برابر نتواند شد و از دیدن

او بگریزند و اگر خواهند که دشمن را هلاک کند روز یکشنبه وقت

برآمدن آفتاب اندک آرد گندم بگیرد بیضه مرده در شیر

انداخته جمع کند و صورت آدمی سازد میان طبق

شعالی از آب بنشاند و یک سیخ حارو ب بگیرد و آن همان سیخ

نیز کان راست کند و پیکان تیز بسازد اگر خواهد در زود

هلاک شود بر جگر وی زند فی الحال هلاک شود بسم الله

الضالوم هیلع بیضغمک ریغم هیلع

تمن انیدِ الاطارص می قتسمل طارص

الاندِ هانوعتس کایاءِ ودبغ کایاءِ

نیدِ می کلیم میح الرنیمح الرنیملاعل

بر هلالِ دم حل رفع سرعت انزال با چه

کاغذ بنویسد و در دهان نگاهدارد ما دام که بیرون نیارد

انزال

از آن نشود ع ۹۱۱ ط ح ع ۹۱۱ ط ط و جهة

312

دفع محبت هفت عدد بونا کرده بخوانند و بدمد بکوکه بوکند

مطیع شود بسم الله الرحمن الرحیم

ولقد فتنا سلیمان والقینا علی

کرسیه جسدا ثم اناب اسناد بیست

و یکنام مار بتعالی جل جلاله و عم نواله هر که خواهد بخواند یا با خود

دارد از بیست و چهار امن باشد اول آنکه بهر درد بخواند نیکو شود

دویم آنکه بر دیوانه بخواند به شود سیوم آنکه بر رده بخواند نیکو شود

چهارم آنکه بر زن حامله بخواند بزودی خلاص شود پنجم آنکه اگر

زنی را شیر کم شده باشد این نامها را بشوید و بخورد شیرش زیاده

شود ششم هر که در وقت حرب بخواند یا با خود دارد هیچ چیز کشته

۷ نشود هفتم انکه اگر پیاده بر پای خود بندد هر چند که راه رود نماند

۸ نشود هشتم هر که بر بازو بندد خطا نکند نیز او نهم بخیت

۹ سبز زاین نامها نوشته در کوزه آب اندازد و بر بام نهد

۱۰ تا ستارگان بر دمکند بردو چون روز شود چهل دیگبار سوره اخلاص

برادو بخواند و بر دو بدمد و آب را بخورد و از ان موضع سبز

۱۱ بماله بحکم خدا تعالی او سبز رنگ بگذارد و غریبان عزوجل

اگر با مشک و زعفران نوشته و بشویند و کنک بخورد نیز

۱۲ گویا شود اگر بر سر مه خوانند و بر چشم کشند کوری دور کند

۱۳ اگر بر بان هر هر بخوانند و بر خود دارد

جماع کند ماده نشود ۱۴ اگر بر تاج هر هر بخوانند و با خود دارد

هیچکس بر او طفر نیابد ۱۵ اگر بر چشم راست هر هر بخوان

و با خود دارد در دل همه کس عزیز

و محترم باشد ۱۵ اگر بپیچال

هدهد به خواند و در قبیله دشمن

افکند میان ایشان عداوت

۱۶ افتد اگر بر کف هدهد بخوانند جادوی بود

کار نکند ۱۷ اگر بر ناخن هدهد بخوانند زنانی را که فرزند نشود

بخود بگیرد و چون مرد بادی مجامعت کند حمل گیرد ۱۸ اگر بر سر هدهد

بخوانند و بسوزانند و خاکستر او در آب اندازند و از آن آب هر کس

بخورد عاشق او شود ۱۹ چون کسی را حاجتی باشد این نامها را

بنام او بخوانند و بر خود دارد حاجت خواهند البته

روا کرده شود ۲۰ اگر کسی را چیزی گم شده باشد یا بنده گریخته باشد

این اسمارا به نیت کم شده نخوانند بشک نیاید اگر تمام بیمار بمشک و عوان

و کلاب نوشته بنوشید و بخورون بیمار دهد ان شاء الله بیمار به شود و لعون الله تعالی

بِسْمِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ يَا اِلٰهَ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ

يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا خَالِقُ

يَا رَبُّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ هُوَ

اِلَّا هُوَ يَا مَنْ يَعْلَمُ اَحَدٌ كَيْفَ هُوَ اِلَّا هُوَ

يَا مَنْ لَا يَدْرِيْ اَحَدٌ كَيْفَ هُوَ يَا مَنْ

لَا هُوَ اِلَّا هُوَ يَا هُوَ وَلَا هُوَ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ

كَمَا هُوَ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَدْرِيْ بِرَ الْاَمْرِ اِلَّا هُوَ

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ اِلَّا هُوَ هُوَ اللّٰهُ

الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ اٰمِيْن

اللّٰهُ

اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ وَغَبَتِ الْوُجُوْهُ
لِلْحَیِّ الْقَیُّوْمِ وَاِلٰهُکُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ
الْقَیُّوْمُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ یَا مَنْ هُوَ یَا هُوَ
وَلَا هُوَ وَلَا یَعْلَمُ اَحَدٌ کَیْفَ هُوَ اِلَّا هُوَ یَا مَنْ اَ
بَیْنَ الْکَافِ وَالنُّوْنِ اِنَّمَا اِذَا اَرَادَ شَیْئًا اَنْ
یَقُوْلَ لَهٗ کُنْ فَیَکُوْنُ فَسُبْحَانَ الَّذِیْ بِیَدِهٖ مَلَکُوْتُ
کُلِّ شَیْءٍ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ یَا هُوَ یَا مَنْ هُوَ
اِلَّا هُوَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی خَیْرِ خَلْقِهٖ
مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ اَجْمَعِیْنَ یَا غَفُوْرُ یَا غَفُوْرُ
یَا غَفُوْرُ یَا کَرِیْمُ یَا ذَا الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ بِرَحْمَتِكَ وَکَرَمِكَ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ

جهت برآمدن مطلب شب جمعه وجهت برآمدن حاجات

مشهور عمه هزار دیک مرتبه بخواند جمیع مطالب او حاصل گردد

اَللّٰهُمَّ يَا لَطِيفُ أَدْرِكْنِي بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ أَنَا

مُحْتَاجٌ ذَلِيلٌ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَزِيزٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا قَاهِرُ ذَا الْبَطْشِ

الشَّدِيدِ أَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ

خاصیت اسم یا قاهر انست واسطه محبت مرد واسطه

بغض وکینه دو واسطه زبان بندی خواه مرد وخواه عورت

وکسی را دوست خود کردن واین اسم بسیار اعظم است

واز این اسم ستاره ها و ملایک هاد هفت کوکب واردا

الخ

الجن والانس وحیوان همه از برکت این اسم اند کذا

واین نوشته بر عنبالی ملک الموت پیدا شده اگر خواهی که

تجربه کنی از خدا بترس وروزه بگیر و وباک بسیار سخن نگوید و بسیار

بخواند این اسم را در دل بخواند این اسم که خدا تعالی دولت

وسعادت وسرانجام دولت از برکت اسم اگر خواهی بخوانی

در جای پاک وخلوت باشد هر دو انگشت در هر دو گوش

بکند واعتقاد بار بخواند این اسم را بخواند باد از بلند وقتی که

تمام نمود بر دشمن بدمد و بگوید و بخواند عَفَدْتُ آلَهَتَكُمْ

وَآرْجُلَكُمْ بِإِذْنِ اللهِ تَعَالَى دوستمن بی باشود و

خراب شود واگر خواهی میان دو کس اصلاح نباشد بخواند

اَصْلَحْتُ بَيْنَكُمْ بِإِذْنِ اللهِ تَعَالَى وفساد بصلح مبدل شود

اگر خواهی ظالمی را هلاک بکنی هفت روز هر روز هفت

هزار مرتبه بخواند این اسم را در خانه خالی و صورت آن ظالم

را بکش سرخی و بزن آن صورت را بسیاهی بعد هفت

روز آن ظالم هلاک شود اگر خواهی که آن ظالم به آزار باشد

نقش صورت بزردی بکش و بزن بسیاهی آن ظالم

مریض پیدا شود اگر خواهی که را دوست خود گردانی این

اسم را بمشک و زعفران در ساعت سعد و در پوستین

بخور بسوزد و دفن بکند در خانه خود و این اسم بخواند هر روز

بیست و پنج مرتبه اگر حاضر باشد بدید او اگر غایب باشد تیز

بدید طرف خانه او محبت عظیم پیدا شود اگر خواهی برای

زبان بندی بنویسد بر کاغذ حطائی یا حریری نوشته در گوش

خود نگذارد و زیان جمیع خلق بسته شود اگر خواهی این اسم نوشته

بر کاغذ و در دهن کلاغ مرده کلاغ را دفن کند در زمین نمناک و شمش

از جمیع تفرقه هلاک شود بجهت محبت بستاند تخم تره سیاه

و این طلسم را بر نویسد و بکل کبود و در آتش اندازد

از برای هر که خواهد آزموده است و طلسم اینست

ی ا ا ط ه و ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ط ا م ا ا ا ط ط ه ه ع

ا ی ا ه ه ا ا ا ا م ط ه ع

اعانت ملک سرهما ه ا ا ا ا ا ا ا ا ه ه ع الساعه الساعه

العجل العجل الوحا الوحا فلان ابن فلان علی حسب فلان ابن فلان

ن طلسم را بر کف دست راست نویسد بمشک و زعفران

نه خالی بنشیند چهار ملک بیایند و بگویند چه میخواهی

هرچه میخواهی بدهند طلسم اینست طوسل طوسل طباطبل

جماص ص ص ص ص صلوه و سعدت و اسطام اعجلو

خاصیت اسم مهم آنست که اگر کسی چهل روز هر روز مرتبه بخواند

وحیوانی نخورد جماعتی از ارواح بیایند و هر حاجتی داشته باشند

روا کنند و اگر خواهند که بر جماعت دشمن بیازماید لوحی بسازد

از زر و نیم مثقال سرب و نام حصان را بران لوح نقش کند

و دعا را نیز نقش کند و در شکم ماهی نهد و در زمین نمناک

دفن کند تا بدرک روزی همه دشمنان دوست شوند دعائی معظم

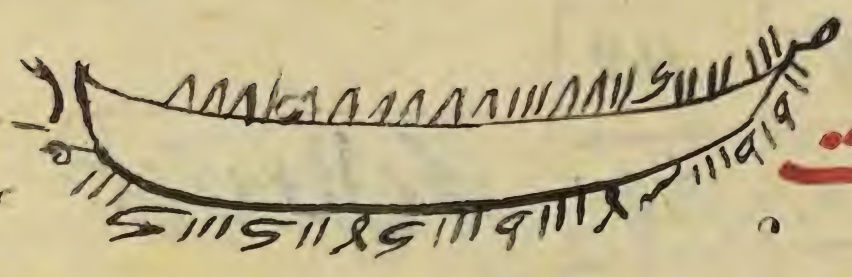
اینست یَا بَازُ قَلَا کُلِّ شَیْءٍ کُفُوم یَدَاهُ

وَلَا اِنْ کَانَ لِوَصْفِهِ الحب سبوسین ربعل

اسب خود را آتش انداز مطلوب بیقرار کرده و طلسم معظم

اینست

اینست این عزیمت را بنویسید بطلا یا نقره نقش کند

نقش منعظم اینست 

بسم الله الرحمن الرحیم اوراد هفته ماثوره از حضرت امام

محمد باقر منقولست که هر که این اسامی را در عرض یک

هفته بخواند جمیع مرادات مشروعه حاصل گردد و در هیچ

بلیه گرفتار نشود و از روز شنبه شروع کند همین نوع روز

شنبه هزار مرتبه بخواند یا رب العالمین روز یکشنبه

هزار مرتبه بخواند یا ذو الجلال والاکرام روز دوشنبه هزار

مرتبه بخواند یا قاضی الحاجات روز سه شنبه هزار مرتبه

بخواند یا ارحم الراحمین روز چهارشنبه هزار مرتبه بخواند

لا اله الا الله الملک الحق المبین روز پنجشنبه هزار مرتبه

بخواند یا حی یا قیوم روز جمعه هزار مرتبه بخواند اللهم صل

لا الہ	الا اللہ	محمد	رسول اللہ
۹۷	۵۲	۴۱۴	۳۲۴
ولا الہ	و ۹	۳۲۳	۱۱۴۵
درسرا	الا اللہ	لا الہ	۳۶۴
مدعہ	۳	سرح ا	۱۴۱

علی محمد وآل محمد

یا جبرئیل یا میکائیل یا اسرافیل یا عزرائیل یا جبرئیل این

اسمہا را بر ناخنہای دست راست بنویسد و سورہ والشمس

را در مشک کرفتہ رو بقبلہ بخواند بسم اللہ الرحمن الرحیم

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا

وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَسُلَيْمٰنَ

وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ

وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ

عِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ وَإِسْمٰعِيلَ

وَالْيَسَ

وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعٰلَمِينَ

وَمِنْ اٰبَائِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ وَاِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنٰهُمْ وَ

هَدَيْنٰاهُمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ يَا عَلِيُّ يَا قَوِيُّ يَا وَفِيُّ يَا مَلِيُّ

این آیه کریمه را یک مجلس دوازده هزار مرتبه بخوانند

برای مطلب شریفه انشاء الله تعالی مدعا حاصل شود

آیه انیت اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَ

يَكْشِفُ السُّوْٓءَ بسند صحیح منقول است از برای مهمی یا کسی در قید

حاکم ظالم محبوس باشد و بهیچ نوع خلاصی نباشد باید که این

دعا را با وضو هزار بار بخواند و هر مرتبه که بخواند یک خط بدست

خود بر زمین بکشد تا که هزار مرتبه تمام شود بعد از ان دست

بر خطها کشیده کار بمدعا برسد دعاء انیت اول بسم الله

بخواند اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ بِفَضْلِكَ مَاوَهَّابُ از حضرت

• ائمه علیهم السلام منقول است که هر که این دعا را در سجده شکر

سه نوبت بخواند البته هرگز محتاج نشود اَللّٰهُمَّ احْفَظْ

لِسَانِي مِنَ السُّؤَالِ عَنْ غَيْرِكَ كَمَا حَفِظْتَ وَجْهِي

مِنَ السُّجُودِ لِغَيْرِكَ منقول است که هر گاه که

شب خواب بیند خواه بد و خواه نیک صبح که بیدار شود قبل

از آنکه آن خواب بکسی گوید این دعا بخواند که اگر بد باشد

بخیر مبدل گردد و بعد از آن اگر بکسی گوید بنقص

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَعُوذُ بِرَبِّ

وَاِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفّٰى وَبِمُحَمَّدٍ الْمُصْ

مِنْ شَرِّ هٰذِهِ الرُّؤْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا

مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ مَا فِيهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

تسخیر اسم یا اله الالهه بدین طریق است که اسرافیل

بحق یا شموطیتا یا اله الالهة الرفیع

جله له یا اله

در شب جمعه شروع کند یکهزار و یکصد و یازده بار بخواند و از

حیوانات پرهیز کند همچنین تا چهل شب و اگر نتواند از حرام پرهیز

کند این قدر مال و دنیا بهرساند که نهایت نداشته باشد

همه کس او را دوست دارند اگر کسی را سگ دیوانه گزیده

باشد سر کین موش بند فی الحال زهر فرو آید گور موش

بسوزد و زخم مار گزیده مالد در زمان بهتر شود و نوعی دیگر بنج کندی

آتش کند با شیر گاو و مالش گزیده را بدهد بهتر شود و چوب

بید انجیر را در وقت که سگ با سگ قفل بند شده باشد

بر بر دوسک بزند بعده سوزانده خاکستر ویرا باساس

خود خمیر کرده حب سازد و نگهداشته بوقتی یکی را بر تن مطلوب

زنی محب کرده الحب یحب صحیح است باید که عدد

طالب و مطلوب معه ما درین و عدد موکل حرف طالب

مطلوب و عدد بروج ها و عدد موکل برج ها و عدد ستاره و عدد

موکل ستاره و عدد مزاج و عدد موکل مزاج و عدد طرف

بروج و عدد روز و عدد حرف سه گان که بهر برج مقرر

است همه را جمع کرده یکصد و بست طرح بدهد باقی را اعتبار

حصه نماید در مربع ترکیب ارجانه محبت تعویذ در شیشه

نهد و بست یکدانه مروارید با شفته و بست یکدانه مرجان

سیاه و بست و یکدانه سرخ زرد بر هر دانه ثبت و یکبار

بخانه

بخواند یا مقلب القلوب والابصار اهیا شراهیا

در شیشه کرده بران شهد داخل نموده زیر آتش نیز دفن

کند محبت پیدا شود لاکن دهن از کل سند نموده و مهر طلب

کرده دفن کرده و چهار پنج انگشت کل بالا باشد کر از آتش نکنت

نشود و آتش محکم همه وقت سوزان باشد نقش این است

۹	۱۶	۲	۷
۶	۳	۱۳	۱۲
۱۵	۱۰	۸	۱
۴	۵	۱۱	۱۴

استناد او اره کردن عدو و ادای قرض و شفای

بمارد حصول حوایج کلی وطلب بزرگی وتوانگری ۳۳۳۳

نا بخواند ذکر تواند بیک مجلس خواند والا بانچه تواند

فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ۷۸۶ تعویذ اساک

باید که در وقت سوج کهن کرنام شود در میان اب روان که از

ناف بالا باشد استاده شده رخ خود طرف آفتاب کرده از مشک

وزعفران وکلاب وسیاهه در یک نفس بجیلا آهو که از ناف باشد

دهولنه کرده موم جامه نموده در چرم بزی دوخته در لسبان موی

از دم شتر بچه که گاهی تر اشیده نشده باشد دوخته بر کمر زن

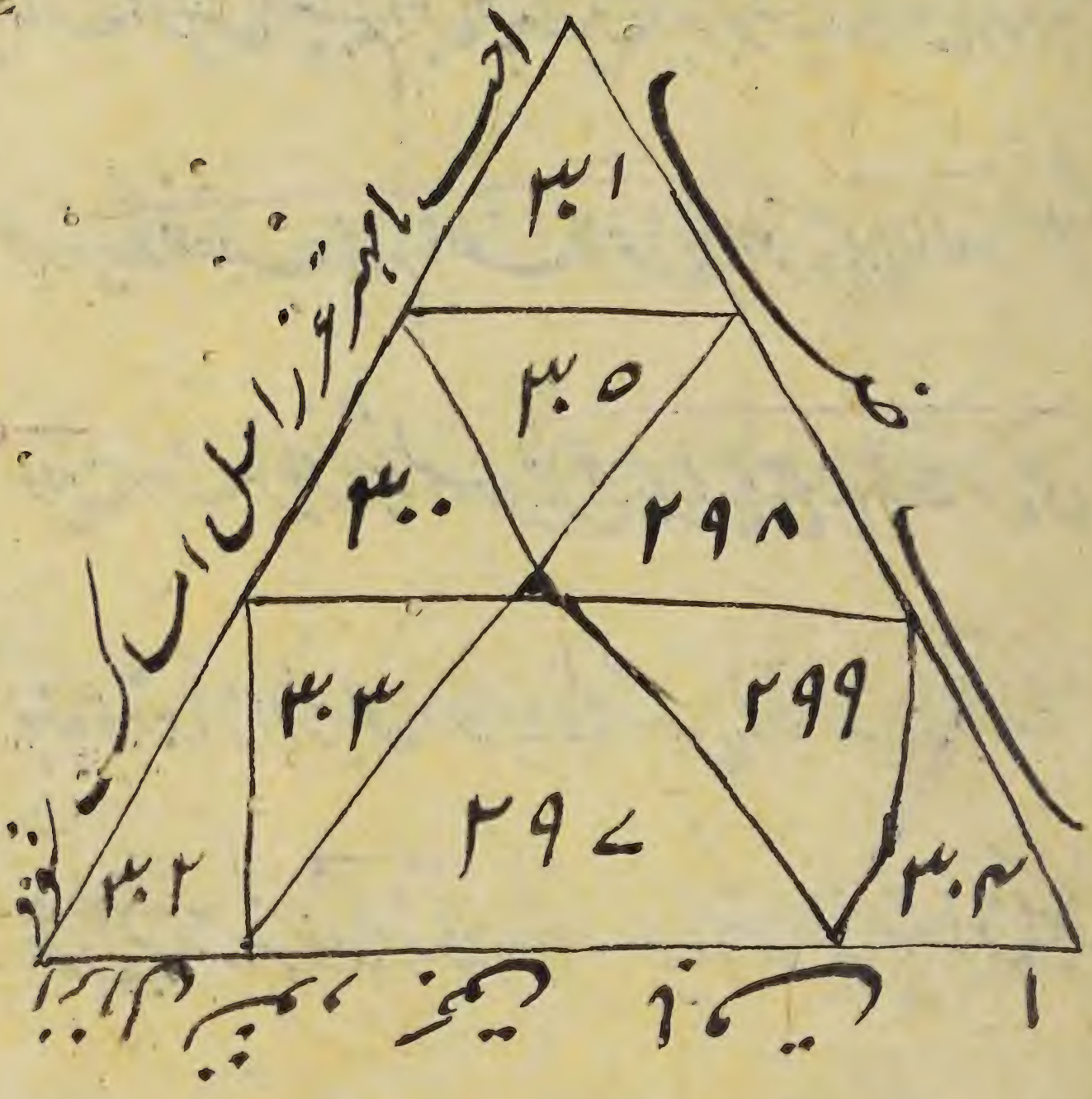
هر دو جانب ببندد تا که جدا نکند از ان نشود انصاب جغیرشت لکهه نازده

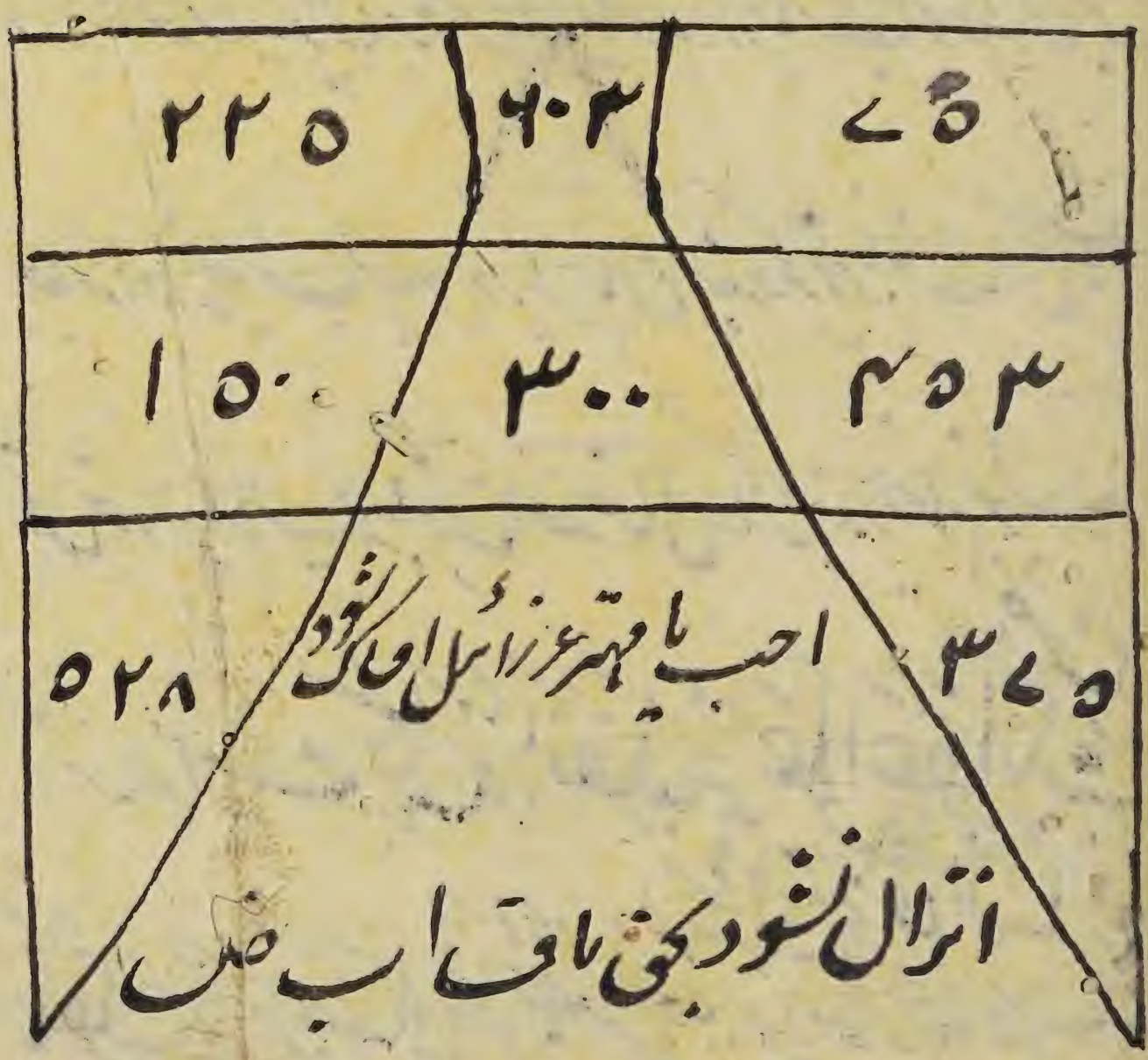
هزار چهار صد و نهه مرتبه احب یا مهر غزائیل بحق یا قابض ارواح

حیوانی ترک کرده هر روز میخوانده باشد تا انصاب تمام شود

بعده و

عدد وظیفه نهصد و سه بار تعویذ این است





قوله تعالی وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افائن

مات او قتل انقلبتم این چندین آیه بنویسد ورق آهو و بان

بنویسد الصلب یادم بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

و این حرف نیز بان بنویسد هج هج هج لج لج هج هج لحطاس هی

و بیاویزد آنرا از میان دو ابروی کسی که عارف داشته باشد

خون بسته شود و اگر زنی باشد که او را استحاضه باشد این آیه را

در رقعه نویسد یکی بر دهن او بیاویزد از جانب چپ و دیگری بر

جامه او از جانب پس و دیگر چنان بندد که بر بالف آن باشد

آن خون باز ایستد باذن الله تعالی و اگر آیه را تمام بنویسد

و تمه او ایست کلمة انقلبتم علی اعقابکم و من

ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الشاکرین

و اسماء جهار رشته

نور

مقرب یعنی اسرافیل و جبرئیل و میکائیل و عزرائیل بر اطراف

آن بنویسد هر کس آنرا با خود دارد مقبول القول گردد از شر جن

و انس محفوظ باشد اگر این آیه را نقش کنند بر خاتمی از آهن در

ساعت شمس از روز دوشنبه بوقتی که قمر در شرف و قمر زاید النور

بود هر کس این خاتم را در انگشت نماید هر خصمی که در آن مناظره و فتنه طلبیده باشد آن

طلبه باطل گردد و تاثیر نکند و اگر آن اشارت بصروع کنند بهوش آید و اگر آن خاتم را بر موم

زنند آن موم را بخورد کند در بر دامن متخاصمه آن مرض زایل شود و اگر این آیه را بر جامی نویسد

که مشغول است سحر ایشان کار نکند اگر این آیه را بر دیوار خانه نویسند مار در آن خانه نماند

قوله تعالی ثم انزل علیکم من بعد الغم امنة نعاسا یغشی طائفة منکم و طائفة قد اهمتهم انفسهم

علیم بذات الصدور اگر کسی را امری صعب پیش آید چهل روز هر روز چهل نوبت این آیه را

بخواند آن مهم کفایت شود اگر بسته دارد هر روز نوزده بار بخواند از همه علتها خلاص شود اگر به

نیت تو نکری هر روز ده بار بخواند تو نگردد و اگر بحبس نفس و اهل عیال هر روز پنجبار بخواند مطلوب حاصل

خود و اگر در مقابل دشمن بخواند مقهور گردد هر چند دشمن قوی بود اگر بحبس دم در روز هفت بار بخواند نافع باشد

و اگر بنویسد و بر گردن اسب ببندد که او را خیام باشد زایل گردد و قضای حوایج طریق خواندن

سوره الحمد بدستوری که مذکور می شود برای هر مطلب که بخواند بفضل الهی مطلب حاصل

می شود روز یکشنبه بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین یکصد و بیست مرتبه

روز دوشنبه الرحمن الرحیم یکصد و پنجاه شش مرتبه روز سه شنبه مالک یوم الدین دو صد و پانزده

مرتبه روز چهارشنبه ایاک نعبد و ایاک نستعین شصت و سه و شش مرتبه روز پنجشنبه اهدنا الصراط المستقیم

یکهزار و چهل مرتبه روز جمعه صراط الذین انعمت علیهم یکهزار و شصت و شش مرتبه روز شنبه غیر المغضوب علیهم و لا الضالین سی مرتبه

طریق ختم سوره فاتحه الکتاب لحصول المطالب و هو من المجربات فاتک بعد صبح هم یک تلاطم و دو یک بلوط مغز بها و عسر عقب غنا نهاده و ادوی برای دفع بواسیر از مجربات نویشته هارچه کاغذ را

در موم کافوری کرده هر روز تا تشتا هفت روز بخورد و شفا یابد بالله تعالی شکی نیست

۱۱ اصلاط ع ۱۱ اط ط ۱۱ درکشته نشسته باشد و باد نباشد نوشته

اول

بر دو دل چهار رباعی نیز دو باد مراد بوزد ابیت بوسین ستض

مرویست از ابو امام بحق ناطق حضرت امام جعفر صادق ع

جهت طول عمر در رکعت هر نماز باید خواند قل اول صلوات

بر محمد و آل محمد باید فرستاد و بعد از آن اینده را باید خواند دعا

اَللّٰهُمَّ اِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ
الْاَمِينَ الْمُتَصَدَّقَ وَصَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهِ قَالَ اِنَّكَ قُلْتَ
شَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ مَا تَرَدَّدْتُ
فِي شَيْءٍ اَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ
رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ
وَاَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِوَلِيِّكَ

الفرج والنصر والعافية والمعافا
في الدين والدنيا والاخرة ولا
تسوءني في نفسي واهلي وولدي
وفي احد ممن اجبتي وصلى الله
على محمد واله الطاهرين

دعاي عديله بسم الله الرحمن الرحيم
شهد الله انه لا اله الا هو و
الملئكة واولوا العلم قائما
بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم
ان الدين عند الله الاسلام
وانا العبد الضعيف المذنب

العاصي

3294

الْعَاصِى الْفَقِيرُ الْحَقِيرُ الْمُحْتَاجُ
اَشْهَدُ وَاَنَا عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِيْنَ
لِمُنْعِمِىْ وَلِىِّ رِزْقِىْ وَخَالِقِىْ وَمُكْرِمِىْ
كَمَا شَهِدَ لِذَاتِهٖ وَشَهِدَتْ لَهٗ
الْمَلٰئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهٖ
بِاَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ذُو النِّعَمِ
وَالْاِحْسَانِ وَالْكَرَمِ وَالْاِمْتِنَانِ
قَادِرٌ اَزَلِىٌّ عَالِمٌ اَبَدِىٌّ حَىٌّ اَحَدِىٌّ
مَوْجُوْدٌ سَرْمَدِىٌّ سَمِيْعٌ بَصِيْرٌ مُرِيْدٌ
كَارِهٌ مُدْرِكٌ صَمَدِىٌّ يَسْتَحِقُّ
هٰذِهِ الصِّفَاتِ وَهُوَ عَلٰى

مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي غَيْرِ صِفَاتِهِ كَانَ
قَوِيًّا قَبْلَ وُجُودِ الْقُوَّةِ وَالْقُدْرَةِ
وَكَانَ عَلِيمًا قَبْلَ إِيجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ
لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا إِذْ لَا مَمْلَكَةَ
وَلَا مَالَ وَلَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا عَلَى جَمِيعِ
الْأَحْوَالِ وُجُودُهُ قَبْلَ الْقَبْلِ فِي الْأَزَلِ
الْأَزَالِ وَبَقَاؤُهُ بَعْدَ الْبَعْدِ مِنْ غَيْرِ
انْتِقَالٍ وَلَا زَوَالٍ غَنِيٌّ فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ
مُسْتَغْنٍ فِي الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ لَا جَوْرَ
فِي قَضِيَّتِهِ وَلَا مَيْلَ فِي مَشِيَّتِهِ وَلَا
ظُلْمَ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا مَهْرَبَ مِنْ حُكُومَتِهِ

وَلَا

وَلَا مَلْجَأَ مِنْ سَطَوَاتِهِ وَلَا مَنْجَى
مِنْ نِقْمَتِهِ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ
وَلَا يَقُوتُهُ أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ أَزَاحَ
الْعِلَلَ فِي التَّكْلِيفِ وَسَوَّى
التَّوْفِيقَ بَيْنَ الضَّعِيفِ وَالشَّرِيفِ
مَكَّنَ أَدَاءَ الْمَأْمُورِ وَسَهَّلَ سَبِيلَ
اجْتِنَابِ الْمَحْظُورِ لَمْ يُكَلِّفِ الطَّلْعَةَ
إِلَّا دُونَ الْوُمْنِعِ وَالطَّاقَةِ سُبْحَانَ
مَا أَبْيَنَ كَرَمَهُ وَأَعْلَى شَأْنَهُ
سُبْحَانَ مَا أَجَلَّ نَيْلَهُ وَأَعْظَمَ
إِحْسَانَهُ بَعَثَ لِأَبْنَاءِ الْبَنِينَ عَدْلَهُ

وَنَصَبَ الْاَوْصِيَآءَ لِيُظْهِرَ طَوْلَهٗ
وَفَضْلَهٗ وَجَعَلَنَا مِنْ اُمَّةٍ سَيِّدِ
الْاَنْبِيَآءِ وَخَيْرِ الْاَوْلِيَاءِ وَاَفْضَلِ
الْاَصْفِيَآءِ وَاَعْلَى الْاَزْكِيَاءِ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ اَمَنَّا بِهٖ
وَبِمَا دَعَانَا اِلَيْهِ وَبِالْقُرْاٰنِ الَّذِيْ
اَنْزَلَهٗ عَلَيْهِ وَبِوَصِيَّتِهِ الَّذِيْ
نَصَبَهٗ يَوْمَ الْقَدِيْرِ وَاَشَارَ اِلَيْهِ
بِقَوْلِهٖ هٰذَا عَلِيٌّ اَلَيْهِ وَاَشْهَدُ اَنَّ
الْاَئِمَّةَ الْاَبْرَارَ وَالْخُلَفَآءَ الْاَخْيَارَ
بَعْدَ الرَّسُوْلِ الْمُخْتَارِ عَلِيٌّ قَامِعُ

326

الكفار من بعده سبعين اولاده
الحسن ابن علي ثم اخوه السبط
التابع لمرضات الله الحسين
ثم العابد علي * ثم الباقر محمد
ثم الصادق جعفر * ثم الكاظم
موسى * ثم الرضا علي * ثم التقي
محمد * ثم النقي علي * ثم الزكي
العسكري * الحسن ثم الحلف
الحجة القائم المنتظر المهدي المرجى
الذي ببقائه بقيت الدنيا و
بيمنه رزق الورى وبوجوده

ثبتت الارض والسماء به بملاء الله
الارض قسطا وعدلا بعد ما ملئت
ظلما وجورا واشهد ان اقوالهم
حجة وامثالهم قريضة وطاعتهم
مفروضة ومودتهم لازمة
مقضية والاقتدا بهم منجية
ومخالفتهم مردية وانهم سادات
اهل الجنة اجمعين وشفعاء
يوم الدين وائمة اهل الارض
على اليقين وافضل الاوصيا
المرضيين واشهد ان الموت

327

حَقٌّ وَالْقَبْرَ حَقٌّ وَمَسَائَلَةَ مُنْكَرٍ
وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ
وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَ
الْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ
وَالْكِتَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ
وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ
لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي
الْقُبُورِ عَلَى ذَلِكَ أَحْيَا وَعَلَيْهِ
أَمُوتُ وَعَلَيْهِ أُبْعَثُ إِنْشَاءَ اللهُ
اللَّهُمَّ فَضْلِكَ رَجَائِي وَكَرَمِكَ
وَرَحْمَتِكَ وَعَفْوِكَ أَمَلِي

لَا عَمَلَ لِي أَسْتَحِقُّ بِهِ الْجَنَّةَ وَلَا طَاعَةَ
لِي أَسْتَوْجِبُ بِهَا الرِّضْوَانَ إِلَّا إِنِّي
أَعْتَقِدُ تَوْحِيدَكَ وَعَدْلَكَ
وَأَرْتَجِي إِحْسَانَكَ وَفَضْلَكَ
وَتَشَفَّعْتُ إِلَيْكَ بِالنَّبِيِّ وَآلِهِ مِنْ
أَحِبَّتِكَ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ ۞
وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۞ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَوْدَعْتُكَ
يَقِينِي هٰذَا وَثَبَاتَ دِينِي وَأَنْتَ
خَيْرُ مُسْتَوْدَعٍ وَقَدْ أَمَرْتَنَا بِحِفْظِ
الْوَدَائِعِ وَرَدِّهَا إِلَى صَاحِبِهَا
فَرُدَّهَا عَلَيَّ وَقْتَ حُضُورِ مَوْتِي

328

برحمتك يا ارحم الراحمين ويكويد
اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان
محمدا رسول الله واشهد ان عليا
ولي الله رضيت بالله ربا وبمحمد
صلى الله عليه واله نبيا وبالاسلام
دينا وبالقران كتابا * وبالكعبة
قبلة وبعلي اماما * وبالحسن *
والحسين * وعلي بن الحسين *
ومحمد الباقر * وجعفر الصادق *
وموسى الكاظم * وعلي بن
موسى الرضا * ومحمد الجواد *

وَعَلِيِّ الْهَادِيِّ وَالْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ
وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ بْنِ الْحَسَنِ
صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ هٰذَا
هٰذَا يَقِيْنٌ صَادِقٌ وَصَفَاءُ
خَاطِرٍ بِاللّٰهِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَوْدَعْتُكَ هٰذَا الْاِقْرَارَ
بِكَ وَبِالنَّبِيِّ وَبِالْاَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ وَاَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدَعٍ
وَقَدْ اَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ فَرُدَّهُ
عَلَيَّ فِي الْقَبْرِ مَسْئَلَةَ مُنْكَرٍ وَنَكِيْرٍ

٧ اَعِنِّيْ بِهِمْ اَوَّلًا وَهُمْ اَعْلَى بِهِمْ ثَانِيًا وَاكْفِنِيْ بِهِمْ اَوَّلًا وَهُمْ اَكْفَى بِهِمْ ثَانِيًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَ

صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ اَجْمَعِيْنَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

رَبِّ بِحَقِّ اَحْمَدٍ سَيِّدِنَا الْمُقَدَّمِ

مُقَرَّبٍ مُقَرَّبٍ مُنَجَّبٍ وَخَاتَمِ

ذِيْ شَرَفٍ مُشَرَّفٍ ذِيْ خَطَرٍ

مُخَطَّرٍ ذِيْ ظَفَرٍ مُظَفَّرٍ ذِيْ

كَرَمٍ مُكَرَّمٍ ثُمَّ بِشَحْنَةُ النَّجَفِ عَارِفٍ

بِسِرِّ مَنْ عَرَفَ قَائِلٍ قَوْلَ لَوْ كُشِفَ

قَاتِلِ كُلِّ ظَالِمٍ حَيْدَرَةٍ لُغَضْنَفَرٍ

صَاحِبِ حَوْضٍ كَوْثَرٍ شَافِعٍ

يَوْمَ مَحْشَرِ ثُمَّ يُظْهِرِ فَاطِمَهْ

الْحَسَنَيْنِ اَوَّلًا ثُمَّ عَلَى ثَانِيًا ثُمَّ

بِبَاقِرٍ كَذَا صَادِقِهِمْ وَكَاظِمِ

ثُمَّ عَلَى الرِّضَا ثُمَّ بِمَعْدِنِ التُّقَى

ثُمَّ نَقَاوَةِ النُّقَى بِالْحَسَنِ الْمُرْتَضَى

تَدَوَّةِ عَسْكَرِ الشَّرَفِ مَحَلِّ مُطَّهَّرِ

السَّلَفِ ثُمَّ بِحُجَّةِ الْخَلَفِ وَآرِثِهِمْ

وَقَائِمِ اَنْتَ تَحْمِلُ الْبَلَاءَ اَنْتَ تُقَبِّلُ

الدُّعَا اَنْتَ تُرَحِّمُ الْخَطَا يَا الْكَرِيمُ

الْمَكَارِمِ اَنْتَ مُحْسِنُ النِّعَمِ اِنَّكَ

وَاجِبُ الْكَرَمِ فَاعْفُ لَنَا مِنَ الْاِمَمِ

یا صَمَدی وَ راحِمی از حضرت امیرالمومنین

علیه السلام منقول است که هر که از ماهر روز این چهار صد را بخواند

خدا سبحانی او را سه خیر کرامت فرماید اول عمر طویل دیم مال و جمعیت بسیار

سیوم با ایمان از دنیا رفته بی حساب

به بهشت رود و صد این است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَرَّفَنِی نَفْسَهُ

وَ لَمْ یَتْرُکْنِی عَمْیَانَ الْقَلْبِ اَلْحَمْدُ

لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَنِی مِنْ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

اَلَّذِی جَعَلَ رِزْقِی فِی یَدِهِ وَ لَمْ

يجعله زرقا في ايدي الناس

الحمد لله الذي جعل ستر عورتي

ولم يفضحني بين الناس

بسم الله الرحمن الرحيم

روى عن امير المومنين علي عليه السلام انه من قرا

يداوه الدعا في كل صباح بعد اداء الفريضة لكل حاجة يصير

مقرونا بالاجابة ولو كان العالم مملوا من البلاء لا يصل

اليه وكان قاريه في نظر الخلايق مكرما معظما والعدو لا

يغلب عليه ولو قصده شخص آن يفعل سوا السنين

يعوذ الله بقبل الله تعالى من قاريه الف الف حسنة ويمحو

عنه الف الف سيئة ويسلم من الوبا والطاعون ويموت

الفجاة

الفجاة ويصيل اليه رزقه من حيث لا يحتسب ويخرج من

الدنيا بالايمان واذا خرج عن القبر يوم الصيحة جاء ملك

فوق راسه قايما مع البراق ويقعده عليه ويوصله الى الجنة وهذا

دعاء علي رسول الله صلى الله عليه وآله وكان يدعو به كل صباح

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ

تَبَلُّجِهِ وَسَرَّحَ قِطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ

بِغَيَاهِبِ تَلَجْلُجِهِ وَاَتْقَنَ صُنْعَ الْفَلَكِ

الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيْرِ تَبَرُّجِهِ وَتَسْعَشُعِ

ضِيَاءِ الشَّمْسِ بِنُوْرِ تَاَجُّجِهِ يَا مَنْ

دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِاَيَاتِهِ وَتَنَزَّهَ عَنْ

مجانسة مخلوقاته وجل عن ملاء
مة كيفياته يا من قرب من
خواطر الظنون وبعد عن
ملاحظة العيون وعلم بما كان
قبل ان يكون يا من ارقد
في مهاد امنه وامانه وايقظني
الى ما منحني به من منه واحسانه
وكف كف السوء عني ببسط
وسلطانه صل اللهم على الدليل
اليك في الليل الا ليل والماسك
من اسبابك بحبل الشرف الاطول

332

وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذِرْوَةِ الْكَاهِلِ
الْأَعْبَلِ وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى تَحَالِفِهَا
فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ وَعَلَى آلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنَ
الْأَبْرَارِ وَافْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيعَ الصَّلَاحِ
بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ وَالْبِسْنَا اللَّهُمَّ
مِنْ أَفْضَلِ خِلَعِ الْهِدَايَةِ وَالصَّلَاحِ وَأَعْرِسْ
اللَّهُمَّ لِعَظَمَتِكَ فِي شَرَبِ جَنَانِي يَنَابِيعَ
الْخُشُوعِ وَأَجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي
زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ وَأَتْعِبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخَرَقِ
مِنِّي بِأَزِمَّةِ الْقُنُوعِ إِلَهِي لَمْ تَهْدِنِي إِلَى الرَّحْمَةِ
مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنِ السَّائِلُكَ بِي إِلَيْكَ

فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ وَانِ اَسلَمَنِي اَنَاتُكَ
لِقَائِدِ الاَمَلِ وَالمُنَى فَمِنَ المُقَلِ عَنَانِي
مِن كَبَوَاتِ الهَوَي وَاِن خَذَلَنِي نَصرُكَ
عِندَ مُحَارَبَةِ النَّفسِ وَالشَّيطَانِ فَقَد
وَكَلَنِي خِذلَانُكَ اِلَى حَيثُ النَّصَبُ
وَالحِرمَانِ اِلهِي اَترَانِي اَتَيتُكَ اِلَّا مِن حَيثُ
الاٰمَالِ اَم عَلِقتُ بِاَطرَافِ حِبَالِكَ اِلَّا حِينَ
بَاعَدَتنِي ذُنُوبِي عَن دَارِ الوِصَالِ فَبِئسَ
المَطِيَّةُ اَلَّتِي اَمتَطَاكَ نَفسِي مِن هَوَاهَا
فَوَاهَا لِمَا سَوَّلَت لَهَا ظُنُونُهَا وَمُنِيهَا وَيَا
مُحَارَبَتَهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَولَاهَا اِلهِي قَرَعتُ

بَابَ

بابَ رَحمَتِكَ بِيَدِ رَجائي وَهَربتُ اِلَيكَ
لاحيًا مِن فَرطِ اَهوائي وَعلقتُ بِاَطرافِ
حِبالِكَ اَنامِلَ وَلائي فَاصفَحِ اللّٰهُمَّ عَمّا
اَجرَمتُهُ مِن زَلَلي وَخَطائي وَاَقِلني
اَللّٰهُمَّ مِن صَرعَةِ رَدائي فَاِنَّكَ سَيِّدي
وَمَولايَ وَمُعتَمَدي وَرَجائي وَاَنتَ
غايَةُ مَطلوبي وَمُنائي فِي مُنقَلَبي
وَمَثوائي اِلٰهي كَيفَ تَطرُدُ مِسكينًا
اِلتَجَاءَ اِلَيكَ مِنَ الذُّنوبِ هارِبًا اَم كَيفَ
تُخَيِّبُ مُسترشِدًا قَصَدَ اِلى جَنابِكَ
ساعِيًا اَم كَيفَ تَطرُدُ ظَمانًا وَرَدَ اِلى

حَنَاصُكَ شَارِبًا كَلَا وَحِيَاضُكَ مُتْرَعَةٌ
فِي ضَنْكِ الْمَحْوِلِ وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلِبِ
وَالْوُعُولِ وَأَنْتَ غَايَةُ السُّوْلِ وَنِهَايَةِ
الْمَأْمُولِ إِلَهِي هَذِهِ أَرِمَّةُ نَفْسِي عَقَلْتُهَا
بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي
دَمَّرْتُهَا بِرَحْمَتِكَ وَهَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ
وَكَلْتُهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ
صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَى بَيْضَاءِ الْهُدَى وَ
وَالسَّلَامَةِ فِي الدُّنْيَا وَمَسَائِي جُنَّةً
مِنْ كَيْدِ الْعِدَى وَوِقَايَةً مِنْ مُرْدِيَاتِ
الْهَوَى إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ تُؤْتِي

اللَّهُ

1334

الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَآءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَآءُ
وَتُعِزُّ مَنْ تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَآءُ بِيَدِكَ
الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ تُوْلِجُ اللَّيْلَ
فِي النَّهَارِ وَتُوْلِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ
وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ لَآ اِلٰهَ اِلَّا
سُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ مِنْ ذَا يَعْلَمُ
قُدْرَتَكَ فَلَا يَخَافُكَ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ
مَا اَنْتَ فَلَا بِهَائُكَ اَلَّفَتْ بِقُدْرَتِكَ
الْفِرَقَ وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ الْفَلَقَ وَاَنَرْتَ
بِكَرَمِكَ دَيَاجِيَ الْغَسَقِ وَاَنْهَرْتَ

الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصِّلَابِ جَدِيدًا غَدَقًا وَاجَاجًا
وَاَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا وَجَعَلْتَ
الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا مِنْ غَيْرِ اَنْ
تُمَارِسَ فِيمَا اَبْتَدَاْتَ بِهِ لُغُوبًا وَلَا اِعْلَاجًا
قُيَّامٌ مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ وَقَهَرَ
عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ وَاسْتَمِعْ بِدَائِي
وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ مُنْتَهَى
وَرَجَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ وَ
الْمَامُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرٍ بِكَ اَنْزَلْتُ حَاجَتِي
فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِيِّ مَوَاهِبِكَ خَائِبًا يَا كَرِيمُ
يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَصَلَّى

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ

335

از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که هر که تصمیم سفر

از منزل خود اراده بیرون آمدن کند این دعا بخواند بسلامت باز آید

و در راه از جمیع بلیات محفوظ ماند دعای معظم اینست

اَللّٰهُمَّ اَسْعِدْنَا بِهٰذِهِ الْحَرَكَاتِ وَاَحْدُدْ بِنَا

بِالْيُمْنِ وَالْبَرَكَةِ وَقِنَا سُوْءَ الْقَدَرِ وَاكْفِنَا

مُهِمَّاتِ السَّفَرِ وَقَرِّبْ لَنَا الْبُعْدَ وَالنَّائِ

وَسَهِّلْ عَلَيْنَا السَّيْرَ وَالسُّرٰى وَوَفِّقْنَا

اَلطِّىَ الْمَرَاحِلِ وَاَنْزِلْنَا خَيْرَ الْمَنَازِلِ وَاحْفَظْ

مُخَلَّفَنَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِاَحْسَنِ

اُمَالِنَا وَاَمَانِيْنَا سَالِمِيْنَ غَانِمِيْنَ تَائِبِيْنَ

اٰبِئِيْنَ اٰمِنِيْنَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرّٰاحِمِيْنَ

شیخ طوسی و دیگران از حضرت امام زین العابدین علیه السلام

روایت کرده اند که هرگاه من این دعا را بخوانم برو اندازم اگر

جمیع جنیان و آدمیان برای ضرر من جمع شوند و علما را بدین دعا را از دعای صباح و مسا

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَى اللّٰهِ

وَفِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اَسْلَمْتُ

نَفْسِىْ وَاِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِىْ وَاِلَيْكَ

فَوَّضْتُ اَمْرِىْ وَاِلَيْكَ اَلْجَاْتُ ظَهْرِىْ

فَاحْفَظْنِىْ بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ مِنْ بَيْنِ

وَمِنْ خَلْفِىْ وَعَنْ يَمِيْنِىْ وَعَنْ

وَمِنْ فَوْقِىْ وَمِنْ تَحْتِىْ وَمَا

وَادْفَعْ عَنِّيْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ فَاِنَّهٗ

لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ

حضرت رسول خدا صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ ہر کہ در صبح این سہ عا بخواند در آن روز بدی بار

نرسد و من بعد عا را خواند

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ

مَاشَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَمَالَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ اَعْلَمُ

اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَاَنَّ اللّٰهَ

قَدْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ

مِنْ شَرِّ نَفْسِيْ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَآبَّةٍ

اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى

صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ

پیش از تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بخواند

سُبْحَانَ اللّٰهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ

اَنْ يُسَبَّحَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ

اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُحْمَدَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ

وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَلَا

اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ

اَنْ يُهَلَّلَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللّٰهَ

شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُكَبَّرَ وَكَمَا هُوَ

اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ

جَلَالِهِ

جَلَالِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا

اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ عَلٰى كُلِّ نِعْمَةٍ اَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ

وَعَلٰى كُلِّ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ اَوْ يَكُوْنَ

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا اَرْجُوْ

وَخَيْرَ مَا لَا اَرْجُوْا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا

اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا اَحْذَرُ بسند صحیح در

قرب الاسناد وغیران از کتب معتبره روایت کرده اند

که برطبق بخدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد که ما در انستیم صلوات

بر حضرت رسالت صلی الله علیه وآله را بعد از هر نماز پس

بفرمائید که سلام بر آن حضرت چگونه باید کرد حضرت

فرمود که چنین بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا رَسُوْلَ
اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
یَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا خِیَرَةَ
اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا حَبِیْبَ اللّٰهِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صِفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْكَ یَا اَمِیْنَ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُوْلُ
اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اِنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَ
اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجَا
هَدْتَ
فِیْ سَبِیْلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهٗ حَتّٰی اَتَاكَ
الْیَقِیْنُ فَجَزَاكَ اللّٰهُ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ
اَفْضَلَ مَا جَزٰی نَبِیًّا عَنْ اُمَّتِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

338

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ

مَجِيدٌ ابن بابویه و شیخ طوسی وغیره بسندهای معتبر روایت

کرده اند از حضرت امیرالمومنین که فرمود که مرا تعلیم کرد حضرت رسول

صلی الله علیه وآله وامر کرد که تعلیم نمایم حسن و حسین صلوات الله علیهما و علی

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُوْنِ الْمَخْزُوْنِ

الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

الْعَظِيْمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيْمِ يَا وَاهِبَ

الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْاُسَارٰى يَا فَكَّاكَ

الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِيْ مِنَ النَّارِ

وان تخرجني من الدنيا سالما وتدخلني
الجنة امنا وان تجعل دعائي اوله صلاحا
واوسطه نجاحا واخره فلاحا انك انت
علام الغيوب سيد ابن طاوس ودیگران از سلمان
فارسی رضی الله عنه روایت کرده اند که گفت حضرت فاطمه
علیها السلام رطبی بمن داد که دانه نداشت وفرمود که این از درختی
است که حق تعالی برای من در بهشت غرس کرده بسبب کلماتی
چند که پدرم مرا تعلیم کرده است وهر بامداد ویسین آنها را
می خوانم سلمان گفت مرا تعلیم نما آن کلمات را ای سیده
من فرمود اگر خواهی که هرگز به تب مبتلا نشوی تا زنده باشی
بدین دعا مداومت نما سلمان رضی الله عنه گفت

339

که حضرت آن دعا را من تعلیم فرموده من تعلیم کردم نرباده

از هزار نفس از اهل مدینه و مکه که بتب

مبتلا شده بودند دادم و همه بتوفیق

خدا تعالی شفا یافتند به برکت این دعا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ

النُّوْرِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ نُوْرٌ عَلٰی نُوْرٍ بِسْمِ اللّٰهِ

الَّذِیْ هُوَ مُدَبِّرُ الْاُمُوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ

خَلَقَ النُّوْرَ مِنَ النُّوْرِ وَاَنْزَلَ النُّوْرَ

عَلَی الطُّوْرِ فِیْ کِتَابٍ مَسْطُوْرٍ فِیْ

رَقٍّ مَنْشُوْرٍ بِقَدَرٍ مَقْدُوْرٍ عَلٰی نَبِیٍّ

مَحْبُوْرٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هُوَ بِالْعِزِّ

مذکور وبالفجر مشهود وعلی السراء
والضراء مشکور وصلی الله علی سیدنا
محمد وآله الطاهرین از حضرت
امیر المومنین علیه السلام مرویست که روزی جنازه مروی را
نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله آوردند حضرت بمجرد انکه
نظر کیمیا اثرش بران جنازه افتاد بلرزید تمام از جای برجسته با
برهنه روان شدند وتا بمنزل همراه رفته بدست مبارک میت را
دفن فرموده برگشتند اصحاب التماس نمودند که یا حضرت
این مردی بود فاسق که بیست سال عمر را با نجاب فسق ومجور
وهرگز کرد عمل صالحی نکرده بود این مرتبه از کجا یافت حضرت
فرمودند که چون دیدم انبیه برشته با جنازه بودند که جای پاک

نبود لهذا پای برهنه رفتم که مبادا پایم برگشته آید یا نبندد تا

بخانه این شخص برویم و حقیقت عملش را از اهلش بپرسیم

چون بخانه اش رفتند و از زنش سوال کردند گفت شوهرمن

هرگز عمل صالحی در مدت العمر نکرده و در بحالا وردن فسق و فجور را ضمیمه و

کبیره تهاون ننموده لیکن هرگاه بر خت خواب درمی آید

بهر صورت که لود خواه مست و خواه مخمور وضو می ساخت

و دعائی خوانده بخواب میرفت و این هرگز از ترک نشد

حضرت فرمودند که این دعا را یاد گرفته گفت بلی و خواندن را صحیح

تقریر نموده حضرت نوشته چون حضرت پیغمبر فرمودند جبرئیل ع

نازل شد و گفت حضرت عزرائیل سلامت میرساند و میفرماید که هرکه این

دعا را در مدت العمر خود یکبار بخواند جمله گناهانش محو کرده و هرکه هر شب بخواند چنین شد

که گویا از مادر متولد شده یعنی گناهی بر او نمانده باشد حضرت نبی صلی الله علیه وآله
بحضرت ولی صلوات الله وسلامه علیه فرمودند که یا علی هر شب این دعا را بخوان
تا بحساب به بهشت روی و هر کس از امان من بخواند هرگز محتاج نشود و هیچ گناه بر وی نماند اگر
چه در بیابان بسیار باشد و اوراق اشجار کاغذ و ملایکه کتابت کنند از عهده نوشتن ثواب اینده عاجز آید دعا این است

بسم الله الرحمن الرحیم استغفر الله
استغفر الله استغفر الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه
استغفر الله من جمیع ما کره الله اللهم
انی استغفرک علی ما قدمت وما اخرت
وما اسررت وما اعلنت من معصیتک
واستغفرک من الذنوب التی لا یغفرها

غیر

غَيْرُكَ وَمَا يَطْلُعُ عَلَيْهَا سِوَاكَ وَلَا
يَسَعُهَا اِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يُنَجِّي مِنْهَا اِلَّا عَفْوُكَ
وَاَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ يَمِيْنٍ سَلَفَتْ مِنِّيْ
فَخَنَثْتُهَا عِنْدَكَ وَاَنَا مُؤَاخِذٌ
وَاَسْتَغْفِرُكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ
اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ وَاَسْتَغْفِرُكَ
يَا عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ مِنْ كُلِّ
سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا مِنْ سَاعِ النَّهَارِ وَ
سَوَادِ اللَّيْلِ وَمَلَإٍ وَخَلَاءٍ وَسِرٍّ
وَعَلَانِيَةٍ وَاَنْتَ نَاظِرٌ اِلَى اِذْبِرَاتِكَسُهَا
وَاَتَيْتُ بِهَا مِنَ الْعِصْيَانِ يَا حَلِيْمُ

يَارَحِيمُ يَاكَرِيمُ وَاسْتَغْفِرُكَ
يَالَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِينَ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ
سُنَّةٍ مِنْ سُنَنِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ
النَّبِيِّينَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَاٰلِهِ تَرَكْتُهَا عَمْدًا اَوْ سَهْوًا وَجَهْلًا
اَوْ تَهَاوُنًا اَوْ قِلَّةَ مُبَالَاةٍ بِهَا وَاَنَا
مُعَاقِبٌ بِهَا وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ
فَرِيضَةٍ وَجَبَتْ عَلَيَّ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ
وَاَطْرَافِ النَّهَارِ فَتَرَكْتُهَا عَمْدًا وَخَطَ
اَوْ سَهْوًا اَوْ تَهَاوُنًا اَوْ قِلَّةَ مُبَالَاةٍ وَ

مع

342

مُعَاقِبٌ بِهَا وَاسْتَغْفِرُكَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ سُبْحَانَكَ رَبَّ

الْعٰلَمِينَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمُلْكُ لَا أَنْتَ حَسْبُنَا

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ غُفْرَانَكَ

رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى

وَآلِهِ أَجْمَعِينَ بِعَدَدِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ

وَبِعَدَدِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ بِرَحْمَتِكَ

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى

أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا يَنْبَغِي

الصَّلٰوةُ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا

بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرِ

خلقه محمد واله اجمعین وسلم

تسلیما کثیرا کثیرا مرویست که چون کسی را حاجت

بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه باشد پناه برده این عریضه

را نوشته بر قبری از آیمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین

بگذارد یا بجیده بر سرش محتوم ساخته در کلی پاک انداخته

در چاه یا نهر یا آب بسیاری اندازد که البته به

عرض حضرت صاحب الزمان صلوات الله

علیه میرسد و آن حضرت خود متوجه

قضای حاجت او می شود

بسم الله الرحمن الرحیم

کتبت یا مولای صلوات الله علیک

مس

مُسْتَغِيثًا وَشَكَوْتُ مَانَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا

بِاللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ بِكَ مِنْ اَمْرٍ قَدْ

هَمَّنِي وَاشْغَلَ قَلْبِي وَاطَالَ فِكْرِي

وَسَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي وَغَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةَ

اللّٰهِ عِنْدِي وَاسْلَمَنِي عِنْدَ تَخَيُّلِ رَ

رُوْدِهِ الْخَايِلِ وَتَبَرَّامَنِّي عِنْدَ تَرَائِي

اِقْبَالِهِ اِلَيَّ الْحَمِيمُ وَعَجَزْتُ عَنْ دِفَاعِهِ حِيلَتِي

وَخَانَنِي فِي تَحَمُّلِهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي فَلَجَأْتُ فِيهِ

اِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْئَلَةِ لِلّٰهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ

عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْمًا

بِمَكَانِكَ مِنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلِيِّ

التدبير ومالك الامور واثقا بك في
المسارعة في الشفاعة اليه جل ثناؤه
في امري متقينا لاجابته تبارك وتعالى
اياك يا عطائي سؤلي وانت يا مولاي
جدير بتحقيق ظني وتصديق املي فيك
في امري كذا وكذا يعني حاجت خود را بنويسد
وبعد ازان بنويسد فيما لا طاقة لي بحمله ولا
صبر لي عليه وان كنت مستحقا ولا
ضعانه بقبيح افعالي وتفريطي في
الواجبات التي على الله تعالى فاغثني
يا مولاي صلوات الله عليك عند

اللهم

اللّٰهُمَّ وَقَدِّمِ الْمَسْئَلَةَ لِلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ
فِي اَمْرِي قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَشَمَاتَةِ
الْاَعْدَاءِ فَيْلَكَ بَسَطَتِ النِّعْمَةُ عَلَيَّ
وَاَسْاَلُ اللّٰهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصِيرًا
عَزِيزًا وَفَتْحًا قَرِيبًا فِيهِ بُلُوغُ الْاَمَالِ
وَخَيْرَ الْمَبَادِي وَخَوَاتِمَ الْاَعْمَالِ وَالْاَمْنَ
مِنَ الْمَخَاوِفِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ اِنَّهُ
جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَّالٌ وَهُوَ حَسْبِي
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدَاءِ وَالْمَالِ

وَدَرِ رِوَايَتِ اَنْدَ اَحْسَنَ عَرَيْضَهُ بِيكِي اَزْ يَارَانِ اَنْ حَضْرَتْ
صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ كَهْ دَرِ زَمَانِ غَيْبَتِ صُغْرَى بُودَهُ اَنْدَ

که عثمان بن سعید عمری با پسرش محمد بن عثمان یا حسین بن روح

یا علی بن محمد یا شمتوسل شده بگویند یا فلان بن فلان

سَلَامٌ عَلَيْكَ اَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَاتِكَ

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَاِنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللّٰهِ

مَرْزُوقٌ وَقَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ

عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهٰذِهِ رُقْعَتِي

وَحَاجَتِي اِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

فَسَلِّمْهَا اِلَيْهِ فَاَنْتَ الثِّقَةُ الْاَمِينُ

بعد از ان عریضه را در آب افکند که ان شاء الله تعالی مطا

برآورده می شود و آن حضرت خود متوجه

حوایج او می شود بعون الله تعالی و از حضرت صاحب

علیه

علیه السلام مرویست که چون خواهی برای مطلبی

حاجتی بکسی رقعه یا نامه نویسی اول باقلم بی مداد بر رقعه و یا نامه بنویسید

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله وعد الصابرین المخرج مما

یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون

جعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف

علیهم ولا هم یحزنون راوی گوید

بعد از انکه این حدیث شنیدم هرگز از برای مطلبی نامه

در رقعه ننوشتم مگر انکه باجابت مقرون گشت

فالنامه حضرت امیر المومنین صلوات الله وسلامه علیه

اول باید که ده مرتبه درود بفرستد بعد از ان نیت کرده

انگشت بر این حروفها گذارد بر حرفی که انگشت بیاید آن حرف

گذاشته و حرف پیش از آن شمار کند تا ده عدد حرف هم

را بر کاغذ بنویسد و هم چنین تا آخر و حرفی که از آخر بماند از

بالای آن حروفها که نوشته نبوده باشد تا بحرفی که انگشت

بعد از آن بخواند هر چه مراد باشد در نظم خواهد آمد برای علم ما یه حروفها

ب ب ا ی ت ث ب ب س س

خ خ ا ر و م م ی ی ر ر ع ع ل

ف ف ط ق ا ش ش ا ل ک ی ی ل

ص ز ز خ ی ی ی ن ق ق ب و خ ب

ن م ک ی ی ن م و و ب ب و ب ا ی

ت ب ا ا د و و ف ا ر ز س س ک

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین

والصلوات والسلام علی خیر خلقه محمد واله اجمعین این نسخه ایست

که هر کس که خواهد حال خیر و شر خود را داند سوره فاتحه و ایه الکرسی

یکبار بخواند و بعد ازین این ایه و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها

الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقه الا یعلمها و لا حبة

فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین

و نیت میل کند و اعتقاد درست و یک انگشت برین نقش ها نهد

که نام پیغمبران علیهم السلام و بر نام هر پیغمبری که انگشت نهاده باشد و قهها

ثابت شود که این نام در ان اوراق ثبت است و انچه برآمده باشد ازان

عمل کند و شک نیارد که آزموده است و شرط این است که حاجب

فال اگر خواننده باشد چشم بر هم کند و انگشت خود را بر این نقشها

نهد و احوال باز داند و نام پیغمبران بدین طریق است که طهارت

داشته باشد و یقین درست و اعتقاد تمام بدان نیت که کرده

است نگاه دارد و بدین عنوان است

فعل آدم	فعل شیث	فعل صالح	فعل نوح	فعل هود	فعل داود
فعل سلیمان	فعل زکریا	فعل یحیی	فعل هارون	فعل موسی	فعل شعیب
فعل ادریس	فعل عیسی	فعل محمد ص	فعل ابراهیم	فعل اسمعیل	فعل خضر
فعل الیاس	فعل هابیل	فعل ایوب	فعل یونس	فعل یعقوب	فعل یوسف

آدم علیه السلام فال الله تعالی و علم آدم الاسماء کلها ای خداوند

فال این نیت که کرده بغایت مبارک آمده بدانکه همه کس

دوست دارند و تو مهربان و مشفق و خویشش خوکردی ولیکن در

غایت اندیشه و متفکر بودی و بسیار غم را اندوه کشیدی نزدیک است

که شادمان شوی و روشنای در کارت پیدا شود و بعد ازین

دولت خواهد یافت پس از این غم و اندوه از قبل دشمنان

بتو رسیده بود و متفکر بودی و مدتی ازین جهت تدبیر نمودی

راست نیامد اما بتوفیق حق سبحانه تعالی همه کارها راست شود

و مادر و پدر تو را خدا تعالی نگاه دارد و قومی که بر تو غمازی و

تهمت بسته بودند آنها مقهور شوند و خدا تعالی ترا بصحت و سلامت

نگاه داشت و از غم فرح داد و از مردم اکابر بسیار متوجه

در راحت خواهد رسید و از غایب خبر خوش بشنوی و غایب

خود را نیز سلامت یابی و هر مراد که در دل داری حاصل شود ان شاء

ترا از همه سال بهتر خواهد بود در روز شنبه و پنجشنبه بر تو مبا

باشد و هر مرادی که داری بر وی برآید برادر بکوان ای ا

فصل شصت و قال الله تعالی و هو القاهر فوق عباده

و لما جاء موسی لمیقاتنا و کلمه ربه ای خداوند فال بد ا

که شخص ترا بد گفته بود در فرو شب بد گوئی میکند اما از ری

ظفر یابی و قوی دست شود و کار ترا بالا گیرد و از گناهان

و از گناهان گذشته توبه کن و دل بخدا تعالی قوی دار ک

ستاره راست نوز برج پنجم بر وی آید و کار تو مراد دل

کرد و چند کس با تو دوستی میکنند و بزبان دوست ا

و دل دشمن می باشند که از خود با کسی نگوئی و در ا

چند روز بیک جنگ و خصومت نکنی و ترا فرزندی

دول

3118

دولت خواهد شد که قدم او مبارک باشد و سخن مرد

بزرگ را رد مکن که طالع از ایشان بسیار خوشست و

جمعیت و راحت خواهی نیست خواطر خود را بسیار و نزارنجی

رسیده بود اما نخیر گذشت و نشانی بر اندام داری دلیل کند

بر زندگانی دراز و زیادتی مال با خیر عمر شادکانی بایی میباید که

در نماز کاهلی نکنی تا مقصود برسد بگوان شاء الله تعالی **فصل صالح**

قال الله تعالی و ینصرك الله نصرا عزیزا ای خداوند فال

بدان و آگاه باش که در کار تو خواهد بود و در کار جریان ماند

بکوی که آیا چگونه باشد و قومی با تو ستم میکنند و

دشمن تو اند اما خدای تعالی ترا نگاه میدارد و چیزی صدقه

باید داد که ترا فرصت و نفرت باشد و کارهای بسته بگشاید

وا ز غم اندوه خلاصی یابی و مرا در بسی تا ده روز دیگر صبر کن

هیچ غم نخورد راه مده که مرتبه عالی خواهی یافت و خدا تعالی ترا

که بسیار جمعیت و راحت یابی اما تو شخص تندخوئی با همه کس نزی

و مدارا کنی تا از بلاها ایمن باشی و بر سینه و پاد شکم نشانی داری آن

نشان بزودیست هم در دنیا و آخرت اما باید که راز خود با کسی نگو

و جنگ و خصومت نکنی تا یکهفته دیگر ستاره تو در خانه آید و

در کار تو پیدا خواهد شد چون ماه نو به بینی بطرف راست خود نگا

کنی تا بر تو مبارک باشد و مقصود که در دل داری با دیر بکوان

فصل نوح قال الله تعالی خلقا یاد آمر بالای خداوند حال ش

یاد ترا که خدا تعالی از همه رنجها خلاصی داد و خود بمراد رسی و جنا

مباید که ایشان بسیار رنج و مشقت کشیدی و نیت آنکه

11

داری بزودی حاصل شود و غم مخور انا انزلناه فی لیلة القدر

می آید و ازان سفر بسیار جمعیت و راحت یابی و خزانه تو پر

شود و بر تو می مهر کردی و فرمان ده شوی که ستاره تو رو بسعادت

آرد و هیچ غم مخور که عمر دراز باشد و می باید که پیوسته در طاعت

و خیرات خدا تعالی باشی تا حرمت و دولت بیابی و برادر

و هر چند که با مردمان نیکی میکنی بدی می بینی و عاقبه که داری

زود سلامت یابی و آرزوی که در دل داری حاصل شود و

هیچ خیانت در دل تو نیست و با هیچ کس بدل و جهت با تو

و عون ماه نو شود راضی تو خواهد رسید و در روزی بر تو گشاده

می شود و حسودان بر تو خواهند بود بشکر خدا تعالی بجای آرتا بر دشمن

ظفر یابی و بمقصود رسی بگوانت الله تعالی فعل هود قال الله تعالی

ولیضع الملک ای خداوند فال بدان واگاه باش که شخص

ترا نیک خواه است و تو قومی را نصیحت میکنی و فرمان تو

نمیکنند و سخن تو قبول ندارند و در میان ایشان چنان هستی که

نوح علیه السلام در میان قوم خود بود و سخن او قبول نمیکردند

تا همه در بلا ها شدند ولیکن بر دشمنان ظفر خواهی یافت و خواطر

خود جمعدار بشارت باد مرترا که عمرت دراز کرده و جمعیت کلا

بتو رسد و بدبخت تو در آید و شخصی بسیار با تو بدی میکند و از تو

باو راحت میرسد و ترا غمی اندک خواهد رسید صبر کن و از خود

باک مکن تا سلامت باشی و ترا سفری در پیش است و از آن

سفر راحت و جمعیت یابی و آنکه بر تو دشمنی میکنند و کار ترا تباه می

و با تو دوستی میکنند از ایشان حذر کن و زمانی تو افتاده است

جزائی

خدا تعالی عوض آن بتو خواهد داد خواطر جمعدار و ترا امیدی

هست و از جائی طمع داری باید که راز خود بکس نگوئی

تا سلامت باشی و کفاره سوگند بر تو هست قضای آن باید

کرد که کارت بدلخواه برآید روز شنبه و جمعه بر تو مبارک

است و مقصود یابی که بر دشمن ظفر یابی بگو ان شاء الله تعالی

نقل ذکریا قال الله تعالی انادی ربه نداً خفیاً ای

خداوند فالی بدان واگاه باش که در کارها شتاب نکنی

اگر شتاب کنی عاقبت پشیمان باشی اما بشارت باد

مر تو را که راحت و دولت بتو رسد و از جهت فرزند صاحب

دولت بسیار شادمان خواهی شد و صدم آنقر زند بر تو مبارک

باشد و دغدغه بر خود راه مده که یکی که پیوند و عهد کرده راست

نیاید از تو دی کار تو بر او خواهد رسید خواطر خود را

جمعه از روی دل گران داری ولیکن ترا دشمن و کینه در

دل نیست و انچه مراد تست میسر خواهد شد و مقصود خود

خواهی رسید اما شخصی در اندیشه تو می باشد و قومی بر تو حسد

میبر ز آرزوست ایشان هیچ بر نمی آید و تشویش نخورد راه

مده که کارها همه بمراد تو کرده و اگر غایب در سفر داری بزود

بیاید تا خبر خوشش از آمدن آن غایب تو را رسد مدد شادمان

شوی و امسال بر تو مبارک خواهد بود و سفری در پیش

آید اگر روی جمعیت بسیار بینی روز چهارشنبه و جمعه

هر مرادی که داری بخواه که بمدعای خود رسی بگوان

فصل یحیی قال الله تعالی یا یحیی خذ الکتاب بقوة

351

خداوندفال بدان واگاه باش که بشارت باد مرترا

که بر قومی مهتر خواهی بود چنانکه همه ایشان در فرمان تو باشند

و از ایشان بزرگی و نعمت و راحت یابی و کامرت بتو رسد و

و خبر خوش بشنوی و از ان خبر شادمان و خورم خواهی شد

و چشم تو روشن شود و در نخستین شنبه بر تو مبارک

باشد و در روز جمعه از جنگ و خصومت بپرهیز که ستاره تو از

تاریکی بروشنای می آید و کارهای تو جمله مراد رسد و اعمال

بر تو مبارک خواهد گذشت بگوانشاء الله تعالی فعل داود

قال الله تعالی یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض

ای خداوند فال بدان واگاه باش که چنان مینماید که بر

سر قومی مهتر خواهی بود که جمله خلایق در فرمان تو باشند

وازغم وانده خلاص شوی اما عقب تو تشخص مرا بدل

میکند وترا هرچه بزبان است در دل همانست امثال ترا

رنج رسیده تو دود خدا تعالی ترا نگاه دارد یکی رای تو

جاودی کرده تو دانا راست نیاید وازتو تجربه در گذشت می

باید کار را زخود یک نکوئی اما بعد از چند روز راحت کلی

تو رسد ونعمت وحمیت از صاحب دولت ترا نصیب

خواهد بود واز روز راستی خواهی یافت باید که در نماز کاهلی نکنی

تا بمراد خود رسی بگوانت را الله تعالی فصل سلیمان

ولسلیمان الریح غدوها شهر ای خداوند فال این

واگاه باش چنان مینماید که تو در غم فرو ماندی ودر

فرزندی باشد خدا تعالی ازین غم رهاند و فرزند مقبول

352

خواهد بود غم مخور یکبار بر تو حادثه‌ئی کرده بود و خدا تعالی

ترا از آن رنج راحتی داد و از رسنگ و از آه ترا حراحتی

رسیده است دلنشان مانده است و آن نشان ها نیز

بزودی از می عمر ها شد و بسیار خواهای شفقته می شنی و فراموش

میکنی و در دل تو هیچ کینه نیست باید که در کار ها خیر کنی و بطاعت

خدا تعالی مشغول باشی و فعلی از همه بسیار کنی بدو نعمت

قیاس بدست تو اید و توانگر که در دل تو هیچ کینه نیست

و اعتقاد تو پاک است و خدایا با تو عنایت دارد و همه کس

ترا دوست دارند و صورت تو در دل همه کس شیرین است

و ترا یار مناسب پیدا خواهد شد که بسیار شفقت بابی و مال

حرام تر از آن ساز و دار یک دینار حرام بدست تو اید عوض آن

دره دنیا را روست بردو زنهار کردمال حرام نکردی که بتو نسازگار

نیست وزغایب چشم تو روشن گردد و تو در دل

امیدی که بسته داران نیست و دولت میسر نمیائی باید که اندیشه

نجود راه مده که مقصود برسد بگولنت و اله تعالی فضل هارون

علیه السلام قال الله تعالی یا هارون ما منعک ای خداوند

حال بدان و آگاه باش جهان نمیماند که در فکر دشمن فرو مانده

نمیدانی که چون خواهد شد و دست هیچ چیز ساکن نیست

و آرام نداری غم مخور و دل تنگ مباش که مراد حاصل

می شود تر و یکیست که یک ستاره تو بتر و یکی آید

روشنائی او عجایب ها بینی و در ایمنیت گزار نائی

است و خدا سبحانه عوض آن شبو بار خواهد داد و خاطر

وتشویش وتفرقه راه ندهی که کار تو نفع وزودی نیز

آید ودولت بکاری مشغول است باکسی عهدی وپیمانی

که داری مکن که بسیار نیک خواهد بود وکار تو بمدعا

خواهد شد ومن بعد اگر خاک بدست گیری زر شود باید

که در نماز گاهی بنشینی وانچه دست دهد صدقه دهی تا از همه بلاها

ایمن باشی ومبارک بسر ببری ان شاء الله تعالی **نقل موسی ع**

ولما جاء موسی لمیقاتنا وکلمه ربه قال ای خداوند

فال بدین وارگاه نهادی که بشارت باد مر ترا بدولت

وراحت وسلامتی برسد که بطالعه تو آمده است اما بعضی

مردمان بر تو حسد میبرند وشخصی از نزدیکان تراد دست

در نصیحت وپند دادن بشنو وغم مخور که اقبال بر تو مبارک خواهد بود

دلشغل عمل خواهی رسید بسیار راحت یابی و غایب

بصحت و سلامت بتو رسد اما چنان مینماید که سوگند

خورده کفاره آن بداده تا بدولت آسوده گردد و بسیار غم و

اندوه خورده و اکنون که بودار تو بخیر گذشت در شکم نشانی

داری آن نشان دولت است و عیاری از کسی بر دل خود

داشته چون در دل تو گفته نیست همه یک بینی و پوشته

خوابهای آشفته می بینی و فراموش میکنی دل قوی دار که

بمراد رسی بگوان را سه تعالی فصل شعیب قال الله

تعالی و ینصر لا الله نصرا عزیزا ای خداوند فال بدان

و اگاه باش که چنان مینماید که پوستکی خواهی کرد و

و راحت بسیار خواهی یافت و کارت بدلخواه خواهد

3504

دار چهار پایان طالع نیکوست دهر نیت که داری بمراد خواهی

رسید ولیکن چند روز صبر کن که شتابی نکنی که بعضی مردمان با تو

دشمنی میکنند و کار ترا تباه میکنند و بدانچه دلت خواهد نایخته

دست دهد صد فته بپیهی تا خدا تعالی از جمله بلاها و آفت ها ایمن

گرداند و از زنی فرو مانده و ترک نیکنی دل خوش دار

که مرادت حاصل شود و ترا فرزندی خواهد شد که قدم او بر پدر و

مبارک خواهد شد و از ان فرزند راحت و جمعیت خواهی یافت

باید که راز خود با کس نگوئی اما کار تو بالا گیرد و هر رنجی و غمی که

بر تو روی نموده خدا تعالی از تو بگرداند و در این مدت دلیری و

دلیر مردی راست نیاید و از این سبب سرگردانی یافتی

دل قوی دار که مراد خود رسی اما دشمن بسیار داری می باید که

پیوسته تعویز نام خدا تعالی با خود داری تا زبان بد گویان

بر تو بسته شود و بر دشمنان تو غلبه یابی بکوانت رالله تعالی اهل الدنیا

قال الله تعالی و رفعنا له مکانا علیا ای خداوند متعال بدان

و آگاه باش که ترا دولت و عزت خواهد رسید و هر مرادی که

داری برسد و لیکن جائی خواهی رفت شتاب مکن که

شخصی در کار تو بدی میکند و بغایت دل تو پاکست و از تشویش

عمل بسیار فایده تو خواهد رسید و قومی بر تو حسد می برند

و در قصد تو اند اما بر تو ظفر نیابند که تدبیر که همه کار تو بمراد خواهد

بود و خاطر جمع دار و سعی در پیش بکن و اندیشه بدار که

راحت و جمعیت بیابی و اندک غم تو خواهد رسید اما

گذشت و صورت تو در نظر مردمان شیرین آید و فرمان

بردار تو باشند اما تند خوئی و تیزی و زرد و خشم مینوی و باز

صلح میکنی و دوستی تر از جان و دل دوست میدارد و شب

و روز تر ادعای خیر میکند باید که از فرمان او سر نپیچی و دین

چند روز با کسی گفتگو نکنی که ستاره تو از برج نحس بیرون می آید

و روی سعادت می آرد و یک سبزه رنگ یا نخود ار تست

حاجتی که داری بمدعا حاصل شود و بکوان الله تعالی فصل

عیسی ع قال الله تعالی انی متوفیک و رافعک الی

خداوند فال بدان و آگاه باش که فالت نهایت خوبست

و از اندوه خلاص شوی و مقصود که در دل داشتی حاصل آید و

عزت در از باشد و کار و بارت بدلخواه برآید و دشمنان زبون دست

بوشوند و بر انسان طفر یابی که هر روز که ترا آید عزت و دولت

زیاده شود و یاران و همنشینان با تو یکدل شوند و تو نیک

بخت و نیکوی درپیش داری پروکه منفعت در راحت و جمعیت

دست دهد و خدا تعالی از برکت مادر از جمیع بلایا در امان نگاه

دارد و کسی که نزد داری بتو رسد و شاد گردی و بدولت و

سعادت شغل بخواهی کرد که نهایت مفید و مبارک است

و بدعا حاصل شود و بخت تو نیک خواهد بود و بدشمنان

ظفر یابی و هر نیت که در دل داری بکن که بمراد رسی یکی

ان شاء الله تعالی فصل محمد ۳۰ ناکان محمدا یا احمد ای خ

فال بد ان و آگاه باش که بشارت باد ترا که فتح و نصرت

بر دشمنان خواهی یافت و بدولت و نعمت بسیار رسی

کارت در ترقیست البته مراد ت حاصل شود و

دشمن داری مقهور شوند در کنف نشانی داری دلیل دولت

و موجب سعادت دو جهانی دعمرت دراز کرد و دولت بسیار

مردمان قصد تو کرده اند و تهمت ها میکنند و بسته اند اما

حق تعالی ترا نگاه میدارد و شب و روز ترا دعا خیر میکنند

از برکت دعا او از همه آفتها و بلاها ایمن میشوی و نعمت

و جمعیت کلی بدست تو در آید و جاه و حشمت بالی و تو بکر و عالی

همت کردی کارت نیکو شود و خدا تعالی ترا السلامت دارد

سعادت نگاه دارد و تو رحیم و مهربان و لی صبر کن و راز خود

با کس مگو که آفتاب رو بطالع آورد و ترا بر کت و خیر بسیار

خواهی یافت و از عایب خبر خوب بتو رسد روز شنبه

و پنجشنبه بر تو مبارک باشد و روز جمعه در میان جنگ در

میان جنگ روی تا بسلامت باشی بگوانش را الله تعالی

فضل ابراهیم ع قال الله تعالی قلنا یا نار کونی بردا و

سلاما علی ابراهیم ای خداوند فال این نیت که کرده

بغایت خوبست و نیک طالع قوت دارد و از غم و اندوه شادمان

شوی و قوی بر تو حسد میبرند و در قصد تو میکوشند اما خدای

تعالی بفضل خود نگاه دارد و باید که در طاعت کوشی و بپوشی

نام خدا تعالی با خود داری و دوستی داری تو او را میازار

که پشیمان می شوی و فرزند مقبول و عاقل خدا تعالی

بدهد و روزی بر تو بگشاید و در بن مت چشم زخمی رسد

است و از تو بخیر و از شر دشمن ایمن شدی و مردی و زنی

بالا و زنی که کردی ایشان هر دو بدی تو میخواهند و ایشان

راهیچ کار دیگر نیست الا که شب و روز ترا تباه سازد

دمی باید که او را نام خدای تعالی نباشد تا از بلاها در امان حق

تعالی باشد و ترا از شر ایشان نگاه دارد و ایشان را

اواره سازد و ترا مقصود رساند و دل بر امیدی بسته

وسواس بآن داری باید که ایمن باشی که آن مراد تو

حاصل شود و روز جمعه بر تو مبارک باشد در میان جنگ

و گفتگو سروری تا بسلامت باشی و بمراد رسی بگو

ان شاء الله تعالی **فصل اسمعیل** قال الله تعالی نذر

نیاوه بذبح عظیم ای خداوند فال ترا هیچ نسازد مگر راستی

ترا همه کس دوست میدارند که راست عهد باشی و گناه

و رضا جوی مردم هایش در پای رنجی رسیده بود اکنون

خبر و نشان تو پیدا است در پشت و پهلو نشانی داری آن

نشان نیکبختی است اما نخست کوتاه بالایی تو میکند خدا تعالی

از شر او بپرهیزد و مراد تو حاصل شود و هیچ غم مخور و زنی ترا

روز و شب دعای خیر میکند و خدا تعالی از برکت دعای

آن زن نگاه دارد و در از عمر شوی و میراث کلی تو رسد

و آنچه بدو بگذشت خواطر خود جمع دارد و در این هفته با کس نگوئی

بکن و حاجی مرو و شتاب مشو تا خرما ترا وصل خواهد شد و

خدا تعالی فرزندی مقبول تو دهد که بسیار قدمش مبارک

باشد و از ان جمعیت بیابی و پیوسته نام خدا تعالی با خود دار

تا از جمله بلاها و آفت ها ایمن باشی باید که راز خود با کس نگوئی

سلامت و دولت آسوده شوی و دل خود با کسی مبند که هیچ

قدر و قیمت تو نمیداند ولیکن عاقبت کار بمراد خود

رسد بکیوان رالله تعالی فصل خضر ع قال الله تعالی

انا فتحنا لک فتحا مبینا ایخداوند فال بشارت باد مر تورا

بدولت و سعادت و نعمت رسد یک کس با تو دوستی

دارد و دوست نادان است و خاطر ترا بپوسته آشفته دارد خور

مدار و بد گوئی تو مکند و ترا منجواهد از حلال جدا سازد اما تو

انچه بدعا طلب کردی بیالی صبر کن و زنهار راز خود با کس مگوی

تا مراد تو بدلخواه برآید و با هیچکس جنگ و کشمکش مکنی و تندی

نیزی مبادا تا سلامت باشی در روز پنجشنبه و شنبه بر تو مبارک

امید دار برای خواطر کسی غم نخوری و از کسی ازار تو در نماند

باشد و بیمار او سلامت بازبینی و دل بدان امید که بسته

حاصل شود و حاجت ها روا گردد و بمراد خود برسی بگوان را

الله تعالی فصل الیاسین ع قال الله تعالی سلام علی الیاسین

ای خداوند فال بشارت باد مرترا بدان واگاه باش جان

نماید که طلب کاری میکنی و انچه طلب میکنی نیوسد و

شادمان شوی اما بسبب شخصی رنجور خاطری کز زبان قو

میکند و ببدل اندیشه دیگر دارد و این کار بسته تو کشاده می

شود و سفری بی اختیار پیش تو می آید برو که راحت

است و نعمت بسیار بدست تو در آید و باز بسلامت

ازان سفر بوطن خود خواهی آمد اگر نیت پیوند داری مکن

که عاقبت پشیمان میشوی و خدا تعالی ترا جح نصیب کند

و زیارت حضرت پیغمبر ص نصیب تو شود و زنی

359

دعای خیر مکنند و درازی عمر تو از خدا تعالی میخواهد و حرمت

او را نگاه دارد روز دوشنبه و پنجشنبه بر تو مبارک باشد

و کاری که پیش گیری با آسان برآید و روز جمعه و سه شنبه در

میان جنگ و لشکر روی تا در امان حق تعالی باشی و تندی

و تیزی مکن و صبر کن که کارت خواهد شد چون ماه نو شود

خبری بدست تو آید که از آن خبر ندانسته باشی و بمراد خود

برسی بگوان را له تعالی فصل ۴ بیل ۴ فال الله تعالی لین

بسطت الی یدک ای خداوند فال چنان مینماید که رنج بسیار

کشیدی و در تنگی گرفتار غم بودی حضرت حق سبحانه و

تعالی ترا از آن رنج و تنگی و غم برهاند و نجات دهد و خوبی بر تو

حیله و مکر مسازند و دشمنی با تو ندارند هیچ غم مخور که خدا تعالی

تر ابر ایشان ظفر خواهد داد و ترا فرزندی خواهد بود که قدمش

بسیار بر مادر و پدر مبارک باشد و بسیار نعمت و جمعیت

بدست آوری و آنچه بدعا ست برآید و مرادت حاصل شود

و روز دوشنبه و پنجشنبه بر تو مبارک باشد و همه کارت

برآید خواهد شد بگو ان شاء الله تعالی **فصل ایوب** قال الله تعالی

ای خداوند فال بدان که چیزی از دست تو رفته است و بسیار

پریشانی و عاقبت کار خود نمیدانی تعجیل مکن و صبر کن در هر مراد

که در دل داری بدان مدعا برسد و درین مدت پریشانی

و سرگردان بودی و مدت مدید برآمد اکنون راحت و نفع

و سعادت بتو روی آید و شادمان شوی و روز دوشنبه

و پنجشنبه بر تو مبارک است و کارت برآید خواهد شد در

مدت دو روز مقصود رسد اگر نیت عقد و نکاح در دل داری

خود را آشوبش مده و مکن که عاقبت پشیمان میشوی و ستاره

نحس در طالع توست عاقبت امر بصبر این کار برآید و آنچه

طلب کرده تو رسد و لیکن بسبب شتابی کار تو گشاده

می شود و زر بزرگ راحت و هیبت بیابی و کامرت برآید شود

بخواست الله تعالی فصل یونس قال الله تعالی وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ

مِنَ الْمُسْتَجِيبِينَ ای خداوند فال در میان تاریکی گرفتار شدی

شکر خدا بجای آری که از تاریکی بدر آیی و ز همه غم ها خلاص

شدی و عاقبت از این نیت خورم گردی و تر از رحمت دولتی

در راحت خواهد رسید و شادمان شوی بمراد خود برسی اما بدانکه

مردی و زنی بر تو حسد میبرند و بد گوئی تو میکنند اما طالع تو قوت

دارد و برایشان ظفر یابی و شخص در تسویش و اندیشه نشست و تو از و
شاد و خرم شوی و تو زود خشم گیری و زنار صلح کنی و خدا تعالی
ترا فرزندی خواهد داد که صاحب دولت و جاه باشد و قدمش
بر پدر و مادر مبارک باشد و از آن فرزند رنجوری و ترا شرکت نه
سازد و اگر یکبه پشیمان شوی و از او بمدعا خود نرسی هرگز
غم مخور که از جمله غمها خلاص شدی و مرادت حاصل شود و
شخص از غایب تو رسد که آرزومندست و دیدار او سلامت
بینی و چشمت بدیدار او روشن شود زنی دعا گوی تست
و در اری عمر تو از خدا تعالی میخواهد و دعای این زن بر تو مستجاب
است و سبب او حال نیکو شود و کارت بالا گیرد و بر دشمنان
ظفر یابی و مرادت بدلخواه برآید یکبار ان را له تعالی فصل

یعقوب ع قال الله تعالی وَبَیَّضَتْ عَیْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ ای

خداوند فال چنان میخواهد که بسیار غم واندوه کشیدی و بیماری

تو در امید واری خود برداشته اما حق تعالی بفضل وکرم خود ترا

نجات داده و در دولت بر تو گشاده گردانید شکر خدا تعالی

بجا آر که ترا از غمها خلاصی داد چنانچه که چشم یعقوب نابینا

شد از فرقت یوسف علیه السلام و در فتح و شادی بر تو

بسته و اکنون بشارت باد مر ترا که در روزی و خیر بر تو گشاد

گشت چنانچه چشم یعقوب بدیدار یوسف روشن گشت

همچنان روشنای در کار تو پدید آید و آفتاب روی دارد

و از این شاد و خورم خواهی شد و بدولت و عزت خواهی

ماند که دانست و لله تعالی فصل یوسف ع قال الله تعالی لقد کان

فی واخوشه ای خداوند فال بدان وآگاه باش که

قومی نان و نمک تو میخواهند بر توحد میبندا مال رت باد

مرترا که طفل دلی اگرچه این زمان در خطره و در این چند روز

راحت و شادمانی نبورسد هیچ غم مخور یک کس با تو قول

و شرط کرده و خلاف وعده و شرط میکند و تو در دل عهد او بسته

دل نبند انبد و انچه در دل داری بهیچ کار دلخواه برآید و از دل

خود با کس مگوی تا دولت آسوده شود و صبر پیشه خود

سازد و دولت و بزرگی نبورسد و تفرقه و تشویش نبود

راه بده و سفری در پیش تو می آید اگرچه اندک غمی و پریشانی

نبو میرسند ولیکن در آخر از سفر با نعمت و خجستگی بدست

تو در آید و شادمان شوی و زنی در بند تست و کار ترا تر

میکند اما تو غم مخور خدا تعالی ترا نگاه میدارد باید که پیوسته در طاعت

و خیرات باشی تا از همه بلاها و آفت ها در امان حق تعالی باشی

و غایبی بصحت و سلامت بتو رسد خاطر خود را جمع دار

و دو غدغه را بخود راه مده که کارت بمدعا آسان برآید و

خبری بتو رسد که بسیار شادمان شوی و بمراد دل برسی انشاء الله

ان شاء الله تعالی تمت تمام شد فالنامه تصنیف حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم سوره اذا جاء نصر الله **این است**

که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر که با خود دارد بر اعدا مظفر و

منصور باشد و بهیچ آفتی مبتلا نشود و عقد اللسان حاسدان بر این

سوره اذا جاء نشود و خدا تعالی بنظر رحمت سوی آن بنده بیند

و تاثیر آن در رفع بلیات با خود بدارد این باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

نسخه سوره اخلاص حضرت غوث صمدانی رضی الله عنه که خود دارد و هر صباحی که کار

الله	قل هو	احد الله	الصمد	لم يلد	ولم يولد	ولم يكن	له كفوا
قل هو	احد الله	الصمد	لم يلد	ولم يولد	ولم يكن	له كفوا	احد
احد الله	الصمد	لم يلد	ولم يولد	ولم يكن	له كفوا	احد	قل هو
الصمد	لم يلد	ولم يولد	ولم يكن	له كفوا	احد	قل هو	احد الله
لم يلد	ولم يولد	ولم يكن	له كفوا	احد	قل هو	احد الله	الصمد
ولم يولد	ولم يكن	له كفوا	احد	قل هو	احد الله	الصمد	لم يلد
ولم يكن	له كفوا	احد	قل هو	احد الله	الصمد	لم يلد	ولم يولد
له كفوا	احد	قل هو	احد الله	الصمد	لم يلد	ولم يولد	ولم يكن

باشد این را شفیع آرد و آن برادر خبر کرد و هر که در ماه نو بیند

آن ماه بر او بآسانی و خوشی حال بگذرد و نور چشم او

بفراید و آنش دوزخ بروی حرام گردد و اگر در خشک همراه
بکار نکند
داشته باشد منظفر و منصور و سلامت باز آید و هیچ چیزی

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحيم

احکام نکاح و کسی که مرتکب این میشود واجب است بر او

که پنج علم را بداند تا عقد او درست میشود اول علم لغت تا معنی

لغوی و اصطلاحی را فرق تواند کرد دوم علم صرف بجهت آنکه

معرفه تشبیه کلمه را بداند سیوم علم نحو بجهت صحت ترکیب جمله

بدانند که لازم عقد است دانستن آنی بر عاقد لازم است

تا تمیز تواند کرد از جمله آنها چیزی پنجم بر فرعات مسایل نکاح

که از دانستن آن لازم است مثل در صیغه عربی انکحت و

مُوَكِّلَتِي مِنْ مُوَكِّلِكَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُوْ

یعنی اینست که نکاح کردم وکیل کننده خود را از جانب وکی

کننده تو بر مهر معین و در قاعده صرف انکحت واحد متکلم است

از

از فعل ماضی از باب افعال وَزَوَّجْتُ نیز واحد متکلم است از فعل

ماضی از باب تفعیل و این هر دو متعدی اند که فاعل و مفعول میخواهند

و هر دو موکل اسم فاعلند و من حرف جر است علی نیز حرف جر است

و صداق و حلوم اسم اند بانکحت و قبلت نیز واحد متکلم است

از فعل ماضی بحسب ترکیب فعل و فاعل است و مَوَكَّلَتِي مضاف

است بیاء متکلم و یاء متکلم مضاف الیه است یعنی اضافه باو است

وَمِنْ مُوَكِّلِكَ جار و مجرور است و مضاف بر کاف خطاب

و کاف خطاب مضاف الیه و علی الصداق که جار و مجرور است

علی حرف جر است و علی الصداق جار و مجرور یعلی یعنی کننده

صداق بحیث دخول علی است و المعلوم تمیز صداق و این

جمله ان شاء متعلق بانکحت و قبلت فعل و فاعل است الخ

حار و مجرور است مضاف است بیاء متکلم یا بر متکلم مضاف الیه
متعلق بقلبت و این نیز جمله انشائیه است در لغت از خود چیزی پیدا
کردن است و در اصطلاح آنست بحکمی است که مجرد باشد
از زمان تلفظ ماضی حال و استقبال باشد یعنی تلخ از زمان است بجهة
آن جمیع عقود را بصیغه ماضی قرار دادند از جهة آنکه ماضی دالست
بآنکه اگر بلفظ مستقبل میشود احتمال استقبال میشود و ماضی
در و دلالت اگر از جمله خبریه میشود احتمال صدق و کذب داشته
و احتمال صدق و کذب ندارد بلکه حاوی است امر و لا تضرب
و ضرب یضرب که جمله خبریه اند احتمال صدق و کذب هر دو دارد
اثبات اینجا بمعنی امر است و حکم اینجا بمعنی وقوع است و مجرد از
دلالت این زمان این معنی دارد که زمان معنی است که و گرچه کل
ان

این اثبات حکم در زمان واقع میشود و اما زمان مسطور نیست

ومعنی اصطلاح در صیغهٔ عقد و انکاح آنست که شارع این لفظ را

قرار داده است بواسطه آنکه ولیس و نقل و جمیع متمتعات زوجه

بر زوج حلال می شود و بعوض این مهر و سکنات و نفقه و مراجعت

جعل است بوجوب از زوج بر زوج نقل میکند بر وجه قبلت را

نیز وضع کرده برای قبول از زبان با مهر زوج بر زوجه بعوض تحلیل متعات

زوجه بر زوج پس زوجه بسبب انچه از و نقل میکند بر زوجه مشتغل

الیهاست بسبب زوج با نچه از زوجه باو نقل میکند مشتغل الیه است

و انچه از و بر زوجه نقل میکند مشتغل الیه است باید دانست

که انکاح در لغت وطی کردن است و در اصطلاح انکاح آن

عقد است که ایجاب و قبول است و بسبب ایجاب و قبول

زوج مالک وطی کردن زوجه میشه وابتدا هایغه اولا بعضی گفته

اند بنکاح بمعنی وطی کردن است ومجازا بمعنی لفظ ایجاب وقبول

است وبعضی عکس این گفته اند وبمعنی حقیقت آن اینست

که در موضع خود مستعمل شود وباید دانست که صیغهای عقد

در از جهت اخبار وضع کرده اند وشارع نقل کرده بانشاء

آورده بواسطه هر دو امر یکی کذب ودیگری تسلسل وکذب

تسلسل هر دو باطل پس نقل کردن بانشاء آمدن لازم بود

وفرق میان انشاء آنست که مدلول انشاء آن نفس آن

ثبوت است بانفس ثبوت وانشاء بر سه قسم می شود وحالی

ازان نیست که مقارن استقبالی است یا مقارن گذشته یا

مقارن حضوری است اگر انشاء یعنی دلالت باستقبال امر است

والمقارن

3/66

مقارن بخضوع است پس انشاء درین هنگام بمعنی سوال کردن
است واگر گویند که چرا دلالت را مفید بوضع کردند جواب
گوییم که بواسطه آنکه آخر از چیزی که دلالت مبطل است فعل میکند
وباید دانست که صیغه انکحت و نفسی موکلتی
عین موکلی و نه دو مفعولی است واین برخود واجب
است بباید دانست واز مفاعیل حاصل کدام مفعول مفعول
او مطلق است و مفعول به است و مفعول ثانی یعنی نکاح
کردم نفس وکیل کننده خود را اگر فلان از برای فلان
وکیل کننده فلان را کناه باشد بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذي أحل النكاح وندب اليه وحرم
الزنا والمتفاح وتوعد عليه وصلوته على سيد المرسلين

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ

اما بعد از تحریر رسالہ وآنست کہ جمعی از برادران ایمانی و دوستان

روحانی تقریر التکلیف وتحریص نموده اند بر تحریر ای وضع عقود

نکاح و انواع تعبیرات آن بر وجہے کہ غایت احتیاط کہ در جمع امور

مستحسن و مرغوب قدرت دران بر وجہ اکمل مرعی بوده

باشد چون ہر فروج نزید احتیاط را سزاوار بوده اجابت

التماس ایشان را لازم است چند کلمہ در خور ادراک فہم

خویش در تحریر آوردم عَلَى اللّٰهِ الْمُتَكَلَانِ وَهُوَ

الْمُسْتَعَانِ فِي جَمِيعِ الْاُمُورِ بباید دانست کہ ظاہر اخبار و

اقوال اصحابہ آنست کہ عقد دایم را بلفظ نکاح و تزویج ہر دو

واقع میتوان ساخت ولیکن مشایخ ما رضوان اللہ علیہم ہر دو

لفظ

لفظ ابرای نمودند رعایت احتیاط والیضا باید دانست مشهور

وندکور عمل جمعی از افاضل که سعادت وخدمت ایشان یافته

بودم این بود که لفظ نکاح وتزویج را هردو معنوی ثانی متعدی

بکلمه من ساخته وکتب لغت متعدی بنفس وارد شده

ودر قران مجید نیز نکاح در مواضع متعدده متعدی بنفس وارد شد

از انجمله قوله تعالی اُرِیدُ اَنْ اُنْکِحَکَ اِحْدٰی

بنتی تزویج در بعض آیات متعدی بنفس وارد شد قوله تعالی

ودر بعضی متعدی بباء هو قوله تعالی وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ

عِینٍ ولیکن این شکسته بعد از تتبع در بسیاری

از اخبار دیدم که متعدی بمن وارد شده پس رعایت عامت

احتیاط مقتضی آنست که بجمیع این وجوه ایراد نمایند ایضاً در

آیاتی که سابق ذکر یافت اسم مرا مقدم است بر اسم
زن و مشهور بر عکس پس رعایت هر دو بنوادی اخوط
خواهد بود و ایضا ظاهر بسیاری از اخبار و قول اکثر اصحاب
آنست که باکره عاقله بالغه رضای دختر کافی است و اگر باکره نباشد
نیز رضای زن کافی است هر چند پدر وجود داشته باشد و ایضاً
باید دانست که مشهور میان علما آنست که صیغ جمیع عقود را بقصد انشاء
واقع می باید ساخت مثلا کسی که بلفظ انکحت می نماید اگر مراد او
این باشد که قبل از کلام نکاح واقع ساختم و باین کلام از ان
خبر میدهم ان خبر است و باین نحو نکاح واقع نمی شود و اگر مراد او
این باشد که بلفظ انکحت نکاح را واقع می سازم ایجاب انشاء است
و این نکاح واقع می شود و هم چنین در جمیع عقود مثلاً بیعت که

مگویند می باید که مراد این باشد که بهمین لفظ بعقد واقع می شد

بعد از تمهید این مقدمات میدانگه خالی از این نیست که یا وکیل مرد با

وکیل زن صیغه میگویند یا مرد با زن یا وکیل مرد با وکیل زن و در

هر صورت یا رضای ولی را رعایت باید کرد یا نه چنانچه ولی نداشت

یا اگر داشته باکره نباشد و زین مجموع هشت صورت دارد بهم رسید

و اینها در صورتی است که شوهر و زن هر دو بالغ باشند و دختر نابالغ بر

عکس خالی از این است بی طفل یا بالغ صیغه میگویند یا با وکیل بالغ

و از این پنج صورت با هشت صورت سابق سیزده صورت

حاصل میشود اول انکه وکیل زن با وکیل مرد صیغه گویند و زن باکره

باشد و ولی حاضر داشته باشد درین صورت وکیل زن احتیاط

هم از جانب زن وکیل میشود دوم از جانب پدر و جد پدری رضای مکنم

کرم و محمد نام دارد و دختر زینب اولاً وکیل میکوید انکحت و

مُوَکِّلِكَ مُحَمَّدًا مُوَکِّلَتِی زَیْنَبَ عَلَی صَدَاقِ خَمْسِینَ تُومَانًا

مُوصُوفًا وکیل مرد میکوید قَبِلْتُ النِّکَاحَ لِمُوَکِّلِی

مُحَمَّدٍ عَلَی الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

پس وکیل زن میکوید زَوَّجْتُ مُوَکِّلَكَ

مُوَکِّلَتِی بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ وکیل مرد میکوید

قَبِلْتُ التَّزْوِیجَ لِمُوَکِّلِی پس وکیل زن بکوید

زَوَّجْتُ مُوَکِّلَكَ بِمُوَکِّلَتِی عَلَی

مَهْرِ الْمَعْلُومِ وکیل مرد بکوید قَبِلْتُ لِمُوَکِّلِی عَلَی

مَهْرِ الْمَعْلُومِ پس وکیل زن بکوید زَوَّجْتُ

مُحَمَّدًا زَیْنَبَ عَلَی الصَّدَاقِ الْمُعَیَّنِ الْمَوْصُوفِ

وکیل

وکیل مرد بگوید قبلت وکالة عن موکلی

وکیل زن بگوید انکحت نفسی موکلتی زینب وکالة

عنها وعن ابیها وعن جدها من موکلک

محمدا بالصداق

المعلوم وکیل مرد بگوید قبلت النکاح لموکلی

بالصداق المذکور وکیل زن بگوید زوجت بنت

موکلی من موکلک بالمهر المعلوم

وکیل مرد بگوید قبلت لموکلی وکیل زن بگوید

قبلت لموکلی ودیم آنکه مرد وزن خود صیغه نگویند

وزن زلی داشته باشد ویا بکره باشد زن میگوید رجعت

نفسی علی صداق خمسین تومانا موصوفا

مرد بگوید قبلت لنفسی علی الصداق المعلوم زن

بگوید انکحت نفسی علی المهر المعلوم مرد بگوید

قبلت لنفسی زن بگوید زوجتک نفسی اصاله ووکاله عن ابی و جدی بالمهر

المعلوم

مرد بگوید قبلت التزویج لنفسی زن بگوید انکحت نفسی من

نفسک بالمهر المعلوم

مرد بگوید قبلت النکاح لنفسی

زن بگوید زوجتک نفسی علی المهر المذکور

مرد بگوید قبلت لنفسی زن بگوید

مرد بگوید ..... درین صورت احتیاط آنست

که زن از جانب پدر یا جد پدری وکیل شود و باین نحو واقع سازد

واگر پدر صیغه را وشوهر کویند از جانب دختر وکیل شود و

بکویند زوجتك بنتی زینب وکالة عنها علی صداقها

ثم ما نا موصوفا حواب مرد در همه صورت

بنحویست که مذکور شد پس پدر دختر بکوید که انکحتك

بنتی زینب منك وکالة عنها وولایة علیها

بالمهر المعلوم بعد از جواب پدر باز بکوید

زوجتك بنتی زینب علی الصداق المعین

المعلوم مرد بکوید قبلت لنفسی علی الصداق

المعلوم وسیوم آنکه وکیل زن صیغه بکوید وان باکره نباشد

یا ولی نداشته بنحو یکه در قسم اول کفتیم صیغها را باید کفت

ودر وکالت پدر را از لفظ باید انداخت اکر چهار صیغه اول آن

نسلم باین خم کند ظاهر اولی است وکیل زن بگوید انکحت و

وَزَوَّجْتُ نَفْسَ مُوَكِّلَتِي زَيْنَبَ مِنْ مُوَكِّلِكَ

مُحَمَّدٍ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ وکیل مرد بگوید قبلت

النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ وَكَالَةً عَنْ مُوَكِّلِي مُحَمَّدٍ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

چهارم آنکه زن نابرده صیغه و زن باکره نباشد و یا ولی ندارشته باشد

دربن صیغها نجولست که در قسم دویم مذکور شد الا صیغه سیوم که

تلفظ بان نباید کرد و قسم پنجم و ششم و هفتم و هشتم که مرکب از

اقسام مذکوره الجاب را از قسم باید برداشت و قبول را از

قسم دیگر و هر یک بتفصیل موجب تطویلست هم انکه

هر دو صغیر باشند و بموالات عقد کنند ولی لسان و ولی دختر

بگوید زَوَّجْتُ ابْنَكَ بِنَبِّي وَلَايَةً عَلَى الصَّدَاقِ

المعلوم ولی پسر بگوید قبلت لانبتی ولایة علی

الصداق المعلوم بار دیگر زوجت انکحت بگوید

بار دیگر یا زوجت یا بنتی بگوید ولی دختر پس بگوید

انکحتک وزوجتک بنتی زینب من ابنک

محمد علی الصداق اثنا عشر تومانا قضیا

صاحبقرانیا ولی پسر بگوید قبلت النکاح والتزویج

لابنتی و باقی صورتها از انچه تقدیم معلوم می شود و باید که کس

که مرتکب وکالت از طرفین میشود و عارف بقرینه باشد

که تمیز عددها و اعراب و سایر الفاظ را تلفظ تواند نمود دیگر تصحیح

لهجه خود نزد قاری کرده باشد که ادای حروف از مخارج تواند

کرد و رعایت وقف و وصل در مواضع خود بکند و چون درین

زمانه در میان عجم الفاظ متبرکه متعارف شده است مثل

محمد حسین و محمد علی ظاهرش آنست که رعایت قواعد ترکیب

در نهایمودن محمد علی محمد حسین بفتح دال و یا و دال و

نون و اگر رعایت طور عرب نمود محمد علی بکسر دال و

یا تنوین هم بکنند از احتیاط دور نیست و هر یک از مرد و زن که حاضر

باشند در وقت عقد اگر وکیل نوص اسم خدا بگوید و اشاره کند

بهتر است و باید که قبل از تمام صیغه ایجاب شروع بقبول

نکند و بعد از اتمام فاصله عرفی در میان واقع نشود و باید که در هنگام

وکیل شدن با دو مرد عادل یا جمعی از شهود تعریف باشند

که آن زن را بشناسند و بدانند که او هست که حرف میگوید

نه دیگری تا در وقت شهادت توانند شهادت داد و باید که در

وقت

وقت وکیل شدن صیغه نکاح تعین مهر بکنند که زر نادره سکه

است یا رایج دونه دنگ و نیم است یا ده دنگی و باید که قبل از

شروع در صیغه خطبه مشتمل بر حمد و صلوات و تحریص بر نکاح و ترغیب

بر سفاح بخوانند و خطبهای منقول که در کلیات هست به یک را بخوانند

خوب است و اگر اینها میسر نشود این دو کلمه که بخاطر رسیده است

ابیات اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهٗ

نَسَبًا وَّ صِهْرًا وَ کَانَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرًا وَ صَلَّی اللّٰهُ

عَلٰی اَشْرَفِ الْمُرْسَلِیْنَ مُحَمَّدٍ وَّ اَهْلِ بَیْتِهِ

الَّذِیْنَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ

وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِیْرًا اَمَّا بَعْدُ فَقَالَ اللّٰهُ

تَعَالٰی وَ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَ اَنْکِحُوا الْاَیَامٰی مِنْکُمْ

وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ

إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ

وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ نَاكِحُوا

سِلُوا تَكِلَةً وَآفَانِي آبَاهِمْ بِكُمُ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقَاوَ

لَوْبِالْقِسْطِ وَالصَّلٰوةُ عَلَى شَرَفِ

الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَةِ

الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ

وبدانکه صیغه متعه تعین مدت ومبلغ شرط است پس وکیل

زن بگوید که متعتُ نفسَ موکلتی زینب

من موکلک محمد من الآن الی طلوع الشمس

باربع شاهیات

وکیل

وکیل مرد بگوید قبلت توکلی ا کر وکیل زن بعد از تمهید

مدت مبلغ وتعین هر دو بگوید متعت نفس موکلتی

من موکلک فی المدة المعلومة

بالمبلغ المعلوم هر وکیل مرد بگوید قبلت توکلی

واگر احتیاط موافق مدلول احادیث کثیره در حین وکالت

بگوید بزن که ترا متعه میدهم بشرط آنکه تو از ان میراث نبری

واو از تو میراث نبرد وعده براری وطلب قسمت لبالی

چنانچه در نکاح دایمی باشد تمامی وتوقع فرزند همرسانیده

از او نداشته باشد در مدت فلان مبلغ فلان وصیغه این

نحو بگوید زوجتک نفسی موکلتک محمدا

متعته وشهرا طاملا سفاح علی کتاب الله

سنة بنسبه على از نزنه ولا يرهنها وعلى

ان عليها العدة وكيل مرد بكويد قبلت على الشروط

المذكورة خواهد بود واگر طرفين خود صيغه بكويند

زوجتك نفسي متعة وضميرها غايب

را بعنوان متكلم خواهد گفت رسقوف ديگر ظاهر است والله

الموفق وكل غير عتقه مولاه العدل المذنب

محمد باقر بن محمد تقي عفى عنهما بالنبي الطاهر المقدسين في

سنه ١١٢١ در صورتي كه زن مرد را وكيل خود كند كه بحبت

خودش متعه نمايد بدين نوع گويد متعت نفسي موكلتي

لنفسي بالمبلغ المعلوم في مدت المذكور

بعد ازان گويد قبلت لنفسي فلانه بين صورتي كه

زن

زن باکسی متعه کند او را وکیل سازد از جانب خود خالی

از اشکال نیست و احتیاط افضل آنست کسی دیگر را

وکیل سازد تا متعه صحیح باشد و در حدیث صحیح از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون عروس به

نزد تو بیارند بگو که پیش از آن وضو بساز و تو وضو باز

و دو رکعت نماز بکن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز

بکن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس

حمد الهی بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس

دعا کن آن زمان را که ما باو آمده ایم آمین بگو بعد از این

دعا بخوان اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی الفَهْمَ وَ وَرَعَهَا وَ رِضَا

وَ ارْضَنِی بِهَا وَ اجْمَعْ بَیْنَنَا بِاَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ

إنس اسلاف لحائك مُحِبُّ الحَلَالِ وَتَكْرَهُ الحَرَامَ

و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

منقولست که چون شب زفاف نزد عروس بروی

منوی بنشانیش را بکیر دوروبقبله آورد بکو اَللّٰهُمَّ

بِاَمَانَتِكَ اَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا

فَاِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا

تَقِيًّا مِنْ شِيعَةِ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ

فِيهِ شِرْكًا وَلَا نَصِيبًا و در حدیث دیکر از انحضرت منقول

است که دست بر بالای پیشانی بکذارد و بکو اَللّٰهُمَّ

عَلَى كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهَا وَفِي اَمَانَتِكَ

اَخَذْتُهَا وَلِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُ

فرج

فرجها فان قصيت لي في رحمها شيأ فاجعله

مسلما سويا ولا تجعله شرك شيطان

راوی پرسید که فرزند چگونه شریک شیطان می

شود فرمود که اگر در وقت جماع کردن نام خدا نبرند شیطان

در میشود و اگر نام خدا نبرند و اگر خود با در آن شخص داخل

میکند پس جماع از هر دو میباشد و نطفه یکیست گفت

که بچه چیز میتوان دانست که در کسی شیطان شریک

شده است فرمود که هر که ما را دوست میدارد شیطان

در و شریک نشده است فرمود که هر که دشمن ما بدست

شیطان در و شریک شده است و در روایت معتبره

دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این

دعا بخواند و در وقت رفتن بگلمات الله استخلت

فرجها و فی امانت الله اخذتها اللهم ان قصیت لی

فی رحیمها شیئاً فجعله بارا تقیاً و اجعله مسلما

ولا تجعل فیه شرکا للشیطان

و در حدیث دیگر از ان حضرت منقول است که حضرت

شریک شدن شیطان در نطفه آدمی بیان کرده اند

و بسیار عظیم شمرده اند راوی گفت که چه باید کرد که این

واقع نشود فرمود که هرگاه اراده جماع داشته باشد این دعا

بخواند بسم الله الرحمن الرحیم

الذی لا اله الا هو بدیع السموات و الارض

اللهم ان قصیت منی فی هذا اللیلة خلیفة

فلا

فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًا وَلَا نَصِيبًا

وَلَا خَطًا وَاجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا

مُصَفًّى مِنَ الشَّيْطَانِ وَرِجْزِهِ جَلَّ

شَأْنُهُ ودر حدیث دیگر فرمود که چون خواهد که

شیطان شریک نشود بسم الله وپناه برد بخدا از شر شیطان

وازحضرت امیرالمومنین علیه السلام منقولست که چون

کسی ارادهٔ جماع کند بگوید بسم الله وبالله اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِي

الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي

پس اگر فرزند بوجود آید شیطان هرگز باو

ضرر نرساند وازحضرت امام محمد باقر منقول است که چون

ارادهٔ جماع کنی باید عا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنْ رَزَقْتَنِي وَلَدًا

واجعله مقدارا یکتا لیس فی خلقه زیاره ولا نقصان واجعل عا

الی حین

قبه در حدیث معتبر دیگر منقول است که مکروه است

جماع کردن میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و در وقت

فرو رفتن آفتاب تا بر طرف شدن سرخی مغرب و

در روزیکه در آن باد سیاه یا باد زرد حادث شود و در

شب یا در روزیکه در آن زلزله حادث شود و البته که اگر

کسی جماع کند در این اوقات پس او را فرزندی بهم رسد

نه بیند در این فرزند چیزی را که دوست زیرا که آن آیت غضب

الهی را سهل شمرده است از حضرت امیر المومنین علیه السلام

منقول است که هرگاه کسی را دردی در بدن باهم رسد یا

حرارت مزاجش غالب شود پس با زن جماع کند تا سکین

لوده

شود از حضرت صادق علیه السلام منقول است هر که در حال خضاب

با زن خود جماع کند فرزندی که بهم رسد محنث خواهد بود حضرت

صادق علیه السلام هر گاه که بعد از جماع و پیش از غسل اراده جماع

بکند دو ضو میباید خند و در روایت دیگر منقول است اگر کسی

انگشتری با او باشد که بر آن نام خدا نقش کرده باشند جماع نکند

از ابو سعید خدری منقول است که حضرت رسالت پناه صلی الله

علیه و آله وصیت نمود بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه

که یا علی چون عروس آری و داخل خانه شود و نقش بالش

بکنی تا نشینند و دستهایش را و پایهایش را بشوی و آن

سر آب را از در خانه تا انتهای خانه بپاشی چون چنین کنی خدای

هفتاد هزار نوع بر کت را داخل خانه تو کند و هفتاد هزار نوع

رحمت بر تو فرستد که بر سر عروس فرود آید تا آنکه آن بر

سه گوشه از خانه باشد و منع کنی عروس را تا هفت روز از

خود دور نشیند و سر که و کشنیز و سیب ترش حضرت امیرالمومنین ع

گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله بچه سبب او را منع کنم

از اینها فرمود زیرا که رحم بسبب اینها سرد و عقیم میشود و فرزند

نمی آورد و حقیر که در ناحیه خانه افتاده باشد بهتر است از آنکه

فرزند نمی آورد فرمود که یا علی جماع مکن در اول ماه و میان ماه

و آخر ماه که دیوانگی و خوره و خبط دماغ را می باید بآن زن و فرزندش

یا علی جماع مکن بعد از نشین که اگر فرزند بهم رسد احول خواهد

بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی حاصل شود ابکم

نیست که لال باشد و نگاه نکند احدی بفرج زن خود و چشم بوشد

از ان

در انحالت که نطفه بیرون میرود در آن حالت باعث کوری فرزند

میشود یا علی شهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع

مکن که اگر فرزندی بهم رسد مُخنث یا دیوانه باشد یا علی هرگاه جنب

با زن خود در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند میترسم که آتش

از آسمانها بر هر دو نازل شود و بسوزاند ایشان را یا علی جماع مکن

با زن خود مگر آنکه تو دستمالی را از برای خود داشته باشی و هر دو

او دستمالی از برای خود داشته باشد هر دو خود را بکید دستمال

پاک نکنید دشمنی در میان شما پیدا شود آخر بجدائی می کشد

یا علی ایستاده با زن خود جماع مکن که از فعل حیوانست اگر فرزندی

بهم رسد مانند حیوان زیر دست خواب بول کند یا علی در شب

عید فطر جماع مکن که چون فرزندی بهم رسد بسیار از او نظهور آید

یا علی در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش

انگشت خواهد بود یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن اگر

فرزندی بوجود آید جلاد و کشنده مردم باشد نارئس و سرکرده

ظلم باشد یا علی در برابر آفتاب جماع مکن آنکه برده نباوزی

اگر فرزندی بهم رسد همیشه در بد حالی و پریشانی باشد تا بمیرد

یا علی در میان اذان و اقامت جماع مکن که اگر فرزندی بوجود

آید راغب باشد در خون ریختن یا علی چون زنت حامله

شود با او جماع نکنی بموضعی که اگر چنین کنی فرزندیکه بوجود آید کور

دل و بخیل باشد یا علی در نیمه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم

عیار و یاغی در ظالمان و هلاک لشکری از مردم آبرو دست مردم بخورد

یا علی بر پشت بام جماع مکن اگر فرزندی بهم رسد منافق ریاکننده

اول

حامله شود و هم در روی زمین نشیند یا علی در اخر شعبان

وصاحب بدعت باشد یا علی چون بسفری بروی در آن شب

که برون میروی جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید مانش را

بناحق صرف کند و اصراف کنندگان برادر شیطان اند 369

و اگر بسفری بروی که سه روز باشد جماع مکن که اگر فرزندی

بوجود آید ما در ظالمان باشد جماع مکن یا علی در شب دوشنبه

که اگر فرزندی بیهم رسد حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد

سعادت اسلام او را شهادت روزی شود و دانش را

از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب

پنجشنبه اگر فرزندی بوجود آید شیطان نزدیک او نه شود

تا بزرگ شود و خدا او را آفرین کند سلامتی در دنیا و دین یا علی

اگر جماع کنی در شب جمعه و فرزندی بهم خصلت و سخن گویا باشد

واگر در روز جمعه بعد از عصر جماع کنی فرزندی بهم رسد از دانایان
مشهور باشد واگر جماع کنی در شب جمعه بعد از خفتن امید هست
که آن فرزند از ابدال باشد یا علی در ساعت اول شب جماع
مکن که اگر فرزندی بهم رسد امین نیست که ساحر باشد و دنیا را
بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را با موزار من
چنانکه من از جبرئیل آموختم در احادیث معتبره وارد شده
است که سنت است که عروس در شب واقع شود طعام
در حاشیه نجته شود و منقول است مکروه است جماع کردن
در روز یکه در آن روز آفتاب بگیرد و مکروه است در شبی که
در آن شب ماه بگیرد و کراهیت دارد که مرد رو بقبله
جماع کند از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع نمیتواند

کرد فرمود که نه رو بقبله و پشت بقبله جماع نکند و در گشتن جماع

نکند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم نهی فرمود از آنکه

کسی محتلم شده باشد از آنکه غسل کند و جماع کند و فرمود که اگر فرزندی

بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را حضرت رسول صلی

الله علیه و اله وسلم فرمود که بحق آنخدای که جانم در قبضهٔ قدرت

اوست اگر شخص با زن خود جماع کند و در ان شخص دیگر بیدار

باشد که آنرا به بیند یا سخن و نفس ایشان بشنود فرزند بد کردار

از ایشان بهم رسد ستکار نباشد و در ها کار باشد حضرت

امام زین العابدین علیه السلام چون معاشرت بزنان میکردند

خدمتکاران را دور میگردند و در ها را می بستند و پرده ها را می

انداختند از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی را

بازن خود عریان کند و با او نظر کند چون است فرمود که لذتی
ازاین بهتر می باشد حضرت رسول ص فرمود هر که در حیض
بازن خود جماع کند پس اگر فرزندی بهم رسد مبتلا شود
بخوره یا پیش پس بلامت نکند مگر خود را از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که چون کسی خواهد بازن
خود جماع کند بر دشمن نرد و نزد بلکه اول با او خوش طبعی
بکند و بعد ازان جماع کند حضرت صادق علیه السلام فرمود
که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث این
میشود که فرزند سفطه شود و نزد یکست که اگر فرزندی بهم رسد
دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی کسی را که صرع میکرد
اکثر آنست که یا در اول ماه یا در میان یا در آخر ماه صرع باشد

دار

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید مرد را که در خول

در شب چهارشنبه حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرموده

که هر که جماع کند با زن خود در رکعت الشعاع پس با خود قرار دهد

افتادن فرزند از شکم پیش از آنکه تمام شود مدت تمام نشده

بسم الله الرحمن الرحیم خواص و فتهی نقلاً عن خط من قال.

نقلته بخط سید المحدثین و اسوة المحققین حضرت نقابت

مرتبت میرک شاه علیه الرحمه الف هر کس بعد از نماز

بامداد پیش از آنکه سخن کند هزار بار بگوید او را چندان نعمت

جمع شود که حساب نتوان کرد و اگر هزار الف نویسد و با خود دارد

که

همین خاصیت دهد و با چون کسی محبوس بود هر روز

پانصد بار بگوید خلاص شود و اگر بنویسد و با خود دارد همین

با نخ نو بار کنی

نماید دارد تا اگر کسی بنویسد و با خود دارد در چشم
مردم عزیز گردد و اگر بخواندن او مداومت نماید هر روز هزار بار در
اقبال بر وی گشاده گردد تا اگر کسی هر آدینه شصت
بار بگوید از برای محبت خاصیت تمام دهد جیم اگر کسی
هر شب هزار بار بگوید بعد از هفت شب حضرت پیغمبر را در خواب
سبعات رات یکبا
بیند و اگر بیمار بود بر قدحی نویسد و بشوید و بخورد شفا
یابد حا اگر کسی خواهد که قطع دشمن کند و دوست یار
بگوید و بر مشت خاک دمد بر وی دشمن افتاد دوست
گردد خا اگر کسی خواهد که از غایب خبر یابد بعد از نماز
خفتن بر بالای بام رود و هفتاد بار بگوید و بر آن جانب
ستو بار کہی
دمد که غایب باشد خبرش بیاید و اگر نداند که کجاست
هفتاد

هفتاد و غد و سیو لید و در زیر سر نهد در خواب بیند

سفر عزرائیلی

دال اگر کسی خواهد که ظالمی را از مقامی آواره کند بنداد

بر خیزد و قبل از انکه سخن گوید بالای بام رود و دو پر از سمان

هفتاد بار بگوید آن ظالم از انجا نقل کند و اگر هر روز هزار بار بگوید

سفر بار کهی

بدولت رسد **ذال** اگر کسی در خود سازد دولت

ورد دال بیاید

از زر و دانستان کند و اگر هفتصد بار شیرینی خواند دیگ

سات سو بار او در سر بنی بیاید

دهد در چشم خلایق عزیز گردد **را** اگر کسی دفینه دارد

و نیابد هفتصد بار در کوشش خرد سر سفید بگوید آن خرد

سات سو بار در کان مرغ سفید کهی

رود تا سر آن دفینه دارد اگر هفتصد عدد بنویسد و در کوشش

سات سو بار

نهد و ارکوشش بردارد و در میان علف باندک نمک نهد

در زیر سر نهد دفینه را در خواب بیند **زا** اگر کسی هر روز

و بنام مادر او و بنام خود و نام مادر او خود آنکس حاضر گردد

قاف اگر کسی هر روز چهار صد بار بگوید و هر نیتی که خواهد حاجت

چهارشنبه

او را روا کرد و دوا اگر خواهد که خواب کسی را به بیند و دولت

عمد و بر کاغذی بنویسد و در زیر سنگ گران کند بسته شود

کاف اگر کسی خواهد که از چشم خلق ناپدید شود و در

وقت حاجت هفتاد بار بگوید حاجتش روا کرد و دوا اگر بر

سه شنبه

صفحه مس نقش کند از چشم زخم ایمن گردد لام اگر کسی

نزدیک خبری دارد و بدست نمی آید هفتاد بار بگوید بی طلب

شنبه

بدست آید و اگر بر برگ زر لوز بنویسد و در جوی آب روان

در زیر سنگ کند در نظر خلق عزیز و شیرین گردد میم اگر

کسی در وقت نماز جمعه صد بار بگوید حضرت پیغمبر صلی الله

علیه

علیه و آله وسلم را در خواب ببیند و اگر بر کرباس نویسد و با

خود دارد هر جا بوری که او را بکزد در دم بکشد و اگر هر روز صد

و پنجاه بار بخواند زبان خلق او بسته گردد نون اگر کسی ایکسو

بجانبی

بعد از نماز بامداد هزار بار بگوید هفت روزی او کرد دواو

اگر کسی خواهد که روزی بروی گشاده گردد هر روز هزار بار

بخواند روزی حلال یابد ها اگر کسی که از شر شیطان

ایمن گردد هر روز بعد از نماز بامداد هفتاد بار بگوید در

سفر

هر نوبت لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید لا

اگر بر ساق های نویسته تیز رو گردد یا در نوشتن حاجت

آن شهوی واقع شده از کتاب افاده تمت الخواص

نامهای چهارده معصوم در یک بیت من

کانصدیوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او

ضحیها اخرج بسهولة بسرعة بحق محمد و علی و

فاطمه و الحسن و الحسین و علی و جعفر و موسی و علی و

محمد و علی و الحسن و محمد المهدی صلوات الله و سلامه

علیه و علیهم اجمعین در ران به بندد و هر گاه طفل

بزاید زود واکند والا نه غالب که اگر دیر می ماند

بوده ها برمی آید و السلام مناجات منقبت

الهی بحق اعذار آن نخبتین :: که هستند فخر زمین و زمن

بحق ثوای دو اوراب و خاک :: بدان چار ده نامه معصوم پاک

بنور محمد چراغ رسل :: سر سروران سر دباغ سبل

بگلدسته روضهٔ انما :: بسر دفتر امندهٔ لافتا

علی

علیٔ ولی شیر پروردگار ∴ سپهدار دین شاه دلدل سوار

امامی که لی بادهٔ مهر او ∴ نخیزد کسی از لحد سرخرو

بحالتون خبت که خیر النساء ∴ که خبث محبان او راست

بحق شهیدان خونین کفن ∴ گل باغ رضوان حسین حسن

بخلق حسن افتخار زمن ∴ که خلقش حسن بود و نامش حسن

بخون حسین آنکه در کربلا ∴ بخیر وده بردی بلا بر بلا

بسجادهٔ زینت العابدین ∴ بیاقر شناسای علم الیقین

محمد که همنام پیغمبر است ∴ که نعلین او عرش را زیور است

به جعفر کل روضهٔ اصطفا ∴ که افزود از و صبح صادق صفا

بموسی کاظم و حالات او ∴ بقرب مقام و مقالات او

بقدر علی ابن موسی رضا ∴ شهید خراسان ظلم و جفا

چو در تنگنای لحد جا کنم :: دران وحشت آباد ماوا کنم

دران دم تو از لطف یاری دهی :: وزان مخمصم رستگاری دهی

چو منکر نظر سوی حالم کنند :: ز حال گذشته سوالم کنند

درآیند بهر آن بیچین :: نبی و علی و حسین حسین

دگر مادری معشر المومنین :: پناه بزرگان دنیا و دین

درآیند بهر آن پنج فرد رسل :: نبی و علی و دو سبط بتول

الهی الهی خطا کرده ام :: تو بر ما مگیر انچه ما کرده ام

گنه گارم و عذر خواهم توئی :: چه حاجت بپرسش گواهم توئی

گنه کار بیچاره ابن حسام :: بلطف تو دارد امید تمام

مرا مایه پس کران داده ئی :: بشهر غریبی فرستاده ئی

کنم سود و سرمایه بار آورم :: که تا دولت هر دو عالم برم

کنون

کنون آمدم کیسه پرداخته :: همه سود و سرمایه درباخته

بخشای بر من که بیچاره ام :: گرفتار نفس ستمکاره ام

بخشای جرم تو پوشیده دار :: که هم جرم بخشی و آمرزگار

کرم کن بحال تباه آمدم :: بدرگاه تو روسیاه آمدم

که زور آورد گر تو یاری دهی :: که گیرد چو تو رستگاری دهی

نگویم بزرگی و جاهم ببخش :: فرومایگی و گناهم ببخش

نه جرم نه گناهم نه کیر :: عفو را ترحم بود بر نقیر

الهی مرا در سرانجام کار :: ز بیگانگان دور بیگانه دار

بزرگان و دور بزرگیت بس :: که کرم ز خلق جهان کوشش

مرا طاعتی گر بدست آورد :: غنی کن بگنج قناعت مرا

الهی الهی الهی :: بروز قیامت مکن عفو گناه

اگر دعوتم رد کنی در قبول :: من و دست و دامان آل رسول

سپردم بتو مایهٔ خویش را :: تو دانی حساب کم و بیش را

چنان ساز مایل بعقبا مرا :: که نبود تمنای دنیا مرا

هزاران درود و هزاران سلام :: زما بر محمد علیه السلام

الهی هر آنکس که این خط نوشت :: عفو کن گناهش عطا کن بهشت

تمت تمام شد بیاض سرکار دولت مدار فیض آثار

نواب مستطاب معلی القاب عالی جناب

نواب علیمردان خان بهادر دام اقباله و اجلاله

بخط احقر العباد دفتر ما و من بنده جوکمن سوای

خط عربی بتاریخ یازدهم شوال المکرم سنه ۱۲۱۵

هجری بهویه صورت ترقیم یافت هو المستعان

۱۰

برائی الحب

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

برائی بلائی دشمن در قبر کنہ

۵	۲	۸
۹	۷	۴
۱	۶	۳

باد در کنار کاہ دفن کنند

این نقش را از عروج ماہ بر کف دست یا بر قرطاس

یا بر لوح بنج و یا ہفت بار ہر روز نوشتہ باشد

این است

محرر سارہ خلا

تا وینز در دسر

بسم اللہ الرحمن الرحیم ۔ بحق جرائیل و میکائیل

و اسرافیل و عزرائیل و بحق عیسی و موسی بحق

لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ تا وینزب

لافتا الا علیا لا صیف الا ذوالفقار صم بکم

عمی فہم لا یرجعون این آیت را بر شکم بندد

یا بر نبات بخواند مطلوب را بخواند لبسم
اللہ الرحمن الرحیم صم بکم عمی فہم لا یرجعون
نوعدیگر برائی دفع دردکہ از فرج عورت خون
و آب برود و هیچ وجہ نماند این را تاویز را نوشتہ
در کمر عورت ببندد ازین رنج خلاص یابد از
سودہ راست انیست یقلبہم افان مات
او قتیل انقلبتم علی عقابک ح نوعدیگر از برائی
ماندن شکم عورت نوشتہ یکی در کمر عورت ببندد و یکی شستہ
بخورانند و بنام سید کرجہان شیرینی بخش کند انیست
بسم اللہ الرحمن الرحیم اللھم احفظ بحق لا الہ الا اللہ
و بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین یا حی یا قیوم

بِرَحمَتِكَ یا اَرحَمَ الرّاحمین الٰہی بحرمت این عزیمت

ربانی فلانی شخص بر حکم بماند بحق حسین و مولانی فاطمۃ الزہرا

390

صلوات اللہ و السلام علیہا نوعدیگر ہر کہ این طلسم را

بر کوزہ بنویسد و آسیب زدہ را بخوراند آسیب دیود

نوعدیگر ہر کہ این نقش را

بر ری دفع شود دلو اثر القوی

نوشتہ و در خانہ نگاہ دارد ان اللہ تعالی در انخانہ آفت رزق

نقش این است

۷	۲	۹
۸	۶	۴
۳	۱۰	۵

نوعدیگر سورۃ الکوثر ہفت دفعہ بر سر شف مزرد خواند

ہر ہر کہ بند مے شود نوعدیگر اگر خواہے کہ زنار از دراختیار

خود کنی این تاویز را نوشتہ زیر دندان خود نگاہ داشتہ باز زن

دو حکایت کند زن بی اختیار کرد و بتکلم در آید تا دیزاد است

لا الا الا علان نوعدیگر اگر خواهد که زبان کسی را ببندد

این طلسم را بنویسد و در زیر تنگ کران بنهد تا زبانش بسته شود

است ٤٤ ٥٤ ا ٣ ٥ نوعدیگر اگر خواهد که در

٤٤ مقصد هو هو ی

محبت خود کسی را بیقرار گند باید که این طلسم را بنویسد

برنان گندم و پیش گربه سیاه اندازد تا او بخورد مقرر بیقرار

شده تو باید لیکن ماه نو باشد روز مشتری است طلسم بر زنگ

ا ا ا ا ا ک طع لا لا نوعدیگر هر که خواهد که کسی را بر خود

غریفته و عاشق گرداند هفت صد بارع نوشته و بر پشت

خوانده مطلوب را بخوراند آزموده و مجرب است و یا بر دست

خود به بندد نوعدیگر برای تب و لرزه اگر کسی را تب لرزه

هر روز بیاید و هیچ نوع دفع نشود امن دها بنویسد و در کلو ببندد

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله شافی بسم الله کافی بسم الله الرحمن الرحیم

الوافی یا من الله برد بازن الله و رسولک برحمتک یا ارحم

الراحمین نوعدیگر اگر عورت را حمل می افتاده باشد.

باید که این دعا بنویسد بر نان میده و خوردن دهد اگر حمل

نماند فردا قیامت چنگل او در دامن باشد دعا اینست

قوله ص قوس سلام بحق کل قران طه نوعدیگر جهت محبت

این آیه را بر چیز خوردنی یا بر صندل یا بر عطر یا بر نان

بیست یکبار بنام طالب و مطلوب بخواند و او را

بدهد دیوانه او شود، ما در میان خواندن سخن نکند

آیه اینست وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ

أندادًا يحبونهم كحب الله والذين آمنوا أشد
حبًا لله ولو يرى الذين ظلموا إذ يرون العذاب
ان القوة لله جميعًا وإن الله شديد العذاب
نوعد بكر این نقش را برای قوة باه و مساک نوشته در کمر
بندد تا زمانیکه در پیش باشد منزل نشود و پس نیست
کند نقش را انوقت از زال شود مجرب است ایضا

۸	۳	۱۶	۷۷	۴	۴	۴
۲	۱۲	۱۲	۳۲	۴۶	۱۳	۱۲۰
b	ع	۸۲	۳۲	۱۶	۱۲	۴۴
ط	۱۰۳		۱۱۵	۱۴	ک	۵۰
ط	ک		۱۱۵	۶۶	۳	ک

نوعدیگر این نقش را از قلم طالو بنویسد امساک بسیار شود

عدک	۹۲	۳۸۵۰	۵۶۹
۳۸۲	۲۴	۶۶	۸۵
۶۲	۲۴	۱۸	۲۸
۲۶	۲۵	۱۵	۸۸

نوعدیگر برائی محبت آزموده ومجرب است بایه که نام خود

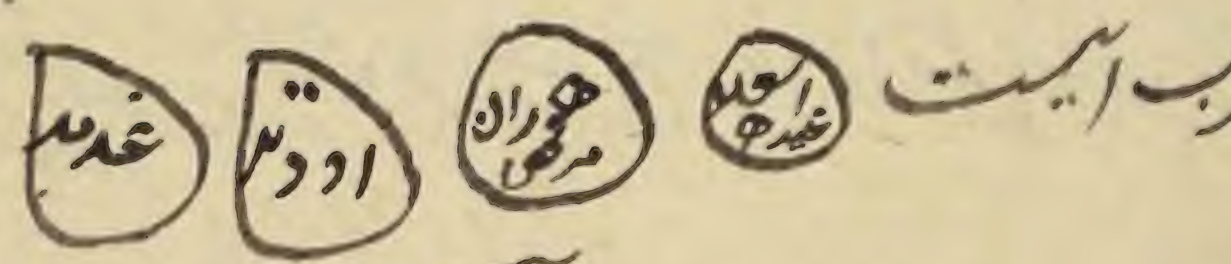
دنام محبوب خود بر هفت پارچه نان کنید م این هفت

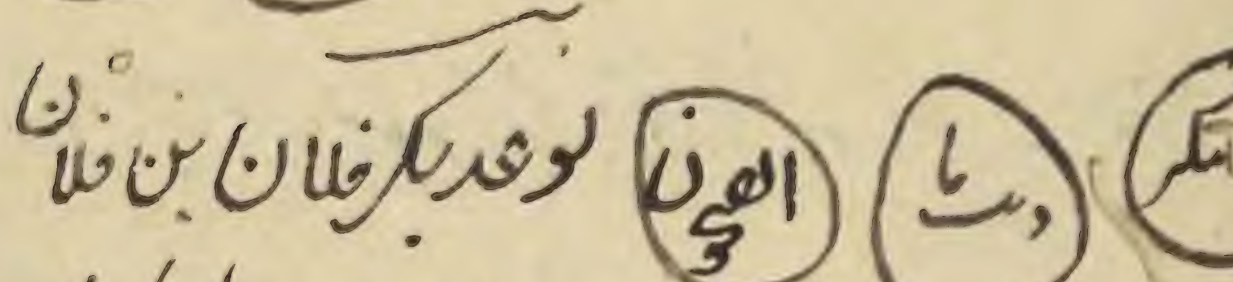
اسم را نوشته سگ سرینه را بخوراند واگر زن محبوب باشد

سگ مادینه را بخوراند تا که سگ مرده نشود محبت نرود

392

ومجرب است





نوعد بکر فلان بن فلان

علا بغض فلان بن فلان این طلسم را بنویسید بر کاغذ

وبخوراند درمیان دو کس عداوت کینه بخواهد اگر

زن باشد طلاق اگر کنیزک باشد بفروشد است

لامع الاوداعی حاص سوم ۳

نسخه آتشک قرفل مرچ سیاه رسکپور
۵ ماشه ۵ ماشه ۵ ماشه

زیره سفید برگ تنبول این همه ادویه ها را

۱۵ ماشه ۲۵ عدد

کوفته برگ تنبول را حل نموده شش گولی به بندد در ملائی

بخورد اگر ملائی نباشد در جغرات بوقت صبح بخورد

نوعدیگر برای سوزاک بهون پهلی را گرفته در

آب بیندازد بوقت صبح این را آش نموده قدری

شکر یا نباسه بیندازد و بخورد سوزاک مطلق نماند

نوعدیگر ادویه لذت بیارد خون خروس سفید یعنی

مرغ همراه شهد بجوشاند بر قضیب طلا نماید چنان لذت

شود که هر دو بیهوش شوند نوعدیگر نسخه قوة باه و

اسباک اخیون مصری چند بیدستر دارچینی قلمی

۵ تولہ ۱۲ ماشه ۱۲ ماشه

سالب مصری گل بابونه زعفران میتکا روی

۱۲ ماشه ۱۲ ماشه یک تولہ ۱۲ ماشه

فلفل

خلفل ۱۲ ماشه | زنجبیل بی ریشه ۱۲ ماشه | دانه فلفل ۱۲ ماشه | کندر ۱۲ ماشه | چند دار

هندی این همه ادویه را کوفته بیخته بعرق کیوڑا نم داده

توله

کولی هائی بقدر کنار خنکا بسته ورق نقره بچیده نگاه دارد

از یک حب تا دو حب صباح بخورد نوعدیگر نسخه ذیل

اساک وقوة باه ازموده است نوشته از بیاض حکیم جواهر

۳ ماشه

اسبند ۵ ماشه | بیج بند ۷ ماشه | اول جواهر را سائیده نگاه دارد

دیگر ادویه کوفته وبیخته سرمه ساز نموده دریارچه دریائی

پیختن نموده مقوی جواهر مذکور در شهد خالص انداخته

بموجب یکین که کولی بندد برابر بخود کسری زیاده کولی

بسته نگاه دارد و بیش از جماع چهار گهڑی کولی بخورد

بعد جماع کند بدیر حاصل شود و قوة بماند نسخه دیگر ذیل

بیدانمودن منی نیست ثعالب مصری مثقال میرزا

۶ ماشه انوله

بورید ان بهمن سرخ تودری زرد تخم هلیون

۶ ماشه ۶ ماشه ۶ ماشه ۶ ماشه

بنات هم سا کوفته بیخته صفوف نصف خوراک نیم ماشه

۳ نوته

با شیر بیش یا شیر بز را چاری یک شیر کاو هر قدر که خرم شود

وقت صبح بخورد از تریاک و بادی پرهیز نماید نوعدیگر

نسخه قوه باه زردی بیضه مرغ عرق بابونیم پاو

۵ عدد

عرق ادرک کنجد سفید موسیاه

نیم پاو نیم پاو نیم پاو

اسکند ناگوری قدری جوز و جوتری ذوالچینی بنکر

نیم پاو

نیم اسفار قوام نموده ادویه بار انحلوت کرده

معجون سازد قدر دو تولہ وقت نهار همراه شیر یا ده

ببب

کاو بخورد نسخه جهت خشک نمودن اب فرج عورت

394

دخیک و تنیکا معجو کلی انار بهشکی لهجون

۳۰ ۲۰ ۰۱۲ ۲۰

شرکجور پوست اندرجو پارچه باریک این همه ادویه

۰۱۲ کار

جوکوب نموده درمیان سه انار آب جوش نماید وقتی

که نیم ار آب باقی ماند از آتش فرود آرد سرد کرده

پارچه مذکور سه در او رنگ سازند اندازه که ماند با

جوش کنند و سرد نماید پارچه را باز رنگ نماید غرض

تا آب باقی ماند همین طور جوش داده سرد کرده پارچه را

رنگ سازد وقتی که آب آخر شود پارچه را خشک کرده

نگاه دارد چهار انگشت آن را گرفته درمیان فرج

نهد بعد دو گهری از فرج بیرون آورده مجامعت نماید

خوب خوش خواهد شد اگر زن حجاب کند تا از پارچه چهار انگشت

ذکر را دخول کرده باز کند از پارچه مذکور صاف کرده

در مجامعت کرم باشد بسیار خوش شود نوعدیگر کتیرا پیدن

بصورت کافور جوداینه چوب هر دور ا سائیده در

۳ درم ۶ درم

شیر شتر حل کند که سرمه شود انوقت کار دو کهڑی میثتر

بر صفحه سوراخ قضیب طلا کند بعد مشغول شود زن

انزال کند نوعدیگر برای سیلابی منی سونٹھ

۲ درم

مصری هر دو را یکجا کرده مقدار بادام بخورد دو

۲ درم

برنج ساٹھی بی نمک خورده باشد دفع شود نوعدیگر

تخم مرندا این سائیده از آب برذکر طلا کند واز

دست و پائی خود بمالد امساک خوب شود نوعدیگر

پهل بهٹ کٹای در پارچه صفت کرده و آب او وعرق او

کرده

تمکی خفته او را بر برگ پان طلا کرده بهمزد دگر بخیانند

تا هفته دگر دراز کرده و سخت شود نوعدیگر بشیم اپ

آورده زیر ران زن ده دگند بچه مرده از شکم

عورت بیرون آید نوعدیگر اگر بکعدد ماجو سائیده

بزن بدهد و بخوراند بچه مرده از شکم بیرون آید مجرب

است نوعدیگر کوهرو بکوبد هر دو را سائیده بر قضیب

طلا کند تا هفته سخت شود و بطبر کهه مجرب است

نوعدیگر علاج ناسور بیارد موئی عورت او را بیابد

مانند سرمه اندیکی آب انداخته و سائیده بر

ناسور نهد بکرم الهی رحمت شود نوعدیگر برای شکم

جاریکه هیچ نوع بند نشود این دوا بخورد صحت یابد

سونف بریان سونٹھ بریان یوست

یک درم یک درم

یک درم همه را سائیده بخورد شکم روان

یک درم

بند شود مجرب است نوعدیگر برای قوت

باه و امساک بیربهوتی جوز بویه هر دو

ادرم دگر ۱ درم

را با مشک حل کرده بر بن طلا کند سختی و

امساک آرد نسخه دیگر انتفخ طوطیا

توله

شربت با ریک طوطیا کرده شربت کند از کرده

یکنیم توله

قدری قدری مخلوط کهابرد اردیک ریتا بخورد

نوعدیگر دهموفی اشک شنگرف عقرقرحا

۲ توله ۲ توله

طوطیا خام هلیله زنگ اندرجو مایکن خوزدکان

۶ ماشه ۶ ماشه ۶ ماشه

جهائل سیخ کنکهیا باریک نموده وزن کرده مخلوط ساخته

۶ ماشه

